و، ل، ارتیوموف ـ گ، س، پیکوف
ب، گ، چرکاسوف ـ و، اک، عثمانوف

اساسات روزنامه نگاری

ترجمه از روسی:
ابراهیم عثمان
برگردان به دری:
پوهیالی محمد داؤد جنبش

انتشارات پوهنتون کابل ۱۳۶۱

مؤلفین :
و، ل، ارتیوموف - گ، س، پیسکوف
ب، ک، چرکاسوف و ا، ک، عثمانوف

اساسات روزنامه نگاری

ترجمه از روسی:
ابراهیم عثمان

برگردان به دری :
پوهیالی محمد داود جنبش
دیپارتمنت ژورنالیزم
پوهنځی علوم اجتماعی
پوهنتون کابل

قوس ۱۳۶۱

تقریظ :

دولت انقلابی ما در نظر دارد به مقصد خدمت بیشتر و بهتر به مردم ،ژورنالیزم مترقی را جانشین روزنامه نگاری بورژوازی سازد . زیرا ژورنالیزم مترقی تمام حقایق وواقعیتهای زنده گی جهان و نهضتهای کارگری را در ارتباط باتیوری مترقی و پیشرو و زمینه‌های فهم بهتر مردم بر ماحول شان فراهم می سازد و برخلاف در ژورنالیزم بورژوازی دروغ پراگنیها و گزاف گویی بیش از حد بوده و بدین شیوه گفتهٔ گوبلزراکه : « دروغ هر چند بزرگتر باشد به همان اندازه قابل باور میباشد» به کرسی می نشاند .

نشر این کتاب نیازمبرم ژورنالیستان مترقی را در مورد تیوری و پـرکتیک روزنامه نگاری بر آورده می سازد . این اثر نـه تنها بحیث کتاب ممد درسی در داخل دیپار تمنت ژورنالیزم مورد استفادهٔ اعظمی قرارمیگیرد بلکه به همهٔ کسانیکه همین اکنون در جراید ومجلات کشور کار می کنند و نیازی به فراگیری دانش ژورنالیزم مترقی دارند ، قابل استفادهٔ عملی میباشد .

در بیانیهٔ اساسی دومین پلینوم اتحادیهٔ ژورنالیستان جمهوری دموکراتیک افغانستان به ضرورت تربیهٔ کادرهای جوان جراید ومجلات افغانستان اشاره شده است.نشر این کتاب در واقعیت امر در بر آورده سازی اهداف این بیانیه هم کمک بیشتر خواهد نمود .

من زحمات داکتر ابراهیم عثمان راکه‌در ترجمه و تالیف این اثر وچندین اثر دیگر ژورنالیزم مترقی همت گماشته به نظر قدر نگریسته و از تلاشهاوزحمات پوهیالی محمد داود جنبش در برگرداندن آن به زبان دری ، اظهار قدر دانی می نمایم و چاپ هرچه زودتر این کتاب با ارزش ومفید را پیشنهاد مینمایم .

پوهنیار عنایت‌رشید

آمر دیپارتمنت ژورنالیزم ورئیس پوهنځی علوم اجتماعی

تقریظ:

خبر و خبر نگاری بحیث یکی از پدیده های خیلی ارزنده و مهمی در امر تبلیغ ، ترویج و سازماندهی جهات مختلف زنده گی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان امروز جایگاه و مقام خاصی را احراز کرده است. فهم و دانستن زوایای مختلف این پدیده از مسایل مبرم و جدی روزگار ما انگاشته میشود. دانشمندان در هر گوشه و کنار جهان کتب و آثاری درین ساحه به رشتهٔ تحریر کشیده، دساتیر و اساسات علمی را بنیان گزاری می نمایند تا در پر تو آن خبر نگاران و نویسنده ـ گان راهها و طرق اساسی را در پیشبرد امور روزانه اتخاذ نمایند و از لغزشها و مشکلات عاید در برابر شان، احتراز کنند.

کمال خوشی و مسرت داریم که ترجمه و تحریر آثار در رشته خبر نگاری اخیراً در کشور عزیز ما نیز راه خودرا باز کرده ، دانشمندان و جوانان ما کمر همت بر بسته و سعی میورزند تا جسته جسته اثرهای مفید و ارزشمندی را تألیف و یا ترجمه نمایند. یکی ازین آثار به همت داکتر ابراهیم عثمان استاد مهمان در دیپار تمنت ژورنالزم پوهنځی علوم اجتماعی و همراهانش به نام « اساسات روز نامه نگاری » تالیف شده و توسط پوهیالی محمد داؤد جنبش به دری بر گردانیده شده است.

این اثر مسایل خیلی مهم و اساسی خبر نگاری را با مثالهای محلی احتوا کرده است. بطور عموم نقش روز نامه در پروسه ترویج حزبی، شامل ارتباط روز نامه با حزب و طرز گوناگون طبع روز نامه ها و جراید؛ امور اداری روزنامه چون طرز ساختمان ادارهٔ یک روز نامه؛ فعالیتهای ایجادی روزنامه نگار ، شامل بهتر سازی نوشته های ژورنالستیکی، جستجو و دریافت منابع قابل اعتماد اطلاعی، معرفی چند ژانر معمول خبر نگاری چون مصاحبه، راپور تاژ، مقاله و غیره، تصحیح و تدوین (ادیت) مطالب روز نامه ها و جراید، نقشهٔ صفحه و صحافت روزنامه ها و جراید، از مطالب عمدهٔ این اثر میباشند.

بدون شک فهم مطالب متذکره برای آنانیکه در امور خبر و خبر نگاری اشتغال دارند از ضروریات جدی تلقی میگردد. مطالب مذکور به زبان خیلی سلیس و روان و بدون تعقید لفظی و معنوی درین اثر ترتیب و تدوین گردیده است. مؤلفان اثر، تمام مسایل و شرایطی راکه ایجاب می نماید درین اثر مراعات نموده و اثر بس مفید و سودمندی را در زمینه بوجود آورده اند. من یقین دارم که نشر این اثر نخست ازهمه به محصلان ژورنالیزم، چه در پوهنځی علوم اجتماعی و چه در انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، توفیق می بخشد تاراهها و طرق جمع آوری و تدوین خبر، تصحیح و تدوین، اداره روزنامه و سایر مطالب را به نحو شایسته بیاموزند. همچنان بانشر این اثر میشود به آنانی هم خدمت کرد که عملاً در کار خبر نگاری در وسایل مختلف ارتباط همه گانی کشور مصروف کار اند. من بحیث شخصی که سالها بصورت عملی و نظری مصروف کار های خبر نگاری میباشم، طبع و نشر اساسات روزنامه نگاری را گام خیلی مفید و ارزشمند دانسته و یقین کامل دارم که پوهنتون کابل بانشر آن خدمت بزرگی را در راه توسعه و انکشاف دانش درین رشته انجام میدهد.

پوهنمل محمد کاظم آهنگ

استاد دیپارتمنت ژورنالزم

تقریظ :

«اساسات روزنامه نگاری» اثری است علمی و مفید که از طرف دانشمندان توانای علوم ارتباطات همه گانی اتحادشوروی تالیف گردیده و طرف استفاده سازمانهای علمی و حلقه های اکادیمیك اتحاد شوروی قرار دارد . خوشبختانه زمینه استفاده از ین اثر ارزنده برای دانشمندان، دانش پژوهان و علاقه مندان افغانی هم میسر گردیده است. دوکتور ابراهیم عثمان، استاد ژورنالزم در پوهنتون دوشنبه و استادمهمان در دیپارتمنت ژورنالزم پوهنځی علوم اجتماعی که خود یکی از مؤلفان این اثـر بوده ترجمهٔ آنرا زیر کار گرفت و ابابرگردانی آنرا از تاجیکی به دری ، پوهیالی محمد داؤدجنبش استاددیپارتمنت مذکور به اتمام رسانید. استاد ابراهیم در تنظیم اساسات روزنامه نگاری از نهایت دقت وتوجه کار گرفته وطوریکه ملاحظه میشود اثر مذکور باکمال امانت داری به زبان دری برگردانیده شده است .

با تطبیق متن دری آن با اصل متن روسی واضح گردید که مترجم علاوه بر آنکه امانت داری ترجـه را عمیقا درنظر گرفته است با ارایـهٔ امثلـه ومطابقت دادن قسمتهای مختلف آن مطابق نیاز افغانستان، درغنای معنوی ودر امر فهمایی متن آن خدمت بزرگی را انجام داده است .من در حالیکه ترجمه و بر گردانی اساسات روزنامه نگاری را به زبان دری یك کار مفید و ارزشمند میدانم یقین کامل دارم که طبع و نشر آن عطش دانش پژوهان ومحصلان و دانشمندان آن رشته را که متاسفانه تاکنون آثار اندکی در آن داریم فرو می نشاند. امیدوارم هرچه زودتر به طبع آن اقدام گردد .

پیروز باشید

پوهنمل دوکتور میرعبدالقادر ابهر

آمر دیپارتمنت زبان و ادبیات روسی

پوهنځی زبان وادبیات

پیشگفتار

کتاب «اساسات روزنامه‌نگاری» ، که‌برای نخستین بار به زبان دری ترجمه و نشر میگردد، در برگیرندهٔ موضوعات مهمی است که روزنامه نگاران حرفوی باانکا به‌آن فعالیتهای خود را تنظیم می نمایند .

از نخستین روزهای تاسیس شعبهٔ ژورنالیزم درپوهنتون کابل مضامین مختلفی از قبیل ادیتنگ خبرنگاری ، اساسات ارتباطات وامثال آن ، که هر کدام نمایانگر بخشی ازحرفهٔ آیندهٔ محصلان میباشد، تدریس شده‌است . با تاسف باید گفت که‌تاهمین اواخر نه‌در زبـان پښتو و نـه دری به استثنای یکی‌دو کتاب و نوتهای درسی کتابی تألیف ، ترجمه و نشر نه گردیده که‌در زمینهٔ فراگیری بهتر مطالب متذکره به‌محصلان یاری نماید . ازینرو ترجمه‌ونشر این کتاب رامیتوان به‌حیث یکی از اولین گامها در زمینه به‌حساب آورد .

باآنکه «اساسات روزنامه‌نگاری» در زبان روسی تالیف و در اتحاد شوروی طبع گردیده مطالب متن آن تنها به کشورشوراها منحصر نه‌مانده، بل‌بخاطر آنکه مثالهای تحلیل شدهٔ آن از ممالک مختلف برگزیده شده ، بازگویندهٔ فعالیت های‌روز نامه نگاران کشور های گونه گون

منجمله کشورهای آسیایی ، اروپایی وممالك عربی زبان میباشد . محصلان با فرا گیری مطالب این کتاب میتوانند بهترین شیوه های روزنامه نگاری را ، در فعالیتهای خود، به کار برند . در پهلوی آن هر مطلب شامل این اثر بادر نظر داشت وضع موجودۀ افغانستان ،شرایط قبل و بعد از انقلاب این کشور تعدیل وتکمیل گردیده است .

نا گفته نماند که اکثریت موضوعات شامل این کتاب ازجملۀ مسایلی اند، که هر خبرنگار تحت هر گونه شرایط ، بهفراگیری آن ناگزیر میباشد. شناخت انواع گونه گون روزنامه ها،طرق طبع و نشر وامور اداری آن، وظایف کارمندان روزنامهها وتشخیص ایجابات حرفوی روزنامه‌ـ نگاری ، کهرعایت آن حتمی است ، ازعمده ترین مطالب این کتاب بهشمار میروند .

بخش های مختلف اساسات روزنامه نگاری ، کهمسایل متذکره را احتوا می نماید ، بحیث کتاب درسی درد و کورس صنف اول ژورنالیزم یعنی مبادی و اساسات روزنامه نگاری و تیوری و پراتیك مطبوعات مورد استفاده قرار خواهد گرفت .

فهم و فراگیری انواع مختلف ژانر های وسایل ارتباط همه گانی از ایجابات اساسی رشتۀ ژورنالیزم میباشد . بناء دانستن خصلت هر ژانر یعنی مطالب گوناگون مطبوعات (از نگاه شکل و متن) و کاربرد درست آنها اساسی ترین هدف تدریس در رشتۀ ژورنالیزم میباشد . دراین کتاب یك تعداد از ژانر هایی شامل ساخته شده که درتمام روز نامه ها و جراید جهان ، منجمله افغانستان ، بـه کثرت دیده میشوند ولی باکمال تأسف مطبوعات افغانستان تا کنون نه توانسته است این ژانر ها را طور مطلوب به کار برد .

گفتۀ معروفی است کهروزنامهزبان ملت است . لذا باید آنرا طوری به کاربرد تادر برآورده ساری آروز های ملت کمك بتواند . خوشبختانه فصل های مربوط به ژانرها و ادیتنگ حاوی مسایلی درارتباط با فصاحت کلام ، شیوه های بیان ، کاربرد فنون ادبی درنوشته های مطبوعاتی نقطه گذاری و امثال آن میباشد که هدف متذکره را نیکوتر برآورده میسازد .

این کتاب همچنان بحیث یك اثر ممد درسی درسایر صنوف ژورنالیزم ، منجملـه مضمون صحافت که درآن شیوه های بهتر سازی و آرایش مطالب جراید فرا گرفته میشود ،هم کمك خواهد کرد . این موضوع از اساسی ترین بخش فن ژورنالیزم است که روزنامه نگار آینده را باشیوه های برجسته سازی ، صحافت و آرایش جالب مطالب آشنا میسازد .

کتاب اساسات روز نامه نگاری غالباً محصول سالها تجربه و کار عملی مؤلفان است که ضمن فعالیت های روزانۀ شان درزمینۀ خبرنگاری اندوخته اند وجسته جسته نظریات دانشمندان

بزرگ را که در پاورقی ذکری از آنها به عمل آمده ، برای تقویت واثبات فکرخویش ارائه نموده اند

چون این اثر یکی از نخستین نمونه های کتب درسی و ممددرسی در دیپارتمنت ژورنالیزم میباشد ، ازینرو نمیتواند دربرگیرندهٔ تمام موضوعات این رشته باشد . ولی مؤلفان اطمینان دارند که این گام بمثابهٔ رهگشای دانش پژوهان جوان و شریف افغانستان ، آنها را به تحلیل وتحقیق مزید در زمینه واداشته و باعث ایجاد و ترتیب آثار کاملتر دیگری پیرامون اینگونه مطالب خواهد شد .

ضمناً ما معتقدیم که کتاب « اساسات روزنامه نگاری » نه تنها بحیث کتاب درسی و ممددرسی در رشتهٔ ژورنالیزم پوهنځی علوم اجتماعی پوهنتون کابل و انستیتوت علوم اجتماعی کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مورد استفاده قرار خواهدگرفت ، بلکه همچنان سایر علاقمندان روز نامه نگاری هم ازآن سود خواهند برد . در اخیر از همکار گرامی خود ، برگردانندهٔ این اثر به دری ، خرسندیم که با تهیه و ترتیب فهرست اعلام (*Index*) کتاب را ، بیش از پیش کاملتر نموده است .

نکاتی چند از برگردان

بدون شك هرگونه تحقیق و بررسی درزمینهٔ روزنامه نگاری به مطالعهٔ ایجاد و گسترش خط و کتابت وحتی پیشتر از آن باانواع گونه گون ارتباطات میانفردی انسانها میانجامد . محققان را عقیده بر آنست که انسانهای اولیه ، قبل از اقدام به افزار سازی و بالنتیجه تاسیس یك سیستم منظم افهام وتفهیم ، بااستفاده ازشیوه های مختلف ،چون ژستها واشارات دست، پا، سر و چشم ارتباط باهمی برقرار نموده اند .

باانکشاف جوامع واشتغال افراد آن به کار های مختلف تولیدی ، ضرورت انتقال پیامها از محلی به محل دیگر بوجود آمد . چنانچه میدانیم این امر از دشوارترین کار در جوامع ابتدایی بود . برای انتقال پیامها گاهی یکی از افراد دهکده پیام مورد نظر را با صدای بلند در دهکدهٔ مربوط خود و بعداً درقریه های مجاور می رساند . واین عمل تا وقتی ادامه می یافت که پیام به تمام مردم مورد نظر میرسید . این وضع درواقع یکی ازابتدایی ترین وسایل گسترش پیامها ، به افراد گونه گون ، درمدت نسبتاً کوتاهتر به حساب میآمد .

انسان مبتکر بعدها با استفاده ازاشپلاق ، سرنا،نی ودهل، که‌به‌اختراع آنها توفیق یافته‌بود پروسهٔ ارتباط ابتدایی میانگروهی راتااندازه بی سهلتر نمود . درعین‌زمان دودوآتش نیزازشیوه های اطلاعدهی در روزهای صاف وبی‌ابر بشمار میرفت . ولی‌با تمام‌این امکانات ، انسان در انتقال پیامش کمبود جدی احساس میکرد . طبقات حاکم آرزو داشتند پیامشان درمدت کوتاهتر وبه‌وجه بهتر به رعایا وزیردستان شان انتقال یابد؛ طبقات‌حاکم می‌خواستند گفته‌های‌شان ثبت‌شده وبه آینده باقی بماند . اماشیوه های موجود برای‌تحقق این‌آرمان غیر کافی بود . اختراع خط درهزارهٔ سوم‌قبل المیلاد ، گام مهمی در برآورده سازی این‌آرمان بود .

مطابق اسناد تاریخی ، نخستین خطدر جهان که‌به‌نام «میخی» یاد میشود ، چندقرن پیش از سه هزار ق . م توسط سومریهادر بین النهرین بمیان آمد . این خط همراه با زبان سومریها میان تمام ملل شرقمیانه ترویج شد . نوع دیگر خط که ازاصلاح و انکشاف خط‌میخی به دست آمد هیروغلیف مصری بود که ازتصاویر کوچك و عجیبی تشکیل گردیده و دو هزار سال پیش از میلاد ،یونانیها آنرابه‌این نام یاد کردند . کاوشهای باستانشناسی نشاندهندهٔ ترویج یك نوع خط در حدود (۱۵۰۰ ق . م) درچین نیزمیباشد . سومریها بالای‌گل ، مصریها روی استخوان وپاپیروس وچینی ها بالای تکهٔ ابریشمی ، بانگس وپوست درخت یا چوب می نوشتند کاغذ در (۱۰۵ ق . م) اختراع گردید .

باآنکه اختراع و کاربرد خط ، برغنای فرهنگی جوامع بشری افزود و سبب ثبت اسناد ومدارك شد ، ولی به علت محدود بودن سواد وانحصارآن درحلقه های حاکم جامعه ، خط نه توانست انسان را در برقراری ارتباط با همی ، طور شاید و باید یاری دهد .

انکشاف طباعت ومخصوصاً اختراع‌حروف‌طباعتی دگر گونی عظیمی را در زنده گی بشر پدید آورد . باید تذکر داد که مقارن ایجاد وانتشارطباعت درجامعه ، دولت های آنروزگار تبلیغ را بمثابهٔ عامل گسترش دهندهٔ نفوذ معنوی ومادی خویش می شناختند و طباعت زمینهٔ انکشاف بیشتر آنرا فراهم آورد . گزارتبلیغ از مرحلهٔ شفاهی یا نسخه های دست نویس به شیوهٔ مطبوع ، مرحله آغاز ژورنالیزم و ارتباط وسیعتروبهترمیانگروهی را بنیان گذاشت .

طی بیش از یك ونیم قرنی‌که ازانکشاف حروف فلزی توسط گوتنبرگ آلمانی‌میگذشت اولین روزنامهٔ مطبوع جهان پدیدآمد . این روزنامه درسال (۱۶۰۹ ع) تحت عنوان « اویسا ریلیشن‌اودیرخایتوگ » درآلمان نشرگردید . متعاقباً جریده‌یی در انگلستان ، سپس در فرانسه و بعداً درسایر کشور های متمدن آنروز گار پدیدآمد وانکشاف کرد . ژورنالیزم * به مفهوم

(*) از کلمهٔ ژورنال *journal* فرانسوی، به معنی‌روزنامه‌ماخوذاست .

محدود کلمه ، از همینجا آغاز می‌یابد و بعد از پیچ وخم های زیادی ، در اواخر قرن نزده واوایل قرن بیست ، بااختراع وسایل‌الکترونیك ارتباط همه‌گانی ، درپروسهٔ ارتباط میانگروهی وهمه‌گانی انقلابی به وقوع پیوست .

آنچه گفته آمد باز گویندهٔ انکشاف روزنامه نگاری میباشد ، که در گذشته تحت عنوان « اساسات ژورنالیزم » یا « مبادی روزنامه‌نگاری » دردیپارتمنت‌ژورنالیزم پوهنځی علوم‌اجتماعی تدریس میگردید . کتاب « اساسات روزنامه‌نگاری » عمده ترین‌مطالب فنی‌وایجادی این‌کورس را دربرمیگیرد .

آیا این اساسها از چه قبیل‌اند ؟ برای پاسخ به این سوال‌بایداندکی درفن روزنامه نگاری ومخصوصاً خبرنگاری مترقی تعمق کرد .

آنچه عصر حاضر ـ عصر گذاراز سرمایداری به سوسیالیزم ـ از یك روز نامه‌نگار متعهد می‌خواهد ، مراعات جدی اصل حزبیت ووفاداری به‌آیدیولوژی دورانساز طبقهٔ کارگر است . ژورنالست مکلف است در رابطه با حزب وتحت رهبری آن به کار روزمرهٔ خویش‌بپرد ازد و حتی در دشوارترین شرایط آنرا دنبال نماید .

بدون شك ، روزنامه‌نگار تنهابا داشتن حس عمیق کنجاوی ، بررسی درست موضوعات وانتخاب‌معتمدترین منابع‌اطلاعدهی، به مؤفقیت دست یافته میتواند . نویسنده‌گان این کتاب ، فصل سوم خویشرا پیرامون‌طرق بهترسازی، ضرورت گزینش‌منابع مؤثق ، دنبال نمودن دقیق رویداد ها وامثال آن وقف نموده‌اند .

از آنجائیکه در مطبوعات امروزی افغانستان ، مانند هر کشور دارای شرایط‌مشابه‌اجتماعی اقتصادی ،تعداد محدودی‌ازژانرهای وسایل‌ارتباط‌همه‌گانی‌مانند خبر،مصاحبه ،راپورتاژومقاله‌بیشتر مورد استفاده قرارمیگیرند،فصل‌چهارم« اساسات‌روزنامه‌نگاری»ازلحاظ‌معرفی این‌ژانرها،باذکر مثالها برای ساحا ز اهمیت فراوان است . قابل یاد دهانی است که به همت مترجم این کتاب و دوتن از استادان دیپارتمنت ژورنالیزم چندی قبل کتابی تحت عنوان « ژانرهای‌وسایل ارتباط همه‌گانی » ، که‌در برگیرندهٔ تمام انواع ژانرها ازخبرومصاحبه گرفته تاالقمه ، پرود یه وفلیتان میباشد ، طبع گردید . این کتاب در ذات خود بهترین دستآورد دیپاتمنت ژورنالیزم پوهنځی‌علوم اجتماعی میباشد ولی خواننده‌گان ، غالباً خلای عمده در تالیف آن کتاب راعدم موجودیت مثالهای لازم برای‌توضیح هر ژانر می دانند . « اساسات روزنامه نگاری » با ارتباط به‌عده‌یی از ژانرهای‌خیلی معمول در مطبوعات ، تااندازه‌یی این خلاراپرنموده‌است .

آخرین قسمت های کتاب که مشتمل برادیتنگ و صحافت روزنامه میباشد ، بیشترجنبهٔ فنی وتخنیکی داشته ، بخش نویسنده گی وایجادی را با بخش تخنیکی پیوند میدهد . درهمین بخش است که یك محصل ژورنالیزم با اساسی ترین اصول تصحیح وتدوین مطالب وطرق طرح ریزی نقشهٔ صفحات وصحافت روزنامه آشنامیشود .

« اساسات روزنامه نگاری » خبرنگار رادرهمان آغاز بادوجنبهٔ مختلف کار یعنی موضوعات، ایجادی ووسایل تخنیکی ، که ظاهراً با هم متفاوت مینمایندولی در واقع ارتباط ارگانیك بین شان موجوداست ، آشنا میسازد . این کتاب اززبان روسی ، به همت دوکتور ابراهیم عثمان، استادمهمان درديپارتمنت ژورنالیزم پوهنتون کابل بهزبانتاجیکیترجمه شده و توسط اینجانب بهدری بر گردانی و اصلاح گردیده است . همچنان برای شناخت بهتر اصطلاحات ، نامها وغیره ، توضیحاتی همراه با علامهٔ ستاره (*) در پاورقی گرفته شده که با خواننده گان گرامی در قسمت فهم ودرك آنها کمك زیاد مینماید .

ازآنجاییکه زباندری وتاجیکی ریشهٔ مشترك دارد وحتی گاهی آنهارا لهجههای مختلف یك زبان واحدمی نامند ، غالباً اینتصور پیش خواهدآمد که برگردانی از تاجیکی به دری و یا برعکس کارسهل بوده واکثربه رونویسی یادوباره نویسی شباهت دارد.ولی بهعقیدهٔمن باوجود تاریخ وریشهٔ مشترك زبان تاجیکی ودری، تحت تاثیر عوامل گونا گونی ؛ مانند دوری فاصله بیندوخلق دری زبان و تاجیك و اختلاف در رشد فرهنگی آنها و غیره ، تغییرات بزرگی در ساختمان گرامری وحتی طرز کاربرد کلمات پدیدآمده است .بناء در پهلوی آنکه دری سازی اصطلاحات و کار برد مناسب آنها کار زیادی را ایجاب مینمود ، انتخاب کلمات مترادف برای اصطلاحات روزنامهنگاری کهدر کشور شوراها و مخصوصاً در جمهوری تاجکستان آنکشور معمول است ، نیز آنقدر ساده نهبود است . البته این کار دشوار بهکمكاستادان رشتهٔژورنالیزم پوهنځی علوم اجتماعی وبهخصوص استاد گرامی محمد کاظم آهنگ که من از صمیم قلب سپاسگذار ایشانم ، مؤفقانه پایان یافت . ضمناً از محترم ظهور الدین افغان ، محصل صنف چهارم ژورنالیزم کهدرتهیهٔ شکلهای این کتاب همکاری نموده ، اظهار شکران مینمایم .

قابل تذکر است کهتعدادی ازمآخذاین کتاب ؛ مانند: کلیات مارکس ، انگلس ولنینچاپ روسی بوده ، سایر مآخذ بهزبان دری در کابل نشر گردیده است . البته این نکته در فهرست منابع ومآخذ تذکر یافته ، ازینرو ، به خاطر آسانی کار ، از درج این مطالب در پاورقی ها خود داری گردیده است

چون بر گردانی «اساسات روزنامه نگاری» به زبان دری نخستین گام در این راه میباشد بدون شک عاری ازاشتباهات وخطاها نه‌خواهد بود . به‌امیداینکه‌دیگرانهرچه‌استوارتروممصمم تردر این جاده قدم خواهند گذاشت ، آرزومندم خواننده گان گرامی همکاری خویشرا در تشخیص ورفع اشتباهات دریغ نه‌فرمایند تاباشد که‌درچاپ های آینده از بروز آن جلو گیری‌شود .

با احترام

داؤد جنبش

خبر خانه مینه ـ کابل

جدی ۱۳۶۰

فهرست مندرجات

فصل اول

روز نامه و حزب

تاثیر روز نامه بر افکار عامه :

روز نامه انقلابی قبل از همه مهمترین وسیله ترویج حزبی‌است ، از ینرو لینن نوشته‌است: «روز نامه اساسی ترین وسیله اشتراك طبقات گوناگون اجتماعی در حیات سیاسی کشور میباشد» . (۱) این روز نامه است که به وسیله آن یك حزب ویا شخص با افراد گوناگون ارتباط قایم نموده و تاثیر خود را همزمان وارد می‌نماید . ارتباط توسط روز نامه را به هیچ وسیله نمی‌توان جاگزین ارتباط خصوصی اعضا و مبلغین حزب دانست . درعین حال بخاطر باید داشت که اعضای حزب نیز احتیاج به رهنمائی ارگانهای مافوق حزبی دارند تا به کمك آنها در جریان رویداد های زنده گی قرار گیرند و از مهمترین فیصله‌های سیاسی باخبر شوند .

حزب بدون ایجاد وسایل ارتباط همه گانی تشکل نخواهد یافت چه همین وسایل ارتباطی اند که نفوذ ایدیولوژیك وسیاسی حزب را در بین اعضای حزب و طبقات

---

(۱) لنین . کلیات ، جلد ۱۸ ، ص ۱۷۵ .

مختلف جامعه تأمین میکنند . بدون وسایل ارتباط همه گانی نه تنها عقاید حزب به گونه سیستماتیك تبارز نخواهد کرد بلکه در عین حال قدرت انطباق تیوری مارکسیزم ـ لنینیزم را با وقایع روز مره اجتماعی و با لوسیله اگاهی خواننده گان را از اقدامات حزب نیز از دست خواهد داد . از همین جا ضرورت ایجاد وسایل ارتباط همه گانی برای حزب بخوبی درك میشود . انگلس نوشته است : « برای نفوذ در بین توده ها باید روز نامه یی را ایجاد کرد » . (۱)

بخاطر تربیه زحمتکشان و اعضأ حزب با روحیه سوسیالیزم علمی ، بخاطر تفهیم سیاست حزب به توده ها باید انها را بصورت دوامدار تحت تأثیر نگهداشت و بخش های مختلف تیوری علمی و جنبه های گوناگون سیاست حزب را به آنها توضیح کرد . بخاطر بر آورده ساختن این هدف حزب مجبور است سیستم منظم تبلیغ و ترویج را دربین مردم و انهم ذریعه وسایل ارتباط همه گانی پیاده کند . متأسفانه در اکثر کشور های بورژوازی کمونستهارا ازین امکانات محروم ساخته اند وصرف برسبیل تظاهر و به منظور صحه گذاری بر اصل دروغین « آزادی کلام » در نظام بورژوازی ، مثلا در انگلستان به انقلابیون امکان داده اند که در کنار سایر احزاب سیاسی وساز مانهای اجتماعی هفته یکبار در « هیدپارك » لندن به تشکیل میتنگ ها بپردازند . علاوتاً حلقه های حاکمه تعدادی از کشور های بورژوازی در جریان مبارزات قبل از انتخابات به کمونستها اجازه میدهند که روی بعضی مسایل از طریق رادیو وتلویزیون صحبت کنند ؛ فرض کنیم این نوع امکانات برای هر کاندید در تلویزیون ده دقیقه است، نماینده گان بورژوازی میتوانند نکات اساسی نظریات شانرا به بیننده گان عرضه کنند ، در حالیکه جزئیات آنرا بااستفاده از امکانات دست داشته خود صد ها وحتی هزارها مرتبه ضمن بیانات مختلف ، مقاله ها وغیره به مردم توضیح کرده وآنها را برای قبول آنچه در صحبت ده دقیقه یی تلویزیونی ابراز میکنند، آماده سازند . ازینرو کاندید بورژوازی درین زمینه موقف برتری دارد. برعکس ده دقیقه ییکه به کاندید کمونست اختصاص داده میشود برای ابراز تمام جنبه های فکری وی کفایت نمیکند چه وی درظرف یکسال یکبارو آنهم برای ده دقیقه روی صفحه تلویزیون ظاهر میشود ومعلوم است که درین مدت بسیار کوتاه وی قدرت انجام بحث پر محتوا را نخواهدداشت. این محدودیتها غالباً بجای نفع به کمونستها ضرر میرساند . ولی ازین گفته ها نباید چنین نتیجه گرفت که حزب انقلابی این فرصت ولو اندك را هم ازدست دهد .

---

(۱) کارل مارکس وفریدریك انگلس . کلیات،جلد ۳۹، ص۲۹۳.

نفوذ پی گیر در بین توده ها اساسی ترین وظیفه یك حزب کمونست است . تنها از یـن طریق‌میتوان حقایق را ، آنطور یکه هست و برخلاف پروپاگند دستگاه های بورژوازی ، به زحمتکشان انتقال داد . بدون نفوذ دربین مردم ، ایستاده گی درمقابل بورژوازی ، کاستن‌تاثیر پروپاگند دشمن وایجاد جنبش های واقعی ناممکن میباشد .روی این اصل لینن نوشته است که روز نامه عامل اساسی سهمگیری در حیات سیاسی یك کشور میبا شد .

درعصر کنونی وسایل گوناگون نفوذ بر مردم موجود است که از طریق هر کدام میتوان اهداف تبلیغی خود را بر اورده ساخت.این وسایل عبارتند از : رادیو ، تلویزیون ، مطبوعات فلم ، ریکارد و وسایل بصری تبلیغ و ترویج . هر یکی از یـن وسایل خصوصیات مشخص ، درجه تاثیر معین ومزیت‌های نسبی مختص به‌خودرادارااند. درجوامع بورژوازی ، که‌این وسایل در انحصار مطلق طبقات حاکم قرار دارند و تاسیس ستیشنهای رادیو و تلویزیون و دستگاه های۔ تهیه فلم به سرمایه زیاد ضرورت دارند ، خلاهایی‌در آنها مشاهده میگردد .

احزاب کمونست کشور های بورژوازی تنها از بعضی وسایل ارتباط همـه گانی همچون مطبوعات (کتاب ، روزنامه ، مجله و ورقهای مختلف طباعتی) ، ریکارد ها (گـراما فون و تیپ ریکاردر) وبالاخره شعارهائیکه در جاهای‌مزدحم‌شهرنصب میشوند ، استفاده بعـل میآورند. در میان آنها نیز روز نامه ها واوراق تبلیغاتی بیشتر مورد توجه است چه اکثر احزاب کمو نست فاقد امکانات لازم برای چاپ کتاب ، رساله ، مجله وغیره میباشند .

اوراق طبع شده از معمول ترین وسایل تبلیغ حزبی‌محسوب میشوند . بعضی ازین اوراق بادست تهیه میگردند و درصورت عدم موجودیت رادیو و تلویزیون با صرف پول و وقت کم خدمت بزرگی را انجام میدهند . ورقه های مطبوع را به ساده گی میتوان نگهداشت و انتقال داد . با تمام این خصوصیات،وظایف ورقه ها تنها در تبلیغ خلاصه میشود و چون معمولاً به مناسبتی تهیه میگردند شکل تبلیغ آن نیز سیستماتیك و دوامدار نیست . پروپاگند وسیع وهمه جانبه به وسیله ورقه ها تا ممکن است چه ظرفیت‌آن‌کم و امکان استفاده ازمطالب مفصل‌تحلیلی درآن محدود تر است و هرگاه از مطالب گوناگون در آن استفاده شود ورقه ها به جریده تغییر شکل خواهند داد .

لینن تاکید میورزد : « شیوهٔ ترغیب با نشر ورقه های تبلیغی که تاکنون معمول بود در زمان فعلی کافی نمیباشد زیرا چارچوب آن محدود بوده و در مسا یل محلی و قبل از همـه اقتصادی‌خلاصه‌میشود. از اینرو ضروراست ترغیب راتوسط وسایل موثرتری ، از جمله جراید ،

سازمان‌دهیم . به‌وسیله جراید میتوان شکایت کارگران،عصیان‌ها،اعتصابات وسایر اشکال مبارزات آنها را انعکاس داده وتمام اشکال تجاوز سیاسی در روسیه را مجسم سازیم و بکمک تمام این حقایق راه‌نیل بهدف نهائی مان یعنی سوسیالیزم و انجام وظایف سیاسی‌پرولتاریای روس را کوتاهتر سازیم ».(۱)

آیا گفته های لنین بمعنی محدود ساختن وظایف روزنامه تنها در ساحه ترغیب (agitation) نیست ؟آیا وظیفهٔ ترویج (Propaganda)یا پخش‌ونشر تیوری‌مارکسیستی-لنینیستی بدوش سایر وسایل ارتباط همه گانی چون کتاب یامجله نمی با شد ؟ نه. برعکس به عقیده لنین روزنامه باید « تمام حقایق واقعی زنده گی و نهضت های کارگری را باتیوری سوسیالیزم پیوند دهد و ومسایل سیاسی را در روشنی وقایع اجتماعی ترسیم نماید. به عبارهٔ دیگر وظیفه جریده انعکاس تیوری حقایق است»(۲)

در روزنامه میتوان مطالب ناب تیوریکی ، انتقادی ، مقالات پیرامون‌سازمان دهی کارگران و غیره را نشر کرد و بکمک آنهازنده گی‌زحمتکشان را در خلال حقایق و ارقام مربوط به حیات اجتماعی آنها تصویر نمود.

یکی از مشخصات جراید و روزنامه ها آنست که منظماً نشر میشوند و رویداد های ملی‌و بین‌المللی،مسایل مربوط به جنبش های کارگری و کمونستی‌را طور مفصل ومکمل نشرمینمایند. مطالب روز نامه ها و جراید موردعلاقه اقشار و طبقات گوناگون اجتماعی قرار میگیرندو این امر به حزب امکان‌میدهد تا نظریات و شعار های خود را میان افراد گوناگون پخش کند. از آنجائیکه نشر روزنامه پیگیر و دوامدار است در آن میتوان عقاید حزب را همه روزه تبلیغ کرد و مردم را در جهت معینی‌سوق‌داد.روزنامه‌میتواند با در نظر داشت وضعیت دگرگون‌شونده و مضمون شرایط کنونی ، فعالیت های خود را تنظیم نماید.

احزاب انقلابی امروزه نسبت به احزاب مشابهی که در آغاز قرن ما فعالیت داشتند به روزنامه نیاز بیشتری دارند چه وسایل ارتباط همه‌گانی گوناگونیکه به احزاب‌وطبقات‌بورژوازی خدمت میکنند،کمونست ها را مجبور میسازد تا از امکانات دست داشتهٔ شان ، با استفاده از جراید انقلابی علیه ایدیالوژی بورژ وازی ، مبارزه کرده و بر نفوذ خود در بین توده هابیفزاید. علاوتاً تعمیم سواد در بین مردم و توجه آنها به خبر های ملی و بین‌المللی ، که از خصوصیات

(۱) لنین .کلیات، جلد ۵ ، ص ۲ ۰ ۳ .
(۲)همانجا.

قرن حاضر است ، ضرورت تا سیس روزنامه را جدی تـرساخته است. از آنجائیکه مـردم به روزنامه خوانی عادت کرده اند و آنرا معمول تـرین راه کسب اطلاع میدانند، بناء حتی بدون اعلان و تبلیغ هم هرنوع روزنامه و از جمله روز نامه های کار گـری مورد علاقه مردم قـرار میگیرند.

توجه باید داشت که روزنامه با وجود محدودیت های معینی نسبت به سایر وسایل ارتباط همه گانی مانند رادیو ،تلویزیون وفلم برتری هایی دارد چه روز نامه را میتوان بار ها ورقزد؛ مطالب مندرجه آنرا چندین بار ، وتاوقتیکه درست درك شوند، مرور کرد وحتی به نسل هـا ی آینده حفظ نمود . ازینرو روز نامه درمقایسه با رادیو وتلویزیون که تاثیر فوق‌العادهٔ روانی دارند نفوذ اید یو لوژیك را به بهترین وجه در بین مردم تأمین میکند وحزب سیاسی طبقهٔ کا رگر با استفاده از آن میتواند از تأثیر وسایل ارتباط همه گانی بورژوازی بکاهد .

نشر روز نامه یا جریده یی، به خصوص در شرایط غیر علنی ، نفوذ و اعتبار حزب رابـالا میبرد وبه مردم اطمینان می بخشد که انقلابیون در شرایط دشوار نیز فعالیت را ازدست نه‌میدهند. درین ضمن توجه به محتوای نشریه وچاپ آن در یك دوره کوتاه ارزش زیاد داشته وبا کـار نفوذ اید یو لوژیك کمك فراوان میکند .

در صورت امکان،چاپ همه روزهٔ یك نشریه بهتراست ولی طوریکه تجارب نشان میدهد تأسیس روز نامه پروسهٔ دوامدار وبغرنجی است که اکثر احزاب کارگری از عهدهٔ آن بر آمده نمیتوانند چه برای تأسیس اینگونه نشریه‌ها سرمایهٔ کافی ، خبرنگاران متجرب‌حرفوی واشخاصی که‌اصلاًمشغول امور تولیدی اند و کارروز نامه نگاری را به طورغیر حرفوی پیش‌میبرندضرورت ست .علاوتاً آماده گی برای پرداخت جریمه های سنگین ومقاومت در برابرپیگردهای پولیسی سیاسی واداری وجلب خوانندهٔ مخصوصاً خواننده چیز فهم ، دشـواری های مزیـدی در یـن زمینه میباشد .

انگلس توجه مردم به نشریهٔ انقلابی‌را اینگونه قابل افتخار میداند : «من از مؤفقیتی که روز نامهٔ سوسیالیست به دست آورده خیلی خرسندم . این‌امر ثابت می سازد که کارگران‌شما به خواندن‌علاقه میگیرندوخوش‌دارندعوض مطالب‌ولوله انگیزودارای خصلت‌پورنوگرافی* به مسایل جدی توجه کنند وشما حق دارید که بران مباهات کنید » (۱)

(*) مطالب مستهجن ومنافی اخلاق.

(۱) ك . مارکس و ف . انگلس . کلیات ، جلد ۳۸ ، ص ۲۱ .

تاریخ مطبوعات انقلابی روسیه مراحل مختلف رشد و شکل گیری نشریه های کارگری را ثبت نموده است . به طور مثال « پراودا » اولین روز نامهٔ سرتاسری کارگری است که از پنجم می ۱۹۱۲ تا کنون همه روزه نشر میشود . قبل از آن نشریه های انقلابی همچون « ایسکره » ، « راب‍وچی » ، « سوسیال دموکرات » و امثال آن گاهگاه و نامنظم چاپ میشدند . از جراید هفته وار ما قبل پراودا « زوزدا » ، « پرولتاری » و « وپ‍ریود » را میتوان نام برد . در واقع امر رهگشای روز نامهٔ « پراودا » همانا جریدهٔ « زوزدا » بوده است که در آغاز هفتهٔ یکبار ، بعدتر دوبار و در اخیر هفتهٔ سه بار نشرمیشد . بدون شك اینگونه مراحل رشد و تکامل مطبوعات انقلابی را در تاریخ نهضت انقلابی هر کشوری که فعالیت خود را به طور غیر علنی آغازنموده باشد، به روشنی میتوان مشاهده کرد .

کمال مطلوب یك حزب انقلابی در جریان مبارزات سیاسی،تأسیس و نشریك روز نامهٔهر-روزه ویا حد اقل نشریه‌یی است که نفوذحزب را در بین مردم گسترش بخشد . روی همین منظور انگلس به « لادهات » نوشته بود : « ایکاش صاحب نشریهٔ کوچکی می بودید که زنده‌گی حزبی تانرا انعکاس میداد . حتی احزاب بسیار کوچك کشور های دیگر نشریه های هر روزه دارند ولی شما صاحب هیچ وسیله‌یی نیستید که از موجودیت تان نماینده‌گی کندو باعث پیوند تان با سایر رفقا گردد . میدانید: یا برای شما یك روز نامهٔ هر روزه‌ضرور است یا هیچ .) (۱)

تأسیس ارگان حزبی گامی است به پیش در جهت افزودن تأثیر بر اعضای حزب‌و مردم. لذا حزب انقلابی مکلف است نه تنها ارگان مرکزی بلکه نشریه‌های محلی خویشرا نیزتأسیس نماید ، درینصورت حزب خواهد توانست در تمام عرصه های نبرد طبقاتی پیروزی را از آن خویش‌سازد وبه رهبر واقعی توده های زحمتکش مبدل گردد.

مشخصات‌روزنامه‌های«زیرزمینی» : در کشورهایی که احزاب کمونستی وکارگری‌هنوز رسمیت قانونی‌نه یافته اند،تأسیس‌ونشریك‌جریده‌حزبی‌ازخواسته‌های‌مبرم‌بشمار میرود . چه درین‌کشورها تمام وسایل ارتباط همه‌گانی درانحصار‌بورژوازی‌بوده وکمونست‌ها از امکانات ارتباط مستقیم با توده‌ها محروم ساخته شده اند درشرایط مخفی از یک طرف بنا بر عدم موجودیت روابط رویا روی با توده ها و سازمانهای مادون و از سوی دیگر به خاطر امکانات محدود تبلیغی و ترویجی ،که تجدید سازمان حزب درنتیجهٔ پیگرد های پولیس

---

(۱) ك . مارکس و ف . انگلس . کلیات ، جلد ۳۷ ، ص ۱۴۵ .

آنرا محدود تر میسازد ، حزب انقلابی در شرایط دشوار کار و پیکار قرار میگیرد . به خاطر زنده نگهداشتن شعلهٔ انقلاب و به منظور تأ مین وحدت بین سازمان های مختلف حزبی ازیکطرف و بین مردم و حزب از سوی دیگر ، ضرورت مبرم به یك نشریهٔ زیر زمینی (اگر موقوته هم نباشد) احساس میگردد . درغیر آن حزب امکانات و سیع نفوذ دربین توده ها را ازدست خواهد داد. ارگان زیر زمینی درکنار اجرای وظیفهٔ سنگین تبلیغی و ترویجی ، سازمانده ووحدت بخش اعضای حزب نیز میبا شد .

در شرایط غیر علنی نشریهٔحزبی عملاً یگانه وسیله‌یی‌است که سازمان های گونا گون حزبی را باهم پیوند میدهد و لذادر نشروتوزیع آن باید از دسته های منظم تأمین کنندهٔ ارتباط مردم با حزب و سازمانهای مرکزی با سازمانهای‌مادون استفاده به عمل آید . از بین نویسنده گان ، موزعین،مصححان و تدوین کننده گانی که در شرایط دشوار غیر علنی با روزنامهٔ حزبی همکاری مینمایند،کا در هاو در واقع انقلابیون‌حرفوی بیرون میآیند که بخاطر اندوخته های عملی ایشان کاروپیکار انقلابی بدون موجودیت آنها با مشکلا ت مواجه میگردد . این‌کادرها ،که میتوانند تجربهٔ کارعملی شان را بامسایل‌عمومی‌نهضت انقلابی‌تلفیق دهند وبنام « نماینده‌گان روز نامه » یاد میشوند ، از فعالین اساسی تأسیس سازمانهای جدید اولیهٔ حزبی بشمار میروند . در پهلوی آن روزنامه از خدمات ایشان‌در جمع‌آوری مهمترین و جد ید ترین اطلاعات وحقایق پیرامون نهضت بین‌المللی کارگری مستفید میگردد . در روزنامهٔ عمومی - حزبی یا سرتاسری ، زمینه نشر عقاید گو نا گون اعضای حزب میسر میباشد . در پرتو همین نظریات بعداً نظر کلی حزب تدوین میگردد .

نا گفته پیدا‌ست که درشرایط مخفی‌نحوهٔ‌کار ، شکل ، محتوی ، ساختمان اداری و تخنیکی روزنامه طوردیگری میباشد . پس سوال اینجاست که‌آیادرچنین شرایط وظایف اساسی‌مطبوعات کمونستی (تبلیغ جمعی ، ترویج جمعی و سازماندهی جمعی) نیز دگرگون میشود یا خیر ؟ قبل از همه باید دانست که کار تبلیغی وترویجی به‌وسیله نشریهٔ زیرزمینی ایجاب استفادهٔ اعظمی ازکاغذ دست‌داشته را می‌نماید .ازینرو به نویسنده گان‌باید تفهیم گردد تا اندیشه های شانرا موجز و مؤثر بنویسند . این کار اگر از یكطرف باعث صرفه جویی در کاغذ میگردد ، ازسوی دیگر نویسنده گان را مجبور به گزینش کلمات وعباراتی مینماید که مطابق خواست کاروپیکار مخفی ، درآن اول قلب ومغز خواننده را تسخیر کند . درحالات عادی بعضاً به منظور آرایش کلام یا ابراز مطالب به‌گونه علمی و فلسفی ، کاربرد کلمات و

ترکیبهای مغلق یاتکرار مکرر اندیشه ها مجاز خواهد بود ، ولی روزنامه‌نگار نشریهٔ زیرزمینی که در اوضاع و شرایط دشوار فعالیت می‌نماید ، ازین کار اجتناب می‌ورزد .

روزنامه های مخفی از لحاظ گزینش موضوعات نیز در چارچوب محدود تری قرار دارند که این چارچوب غالباً پیرامون مسایل سیاسی خلاصه میشود . مسایل دیگر ، که در درجهٔ دوم و سوم اهمیت قرار میگیرند ، کمتر مورد علاقهٔ روز نا مه های زیر زمینی قـرار خـواهند داشت . در پهلوی آن بنابر عدم دسترسی به منابع اطلاعاتی و بـه خـاطر تغییر وقت نـشر روز نامه های مذکور ، رویداد های تازه را به اسرع وقت گزارش داده نمیتوانند و در واقـع هم وظیفه اصلی آنها را گزارش تازه گیها نـه ، بلکه طـرح پـرابلمهای اساسی ، دفـاع از خواستهای مبرم کارگران و امثال آن تشکیل میدهد .

پنهانکاری مستلزم آنست که در نشر یك روز نا مهٔ غیر علنی حزبی عـدهٔ مـحدودی از اعضای حزب مصروف گردیده و بصورت مجموعی امور نویسنده گی و حتی کـار طـبع و ماشین را هم پیش برند . تاریخ نهضت کارگری گواه است که بنا بر علل گوناگون و بـه خصوص پیگرد های پولیس ، غارت مطبعه ، ترور و زندانی ساختن کارمندان مسلکـی واداری تمام کار نشر یك جریده را تنها یك کمونست انجام داده است .

شرایط کار غیر علنی ، در پهلوی دشواری های‌دیگر ، امکانات تخنیکی‌نشر جرایدانقلابی را نیز محدود تر میسازد . در اینگونه مواقع موفق ترین انقلابیون آنانی خواهند بود که بتوانند دستگاه کوچك طباعتی را در یك محل طوری مخفی سازد که صدای آن شنیده نشود . به خاطرسهولت درانتقال مطا ب وتوزیع‌نشریه ، مخفیگاه باید دارای چندین دروازه باشد. اکثر احزاب در شرایط‌مخفی بنابرعدم دسترسی به مطبعه ومحل مطمئن ، جرایدشانرا به طرق دیگر مثلاً با استفاده از رو نویسی تهیه وپخش مینمایند . مدیرمسوول این‌گونه نشریه هـا در کنار وظایف دیگرامورتخنیکی، صحافی ، تصحیح ، حروف چینی وغیره را نیز به عهده میگیرد .

وسایل وتجهیزات تخنیکی، که غالباً کمونستها درشرایط‌غیر علنی جهت‌طبع رساله‌ها واسناد مختلف حزبی خویش ازآن استفاده می کنند ، تنها قابلیت نشر جراید کوچکی رادارا میباشد. جراید کوچك علاوه برآنکه طی‌مدت کوتاهی‌چاپ و آمادهٔ توزیع میگردند ، ایجاب وسایل ومواد کمتر رامی نمایندو نشر آنهاهم به‌سهولت وبدون مصارف سنگین صورت میپذیرد .

مطابعی که‌جهت چاپ جرایـددارای قطع کوچك به کار برده میشونـد ، باآنکـه دارای صفـاتی‌اند نقیصه هایی‌نیز دارند به‌طورمثال اوراق مطبوع‌وترتیب صفحات‌آن نا خوشایند و

نامنظم میباشد،همچنان ظرفیت تکثیر کمتررا دارا بوده وامکان استفاده ازکاغذپاپیروس(*) که توزیع آن‌آسانتر است درآن کمتر میباشد .

شیوه های معمول‌طبع و نشر جراید ، باقطع کوچک:

احزاب مترقی ،بدون درنظرداشت شرایط کار و زنده گی‌سیاسی شان ، مطالب واسناد خویش را بااستفاده زشیوه های گوناگون طبع و نشر میکنند واما اشکال عام طباعت‌عبارت‌اند از:طبع برآمده(حروفی) ، طبع‌فرو رفته (گراور) وطبع هموار(آفسیت). درطبع حروفی‌ازشیوه‌طبع هموارو سلندری ، طبع روتری(کاملاسلندری) میتوان‌نام برد که‌به‌نام طبع‌مستقیم نیز یادمیشود

در طبع هموار میتوان ازآفسیت، طبع سنگی ، شلکو گراف (طبع‌ابریشمی) شپیروگراف هیدرونیپا، ستیکلو گراف وهکتوگراف‌نام برد و اما طبع گراور همان یك نوع طباعت‌است که درآن‌حروف‌در داخل پلیت فرو رفته میباشد.

طبع حروفی :

یکی‌ازبهترین شیوه های‌طبع‌ونشر،طبع‌حروفی است که با استفاده از یـك‌فورمهٔ آن‌باحفظ زیبایی وخوانایی، میتوان صفحات‌متعدد راچاپ کرد .

استفاده ازعکسها ، جدولها ،کاغذ پاپیروس وغیره نیزدر طبع حروفی ممکن میباشد. ولی به‌خاطر آنکه بتوان ازین همه تسهیلات و امکانات مستفید شد ، بایددستگاه‌های مطلق طباعتی حروف ، محل‌طبع وسایر لوازم تخنیکی را آماده ساخت .

موانع ومشکلات گوناگون تخنیکی وفنی طبع حروفی از قبیل سرو صدای ماشین ،بوی غلیظ مواد کیمیاوی و امثال آن توسط اشخاص فنـی در مواقع لازم از بین رفته و یـا کاهش می‌یابد .

طبع روتاتور**:

این‌یـك شـیوهٔ بسـیار معمـولی است کـه «ممیـو گـراف» نیـز خوانـده‌مـیشـود.

(*)پاپیروس که تلفظ‌آن‌درزبان انگلیسی paper، درفرانسوی papier، لاتین papyrus ویونانی papyros میباشد ودرزبان ماکاغذخوانده‌میشود ،اصلا برك‌نهالی است که روی‌آن مینوشتند.پاپیروس‌بحیث‌کاغذبار اول درمصرقدیم درقرن‌سه ق.م‌به کار رفته است. از اوایل قرن اول ق.م ، این کاغذ در سایر کشورهای اطراف مدیترانه نیز مورداستفاده قرارگرفته است. امروز در شوروی کاغذ نازك وشفاف را پاپیروس خوانند .

** این‌شیوه رادرافغانستان به نام‌طبع گستنر یادمیکنند .

مؤسسات رسمی وخصوصی دراکثر کشورهای جهان از دستگاه روتاتور به منظور تکثیر اوراق مطبوع خویش استفاده میکنند . ولی احزاب کمونست بعضی کشور هااین شیوه را برعلاوه تکثیر اسناد حزبی ، مطالب ،اوراق ورساله ها ، غرض چاپ ونشر جرایدداری قطع کوچک نیز به کار میبرند .مزیت روناتور درمقایسه باسایرشیوه های طباعتی در آنست که تخنیک آن ساده و مواد ضروری آن قابل دسترس است .بر علاوه ،فورمهٔ چاپی روتاتور که به نوبهٔ خویش در جهت تکثیر روز نامه ها به کار برده میشود، به سهولت و به وسیله کار گرانی ساخته میشود که مهارت زیاد فنی را ایجاب نه میکنند .

فورمهٔ قابل طبع روتاتور در روتو فلم (ستنسل) با استفاده از شیوه های ذیل تهیه میگردد : (۱) بادست : دراین حالت هم متن با دست تهیه میگردد و هم ترتیب عکسها ، جداول و متن ذریعهٔ دست انجام می پذیرد.(این طریقه در کشور های عربی بیشتر معمول است) ؛ (۲) هم بادست وهم ذریعهٔ تایپ ؛ ۳) بااستفاده ازدستگاه برقی مودل «گستوفکس». دراین طریق نمونه یکه در فلم خاصی تهیه شد ه به طور اتومات روی ستنسل آورده میشود و از ینرو فورمهٔ قابل طبع آن بعد ازمدت بسیار کوتاه به دست میاید . فورمهٔ مذکور مقاومت زیاد داشته و نسخه های متعددی بااستفاده از آن چاپ شده میتواند؛ به طور مثال: اگر درفورمهٔ دست نویسی امکان استحصال یك هزار نسخه وجود داشته باشد درشکل برقی به ۲۰۰۰ نسخه ازدیاد خواهد یافت .

آفسیت :

برای تاسیس و به کار انداختن آن جای خاص و محل معین ضرورت است . آفیست دستگاه مغلق وگرانبهای طباعتی میباشد که کار گران آن نیازمند تعلیم و تربیه بخصوص اند . قابل تذکر است که طبع آفسیت کیفیت عالی داشته به شکل بهتر ودرصورت زیادبودن تیراژ بامصرف کم تهیه میگردد . از یك پلیت آفسیت درمدت بسیار کوتاه نسخه های زیادی چاپ میشود. علاوتاً با استفاده ازین شیوه کار برد رنگ های گوناگون در روزنامه و سایر نشریه های تبلیغی ممکن میگردد . همچنان پلیت آفسیت را برای مدتهامیتوان حفظ کرد و درآینده برای طبع مزیدعین مطلب از آن استفاده کرد .

مطالبی که برای استفاده در آفسیت روی پلیت آورده میشوند به دو شکل مختلف تایپی و دست نویسی تهیه شده میتوانند.عناوین آن غالباً به طریق « فوتوکمپوزیشن » ترتیب میشود .

چاپ ابریشمی (شلکو گراف) :

به وسیله این شیوه خیلی ساده طبع ، مطالب تبلیغی را بااستفاده از تکه های نیلونی و ابریشمی میتوان تکثیر کرد . شلکو گراف را سالها به مقصد چاپ ونشر شعارها،ورقه هاومطالب

مصور مورد استفاده قرار داده اند، ولی اکنون به جای روتا تور وسیعاً برای مقاصد طباعتی به کار برده میشود. دراکثر کشورهای جهان، ازجمله درممالك عربی، کمونست ها نشریه‌های محلی شانرا ذریعهٔ شلکوگراف به‌چاپ میرسانند و بعضاً انقلابیون محبوس با استفاده از پیراهن های نیلونی شان اوراق تبلیغاتی یاروز نامه هایی راباتیراژ محدود ذریعه شلکوگرافی درمحبس نشر کرده اند. باآنکه نسخه های محدودی در این شیوه‌چاپ میشود ولی در پهلوی دشواری ترتیب مطالب، امکان استفاده ازوسایل بسیار ارزان وقابل‌دسترس در آن‌موجود است. ازین لحاظ ارزش این شیوه خیلی زیاد میباشد. دستگاه شلکوگراف به طورخیلی ساده با جادادن‌تکهٔ ابریشمی یا نیلونی روی یك چوکات عادی‌چوبی تهیه میشود. طرز فعالیت آن شبیه دستگاه روتاتور است. بااین تفاوت که‌در شلکوگراف برخلاف روتاتور امکان استفاده از رنگهای مختلف نیزموجود است. هنگام فعالیت دستگاه‌چاپ ابریشمی هیچگونه صدایی، که‌منجر به افشای محل‌چاپ‌شود، تولید نمیگردد.

شپیروگراف (هکتوگراف سپیرتی) * :

دراغلب کشور های جهان مؤسسات تجارتی برای تسریع‌امور اداری و بمنظور تکثیر اعلان‌های کوچك تجارتی این‌طریق چاپ رابه کارمی‌برند. تهیهٔ دستگاه طباعتی شپیروگراف سهل بوده واستفاده ازآن مهارت زیادی را ایجاب نه میکند. ازیک فورمهٔ آن ۲۰۰ نسخهٔ عادی ورنگه‌را میتوان طبع کرد. علاوه برآن نصب دستگاه مذکور در محل‌بسیار کوچك نیز ممکن میباشد.

چاپ سنگی (هکتوگراف و لتوگراف) (**):

ازین شیوه بیشتر در مورد تکثیر ورقه های مطبوع استفاده میکنند. درین دستگاه بسیار معمولی که مواداولیهٔ آن‌ازنزدیکترین‌مغازه‌هاودرملتون هادستیاب میگردد میتوان‌جرایددست نویسی رابـاقطع کـوچك بـه‌طبع رسانید. دستگاه چاپ سنگی هنگام چاپ به فشار دهندهٔ نسخه بردار ضرورت نه‌داشته ولذا باعث‌ایجاد صدایی‌نیز نه‌میگردد. ازآنجاییکه یك فورمهٔ چاپ‌سنگی ظرفیت تکثیر تنها صد نسخهٔ خوانا را دارا میباشد ازینرو احزاب مترقی آنرا به حیث آخرین امکان طباعتی مورد استفاده قرار میدهند.

(*) این‌روش‌چاپ‌درافغانستان به نام«دیتو»معروف‌است. دراین‌شیوه‌مطالب‌قابل‌چاپ‌راروی‌ورق مخصوص می نویسند ویاتایپ میکنند ودرچاپ آن علاوه بررنگ از الکول نیز استفاده میشود.

(**) از شیوه های ابتدایی طباعتی بوده وبه‌خاطر آنکه صفحهٔ قابل طبع را روی سنگ همواری قرار میدادند به نام طبع‌سنگی یاد شده است.

چاپ شیشه‌یی (سنکلو گراف) :

چاپ شیشه‌یی مانند چاپ سنگی کمتر مورد استفادهٔ احزاب کمونیست قرارمیگیرد .نسخه‌ها بیکه ذریعه دستگاه سنکلو گراف برداشته میشود درمقایسه با چاپ سنگی جنسیت خوب داشته وهرفورمهٔ آن قابلیت تکثیر تقریباً ۱۰۰۰ نسخه را دارامیباشد . استفاده‌ازرسم هاوجدول‌ها نیز درچاپ شیشه‌یی ممکن است‌ولی باآنکه دستگاه مذکور به ساده گی ترتیب میشود یک نوع دشواری، مخصوصاً هنگام تهیهٔ فورمه‌قابل طبع آن‌پدید میاید که‌بایدمسؤولین امور به آن توجه داشته باشند چه مطالب آن دست‌نویسی شده و خالی از اشکال نمی باشد .

فصل دوم

امور اداری روز نامه

اساسات عمومی :

کارمندان و کارگران دفتر روزنامه حزبی ، بطور کل ، شامل عده‌یی از مؤلدین‌هم عقیده اند که وظیفه اصلی آنانرا طبع زیبا و به اصطلاح به وقت روزنامه تشکیل میدهد . بدون شك بعضی اوقات کارمندان روزنامه میتوانند ، وهم باید ، درسایر اشکال فعالیت های حزبی‌شرکت ورزند و حتی مستقیماً بحیث سازمان دهنده گان حزبی فعالیت نمایند . بطور مثال آنها میتوانند دریك مبارزهٔ‌عمومی یاحل یك‌مسأله جدی سهم‌بگیرند ویا بحیث اعضای کمیسیون نظارت و کنترول موضوعی رابررسی کنند. ولی در بین تمام این وظایف اساسی ترین کار آنها را ، طوریکـه لنین گفته است ، « اجرای قسمت ادبی امور حزبی » تشکیل میدهد .

وقتی میتوان ادعا کرد که روزنامه خود را بدون عیب وبه سرعت نشر کرده ایم که پروسه‌های تحریر ـ ادیت وتولید‌ـ‌تخنیك‌را باهم هماهنگ ساخته باشیم . پروسه اول بدان معنی‌است که مطالب مورد ضرورت یك شماره باید نوشته شودوبه منظور تأمین زیبا یی‌صفحه با تصویر ها وجداول تزئین گردد . ولی بخاطر باید‌داشت که هر قدرهم‌پروسه اول را به وجه نیکوانجام دهیم

هر گاه با پروسهٔ دومی یعنی تولید و تخنیك هماهنگ نگردد،ناقص خواهد بود . وهم نباید تصور کرد که دو پروسه متذکره یکی بعد دیگر اجرأ میشوند،برعکس هر دوی آن هم زمان اجرا شده و برهم دیگر تأثیر متقابل دارند .

کارمندان روزنامه گروهی خلاقی اند که خصوصیات مشخص آنان عبارت است از :

استقلال کامل هر کارمند ، سپردکار به اشخاص و گروه ها با درنظرداشت تخصص ووضع روانی آنها ، تا ازخرابی کارجلوگیری شود . خواسته های مذکور تنهازمانی بدرستی برآورده خواهد شد که در داخل دفترروزنامه نظم کامل ودقیق حکم فرماباشد ؛ وظیفه هر کارمند مشخص بوده و اجرای آن مورد کنترول دقیق قرار گیرد .

هدف از سازمان دهی امور روزنامه آنست تا تمام مطالب مورد ضرورت نشر یك روزنامه نظم و نسق یابد و تمام جوانب این دستگاه مغلق توحید شده به یك دستگاه مکمل و فعال مبدل گردد . واقعیت های امروزی تقاضای موجودیت نظمی را مینماید تا زمینهٔ به دست آوردن نتیجهٔ مطلوب را در وقت کم وبا صرف نیروی اندك ، فراهم آورد .

در قسمت سازمان دهی مطبوعات کمونستی ضرور است تا پرنسیپ حزبیت دران بطور قاطع رعایت شود ودرعمل تطبیق گردد . درفصل گذشته راجع به جهت های سیاسی وایدیولوژیکی اصول حزبیت مطبوعات سخن رفت . اکنون اساسهای سازمان دهی و عملی پر نسیب حزبیت را بطور مختصر مورد بررسی قرار میدهیم :

۱ - اداره روزنامه درفعالیت های عملی خود بـه کمیتهٔ مشخص حزبی ارتـباط میگیرد . ارتباط آن به کمیتهٔ حزبی میتواند دوشکل داشته باشد . (الف) ارتباط مستقیم ، در حالی که روز نامه ناشرافکار یك کمیتهٔ حزبی با شد و (ب) - ارتباط غـیر مستقیم ، درحالی تأمین میشودکه روزنامه ناشر افکاریك سازمان اجتماعی باشد . چون درهرمؤسسه اجتماعی سازمانهای اولیه حزبی‌موجود اند بناء فعالیت های روز نامه را قبل ازهمه سازمان مربوطهٔ حزبی رهبری میکند .

کمیته حزبی ، بمنظور رهبری فعالیتهای اداری روز نامه ، دساتیر مشخصی صادر میکندکه روز نامه مکلف به اجرای آنست. اکثر امور اداری روز نامه را شعبهٔ بخصو صی از همان کمیته حزبی ، که به کار نشر روز نامه اشتغال دا رد ، پیش می برد . نباید اجازه داد کـه فعالیت های روز نامه خارج از حیطه اداره و صلاحیت کمیته حزبی انجام گرددوهمآهنگی این دو اورگان از بین برود.قابل‌تشویش خواهد بود اگر روز نامه با کمیته‌مربوط حزبی خویش ارتباط نداشته و یا علیه آن نشرات نماید . البته تبارز این گونه حوادث بمثابه بحران‌معنوی دردفتر روز نامه خواهد بود و لازم می افتد کـه قبل از سرایت در رفع آن کوشیده شود .

ولی این بدان‌معنی نیست که کمیته حزبی‌وظیفه دارد در هر فعالیت‌روز نامه ، حتی در کوچکترین آن مداخله کند . این گونه مداخلات باعث خواهد شد تا از ایجاد گری ها و ابتکارات کارگران و کارمندان مربوط بکاهد و بدتر از همه درچنین حالات، ژورنالستان از قبول‌مسوولیت دربرابر حزب شانه خالی خواهند کرد .

۲ مسألهٔ کادرها مستقیماً به کمیته حزبی ارتباط میگیرد . کمیته مذکور مکلف است کادر های رهبری روز نامه‌را انتخاب و تصویب‌نماید . درین حال کمیته حزبی باید مشخصات سیاسی و تخصصی کادر را دقیقاً بررسی کرده و بعداً تصمیم بگیرد . معمولاً اشخاص قابل اعتماد و نخبهٔ یك سازمان اولیه به رهبری روزنامه های حزبی برگزیده میشوند .

کمیته حزبی همچنان مکلف است تا از انتخاب و انتصاب کادر های عادی وحتی تخنیکی نشریه خود جداً مراقبت کند . این کار نشان دهنده‌ان خواهد بود که حزب به فعالیت جمعی ژورنالستان اعتبار زیادی قایل است . غالباً کارمندان مطبوعات بهترین کادر های اصلی کمیته های حزبی میباشند .

حزب در کار تربیه کادر های ژورنالستیك توجه‌زیادی مبذول میدارد ؛ بطور منظم پیرامون چگونگی ژورنالستان مربوط تدقیق می‌نماید و مشخص میسازد که دانش حرفه یی آنها در کدام سطح قرار دارد ؛ تناسب نیرو های خلاق جوان وسابقه دار از چه قرار است ؛ چند فیصد اعضای اداره روز نامه در حزب تنظیم اند ؛ مهارت‌حرفه یی آنها تا چه اندازه است ؛ موقف اجتماعی‌انها از چه قرار‌است و غیره . تقاضای‌عمومی ازتمام کارمندان مطبوعات‌حزبی آنست تا حتی المقدور از لحاظ سیاسی ، اخلاقی و تخصصی در فن شان‌بی عیب باشند و بتوانند ارتباط نزدیك با زحمتکشان قایم سازند ونیاز مندی های ایشان را درك نمایند .

۳ ـ کمیته حزبی‌نیاز اورگان نشراتی خود را ازلحاظ مالی و تخنیکی‌تأمین می نماید . در حالات خاص حزب یا سازمان مربوط ان بودجهٔ امور نشراتی خود را از حساب حزب تمویل میکند و یا بر عکس اگر ضرورت افتد قسمتی از پول تخصیصی و یا عایدات روزنامه را جهت رفع سایر نیاز مندی های حزب بکار می‌اندازد . البته طوریکه می‌دانیم عده‌یی از نشریه های حزبی دارای عواید میباشند و برخی دیگر نیاز مندکمك اند ازین رو کمیته حزبی مجبور میشود که بودجهٔ خود را بین این دو نوع فعالیت مختلف‌بصورت‌متعادل به‌کارا‌ندازد .

یکی از وظایف کمیته حزبی‌آنست تا برای کمك یی واسطه به نشریه خود به جمع ـ آوری پول بپردازد و بعضاً توزیع آنرا نیز کنترول نماید .

روز نامه و یا هر نشریهٔ دیگر محصول کار دسته جمعی است . این خصوصیت بر اصل سازمان دهی کار مطبوعاتی نیز تاثیر میکند . تصور دفتر روز نامه ، بمثابه گروه کوچك مجزا از دیگران ، نه تنها غلط بلکه نا ممکن است چه دفتر مذکور فقط در ارتباط با سایر اشخاص ومؤسسات تدویر میشود . پیرامون این موضوع لنین نوشته است : « ارگان نشراتی وقتی کار خود را فعالا نه و پیگیر دنبال کرده میتواند که در برابر هر پنج نویسنده حرفوی پنجصد تا پنجصهزار نویسنده غیر حرفوی نیز دران کار کنند » (۱) ازین روتصور اینکه گروه کوچکی از نویسنده گان حرفه یی کار مندان دفتر روز نامه را تشکیل میدهند غلط محض خواهد بود . چه میدانیم روز نامه تنها در صورتی مؤفق خواهد بود که از همکاری خواننده گان نیز بر خوردار باشد . درین حال روز نامه حزبی به عالی ترین اورگان نشراتی تبدیل میگردد که رهنمای عمال ان نورم های آزمون شده نظارت و رهبری حزبی خواهد بود .

ادارهٔ روز نامه در جریان تهیه و نشر یك مقاله یا یك مضمون با اشخاص گو نا گون ارتباط داشته میباشد که برای ان ارزش فراوان دارد . هر اندازه ییکه این ارتباط سالم ، سریع و پر بار باشد به همان اندازه کار روز نامه نگار به خوبی پیش خواهد رفت .

اصل حزبی کار دسته جمعی ، باید در امور اداری روز نامهٔ حزبی نیز دقیقاً رعایت شود . راههاییکه به واسطه آنها میتوان این اصل را در عمل پیاده کرد قرار ذیل است : طرح و بررسی مهمترین و اساسی ترین معضلات اداری روز نامه در مجالس عمومی آن ؛ ایجاد روحیه کمك با همدیگر در داخل اداره ؛ احساس مسوولیت هر کارمند در مقابل اجرای دساتیر وعلاقه به شهرت وسرنوشت نشریه .

درجهان امروزی پخش و انتشار روز نامه ها وسایر وسایل ارتباط همه گانی به شکل سرسام آوری صورت میگیرد . ازینرو هر وسیله نشراتی تلاش میورزد تا به قدر ممکن وظایف اطلاعی خودرا تسریع بخشد ولی تنها تلاش بی اساس درینمورد کافی نمیباشد . چه تأمین سرعت در فعالیت های روز نامه ، مهیا سازی زمینه های لازم و قبل از همه لوازم و تجهیزات تخنیکی را میطلبد . دسترسی آزاد به وسایل ترانسپورتی ، تخنیکی ، طباعتی و لوازم دیگر ازقبیل تایپ ریکاردر ، ماشین تایپ ، وسایل مخابراتی همچون تلفون، تلکس ، تلی تایپ وغیره وکاربرد درست تمام این وسایل فعالیت های روز نامه را تسریع خواهد بخشید . با اتکا به همین تدابیر است که یك

---

(۱) لنین . کلیات ، جلد ۹ ، ص ۱۰۶ .

اداره روزنامه حیثیت سریعترین منبع اطلاعاتی را احراز میکند ومیتواند بامؤسسات خبـری و ازجمله آژانسهای خبررسانی ارتباط نزدیک تاءمین نماید . علاوتاً وسایل و تدابیر متذکره بـه اداره روز نامه امکان خواهد داد تاوقت معین وصول مطالب به شعبات مختلفو چگونگی آنها را به درستی تعیین نماید . برای بر آورده شدن تمام این اهداف و بمنظور اجرای دقیق امور، دفتر روز نامه اشخاص مختلف را مطابق رشته وتخصصشان به وظایف گوناگون‌مؤظف میسازد.

کارمندان نشریه و یانشریه های حزبی مکلف اند غرض‌تأمین مفیدیت هرچه بیشترمحتوای مطالب نشرات شان،وظایف گوناگون‌سازماندهی را، که اساسی ترین نکات آنرا تعمیم‌اصل اطلاع دهی از پایین به بالا و برعکس تشکیل میدهد، بطور همزمان‌اجراء کنند . اصل‌متذکره میرساند که هر کارمند نشریه مکلف به راپور دهی اجراآت فعالیت های خودبه‌مقامات مافوق است ودر مقابل باید پیشنهادات خود و خواننده گان روز نامه و همچنان عکس‌العمل آنهـا را در مقابل مطالب نشر شده به سمع مقامات بالایی برساند . مراعات این اصل فعالیت گروههای مختلف کارمندان روز نامه را که همه دارای هدف مشترك اند، در اجرای وظایف خاص آنان تنظیم می نماید .

ساختمان اداری روز نامه:

ادارهٔ هر روزنامه ساختمان بخصوصی دارد که در جریان تجارب زنده گی‌پدید آمده‌است. وجود اینگونه تشکیلات باعث خواهد شد تا کار بین تمام کارمندان یک‌نشریه به‌درستی تقسیم گردد. تشکل ساختمان اداری روز نامه‌ازعناصری چون نوع‌روز نامه، وقت‌نشر ، تعدادصفحات شرایط فعالیت روز نامه نگاری ، وظایف روزنامه‌و خصوصیات‌مشخص پرسونل‌آن‌متاثرمیباشد.

سنجش و در نظر گیری دقیق تمام این عناصر و بر اساس آن تقسیم وظایف‌بین کارمندان روز نامه باعث میگردد تا فعالیت آن در صحنهٔ عمل پر ثمر تر گردد . و فقط در همین حال ممکن خواهد شد تا تمام کارمندان روزنامه، حتی‌الامکان ، نیروی خود رادر راه‌بهبودامورمطبوعاتی شان به کار برند .

ایجاد ارتباط بین بخشهای مختلف اداره روزنامه‌و فعالیت باهمی‌آنها براساس یک‌برنامه معین از ضروریات کار روزنامه نگاری بشمار میـرود . واضح تـر گفته شود ، قسمت هـای مختلف ادارهٔ روزنامه باید بحیث عناصر بهم بافتهٔ یک دستگاه واحد تجلی نماید . در غیـر آن فعالیت منفرد و بدون پلان هرشعبه نه تنها به حال سایـرین مفید نخواهد بود بلکه خود آنها را نیز اخلال خواهد کرد. در چنین حالات گاهی اتفاق میافتد که چند تن ازاعضای دفتر به‌اجرای

یک وظیفهٔ واحد گماشته شوند . درین حال هم چشمی های بی‌لزوم باعث رقابت‌های نامطلوب گردیده و کار های مهم لا اجرا خواهد ماند. مظاهر مطالب متذکره باروحیه فعالیت‌مطبوعات سالم حزبی کاملا مغایرت دارد .

با آنکه میدانیم هیچ طرح پیشنهادی برای مدت طولانی مورد اعتبار باقی نمی ماند ولی خبـرنگاران کشور های مختلف ساختمان اداری روزنامه را طی سالها تجارب خویش شامـل بخشهای زیرین میدانند :

- رهبری (مدیریت ، هیأت تحریر، سکرتریت)،
- نویسنده گان (کارمندان شعبات ، خبرنگاران ساکن وسیار)،
- دفترریفرنس (کتابخانه،آرشیف عکسها و مطالب ، دفترتایپ ، دفتر مصححان وغیره)،
- کارگران و کارمندان طباعتی (مطبعه وسایر و سایل تخنیکی که نشـر روز نـامه را تامین میکنند) ،
- کارگران و کارمندان توزیع (استفاده از طرق مخصوص توزیع‌یاترویج ، شیوه‌واحد توزیع ، اشتراك در مطبوعات وغیره).

تشکیلات اداری روزنامه به شیوه بالائی تنها یك چارچوب ممکن است‌برای‌تنظیم و پیشبرد فعالیتهای روزنامه . در عمل بعضی از نشریه ها بخصوص روزنامه‌ها وجرایددارای قطع کوچك یا فاقد چنین تشکیلات اند یا تازه به تاءسیس آن اقدام می ورزند . گـاهی دوبخش اخیـر ساختمان تشکیلاتی متذکره یعنی بخش طباعتی و بخش توزیع نه بحیث جزئی از ادارهٔروزنامه بلکه به حیث شعبات مستقلی اند کـه روی موافقتنامه هـایی با روزنامه ، این وظایف را انجام میدهند . ممکن است روز نامه های ممالك مختلف جهان هـر بخش ساختمان مـذکور را بـه نامهای گوناگون دیگری یاد کنند ، ولی در هرحال وظایفی را که انجام میدهند یکسان است.

هیأت رهبری هر روز نا ه و جریده وظایف ، حقوق و وجایب هر بخش تشکیلاتی را به مسوولین ان تفهیم می‌نماید و اجرای صادقانه ، دقیق و مکمل آنرا از ایشان میخواهد . غالباً برای آشنایی کامل کارمندان ، هیأت‌رهبری روز نامه ها وجراید‌لوایحی را نشر میکنند که دران وظایف هر عضو اداره روشن بوده و درپرتو آن حدود مکلفیت ها وصلاحیت هـای خود را درك می نماید .

چنانچه میدانیم دررأس ادارهٔ روز نامه محرر * قرار دارد (در روز نامه های بزرگ این

---

* کلمهٔ محرر در جریدهٔ سراج الاخبار و سایر جراید آغـاز قرن بیستم بـرای افادهٔ مـفهوم امروزی « مدیرمسوول » به کار میرفته است از ینرو درمتن حا ضر عوض کلمهٔ اخیرالذکر « محرر » انتخاب گردید .

وظیفه به دوش سرمحررمیباشد) . محرر ، که در واقع رهبر واحدتمام روز نامه است ، مکلفیت دارد تا سرعت در کار نشر و زیبایی روز نامه را تأمین نماید . وی به خـا طر ایجاد فضای مناسب سیاسی در روز نامه ، طرح ریزی د قیق خط مـشی روز نامه و ایـجاد ارتـباط نزدیك خوانندهگان با روزنامه در مقابل کمیتهٔ حزبی ، که وی را بهاین مقام برگزیده است ، مسوولیت دارد . معمولاً محرر (مخصوصاً اگر نشریه ارگان مرکزی حز ب بـاشـد) از بین اعـضای هیأت رهبری حزب انتخاب میگردد . در بین اعضای هیأ ت رهبری معمولا به آنهایی ترجیح داده میشود که عضو پارلمان باشـند . در صو رتـی که نـشریه به کدام سـازمان ما دون حزبی تعلق داشته باشد ، محررآن از بین اعضای کمیته های محلی رهبری حز بی بر گزیده میشود ؛ به طورمثال : هر گاه تعیین محرر « حقیقت انقلاب ثور » بمثابهٔ ارگان مرکزیحزبدمو کراتیكخلق افغانستان مطرح باشد ، موضو ع به کمیتهٔ مرکزی یا بوروی سیاسی حزب مربوط میباشد . در حالیکه محرر یك ارگان ولایتی حز بی از بـین اعضای کمیـتهٔ ولایـتی یا جرگه هـای ولایتی انتخاب میگردد .

وظایف اساسی محرر رو ز نامه عبارت اند از :

الف) تماس پیگیر با کمیتهٔ حزبی که روزنامه را به نشر میر ساند : در واقع محرر حلقهٔ اتصال بین ژورنالستان و کمیتهٔ مربوطهٔ حزبی است . نقش وی هنگام بروز مسایل مهم حل طلب بیشتر کسب اهمیت میکند . البته در حالات به خصوص ، یا در موار دیکه مـسایل کوچك مطرح باشد ، شعبهٔ مربوطهٔ کمیتهٔ حزبی مـستقیماً با بخش همسان خود در روز نامه وارد تماس میگردد . ولی این گونه تماس هـای مستقیم نه با ید جنبهٔ دایمی پیدا کند زیرا ممکن است نتایج نا مطلوبی را بار آورد .

ب) رهبری پیگیر فعالیت سیاسی و عملیتمام روز نامه : طوریکه میدانیم محرر ، ضمن رهبری روز نامه ، حیثیت حکم را نیز دارد و تنها با تشبث وی امکان حـل نهایی اکثر مسایل مور د منا قشه ممکن میگر د د . تمام کا ر مند ا ن روز نا مـه در ا جر ا ی دسا تیر شفا هی و تـحر یر ی محر ر مکلف میبا شند . د ر صو ر تیکه یکی ا ز ا عضا ی ا دا ر ه باوی اختلاف عقیده داشته باشد میتو اند انتقاد یا پیشنهاد خود را مستقیماً به کمیته مر بوطهٔ حزبی بسپارد . ولی استقلال کارمندان دربن زمینه هیچگاه تا قبل از فیصلهٔ نها یی کمیتهٔ حزبی واتخاذ تصمیم درمورد آن به معنی رد یا نفی دساتیر محررنمیباشد . مخصوصاً اگرمسایلی مطرح باشد که حل فوری راایجاب میکند . مانند : اضافه یا کم کردن مضمونی از صفحه ، تغییرجای

پاراگرافها ، اعتماد به نویسنده و یا سلب اعتماد ازوی وغیره.

ج ـ انتخاب کارمندان اداره ، تقسیم وظایف میان آنها و کنترول بر اجرای آن : محرر نه تنها رهبر بلکه مربی خبرنگاران مربوط نیزمیباشد ازینرو باید دارای او صاف واخلاق حسنه وسجایای نکو باشد تامورد قبول واقع گردد . کار تربیوی محرر با موافقه و همکاری سازمانهای اولیهٔ حزبی واجتماعی موجود درداخل گروه ژورنالستان پیش برده میشود .

د ـ محرر مکلف است فعالیت های سایر مدیران را به یک مجرای واحد سوق دهد وبا در نظر گیری اوضاع واحوال اشخاص،وظایف آنها وچگونگی اجرای آنرا بررسی نموده ودر صورت لزوم دگرگونی هایی درآن وارد سازد . محررصلاحیت داردبه‌تمام اعضای اداره در مورد نحوهٔ کار ، درشرایط مختلف ، دستور دهد . هیچ کارمند اداره حق نه‌داردعلیه محرر حرف زند و یا در مورد سرنوشت زیر دستان به وی سفارش کند . درین زمینه تمام معضلات و مشکلا ت را محرر با مشورهٔ مدیران شعب مختلف روزنامه ، بدون مراجعه به زیر دستان ، حل وفصل می نماید . در صورتیکه حل آن درچارچوب امکانات اداره ممکن نباشد ، به کمیتهٔ مربوطهٔ حزبی رجعت داده میشود . به خاطر باید داشت که اینگونه اختلافات باید جنبهٔ گذرا و فوری داشته باشد درغیر آن اختلاف نظر دایمی درداخل اداره ، فعالیت های مطبوعاتی را دچار سکته‌گی میسازد .

و ـ محرر وظیفه دارد همه روزه ازجریان کار اداره ، ازوظایف مربوط به‌نشر شمارهٔ نوبتی روزنامه وامثال آن خبرگیری نماید : آخرین پروف صفحات را بخواند و صحت و عدم صحت آنراتصدیق نماید . صفحه ویاصفحات روزنامه وقتی میتواند چاپ شود که روی آخرین پروف آن امضاء محرر باشد . محرر معمولا تمام جلسات مشورتی ، کهضمن آن راجع به شماره های آینده تصمیمی اتخاذ میگردد ، وهمچنان مجالسی را که درآن شماره های گذشته ارزیابی میگردد، رهبری مینماید . هستند محررانی که‌بزعم خودبا مسایل مهم سروکار دارند و نمیخواهند وقت شانرا صرف مسایل مربوط به شماره های روز نامه وزیر و رو کردن مطالب آن سازند. اشخاصی که چنین میکنند در واقع زیان‌بزرگی به ادارهٔ خود وارد می سازند وآهسته آهسته از جریان واقعی زنده گی اداری دورمانده وتصور واقعی پیرامون آنرا ازدست میدهند .

ز ـ محرر مجبور است پلان کار روزانهٔ اداره را از نظر بگذراند ، در بارهٔ آن اظهار نظر کند ، آنرا تصویب نموده یا با درنظر داشت شرایط روزتعدیل نماید . برای اینکه محرر صلاحیت این کار ها را بدست آورد ، باید با مهمترین مسایل روز آشنا باشد ؛ آیندهٔ سیاسی را پیش بینی کند ؛ وضع موجوده را بررسی نماید و نتیجهٔ واضحی از آن بدست آورد .

ك ــ محرر باید شخص با پر نسیپ و سرمشق سایر کارمندان و خبر نگاران اداره باشد. درپهلوی مهارت در کار روز نامه نگاری ، در نویسنده گی نیز ید طولایی داشته باشد . وی با ید همیشه بنو یسد و کا ر ی کند که هر نو شته ا ش نسبت به نوشتهٔ قبلی جا لبتر با شد . بد و ن ا تکأ بـه ا ین ا سا سا ت ، محر ر نـه تنها سر مشق نخواهد بود بلکه محبو بیت خود را نیز از دست خواهد داد . نو یسنده گی وی تنها در چوکات مقاله های دستوری خلاصه نمیشود ، بلکه ساحه نگارش وی را تمام ژانر ها ، از خبر گرفته تافلیتان و غیره ، احتوا میکند . درصورتیکه محرر نوشته های خود را دایماً وقف ژانرهای با صطلاح جدی نماید وی نه خواهد توانست نشریه اش را ا ز نوشته های باصطلاح خشك و ملال آور دیگران پاك سازد .

در اخیر باید گفت که محرر مجبور است برای ارضای ذوق خوانندهگان بطور مداوم سفر کند ؛ بـه مناطق دور دست برود ؛ به همهٔ آن نواحی برود کهروز نامه اش را می خوانند . در جریان اینگونه سفر ها وی در عین تهیهٔ مطالب د لچسپ ازان مناطق ، نظریات خوانندهگان را در بارهٔ نشریه اش نیز جمع خواهد کرد .

هیأت تحر یر ر و ز نامه :

هیأت تحریر مظهر رهبری دسته جمعی در مطبوعات است و خصلت مشورتی دارد . در هیأت تحریر بر علاوهٔ محرر ، معاون یا معاونان وی ، سکر تر مسوول ، مدیران شعبات اساسی و خبرنگاران زبدهٔ روزنامه و گاهی بعضی ازنمایندهگان مردم محل مانند : اعضای کمیتهٔحزبی، دانشمندان ، هنرمندان ، قهرمانان کار و دیگران نیز شرکت میورزند . نمایندهگان مردم محل هیچگونه رسمیتی در اداره نه داشته بلکه بنابر ارتباط نزدیکی که با روزنامه دارند به حیث اعضای هیأت تحریر بر گزیده میشوند .

هیأت تحریر وظایف آتی را به عهده دارد :

الف ــ بررسی دقیق پلان های مختلف روز نامه از قبیل سالانه ، سه ماهه ، ماهانه وپلان شماره های فوق العاده ؛

ب ــ بررسی و انتخاب مقالات مهم غرض چاپ ؛

ج ــ استماع راپور اجراآت شعب مختلف روز نامه و ارزیابی آن ؛

د ـ مساعد سازی زمینه برای بلند بردن سویهٔ فنی و هنری کارمندان ؛ استماع راپور فعالیت ایجادی خبرنگاران معروف وارزیابی مهمترین مسایل روزنامه نگاری ؛

هـ ـ سمت دهی آنگونه فعالیت های اداره که شامل ارتباط با خوانندهگان ، تماس با خبرنگاران غیرحرفوی وغیره میگردد .

دفتر سکر تریت را مرکز وحتی قلب اداره مینامند چه این دفترحلقهٔ اتصال تمام شعب اداره میباشد . سکرتریت معمولاً هم وظایف نویسنده گی و هم وظایف سازماندهی و تخنیکی را اجرا میکند . چارچوب مکلفیت های آن عبارت است از :

الف ـ تأمین همکاری فعال بین تمام شعبات روزنامه ؛

ب ـ توحید و کنترول اجرای منظم پلان های روزنامه ؛

ج ـ گرد آوری مطالب گوناگونی که در شعب مختلف تهیه میگردد و توزیع آن به مراجع مربوط (فرستادن به مطبعه غرض چاپ در شمارهٔ نوبتی یا حفظ آن برای شمارهٔ آینده و یا سپردن آن به شعب مربوط غرض تصحیح و تدوین) .

د ـ تجهیز شعب با مطالب لازمه و نظارت برانکه الماری شعبات خالی نه ماند ؛

هـ ـ تعیین جای مطالب گوناگون در صفحهٔ شمارهٔ زیر چاپ ، ترتیب نقشهٔ شماره و کنترول براجرای دقیق آن ؛

و ـ رهبری مستقیم دفتر ریفرنس و نیز نظارت و کنترول بر حفظ دسپلین کار در اداره ؛

ز ـ تأمین توأمیت کار اداره با مطبعه و حل مشکلات درین زمینه .

شعبه ها :

مراکز اولیهٔ کار نویسندهگی روز نامه ها را شعب آن تشکیل میدهند . در همین جاست که کار اساسی ایجاد مضامین یعنی نوشتن ، ادیت کردن ، تماس با نویسندهگان ، ترتیب پلان ها و غیره صورت میگیرد .

هر روز نامه با در نظر داشت نوع ووظایف خود دارای شعب گوناگون میباشد . شعبه ها را یا با در نظر داشت مشخصه و ساحهٔ فعالیت مثلا : زندهگی حزبی ، صنعت ، اصلاحات ارضی وغیره و یاازلحاظ ارتباط آن با ژانر به خصوصی مانند خبر، او چرك ، فلیتان ، صحافت و غیره نامگذاری میکنند. شعبه‌هارا گاهی هم نظر به‌مناطق مختلف مثلاً ناحیه یی از یك ولایت نام‌گذاری‌میکنند. هر شعبه معمولاً جای معینی‌درصفحات‌روزنامه‌وعنوان‌ثابتی‌برای خودداشته‌میباشد.

هرشعبه به منظور تفکیك بیشتر وظایف کارمندان خود شعب خرد تر دیگری تشکیل میدهد ؛ به طور مثال : شعبه زراعت را به بخشهای زمینداری ، مالداری ، باغداری ، کلتور زراعتی وغیره میتوان تقسیم کرد .

خبرنگاران روز نامه که بزرگترین گروه ایجاد گرو مؤلد روزنامه را تشکیل میدهند به دو بخش تقسیم میشوند :

الف ـ خبرنگاران ساکن دریك منطقهٔ معین یعنی خبرنگارانیکه خبرها ومطالب مربوط به یك حوزهٔ معین را جمع آوری وارسال میکنند .

ب ـ خبرنگارانی که غرض اجرای وظایف مشخص به مناطق مختلف فرستاده میشوند . فعالیت آنها توسط شعبه های مخصوص خبرنگاری روزنامه ها کنترول میشود . درصورتیکه روزنامه بزرگ نه باشد اجرای این وظایف به معاون یاسکرترمسوول سپرده میشود .

اغلب روز نامه های مترقی خبرنگاران غیرحرفوی دارند که به بهترین آنها کارتهای رسمی «خبرنگارغیر حرفوی» نیزداده میشود .خبر نگاران ساکن اصولاً باید :

ـ متشبث ،آزاد منش ،فعال وصاحب جهان بینی وسیع باشند .

ـ شرایط حوزهٔ خودرا درك نموده وبه دگر گونی احتمالی اوضاع پی برند . با اعضای حزب که درحوزهٔ فعالیت وی سکونت دارند، ارتباط قایم نموده و از مشوره های آنان استفاده کنند .

ـ نگذارند رابطه شان بااداره روزنامهٔ مربوط قطع شود. هر لحظه باید درفکردفاع ازمنافع روزنامه خویش باشند . در پهلوی ارسال مطالب به دفتر مرکزی، از چگونگی علاقهٔ مردم به روزنامه نیز باید بطور دوامدار راپور دهند .

ـ تعدادی ازخبر نگاران غیر حرفوی رادر پهلوی خودداشته باشندو آنهارادرقسمت انتخاب و نگارش موضوعات وژانرهای مختلف کمك نمایند .

ـ ادارهٔ روزنامه را بطور دوامدار از وضع وتعداد خوانندهگان مطلع سازند .

ـ ژورنالستان محل‌را ازمشوره هاو کمك های علمی وعملی خود مستفید سازند . *

ارتباط رور نامه با مردم :

چنانچه قبلاً گفته‌شد، نیروی‌روزنامهٔ حـزبی‌در ارتباطوسیع آن با مـر دم وارضـای‌ذوق ونیازمندیهای علاقه مندان تجلی میکند .از ینرو فعـالیتها وتماس مردمی از بزرگترین مسوولیت های یك‌روز نامه نگارمترقی وپیشرو میباشد . وی‌مکلف است درپهلوی انجام وظیفهٔ اصلی خود یعنی‌تهیه ، چاپ وتوزیع‌روز نامه ،به مسوولیت حزبی‌خود نیزجداً توجه کند. فعالیت‌های‌مردمی روزنامه نگاران در رابطه‌با وظایف اصلی‌روزنامه تنظیم شده و در پیشبردامور آن کمك میکند. ذیلا در چند مورد، اینگونه فعالیت ها را در روزنامه توضیح می نماییم:

– تدویر کنفرانسها بهاشتراك خوانندهگان و ارائه راپور اجراآت روزنامه‌به آنان. ایـن کار در واقع نوعی از ملاقات ژورنالستان با همکاران قلمی روزنامه میباشد . بـا برگـزاری این نوع ملاقات ها ، اداره رازنامه نیازمندی، های خواننده گان خودرا در می یابد و از خلال صحبت های ایشان میتواند موضوع ،قهرمان و پروبلم آینده خود را برگزیند. گذشته از آنهم نشینی ژورنالستان با مردم ، اعتبار روزنامه را در میان توده ها بالا برده و رفته رفته بـرتعداد خبر نگاران غیر حرفوی روزنامه خواهد افزود .

ـ برقراری‌روابط‌بامردم‌ازطریق‌سازماندهنده گان‌فعالیت های‌اجتماعی روزنامه‌یعنی اشخاصی که مسئوول توزیع روزنامه در بین مردم و جمع آوری سرمایهٔ لازم برای آن‌میباشند .

---

* درساختمان مطبوعات معاصر افغانستان‌تقسیم‌شعبه‌ها از نظر اختصاص صورت نه گرفته‌است . اکثرروزنامه‌نگاران امورمحوله‌را بدون‌تقسیم وظیفه اجرا میکنند . به‌طور نمونه ساختمان اداری روزنامه‌های‌هیوادوانیس‌قرارذیل است :

رئیس (محرر) ،معاون، سکرتر مسوول ، سه‌محرر (دراین روزنامه‌ها کلمهٔ محرر به شخصی که‌وظیفهٔ ادیت رابرعهده دارد اطلاق میگردد) مـدیر و اعضای شعبهٔ تدقیق ، مـدیر و اعضای شعبه خبرنگاران و مدیر و اعضای شعبه ادیت اخبار .

طوریکه می بینیم شعبه ها را ازلحاظ ساحه وژانر تفکیك نه کرده اند . درین حالت یك خبرنگار واحد هم‌درموضوعات زراعتی خواهدنوشت وهم در موضوعات صنعتی و کلتوری که این کار صدمهٔ شدیدی‌به محتوای نشریه ها می زند .

ـــ تماس بامردم درجریان برگزاری مراسم‌جشنواره های روزنامه . اینگونه مراسم، که غالباً سالی یك مرتبه بر گزار میگردد ، به منزلهٔ ملاقاتهای با شکوه و دلچسپ بین افراد نامتجانس و گونه گون میباشد . طبق معمول درین جشن ها اشخاص معروف و برومندی چون شخصیت های شناخته شدهٔ سیاسی ، هترمندان ورزیده ،نویسنده گان ونقاشان معروف ، نماینده گان واقعی فرهنگ خلق ، اشتراك میورزند . درمیان گذاری شمار های روز ، درینگونه جشن ها ، که بلااستثنا مطبوعات کمونستی تمام‌کشورها ازان برخودارند ، هرچه بیشتر برشکوه‌آن‌می‌افزاید .

ـ تماس باتوده ها ازطریق ریدها (*) ، میزهای مدور ، مباحثه ها ، صحبت با اشخاص وارد وغیره . درهمه این موارد ادارهٔ روزنامه سعی خواهد کرد تا تعداد زیاد فعالین آن وارد صحنهٔ عمل گردند .

ـ ارتباط بامردم ذریعهٔ شعب خبرنگاران غیرحرفوی ، پوسته های نامه نگاری در مؤسسات و نواحی و ازطریق تشکیل مجالس مشورتی خبرنگاران غیر حرفوی . ادارات روزنامه های مترقی سعی میورزند خبرنگاران مردمی شانرا با نشر رساله های مورد نیاز و از طرق‌گوناگون کمك نموده و دربلند بردن دانش حرفوی آنها سهم خود را ادا کنند . هدف عمده ازین کار آنست تا خبرنگاران غیرفعال را که گاهگاهی به اداره نامه می‌نویسند به اعضای فعال اداره تبدیل نمایند .

و بالاخره یك بخش عمدهٔ فعالیت مردمی روزنامه بررسی نامه‌های خواننده گان و موضع گیری مناسب درمقابل‌آنهاست . نامهٔ وارده گرانبها ترین ثروت روزنامهٔ حزبی میباشد . ازهمین لحاظ است که تمام نشریه ها در مقابل ان برخورد محتاطانه دارند . نامه هایی که به اداره واصل میگردد شامل یکی‌ازکته گوری های ذیل خواهد بود :

ـ مکتوب هایی که مطابق روحیهٔ نشریه بوده وباید چاپ شوند . درین حال ضرور است بدون تأخیر به آماده سازی آن جهت چاپ اقدام گردد . هنگام ادیت نامه ها باید دقت کرد تا اصل محتوای آنها صدمه نه بیند . در صورتیکه عقیدهٔ مطروحه در نامه مغایر عقیدهٔ روز نامه

(*) اصطلاح « رید » بازگویندهٔ یکی از عنعنات مطبوعات کمونستی است که طبق ان پرسونل مطبوعات همراه باخبرنگاران غیرحرفوی تصمیم به بررسی وتحقیق یك رویداد یا یك عمل میگیرند . به طور مثال : میخواهند وضع ترانسپورت را در منطقه‌یی یا چگونگی غذا را دریك مؤسسه یامرحلهٔ آماده گی برای کشت و کار را دریك فارم زراعتی تحقیق وبررسی نمایند . این بخش فعالیت مردمی را « رید » گویند .

باشد ولی باز هم اداره به نشر آن علاقمندی نشان دهد، مسوولین امور میتوانند عقیدهٔ مشخص خود را در زمینه بعد از ختم نامه درج نمایند . گاهی نامه های مختلف زیر یك عنوان ثابت به نشر سپرده میشوند و بعضاً تا یك صفحهٔ مکمل به نامه های وارده اختصاص داده میشود ۰ به خاطر باید داشت که هیچ روزنامه یی درجهان قادر نیست تمام نامه های وارده را ، هرچند حاوی موضوعات مهم نیز باشند ، نشر نمایند .

ـ نامه هایی که سر رشتهٔ نگارش یك مقاله یاطرح یك مسأله را به روز نامه نگار میدهد. درصورتیکه چنین باشد و روزنامه نگار بااستفاده از حقایق مندرجـه یك نامهٔ وارده به نگارش مضمونی بپردازد ، مکلف است بطور مستقیم یا غیر مستقیم منبع اصلی حقایق و عقیده را معرفی کند . این شیوهٔ نگارش بیشتر در ژانرهای خلاصهٔ مطبوعات و سرمقاله دیده میشود .

ـ نامه هایی که مطلبی را از شماره های قبلی انتقاد کـرده و یا در حمایت آن حقایـق تازه‌یی ابراز میدارند . درینگونه حالات هر گاه اشکالی وجود نداشته باشد درصفحهٔ مخصوص روزنامه به جواب نامه پرداخته میشود ، درغیر آن با ارسال نامهٔ متقابل حل مطلب میگردد .

ـ نامه هایی که مطالب آن در شرایط موجود بی ارزش است . این چنین نامه ها نیز در ارشیف روزنامه حفظ میگردد تا شاید روزی مندرجات آن مـورد استفاده قرار گـیرد و یا حتی ممکن است هر گز مورد توجه واقع نه شود .

قابل تأکید است که هر نامهٔ وارده بدون درنظرداشت محتوی وسبك آن ، در دفتر روزنامه قید وارده گرفته شده و برای مدت طولانی حفظ میگردد . در کتاب وارده و صادرهٔ روز نامه ، نام فرستندهٔ نامه ، محل سکونت او، تاریخ ورود نامه ، خلص مطلب آن ، چگونگی عکس‌العمل اداره در مقابل ان وسرنوشت نامهٔ وارده به طور دقیق درج میگـردد . به منظور سهـولت در بازیابی نامه ها ضرور است تاهنگام ثبت انهادقت به عمل آید . اداره مکلف است درجواب هر نامهٔ وارده ، صرف نظر از انکه قابل چاپ است یاخیر، نامه یی ارسال دارد .

طرح پلان در روز نامه:

تمام فعالیت های ادارهٔ یك روزنامه باید طبق پلان پیش‌برده شود . پلان معمولاً درنتیجهٔ همکاری وتلاش شعب مربوط طرح میشود وبه طور دسته جمعی ارزیابی وتدقیق میگردد و بعد از تصویب هیأت رهبری روز نامه و کمیتهٔ مربوطـهٔ حزبی قابل تطبیق میگردد . طرح پـلان روزنامه ازموضوعات عمده و ازعناصر ترکیبی سازمان علمی کار روزنامه به شمارمیرود . پلان امکان میدهد تا روزنامه با کار برد شیوه های‌نوین‌از یك شماره تا شمارهٔ دیگر جالب‌تر گردد،

علاقمندی بیشتر مردم‌را جلب نموده و بر تعداد خواننده‌گان خود بیفزاید . پلان روزنامه فعالیت تمام اداره را در مجموع و وظایف هر شعبه وحتی هر عضو را به طور جدا گانه منعکس می سازد . پلان را برای دوره های معین‌زمانی مانند یك سال ، سه ماه و یك ماه تر تیب میدهند . در پلان های سالانه یا چند ماهه نکات اساسی وظایف شعبات مربوط نشانی میگردد . در پلان‌های سه ماهه سعی به عمل می آید تا نویسندهٔ هر مقاله ، تعداد صفحات ، تاریخ نگارش وژانر تخمینی هر مطلب مشخص گردد . پلانی که برای شماره های فوق العاده ترتیب می شود تنها برای همان شماره قابل تطبیق است .

طرح پلان معمولاً از پایین به بالا صورت میگیرد . به این معنی که پلانگذاری با آغاز کار خبرنگار عادی آغاز یافته و مبتنی بران پلان شعبهٔ مربوطه به وجود میآید . سکر تریت روزنامه پلانهای شعبات مختلف را توحید کرده و در پرتو آن پلان عمومی روز نامه را طرح می کند . پلان عمومی بعد از ملاحظهٔ محرر روزنامه و تأیید کمیتهٔ مربوطهٔ حزبی مورد اجرا قرار میگیرد . پلانی که بعد از طی این مراحل به وجود میآید ، دقیقاً سنجیده شده و مطابق روحیه و موجودیت پرسونل اداره میباشد . ازانجاییکه طرح پلان از پایین به بالا صورت میگیرد امکان آن موجود است تا ذوق گروههای مختلف خواننده‌گان در نظر گرفته شده وعقاید آنها در صفحات روز نامه منعکس گردد .

پلان عمومی ، مسایل روز نامه را مشخص میسازد ؛ وظایف شعبات آنرا تفکیك نموده و حوزه های دریافت خبر واطلاع را تعیین می نماید . تنها پلانی را می‌توان دقیق پنداشت و بر اجرای آن نظارت کرد که با درنظر داشت خواسته های متذکره تهیه گردیده باشد .

چنانچه میدانیم حتی بهترین نمونه های پلانهای روز نامه نیز واقعات فوق العاده را که شاید در آینده رخ دهد ، پیش بینی نمیتواند ، ازینرو درج آن در پلان مذکور نیز نا ممکن خواهد بود . بناءً در صورت بروز وقایع فوق العاده و خارج پلان، روز نامه ابتکار را از دست نه داده و با در نظرداشت این اصل که محتوای نشریه از رویداد های مهم زنده‌گی برگزیده میشود ، رخداد تازه را به بهترین نحو انعکاس باید داد .

فصل سوم

فعالیت های ایجادی روز نامه نگار

د ساتیر عمومی پیر امون فعالیت های ایجادی روز نامه نگاران مترقی :

امـر کبیر حزب از انقلابیون میطلبد تـا منظماً مطالب لازم را در مطبوعات نشر نمایند و پیگیرانه با ارگان تبلیغاتی حزب همکاری کنند . زیرا حزبی بودن ، در پهلوی سایر معانی ، مفهوم مبلغ بـودن را نیز دارد . از همین لحاظ بوده است کـه لنین در پـاسخ این سـوال پرسشنامه یی که((شغل شما چیست ؟)) گفته است : ((ژور نالست .))

اکثر روز نامه نگاران مترقی بعد از سالـها تجربه خلای عمدهٔ کـار شانرا کمبود مهارت خبرنگاری خود نشان داده اند . چـرا این مهارت ناقص میباشد ؟ جـواب بسیار ساده است . زیرا نمیتوان ادعا کرد که شخصی با استماع سخنان دیگران یا با انجام‌کاری یا تنها با قرائت مقاله ، فلیتان یا نگارش جالبی ، خبرنگار حرفوی شده است . بـدون فعالیت و آنهم فعالیت منظم و عملی در یکی از ارگان های نشراتی حزبی نمیتوان ژورنالست حرفوی شد .

زیرا همانطوریکه یك متخصص موسیقی بدون آنکه خود مطرب باشد میتواند آهنگی‌را از نگاه فنی بررسی کند ، به همان و تیره با فرا گیری اساسهای عمومی روز نـامه نگاری بـه کـا ر خبر نگاری بهتر میتوان وارد شد .

البته هر تشبث در ساحهٔ روز نامه نگاری قبل از همه به ابتکار شخصی هم وابسته است. بهترین روز نامه نگاران زنده گی را با چشمان خود تماشا کرده ، مطالب را به شیوهٔ خاص خود درك می نمایند و راهی را که مختص به خود شان است دنبال میکنند . هیچ دوروز نامه نگاری را سراغ نه میتوان کرد که حقایق را از عین دیدگاه انتخاب نمایند ، آنها را در قالب همگونی بریزند یا یکسان ابراز عقیده کنند . به عبارت دیگر راه واحد ابراز فکر ، منطق و استدلال همگون در جهان وجود نه دارد (یا وجود آن ممکن نه میباشد .)

پس بر هر تازه وارد قلمرو روز نامه نگاری است تا به خاطر تفکیك سخنش ازسا یرین در همان آغاز کار موقف ، سبك و شیوهٔ خود را مشخص سازد . برای نیل به این آرزو لازم است تا با تجارب چندین سالهٔ هزاران روز نامه نگاری ، که ضمن آن خصلتهای عمومی این رشته معین گردیده است ، آشنایی حاصل کند .

در ین کتاب بعضی از شیوه های اساسی روز نامه نگاری معرفی شده است . خبر نـگاران میتوانند ضمن فعالیت های عملی خود این شیوه ها را تغیر دهند و یا به شیوهٔ خاص در آورند و با امکانات عملی خود تطابق دهند . فقط در چنین موردی روز نامه نگار با اتکأ به‌روشهای متذکره میتواند به آرزو هایش نایل گردد .

برای درك بهتر اهدافی که در مقابل یك روز نامه نگار متعهد حزبی قـرار دارد ازلنین، بزرگترین روز نامه نگار و مبلغ نهضت کمونستی ، که روز نامه نگاری‌را نه تنها پیشه بلکه عقیده میداند ، میآموزیم . وی میگفت ، ژورنالست حقیقی کسی است که وظیفه اش را دوست داشته و شیفتهٔ آن باشد و هم الهام بخش خواننده گان قرار گیرد .

متعهد بودن در روز نامه نگاری کاری است دشوار و پرمسؤولیت وهم نه باید تصور کرد که غایهٔ اساسی کار در مطبوعات کمونستی کسب جاه و جـلال و یـا تحصیل منفعت مـادی میباشد . روزنامه نگاری راهی است دشوار ، پر خم و پیچ و مملو از مسوولیت های شخصی و اجتماعی.وظایف کارمندان مطبوعات انقلابی معمولاً قابل تعویض میباشد . اشخاص‌ناآگاه ، متعصب‌وانتقاد نا پذیر،ژورنالستان خوب حزبی نه خواهند بود . رمز پیروزی روز نامه نـگار متعهد در صداقت بی پایان وی‌به‌کارش‌نهفته است .

پس آیا معیار های عمومی فعالیت ژورنالستیك ، که در تشکل شخصت روز نامــه نگار متعهد مؤثر میباشند ، کدامها اند ؟ رازتأمین مؤفقیت کار مطبوعاتی وی در چیست ؟ وبا کاربرد کدام اصول میتوان ، بدون در نظر داشت شرایط ، مؤفقیت کار مطبوعاتی را تأمین کرد ؟

هرچند روزنامه نگاری کاری است مشکل و باشیوه های گوناگون انجام شده میتواند و برای تأمین مؤفقیت درآن خصوصیات فردی ژورنالست تأثیر زیادی دارد ولی باآنهم اساسهایی وجود دارد که با استفاده ازآن نیل بههدف آسانتر میگردد . این اساسها عبارت اند از :

۱ ـ درك درست هدف وغایهٔ مطالب (مطلبی راکه میخواهی بنویسی بخوبی درك کن) ،
۲ ـ شناخت درست مخاطب یا گروه مشخص خوانندگان (بدان که برای کی می نویسی) ،
۳ ـ فهم ذوق خواننده گان (بدان کهچه چیزی آنانرا بهوجد خواهد آورد)،
۴ ـ مراعات پیگیر موقف حزب (همیشه باحزب همیشه ازموقف حزب) ،
۵ ـ نوشتن دربارهٔ موضوعات واضح وقابل درك (نهمی فهم نهمی نویسم).

مطلبی را کهمیخواهی بنویسی به خوبی درك کن :

اکثر نویسنده گان تازهکار و گاهی حتی نویسنده گان ورزیده نیزدر پایان نــو شتهٔ شان با بن ست مواجه میگردند ونمیتوانند پاراگراف آخری نوشتهٔ خود را، که باید بمثابه نتیجهٔ منطقی سایرپاراگرافها تبارز نماید ، دریابند یادرست افاده کنند . اغلب خواننده گان این گونه مطالب ظاهراً مکمل ولی بدون نتیجه گیری منطقی ، درختم مطالب ، باآنکه حقایق و ارقام فراوان را مرور کرده اند ، خلایی را احساس میکنند .یعنی سوالهایی از قبیل : پس چه ؟ هدف نویسنده از نوشته اش چهبود ؟ چه چیزرامیخواست تبلیغ کند ؟ وغیره نزد خواننده بی پاسخ میماند . بعضاً خواننده اصلا انگیزهٔ نگارش چنین مطلبی رانمیداند . این وضع غالباً هنگامی پیش خواهدآمد که نویسنده نتواند مقصدوهدف اصلی خود را به طور واضح افاده نماید .

هدف اساسی این نیست که آیا نویسنده در اثبات عقیدهاش مؤفق بوده یاخیر و سخن روی پذیرش اظهارات وی توسط خواننده نیز نه میباشد ،بلکه جان مطلب وخلای عمده درآنست که نویسنده باجمع آوری حقایق وارقام فراوانی ، که باهم ارتباط نزدیك منطقی نهدارند وازینرو با اثبات عقیدهٔ وی کمك نه کرده ،خواننده را گمراه ساخته است . تمام خواننده گان ، در حالیکه عقاید گوناگون و بدون رابطه وتسلسل منطقی دریك نوشته گنجانیده شود ،بهبیراهه خواهندرفت.

درك وقبول خبریك رویداد اجتماعی توسط خواننده به محتوا و ارتباط آن با شرایط محل بستگی دارد و خواننده محض بعداز درك آن عکس العملش راتبارز میدهد . پس برای آنکهمؤفق

بوده و توجه‌دیگرانرا به‌نوشتهٔ خودجلب نماییم ویا بحثی‌را پیرامون آن بر انگیزیم، بایددر بارهٔ رویداد های داغ‌وپرارزش‌روز بنویسیم .

فکری که درست توضیح نه شده‌ویانتایج حاصل از آن درست پیوند نخورده باشد ،بی‌تاثیر باقی خواهد ماند . درك و نگهداشت حقایق ونتایج به خصوصیات روانی انسانها ارتباط داشته وروانشناسان ثابت نموده‌اند که‌حقایق (به استثنای حقایق تکراری) هرقدر هم جالب باشند به زودی فراموش میگردند ولی تنهانتایج حقایق اند که‌درحافظه نقش می بندند . نتایج ثبت شده در ذهن ما، درمواقع لازم‌تداعی حقایق‌را ممکن میسازد . به‌خاطر بایدداشت که‌نتایج نیز پاینده ودیر پانه بوده ،دیر یازود فراموش میگردند . دراینصورت یگانه چیزی که واقعاً درذهن‌خواننده حك میشود ، علاقه وارتباط خواننده بامضمون خبر است .

بنابر آن وظیفهٔ اساسی روزنامه نگار انتخاب وتوضیح حقایق و رویداد های مهم زنده گی است . شیوهٔ نگارش باید طوری باشد تاباعث دیر پایی جریان واقعه یاعقیدهٔ مورد نظر دراذهان مردم گردد . بااتکاه به‌این اصل باید انتخاب شیوه بازگویی،حقایق وارقام، دلایل‌واسنادوسبك ابرازعقیده صورت‌پذیرد.خوانندهٔ مطلبی ،که براین شالوده طرح‌ریزی شده ، نه تنها به فکر جدیدی دست خواهدیافت بلکه به‌علت‌منطقی بودن نتیجه شاید مطابق خواست نویسنده به عمل بپردازد .

روز نامه‌نگار بایدقبل ازارائه مطلبی ،خودبه درك‌آن نایل گردد وپیش‌ازآنکه به‌نقش‌نمودن آن در ذهن خواننده بپردازد،خودبه‌این کار اقدام‌نماید. نویسندهٔ اینگونه‌مطالب باید پیش بینی بتواند که عقاید وی دررفتار وکردار خواننده چه عکس‌العمل ایجاد خواهد کرد .هرگاه‌نویسنده خود ماهیت موضوع رادرك نتواند ، نه‌باید نفوذ آن را در ذهن خواننده انتظار داشته باشد .

بدان که برای کی می نویسی :

قبل ازاقدام به نگارش،نویسنده بایدلا اقل به طور روشن بداند که برای کی می نویسد؛ نوشته‌اش را درکدام نشریه چاپ مینماید ونشریه مذکور مورد علاقهٔ کدام طبقات و گروه های اجتماعی‌است . بدون در نظرداشت این‌مساله نه میتوان تصور روشنی در مورد تأثیر احتمالی نوشته‌بر خواننده بدست آورد .

تجارب زنده گی نشان‌میدهد که‌خواننده ، بیننده وشنوندهٔ بیطرف وجود نه دارد و نوشتن برای همه بدون درنظرداشت علایق وتمایلات آنها خطرناك‌است .درپهلوی آن تعدادی‌ازمسایل

عمومی مانند پرتاب اقمارمصنوعی ، مذاکرات صلح بین‌شرق وغرب ، نتایج انتخابات در یك کشور وغیره مورد علاقهٔ عموم بوده و نویسنده میتواند بدون مراعات ذوق گروه های مختلف اجتماعی به‌نشر آن اقدام ورزد .

درمطبوعات حزبی نیزاینگونه مطالب‌عمومی ومورد علاقهٔ همه یااکثریت مردم‌وجوددارند مانند : مقاله های رهبران حزبی، مطالبی پیرامون نهضت‌بین المللی کارگری وغیره .ادارهٔ‌نشریهٔ ترویجی حزب مجبور است‌برای مشخص سازی‌سمت فعالیت‌های آینده وبه‌منظور آشکار سازی جنبه های‌مثبت ومنفی آن، برای دریافت ذوق‌خواننده گان خودبه یك سروی عمومی بپردازد . از آنجاییکه وظیفه اساسی مطبوعات حزبی را تربیهٔ خواننده گان تشکیل میدهد باید مطالب مورد علاقهٔ آنها راجمع آوری ونشر نماید .

روز نامه نگار متعهد باید بخوبی درك نماید که برای که می نویسد ، کدام اشخاص مقاله اش را می خوانند و در بین ایشان کدامها به محتوای آن پی برده می توانند ؟ نویسنده باید بداند که خواننده‌اش کدام بخش موضوع را درك میتواند وکدام بخش‌آن باید بیشتر توضیح گردد . هنگام نگارش باید معلوم گردد که دانش خواننده گان احتمالی موضوع راجع به ارتباط باهمی اشخاص ، در بارهٔ ارتباط بین اشخاص و طبیعت و در مورد ارتباط اشخاص با جامعه تا چه اندازه است . روزنامه نگار باید جداً توجه کند تا موضوعاتی را برگزیند که برای خواننده با ارزش باشد و بروی تاثیر کند .

روز نامه نگار مجبور است در نوشتن موضوع از سرعت کار گیرد در غیرآن خواننده گان مطلب وی را کهنه یافته و در جستجوی تازه گی به سایر وسایل ارتباط همه گانی روی خواهند آورد . عدم ارضای ذوق تازه پسندی خواننده گان از تعداد خواننده گان نشریهٔ انقلابی کاسته و در عین حال ((آب به آسیاب بورژوازی خواهد ریخت)) .

روزنامه نگار هنگام تحریر موضوع باید بداند که خواننده اش شیوه طرح مسأله را به شکل موجود آن درك میتواند؟ آیا کلمات‌مناسب را برای ابراز فکرش برگزیده است و آیا شیوهٔ نگارش موضوع با سطح دانش مردم توافق دارد؟

همچنان نویسنده باید قبل از نوشتن مطلبی تشخیص دهدکه‌آیا نوشته اش نظریات مخالف عقاید روزمره مردم را در بر نه دارد ؟ آیا عقاید مذهبی آنان در خلال نوشته اش پایمال نه میگردد (در صورتی که مطالب از سطح دانش مردم بالا تر باشد امکان سؤتعبیر پیرامون آن بیشتر خواهد بود) و آیا شیوهٔ ارزیابی و قایع در نوشته‌باطرز تلقی مردم (ستیریو تایپها)

تناقص نه دارد . اگر مسأله اینطور باشد و یا نویسنده بخواهد یك فکر مسلط را از بین بردارد باید موضوعات را طوری طرح نماید که بدون ایجاد تضادی ، خواننده خود ، به عقیدهٔ جدید گرایش پیدا کند و یا حد اقل طوری طرح شود که خواننده ، با وجود عدم موافقت با آن ، دلایل کافی برای رد آن تهیه نتواند .

اینست شیوه ها و راهها یکه بدون مراعات آن روز نامه نگار کمتر خواهد توانست خواننده را به دنبال خود بکشاند .

روز نامه نگار جوان ، خبرنگار مردمی ، هنگام نوشتن مطلبی باید مطمئن باشد که خواننده گانش را می شناسد و با آنان ارتباط دارد و یقین حاصل نماید که نوشته اش مورد علاقهٔ عدهٔ زیادی میباشد و بدون خواننده نه خواهد ماند .

نویسنده مجبور است وسایل جلب خواننده را در نویسنده گی بلد باشد . بهترین راه این کار تنظیم درست موضوعات است . به عبارهٔ دیگر هرگاه نوشته به مثابهٔ صحبت دو جانبه بین خواننده و نویسنده ترتیب یابد و یا خواننده انعکاسی از درد ها و رنج های خود را دران دریابد مورد توجه قرارمیگیرد . درین حالت نوشته درست مانند تیری خواهد بود که به هدف می خورد .

لنین از کمونست ها میخواست : « به عمق باید رفت . کیفیت را باید دانست . همه چیز را باید دانست . مردم را باید شناخت . به مردم باید بتوان نزدیك شد . اعتماد مردم را باید جلب کرد . » (۱) به عقیدهٔ لنین شرط اساسی اثر بخشی کار ژورنالست متعهد ، در تهیه اطلاعات پیگیراز موقف واختلافات نیرو های درونی جامعه است که پایه و شالودهٔ افکار عمومی‌در مرحلهٔ مشخص تاریخی بشمار میرود . همانگونه که قبل از بذر تخم ، تشخیص ترکیب خاك وشرایط اقلیمی منطقه ضرور است ، همانگونه هم ژورنالست باید جامعه و مردم خود را بشناسد و بر پایه همین شناخت کار ترویجی و تبلیغی خود را سازمان دهد . پیرامون این امرلنین نوشته است : ما باید « ترکیب و چگونگی گروه های مردم را در هر مسأله و هر مورد دقیقاً تشخیص نماییم ، بهخواست های واقعی ، تلاشها و عقاید انها پی بریم و بدون سهووخطا درجهٔ تأثیر عنعنات و رسوم را برافکار عامه تثبیت نما ییم » . (۲)

---

(۱) لنین . کلیات ، جلد ۴۰ ، ص ۴۹۷ .
(۲) ایضاً ، ص ۳۴۸ .

چطور باید خواننده را برانگیخت ؟

هدف عمدهٔ تمام انواع نفوذ آید یولوژیك ، از جمله نفوذ ژورنالستیك در بین توده ها ، تغییر ویا حداقل تحت تأثیر قرار دادن رفتار و کردار مردم است . مبلغ حزبی ، ضمن تبلیغ عقیده‌یی ، سعی میورزد افکار مردم را در یك مجرای واحد سوق دهد وطرق رفع نیازمندیهای ایشان را ارائه کند . برعلاوه ، مردم را در انتخاب روش اجتماعی و درك موقف طبقاتی شان کمك کرده و نشان دهد که کدام اندیشه‌هاواعمال‌راپیذیرند و علیه کدام روشها واعمال به مبارزه برخیزند . مارکس نوشته است : « هر گاه عقیده بی قلب و شعورمردم را تسخیر کند آنگاه همین عقیده به نیروی مادی وجود انسان تبدیل میگردد . » نتیجهٔ واقعی این سخنان آنست که درك درست یك مفکوره ،مردم را قادر میسازد تا درخم وپیچ زنده گی راه واقعی را در یابند و مطابق به خواست مشخص زمان رفتار نمایند . بنابران روزنامه نگار فقط زمانی موفق خواهد بود که به خواست های مردم پاسخ مثبت و درست بدهد و از منافع ایشان دفاع نماید . هر گاه افراد ارتباطی را بین کلام روزنامه نگار و زنده گی اجتماعی یا فردی خود احساس نمایند ، ممکن است طبق خواست و میل روزنامه نگار به عمل بپردازند.از ینرو راز توافق و پیوند دهی مطلب مورد بحث باواقعیت زنده‌گی ، از مهمترین هنر های روز نامه نگاری است واکثرپیروزی های روزنامه‌نگارنیز به آن بستگی دارد . مهارت‌درین هنر روزنامه نگارراقارده‌میسارد تا همیشه در بارهٔ واقعیتهای عینی وپیرامون مسایل روز مره‌زندگی‌بنویسدوبدینوسیله درحل‌معضلات‌اجتماعی مصدر خدمتی گردد . به‌عبارهٔ دیگر اساس مذکور تاکید میکند که چارچوب موضوعات مطبوعات باید ازبین‌واقعات مهم‌زنده‌گی روزمرهٔ مردم‌انتخاب گردد . لنین درین مورد نوشته است : « ماوظیفه داریم تااعمال خودرا با فعالیت های عملی ومسایل تامین زنده‌گی کارگــران ارتباط دهیم و کارگــران رادر فهم این‌مسایل یاری نماییم . . . کارگران رابایددر شناخت مشکلات شان کمك کرد، آنها را باید تنویر نمود ، در تامین وحدت نظربین آنان سعی بایدکرد و به‌عامترین مسایل کارگــری آنانرا متوجه باید ساخت .» (۱)

طوریکه لنین تأکید ورزیده است بزرگترین وظیفهٔ مطبوعات مترقی شناخت وظایف و مقاصد کارگران وتلاش درجهت رفع نیازمندی های‌ایشان است.

---

(۱) لنین . کلیات، جلد۲ ، ص ۳۰۵ .

واما محك‌شناخت نیازمندیها ومنافع کار گران چیست ؟ برای‌پاسخ به‌این‌سوال به روز نامه نگاران متعهد تأکید میشود تا بطور منظم با کار گران ، دهقانان و سایر زحمتکشان زمینهٔ ملاقاتهایی رافراهم سازند . و ضمن این ملاقاتها حقایق لازم را پیرامون زنده گی ،شرایط کار وضع فامیلی وتعداد اطفال آنان جمع‌آوری کنند . روزنامه‌نگار مکلف‌است درهمه‌جا ، درمجالس درمحل کاریادرخانه‌یا برسرمیز طعام با آنها در تماس‌باشدو به‌تمام‌سخنانی که‌در بازار، درچایخانه یا روی سر کها میشنود دقیقاً توجه کند .

روز نامه‌نگار متعهد وظیفه دارد با وسایل ارتباط همه گانی بورژ وازی آشنایی کامل پیدا کند . مطبوعات بورژوازی را بخواند ، رادیوی آنرا بشنود ،پروگرامهای تلویزیونی اش را تماشا کند . خلاصه اینکه تمام انواع‌نشرات ضدانقلابی رادراختیار داشته باشد. چههمانطوریکه گفته اند انفجار قلعه از داخل سهل تراست، بدون‌آشنایی‌دقیق باتبلیغات بورژوازی‌ازیکطرف نه میتوان اغواگری های‌انحصارات ، فریب‌ونیرنگ سرمایه‌داران ، دروغبافی‌و بهتانزنی‌خاینان رافاش ومحکوم‌ساخت وازسوی‌دیگر اسنادات لازم برای دفاع از منافع کار گران به دست نه خواهد آمد .همانطوریکه میدانیم دفاعی‌واقعی ازمنافع کارگران وانعکاس درست زنده‌گی‌آنها فقط ازطریق‌افشای «انحصار» افکار درجامعهٔ بورژوازی ومحکوم نمودن اغوا گری های سرمایه داران ، که درپروپاگند آنها تبارز میکند ، ممکن میگردد .

اصل « با مردم بودن » علاوه بر عناصر فوق جهات دیگری را نیز دارا میباشد که بر مبنای آن نویسنده با در نظر داشت سطح دانش مردم مطالب خود را ماهرانه و به شیوهٔ معمول و قابل فهم برای خواننده گان همین مطالب می نویسد . تنها در همین حالت میتوان سودی را از نوشتهٔ خود انتظار داشت . از همینجاست که نوشتن برای مردم را مترادف بـا فهمایی و قابل درك بودن مطالب دانسته اند . خواست اساسی دربن زمینه پروردن عقاید به طور مؤثر است تا تبلیغ بـه وجه احسن انجام گردد و عقاید بـه آسانی در خاطره ها باقی ماند . اگر نویسنده یی برای مردم و برای زحمتکشان می نویسد سعی کند تا سلیس و روان ، بدون‌کاربرد عباره ها و اصطلاحات پیچیده و ترکیب های مغلق ادبی ، که برای‌گروه زیادی از خواننده‌گان نامأنوس است ، بنویسد . استفاده از کلمات و عبارات کثیرالمعانی ،که خواننده را پی در یافت معنی اصلی سرگردان ساخته و یا ویرا به حدس و گمان متوسل سازد ، ارزش نوشته را پایین میآورد . ازینرو در انتخاب کلمات باید دقت کرد و عباراتی را بر گزید که در نگاه اول یـا حین شنیدن ، مفهوم گردد .

لنین میگفت که هر روز نامه نگار متعهد باید به شیوهٔ مارکسستی بنویسد. هدف از نوشتن مارکسستی عبارت است از: نگارش کوتاه، عمیق و بدون مبالغه. در همین مورد لنین فورمولی بدین قرار دارد: « حد اکثر مارکسیزم ـ حد اکثر عام فهمی ». هدف لنین از عام فهمی چیست؟ قبل از همه باید گفت که اصطلاح عام فهمی در فورمول فوق هیچگاه معنی ابتذال را نداشته و نیز چنین معنی ندارد که با لطمه زدن به اساسهای زبان یا کاربرد کلمات والفاظ زبان عامیانه، مطلبی قابل درك و فهم میگردد. توسل جویی به این گونه ساخته کاری ها جز فریب سیاسی چیز دیگری در قبال نه خواهد داشت. لنین نوشته است: « بین عام فهمی و ابتذال تفاوت زیادی وجود دارد. نویسنده‌یی که مطابق فهم عامه می‌نویسد سعی خواهد کرد مردم را با عقاید ژرف آشنا سازد و آنها را در فهم علمی واقعات و استخراج نتایج لازمه از آن یاری دهد. به عبارهٔ دیگر نوشتن مطابق به فهم عام، مردم و خواننده گان عادی نشریه را رفته رفته به درك مسایل جدی‌تری آماده می‌سازد. » (۱)

هدف ازین گفته ها آنست که نویسنده نه باید سویه زبان خود را « تا درجهٔ خوانندهٔ عادی تنزل دهد، بلکه وظیفه دارد سویه خوانندهٔ عادی را منظماً و به آهستگی به سویهٔ بالا تری ارتقأ دهد ». (۲)

موقف حزبی: راز مؤفقیت روزنامه نگار متعهد دراین امر نهفته است که وی چگونه میتواند به مثابهٔ نمایندهٔ ارگان حزب خود تبارز نماید و اما باید فهمید که معنی اصطلاح موقف حزبی چیست؟

حزبیت از روز نامه نگار متعهد میطلبدتا از منافع طبقاتی خود و از اصول مندرج در اساسنامه و سایر اسناد حزب دفاع کرده ووظایفی راکه در مرامنامهٔ حزب تعیین گردیده، بدون چون وچرا اجرأ نماید. این گفته ها بدان معنی است که‌روزنامه نگار حزبی درهیچ حالتی‌حق نه دارد از موقف حزب خود طفره رود و به‌منافع طبقه اش خیانت کند.

روز نامه نگار حزبی که داوطلبانه این‌مسؤلیت بزرگ را به عهده میگیرد باید بداندکه ازحمایت یک‌حزب برخوردار است. هرسخن‌وی به‌نماینده گی وسفارش حزب‌است ولذا اساسی ترین هدف‌نوشته هایش را کمک درراه برآورده سازی آرمانهای حزب و طبقهٔ کارگر بین‌المللی تشکیل میدهد و برای لحظه یی نیز باید از مسوولیت بزرگی که بر دوش دارد غافل نه‌گردد. هر خطا، سهل انگاری و اشتباه وی میتواند لطمهٔ بزرگی به داعیه حزب وارد سازد. هر گاه روزنامه نگار متعهد از سیاست جاری و عمومی حزبش انحراف کند عقایدش با نظریات جاری

---

(۱) لنین. کلیات، جلد ۵، ص ۳۵۸.

(۲) لنین. کلیات، جلد ۳۱، ص ۳۷۷.

حزب در تناقض قرار گرفته و خواننده را گمراه خواهد ساخت .

ولی آیا این اندیشه ها واینگونه توصیه ها باعث جز میت و یکسو گرایی ودر نتیجه نادیده انگاشتن واقعیتهای عینی نخواهد گردید ؟ جواب منفی است زیرا عینیت واقعه درتصویر نمودن درست اشکال و نوع یك حادثه و پروسه های اجتماعی آن نهفته است . هر گاه روزنامه نگاری چگونگی دقیق بر خورد های طبقاتی را منعکس سازد ، با حفظ آنکه هر طبقه دران ازمنافع خویش دفاع میکند ، نه تنها واقعیت اصلی وارونه نه خواهدشد، بلکه با این عمل روح‌تازه یی در حقایق خواهد دمید . روزنامه نگار بااینگونه تحلیل های خود ثابت خواهد ساخت که مبارزات طبقاتی ضرورت عینی و واقعیت اجتماعی جوامع طبقاتی استوبه کارگران سهیم درجنبش های انقلابی تفهیم خواهد نمود که تضاد بین آنان وسرمایدار عینیت داشته وروز تا روز به‌نفع آنان عمیقتر میگردد .اثبات ودرك این موضوع ارزش فراوان داشته زحمتکشان را بیدار میسازد و آنها را بیشتر به مبارزات طبقاتی تشویق میکند .

روی این هدف‌لنین نوشته است : «تنها بورژوازی مفکورهٔ عدم حزبیت راتبلیغ میکند .هر شخصی که برای آزادی خود راه مبارزهٔ برون حزبی را انتخاب نموده است یا ماهیت آزادی بورژوازی رانه می‌فهمد یاقصداً آزادی بورژوازی راتلقین میکند ودرنهایت کسی که آگاهانه یا ناآگاهانه دنباله روبورژوازی است ،خواهی نخواهی پیروعقیدهٔ عدم حزبیت نیزمیباشد.»(۱)

در شرایط تشدید مبارزات آیدیولوژیك بین بورژوازی وپرولتاریا،سرمایداران میکوشند منافع طبقاتی خود رابهز حمتکشان دگرگونه جلوه دهند و در عین حال از هر جریان رویزیونستی ومخرب درمارکسیزم ـ لنینیزم حمایت به‌عمل می‌آورند .لذاوظیفهٔ روزنامه نگارمتعهد تنها در دفاع از منافع حزبش خلاصه‌نه شده ،مسوولیت بزرگ تبارز جسورانهٔ موقف حزبی وی ، ضمن نوشته هایش را نیز دربر میگیرد .

ژور نالست حزبی مکلف است مسایل را با قاطعیت و وضوح بیان کند ، روی مهمترین پرابلم ها بحث نماید و اشکارا از عقاید حزبش حمایت به عمل آورد . این پر نسیپ از روز نامه نگار میطلبد تاشیوه یی‌را درنوشته هایش بر گزیند که‌از یکطرف‌بهزحمتکشان اطمینان‌حاصل گردد وازسوی‌دیگردرستی‌راه‌وعقیدهٔ‌حزبش رانشان دهد .این‌هدف‌زمانی بر آورده خواهد شدکه خبرنگار فکرخودرادایماً درخلال حقایق وارقام زندگی واقعی ارائه نماید تاخواننده به‌ساده گی

---

(۱) لنین ،کلیات ،جلد۱۰ ،ص ۶۰ ـ ۶۱ .

موقف حزبی نویسنده رادر آندریافته بتواند . لنین درین مورد تأکید میکند : «مطلق سازی در هیچ موردی خوشایند نیست ولی هر گاه در شرایط بخصوصی مجبور به استفاده از آن گردیم باید آنرا خیلی ساده ونرم مورد استفاده قرار دهیم . » (۱)

تزلزل ناپذیری روز نامه نگار درموقف حزبی وی ،او را کمک میکند که در مبارزه علیه انحراف وروپز یونیزم در تیوری مارکسستی پیروز گردد . چه ایستاده گی در موقف حزبی باعث آن میگردد که روز نامه نگار عقاید مربوطه رابطور قاطع وروشن توضیح کند . دفاع از روش سیاسی حزب نه تنها در مقابل تمام مردم ضرور است بلکه روشن سازی تکتیك وستراتیژی روزمرهٔ حزب برای اعضای آن نیز از ضروریات است . چه آنها مجبوراند اعمال خود را بامحك حزبی یعنی مطبوعات خویش بسنجند تاصواب وخطای آنرا در یابند .

بمنظور حفظ پیگیر موقف حزبی ضرور است تاخبر نگارتمام اسناد حزبی و اسناد جنبش های بین المللی کمونستی رادقیقاً بخواند، درك کند وموقف خودرا درخلال آن تثبیت نماید. وی باید حقایق موافق را از دلایل مخالف تفکیك بتواند . تنهادرچنین حالتی وی خواهد توانست علیه تبلیغ رقبای سیاسی خود بتبلیغ بپردازد .

درپهلوی آن خبرنگار حزبی باید ،بادرنظر داشت اوضاع واحوال ،حساس و دارای سنجش دقیق باشد . مراعات این اصل مخصوصاً درکشورهای لازمی پنداشته میشود که رژیم های ارتجاعی وبورژوازی آنها توانسته اند تااندازه یی ازحیثیت حزب کمونست بکاهند .درین کشور هاحتی گاهی تأکید خبرنگار براصول مارکسیزم ، لنینیزم میتواند لطمه یی بر محبوبیت ارگان نشراتی حزب وارد سازد . لذا درینگونه شرایط که اوضاع رنگ دیگری بخودمیگیرد لازم میافتد بجای اتکای مستقیم برعقاید کمونستی ،سخن ازموقف طبقاتی حزب بمیان آید .

حزبیت ازروزنامه نگارمیخواهد که علیه تمام مظاهر آیدیولوژی بورژوازی به پاخیزد ، در جهت مقابل منافع استثمارگران قرار گیرد وهمه تمایلات سؤ در آیدیولوژی کمونستی را شدیداً محکوم نماید .

چنانچه میدانیم دراوضاع واحوال کنونی تبلیغ مستقیم عقاید بورژوازی کمترصورت میگیرد وبیشتر زیرپردهٔ «اپولونیزم» ، «ماورای طبقات» وغیره بتلقین نظریات ضدکمونستی اقدام میشود. لذایك ژورنالست حزبی بایدتوانایی آنرا داشته باشد تادرپس پرده عبارات اخلاقی ، مذهبی

---

(۱) لنین . کلیات ، جلد ۱۱ ، ص ۱۷۷ .

سیاسی و اجتماعی به‌منافع یك‌طبقه یاحزب پی برد .» (۱) هر گاه روزنامه‌نگارازین طریق به‌درك منافع طبقه یا گروهی که‌به‌اصطلاح زیر پردهٔ مصوؤنیت و تقدس‌جا زده شده، مؤفق گردد، بیشتر امکان خواهد یافت تا موضع طبقاتی اش را مستحکمتر سازد .

انجام خدمت روز نامه نگاری به حزب چنین معنی دارد که روزنامه نگار باید هـر نوشته و مطلبش را بادر نظر داشت وظایف حزب ترتیب کند و هر واقعه‌را برای‌دفاع‌ازمنافــع‌و تعمیم اندیشه های حزب و تبلیغ آن به کار برد . گزینش این شیوه به خاطری پر ارزش است که‌با استفاده ازان روزنامهٔ حزبی میتواند حتی در شرایط فقدان وسایل ضروری تخنیکی ، خواننده گان را در مدار خود نگهداشته و ارزش خویش‌را بالا برد .

سعی باید کرد که حتی به مسایل هنری ، سپورتی ، ادبی ، علمی ، مـطالبی پیـرامون برنامه های رادیو و تلویزیون ،پلان های نشراتی وغیره نیز که در روز نامه مطرح میگرددرنگ سیاسی داده شود زیرا در خلال آن میتوان زنده‌گی بورژوازی را بازنده‌گی‌سوسیالستی مقایسه کرد ، یکی را ستود وان دیگری را نکوهش نمود . آوردن مطالب متذکره در دایره سیاست و ارزش دهی رویداد های اجتماعی بخودی خود نشاندهندهٔ موقف نیرو هـای متخاصم طـبقاتی میباشد . تبلیغ سیاسی از طریق اینگونه مطالب‌مخصوصاً برآنهایی مؤثرخواهد بود که‌به‌سیاست علاقه نه گرفته روز نامه را تنها برای دریافت مطالب سپورتی،پرو گرامهای تلویزیونی وغیره ورق میزنند . روز نامه نگار ورزیده حتی در همین لحظه هم‌وظیفه اش را فراموش‌نه کرده‌هدف خود را از طریق مطالب مورد علاقهٔ خوانندهٔ «مشکل پسند» تلقین میکند . چنا نچـه حتی در خبری راجع به هاکی نیز میتوان مطالب را طوری ترتیب کرد که رنگ و بـوی سیاسی داشته باشد . به عنوان مثال درین مورد میتوان صحنه یی از بازی هاکی را ترسیم نمود و بعداً بـا ذکر مثال ها برخوردها و گستاخی هایی‌راکه در جریان مسابقه‌ظهور کرده نشان داد و آنـرا در مورد تمام زنده‌گی بورژوازی تعمیم بخشید .

نوشتن موضوعات واضح و قابل درك :

در جهان امروزی زنده‌گی به حدی پیچیده و چندین جانبه شده است که بـا یك روز نامه نگار قادر نیست در هر ساحه و راجع به هر موضوع بنویسد . اگر شخصی هم بخواهد چنان کند، نوشتهٔ سطحی ومغایر روحیهٔ زمان به وجود خواهد آورد .

روز نامه نگار باید رشتهٔ خود را معین نماید و دران تخصص حاصل کـند . رشتـه های

---

(۱) لنین . کلیات ، جلد ۲۳ ، ص ۴۷ .

معمولی که روز نامه نگاران میتوانندبر گزینند ،قرار ذیل است :

روابط بین‌المللی ، جنبشهای کارگری، سازمانهای صنفی ، نهضت جوانان ، مسایل‌اجتماعی حقوقی ، علمی ، هنری وغیره . بعد از انتخاب رشته ، روزنامه‌نگارمیتواندمطابق میلش دریکی از شعب مربوطه روزنامه کارکند . فرض کنیم روز نامه نگاری به مسایل بین‌المللی علاقمندی دارد و میخواهد دربارهٔ کشور های خارجی و روابط بین‌آنها بنوسید، پس لازم است نکات‌آتی را در نظرگیرد : فرا گیری زبان خارجی ، درك محتـوای مسایل موجود بین‌المـللی ، تعیین موقعیت جغرافیایی حوزه ییکه دربارهٔ آن باید نوشت و دانستن وضع اقتصادی و سیاسی کشور مورد علاقه .

روزنامه نگاربايد تاريخ ،کلتور، اقتصاد ، ترکیب ملی ، ارزش‌های ملی ، احزاب سیاسی ایدیولوژی مسلط ، جنبشهای کارگری و دهقانی ، ترکیب حلقه های حاکم وسیاست خارجی و داخلی‌کشور های حوزهٔ مورد نظررا بلد باشد . تنها در ینصورت میتوان‌نوشتهٔ‌مفیدی را به اسرع وقت تهیه نمود .

روزنامه نگاری که بدون آماده‌گی قبلی و درك دقیق موضوع به نوشتن و نشر آن اقدام میکند ، در واقع نمیتواند مهمترین نکات موضوع را توضیح دهد ، با سایر موضوعات مشابه جهانی آنرا ارتباط دهد و هدف خویشرا به روشنی ابراز دارد . درینصورت نوشتهٔ وی موجب تمسخرخواننده ، هتك حرمت حزب و خود وی و مورد سوء استفادهٔ دشمنان‌آیدیولوژی مترقی قـرار خوهد گرفت .

هرگاه روز نامه نگار راجع به کار های علمی یک دانشمند تصور روشن نداشته باشد از میتود های تدقیق علمی او آگاه‌نباشد و نه فهمد که درین ساحه قبلاً کدام کار ها انجام یافته است ، نخواهد توانست با دانشمند موصوف مصاحبه مفیدی بعمل آورد . ازینرو روزنامه نگاری که بدون آماده‌گی‌علمی با دانشمندی وارد صحبت میگردد، زبان آنها تفاوت داشته و همدیگر را درك نخواهند توانست ، بخش های عمده‌گفته های او را نه فهمیده و غالباً نخواهد توانست در پهلوی سوالات مطروحه، سوالهای ضمنی را فی البداهه تهیه نموده و بپرسد . طبعاً این گونه مصاحبه ها خسته کننده ، خشك ، موهوم و سطحی جلوه خواهد کرد و حتی ممکن است روزنامه نگار مطالب را ناقص ، تشریحات را نا درست واصطلاحات رابی جابه‌کاربرد .

پس باید دانست که نوشتن در بارهٔ چیزیکه هنوز درك نشده واعتقاد روز نامه نگار بر آن حاصل نه گردیده نا درست و زیان آور است . تأکید میشود که هنگام تألیف مطلبی باید

تشخیص گردد که راجع به مسأله مورد نظر چه تحقیقات تازه یی صورت گرفته و کدام قسمت از نوشته های عمومی یا اختصاصی در مورد موضوع ارزش بیشتری دارد و کدام اشخاص در تحلیل درست رویداد ها و موضوعات همکاری میتوانند . ضمناً باید تثبیت گردد که کدام منابع مؤثق ، قابل اطمینان و با ارزش اند .

برای اینکه درنوشتهٔ روزنامه نگار خطا راه نه یابد ، هیچوقت با منابع نا مؤثق تماس نه گیرد . چه یك تفاوت عمده بین وسایل ارتباط همه گانی کمونستی و وسایل ارتباط همه گانی بورژوازی درآنست که در برابر روز نامه نگار کمونست اهداف زیادی قرار دارد و هرمضمون وی باید واضح و دقیق باشد .

در گزینش منابع اطلاعی دقت باید کرد و تنها مؤثق ترین انها را انتخاب نمود . در صورت بروز شك و تردید در مورد یك اطلاع ، مطالب آن باید فوری تحلیل و ارزیابی گردد و هنگامی به نشر آن اقدام شود که از صحت آن اطمینان حاصل گردد .

یکی از موضوعات عمده یکه هنگام تهیهٔ مطلب باید مد نظر گرفته شود عبارت است از تذکر منبع اطلاع و حقایق وارقام مندرج آن . مرور مجدد نوشته و حصول اطمینان در مورد آن قبل از نشر ، از موضوعات جدی دیگری به حساب میآید .

مروری کوتاه برزند گینامهٔ روز نامه نگاران بزرگ جهان نشان مید هد که آنان حتی یك بار هم مقاله یا اوچرك ناقصی را در وسیله نشراتی خود نشر نکرده اند . آیا راز این مؤفقیت آنها در چیست ؟ باید گفت که کلید این رمز در آنست که آنان مطالب نوشته خود را خوب درك میکنند ، منبع حقایق آنها قابل اعتماد و شیوهٔ نگارش شان روان و قابل فهماست ، اسنادوارقام رابعد از ارزیابی دقیق انتخاب میکنند و غیره . روز نامه نگاران بزرگ محض ازین طریق به اوج شهرت رسیده‌اند . انها در کار خود مهارت زیاد داشته و خود را در برابر هر کلمه و هرسطر نوشتهٔ شان مسوول میدانند .

عدم مراعات نورمهای متذکره ، به شکل سهووتصادف حتی گاهی در زنده‌گی روز نامه نگاران بزرگ نیز اتفاق افتاده و صدمهٔ شدیدی بر شهرت شان وارد نموده است . به طور مثال : یك فلیتان نویس مشهور شوروی که در یکی از نشریه های متنفذ کشور کار میکرد ، یك روز بیماری را شدیداًمورد انتقادقرار دادواورا به نا حق متهم به جرمی نمود . ژورنالست در واقع باعدم مراعات اساسهای مطبوعات شوروی یعنی جستجوی دقیق‌در بارهٔ اطلاع ، دست به کار شد واطلاعاتی را از یك منبع با نفوذ ، ولی نامؤثق ، به دست آورد و به نشر

سپرد . وی حتی اندك ترین زحمتی را هم متحمل نشد تا را جع به شخص مورد نظر تحقیق مزیدی بنماید یا شخصاً باوی صحبت کند . ازینرو نوشته های وی نادرست از آب در آمد و به حیث اتهام محض تلقی گردید که عواقب ناگواری به دنبال داشت . منهم که به ناحق مورد سرزنش قرار گرفته بود ، تحمل نیاورد و درگذشت . مسوولان امور نیز که به حقیقت مساله پی بردند ، فلیتان نویس مذکور را از دفتر وی ، جایی که یك عمر دران به سر برده بود ، اخراج کردند و نشر مضامین وی را در مطبوعات ممنوع اعلام نمودند .

کنجکاوی روزنامه نگار :

هر ژورنالست با تجربه شیوهٔ خاص نگارش و متود به خصوص تحقیق و جستجوی مطالب را داراست ولی تمام آنها کار شانرا برای نوشتن یك مضمون از تحقیق و جستجو روی موضوع آغاز می نمایند .

این بدان معنی است که روز نامه نگار باید قبل از همه تصمیم بگیرد که در بارهٔ چه چیزی می نویسد . تنها در انصورت خواهد توانست موضوع را درست طرح کند و توضیح دهد و فقط از ینطریق میتواند خصوصیات مشخص و جهات ضروری موضوع و ارتباط آن را با سیاست حزب به خواننده باز گوید .

روز نامه نگاری که بطور مثال به مسایل بین المللی می پردازد و همه روزه با انواع گوناگون اطلاعات سروکار دارد ، نه تنها باید قادر باشد در بین حقایق متعدد ، مهمترین آنها را بر گزیند بلکه همچنان باید قابلیت تشخیص جنبه هایی از موضوع را ، که در وسایل دیگر ارتباط همه گانی نمیتواند مورد استفاده قرارگیرد یا تبارز نماید ، نیز داشته باشد . انتخاب حقایق باید طوری صورت گیرد که بکمك ان بتوان عمق مبارزات ایدیولوژیك و خصلت نبرد های طبقاتی را ترسیم کرد؛ مسایل مهم را مورد تأکید قرار داد و به آنها از نگاه حزبی ارزشی قایل شد . ارزش دهی ژورنالست باید درزمینهٔ مطالبی صورت گیرد که به خوانندگان دلچسپ واقع میگردد .

برای اینکه تبلیغ مترقی خصلت تهاجمی پیدا کند ، مبلغ باروزنامه نگار کمونست باید متشبث باشد و کار ایجادی وی زمینه وارد آوردن ضربه های شدید را بر دشمن مساعد سازد و باید در هر حقیقت وهر رقم ، حتی کوچکترین آنها ، سخنی علیه دشمن خود بگنجاند . روزنامه نگار باید کوچکترین امکان را نیز برای مبارزه علیه آید یولوژی دشمن به کار برد . بعد از انتخاب موضوع ، ژورنالست باید بدون تامل را جع به آن بیاندیشد . قدم بعدی وی انتخاب ژانر برای موضوع و درصورت لزوم ساختن

سوژهٔ آن خواهدبود . انتخاب درست ژانر به اصطلاح تیر رابه سوی هدف رهنمایی میکند . به تعقیب انتخاب ژانر وسوژه باید به طرح موضوع اصلی پرداخت . به خاطر طرح مؤفقانهٔ موضوع باید حقایق وارقام ، دلایل واسناد لازمه را پیش از پیش تهیه کرد و عنوان آنرا تعیین نمود . بعداً باید چوکات معینی را برای نوشته طرح ریخت و چارچوب آنراتهیه کرد .

برای درك بهتر مطالب متذکره اینك موضوعی را مورد تحلیل قرار میدهیم :

روز نامه نگاری در بارهٔ یك طیارهٔ بوینگ ۷۲۷ که حامل حسن دوم ، شاه مراکش ، بود و به تاریخ ۱۶ اگست ۱۹۷۲ توسط گروهی از طیارات جنگی باراکت مورد حمله قرار گرفت مطالبی به قرار آتی در دست دارد :

« طبق اطلاع اژانس خبر رسانی رویتر ، حسن دوم بعد از حمله مهاجمین برطیاره اش خود را میخانیك طیاره وانمود ساخته واز طریق بیسیم با طیارات مهاجم تماسی برقرار نمود و گفت که پیلوت و معاون وی کشته شده و شاه جراحات سنگینی بر داشته است . مهاجمین با شنیدن این کلام و حصول اطمینان برآنکه شاه در حال از بین رفتن است ، از حملهٔ مجدد به طیاره صرف نظر کردند . »

بعداً بوینگ در میدان هوایی رباط فرود آمد .

در بارهٔ انچه بعدتر در میدان هوایی مذکور به و قوع پیوست نامه‌نگار فرانسپرس چنین اطلاع میدهد : « در حوالی ساعت ۱۷ و ۲۰ دقیقه ، طیارهٔ حامل شاه مراکش در میدان هوایی رباط فرود آمد و به مجرد نشستن برروی زمین مورد فیر مسلسل قرار گرفت . ولی بعد تر روشن شدکه شاه سه دقیقه قبل ازآغازتیراندازی ، ازطریق سالون مخصوص طیاره بیرون جسته و به جنگلی درحوالی میدان هوایی پناهنده شده است .

درست ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه بود که دو باره صدای پرواز طیارات به گوشم رسید . در نزدیکی من دو شخص مجروح را گذشته بودند . چون خود به دیدن شاه مؤفق‌نه شدم ، در پاسخ سوالم به من اطمینان دادند که به وی‌آسیبی وارد نه شده است . متعاقباً چند اتوموبیل دولتی که از فیر مسلسل بی آسیب مانده بودند ، از میدان بیرون رفتند . »

سپس چار طیارهٔ جنگی فانتوم قصرشاه را در رباط مورد حمله قرار دادند . طبق گزارش های آژانسهای خبررسانی بین المللی ، این حملات مـؤفقیتی در بر نـه داشته است . بزودی قرارگاه قوای هوایی شهر « قونیطره » که پرواز طیارات را سازمان میداد ، تـوسـط عساکر وفادار به حکومت محاصره گردید . شرکت‌کننده‌گان سؤقصد ، شامل هشت پیلوت قوای هوایی

مراکش دستگیرشدند . یك روز بعد ازین حادثه اعلام گردید که شب گذشته جنرال او فکیر وزیر دفاع مراکش ، خودکشی کرده است . بعداً اطلاع دیگری واصل شد مبنی برانکه پنج تن از پیلوتان شرکت کننده در سؤ قصد که در نزدیکی آبنای جبل الطارق مخفی گشته بودند ، توسط انگلیس ها به مقامات مراکش تسلیم داده شدند .

درتمام این مطالب توجه بیشترروزنامه نگاران را مسأله خودکشی جنرال اوفکیرجلب میکرد .

روز ۱۸ اگست محمد بن حییم وزیر داخلهٔ مراکش ضمن کنفرانس مطبوعاتی به شرح واقعه چنین پرداخت : « اعلیحضرت از اوفکیرخواست تابه قصر پادشاهی حاضرشود ، اوفکیر پذیرفت و به زودی به سالونی که وزیر دربارو یاور شاه دران حضور داشتند وارد گردید . جنرال اوفکیر از ایشان پرسید که آیا جگرن کویر که در « قونیطره » کار میکرد نزد اعلیحضرت است ؟ گرچه آنها به وزیر دفاع اطمینان دادند که ازین مسأله بی خبر اند ، اوفکیر با خود اندیشید : « من میدانم که چه سرنوشتی درانتظار من است » . او این را گفت وبا تفنگچه اش انتحار کرد . »

نامه نگار روزنامهٔ النهار بیروت از رباط اطلاع میدهد : « حلقه های حاکمهٔ مراکش معتقدند که ایالات متحدهٔ امریکا ازین سؤ قصد اگاهی قبلی داشته و شاید در تدارك آن نیز سهیم بوده است . » قرار اطلاع این روزنامه « به سختی میتوان باورکرد ، درحالیکه پیلو تهای مراکش طیارات شانرا امادهٔ حمله میسازند و ذخیره های اضافی مواد سوخت میگیرند ، در چنان حالتی بازهم (۴۵۰) نظامی امریکایی مستقر در قرارگاه «قونیطره» ازآن اطلاعی حاصل نه نمایند . »

روزنامهٔ « مغرب انفور ماسیون » بیانیهٔ وزارت خارجهٔ امریکا را به نشر سپرد که دران ادعا میشد (۴۵۰) نظامی امریکایی که درقرارگاه «قونیطره » پیلوت های مراکش را تربیت جنگی میدادند ، هیچگونه رابطه یی با سؤ قصد علیه جان حسن دوم نه دارند .

از تحلیل تمام این اطلاعات سه مطلب اشکار میگردد :

۱ ـ جنرال او فیکر وزیر دفاع کشور خود کشی کرده است .

۲ ـ سؤ قصد علیـه جان شاه از میدان هوایی « قونیطره » ، کـه در انجا (۴۵۰) امریکایی مصروف تعلیمات نظامی هستند ، براه انداخته شده است .

۳ ـ این دومین سؤ قصد از نوع خود در ظرف (۱۳) ماه اخیر بوده است .

بدون شك روزنامه نگار باسوالات آتی رو برو خواهد بود :

۱ ـ جنرال او فکیر چگونه شخصیتی است ؟

۲ ـ آیا عقیدهٔ مربوط به سهمگیری واشنگتن دراین ماجرا صحت دارد ؟

۳ ـ سؤ قصد اول‌علیه جان شاه چگونه پایان یافت وموقف اوفکیردران ازچه‌قرار بود؟

بعد از تحلیل و تدقیق فوری (این نوع مسایل باید به زودی بررسی شوند) روز نامه نگار نتایج ذیل را به دست خواهد اورد :

۱ ـ جنرال اوفکیرماجراجو ترین شخصیت ، نه تنهادرمراکش ، بلکه درتمام شرق عربی است . وی عامل‌اصلی ربودن « بن برکه » رهبرمعروف نهضت انقلابی‌کشورهای عضوشورای جهانی صلح میباشد که بعداً در فرانسه بـه قتل رسید . تمام روزنامه ها و مجـلات فرانسوی آنروز ها نوشتند که اوفکیر نمایندهٔ «سیا» بوده و اسنادی را منتشر ساختند مبنی برانکه شاه مراکش از ترس سی . آی . ای ، به وی احترام میگذارد .

۲ ـ اینکه میگویند منبع‌اصلی سؤقصد علیه جان شاه « سیا » میباشد،بنابردلایل ذیل‌است :

الف ـ گذاشتن ذخایراضافی مواد سوخت درطیارات فانتوم به اذن امریکایی هاصورت گرفته و لذا ناممکن است که ایشان به علت این امر پی نه برند .

ب ـ بعدازانجام اولین حمله بر طیارهٔ شاه در فضای مراکش ، تعدادی ازین طیـارات جهت تجدید مواد سوخت روی زمین نشستند و امریکا ییان به زود ترین فرصت با آنها کمك کردند . چنانچه معلوم گردید ، همین طیارات بعدتر جنگلی‌را که شاه درآن پناهنده شده بود بمباران نمودند .

ج ـ امریکایی ها حتماً ازطریق مخابره صدای شاه را که طالب کمك بود شنیده اند وهم به چشم سرمشاهده کردند که شاه بدون آسیب از طیاره خارج شدوجانب موتر حرکت‌کرد . درچنین حالتی اگر امریکایی ها می‌خواستند به آسانی جلو حملات بعدی گرفته میشد .

د ـ وبالاخره بیانیهٔ عجولانهٔ وزارت خارجهٔ امریکا نه تنها بی گناهی آنکشور را ثابت‌نه توانست بلکه برعکس نقش پشت پردهٔ آ نرا درین ماجرا برملا ساخت .

۳ ـ ماجرای سؤقصد اول برین منوال بود :

شاه حسن دوم به افتخار اعضای کور د پلوماتیك مقیم رباط ضیافتی ترتیب داده بود کـه ناگهان محصلین پوهنتون حربی وارد سالون‌گشته به تیراندازی پرداختند . درین حادثه چندتن از مدعوین و از جملـه سفیر بلجیم به قتل رسیدند و تعداد دیگری مجروح شدند . مهمانان وحشت زده ، خود را به هرسو پرتاب نمودند . شاه به کمك جنرال او فکیر ازین حادثه جان

به‌سلامت برد . جنرال‌مذکور شاه رادراتاقی قفل‌کرده و تا وقتی که‌اطلاع فرو نشینی‌عصیان را حاصل نه‌کرد، درآنجاباقی ماند .

این‌ماجرا درواقع جنبهٔ جدی‌نه داشت زیرامحصلین را در حالت نشه به تیر اندازی تحریك کرده بودند . ولی‌برعکس باعث محبوبیت‌بیشتر اوفکیر نزدشاه گردید . چنانچه بعد ازین‌واقعه اوفکیر ازدوستان نزدیك وندیمان معتمد شاه بشمار میرفت ونه تنها در رأس دستگاه استخباراتی کشور باقی ماند، بلکه رهبری تمام قوای‌مسلح نیز به‌وی سپرده شد .

روزنامه نگار ضمن تحقیقات خود دریافت که حملهٔ محصلین‌به قصرپادشاهی درواقع‌صحنه سازی وزمینه چینی‌اوفکیر برای انجام تحولات بعدی نظامی بود . وی‌می خواست پلان خودرا بعدازتصرف کامل اردو، دستگاه استخباراتی ونیرو های پولیس به‌معرض‌اجرا گذارد . او فکیر توانایی این کار را داشت زیرا برامریکایی هامتکی بود. لذا میتوان نتیجه‌گرفت که نقشهٔ سؤ قصدعلیه جان شاه رادستگاه مرکزی جاسوسی امریکا (سیا) طرح ریخته بود .

به تعقیب آن‌سوالهای دیگری مطرح‌میگردد :مقصد سیاسی امریکا ازین اقدام چه‌بود ؟ شاه درکدام موارد باامریکایی ها اختلاف‌نظر داشت ؟ آیاحسن دوم مخالف اعمال نفوذ امریکادر افریقای شمالی بود ؟

برای پاسخ به‌این‌سوالات تنها حقایق وارقام مربوط به‌سؤقصد کفایت نه میکند . روز نامه نگار مکلف است به تحلیل سیاسی موضوع بپردازد . برای این منظور و به خاطر ارائه اطلاع دقیق به‌خوانندگان ،نویسنده مجبور است‌اسناد بیشتری را جمع آوری نماید .

جریان بعدی ماجرای سؤقصدبدین قراربود : تعدادی ازشرکت کننده‌گان درسؤ قصد که به تحریك اوفکیر دست به‌اینکار زده بودند ، درجبل الطارق پناه گزین شدند ، ولی امریکاییان به خاطر فرونشاندن خشم‌شاه ، ازانگلیس هاخواستند تاپناهنده گان را به زود ترین فرصت به مقامات مراکشی تحویل دهند .

درین هنگام شاه حسن‌دوم از طریق رادیو به جهانیان اعلام داشت که جنرال او فکیر سازماندهندهٔ سؤ قصد بود . مقصد اصلی‌این اقدام‌وی را تأسیس نظام جمهوری نه بلکه به قدرت رسانیدن شهزادهٔ صغیر تشکیل میداد .

این بیانیه از تشویش امریکا بیان کاست . ولی خبر نگار مترقی باز هم به اصطلاح «ورق برنده» رادردست دارد :

ـ اوفکیر سؤ قصد رابراه انداخته است .

ـ او جاسوس معلوم الحال «سیا» میباشد .
ـ امریکایی‌ها علیه «اولادپیغمبر» یعنی حسن دوم توطئه چیده اند .

مطالب فوق برای نوشتن مقالهٔ تحلیلی درمورد تحریکات دوامدار «سیا» کفایت میکند. ولی باید به‌خاطرداشت که وظیفهٔ روزنامه‌نگار کمونست تنها درهمین‌جا خاتمه نمی‌یابد. اومکلف است عواقب وخیم نقشه های ایالات متحده امریکا رادر رابطه باجهان عرب افشا سازد .

دراین ماجرایك نکتهٔ دیگر نیزواضح است : واشنگتن آرزو داشت همانندداردن، حلقهٔ دیگری از زنجیر کشورهای عربی درگیر جنگ بااسراییل‌را برکند . امریکایی‌ها همچنان‌می‌خواستند به‌همکاری بازیچهٔ خویش ،اوفکیر ،نقش‌فعالتری رادر «مغرب متشنج» برعهده گیرند .

درهمین مورد سوالی مطرح‌میگردد : واشنگتن چرانه‌خواست این‌هدف خودرا توسط حسن دوم تحقق بخشد ؟ شایدبه‌علت آنکه امریکایی هااز صداقت‌اوفکیر مطمئن‌بودند، درحالیکه‌امکان داشت «اولادپیغمبر» راه اعراب را درپیش گیرد .

لهذا روز نامه‌نگار مترقی میتواند :

۱ ـ سیاست انحصاری واشنگتن رادرشرق عربی فاش و محکوم نماید . ماجرای سؤ قصد برجان‌شاه مراکش‌اساس این تبلیغ خواهد بود .

۲ ـ عکس العمل مسلمانان افریقای شمالی، شرق نزدیك و میانه‌را در مقابل اعمال ننگین «سیا» تحریك نماید .

۳ ـ ضرورت اخراج امریکایی هارا از میدان هوایی «قونیطره» به شاه مراکش گوشزد سازد .

۴ ـ زمینهٔ فراخوانی پیلوتان مراکشی راکه‌در امریکا مصروف تحصیل اند، فراهم سازد تا یکجا با اسراییلی ها درس نه خوانند وبه عمال «سیا» مبدل نه گردند .

۵ ـ به‌استناد ماجرای حسن‌دوم، به‌فیصل شاه عربستان سعودی وامثال وی، گوشزد نماید که اتکاء برامریکا چنین عواقبی رابه دنبال دارد .

۶ ـ روشن‌سازد که‌در مجموع نکات اتکای امریکا ، درهمه جا اشخاص وعناصرماجراجویی نظیر اوفکیرمیباشند که‌در صورت عدم‌مؤفقیت اقدام شان،آنهارابه دست‌تقدیرمی سپارند .

مرحلهٔ ادیت مطالب :

اینك روز نامه نگار موضوع خویشرا برگزیده است . مضمون اصلی نگارش وی عبارت خواهد بود از فاش و محکوم سازی سیاست ارتجاعی و

انحصاری امریکا بر مبنای مداخلهٔ آنکشور در امور داخلی کشور های عربی . علاوه بر آن روزنامه نگار محدودهٔ مشخص تری نیز دارد که عبارت از سؤ قصد علیه شاه مراکش میباشد . وی همچنان تعدادی از مسایل دیگر مربوط به این سؤقصد را جمع‌آوری نمود تا در زمینهٔ آن دلایل و حقایق لازمه را برای موضوع اصلی خود تهیه نماید . درپهلوی آن ژانر نوشتهٔ خود را نیز برگزیده که عبارت است از نگارش سیاسی در مورد توطئه علیه شاه حسن دوم . وبالاخره آخرین گام وی را در زمینه ، شکلی دهی مضمون‌اصلی نگارش یعنی توضیح سیاست امپریالستی امریکا بمثابه تهدیدی در مقابل تمامیت ارضی کشور های عربی ، تشکیل میدهد .

روزنامه نگاری‌که موضوع متذکره را دنبال نموده ، تمام مطالب ضروری ، حقایق وارقام و دلایل را در اختیار دارد ، لذا میتواند نوشتهٔ خود را با اطمینان خاطر شکل دهد . ولی وی مجبوراست بازهم بیاندیشد و تثبیت نماید که موضوع را با کدام حقایق تازه بیاراید ؛ بـه طور مثال ، اشکار سازد آیا واقعات نظیر آن سابقه داشته است ؛ کدام یک از زمامداران امریکا با این ماجرا ارتباط مستقیم دارد ؛ کدام عنوان و چه شیوهٔ ادبی مطلب را رنگینترجلوه خواهد داد و بالاخره مطلب وی را چه نوع عکس و رسمها تزیین خواهد بخشید .

به تعقیب آن مرحلهٔ طرح پلان نگارش فرا میرسد . لحظهٔ مهم نوشتن یک مقاله از همینجا آغاز می یابد . پلان ، زمینه را فراهم میسازد که تمام مواد دست داشته روی یک هدف متمرکز گردد ؛ مفکورهٔ اصلی درست و مکمل تبارز نماید و حقایق طوری با هم بافته شوند کـه در خدمت مفکورهٔ اصلی قرار گیرند .

نویسنده‌گانی که گمان میبرند طرح پلان شرط ضروری نگارش نیست و آنرا محصول ذهن استادان فن ژورنالیزم میپندارند ، به خطا میروند . البته هستند روز نامه نگارانی که قادر اند مقالات شانرا بدون ترتیب پلان یا بدون تهیهٔ مسودهٔ آن مستقیماً بنویسند . ولی به خاطر باید داشت که تعداد اینگونه نویسنده‌گان ماهرو کار اگاه ، که ستون فقرات نشریه ها نامیده میشوند ، خیلی کم است . پلان این گونه نویسنده‌گان در ذهن ایشان ترتیب شده و به مجرد آنکه قلم و کاغذ را به دست گیرند ، مطالب مورد نظرآنها خود به خود در جا های معینه قرار میگیرد . در واقع نویسنده‌گان ماهر نیز فقط زمانی دست به این کـار میزنند که طرح مسألهٔ اشنا و فهمه را درپیشرو داشته باشند . به عبارت دیگرآنها وقتی بدون پلان به نوشته می پردازند که موضوع زیرکار شان ، درست مانند دهها مقاله یی باشد که قبلاً نشرکرده اند و لذا بر ایشان ، واضح است که نکته اصلی موضوع کدام است ؛ خواننده کدام جنبهٔ انرا میداند وکدام قسمت آن

علاقمندی وی را جلب میتواند ؛ کدام شیوهٔ نگارش بر خواننده مؤثراست و از چه نوع نتیجه گیری ها خوشش میآید . چون اکثر نویسنده گان تازه کار فاقد چنین مهارت ها اند ، لذا ترتیب پلان ازضروریات نوشتهٔ ایشان بشمار میرود .

پلان اسکلیت نگارش ونقشه تأمین شکل گیری منظم فکراست . پلان امکان میدهد که هر مطلب وهرحقیقت طوری درجاهای مشخص قرار گیرد که باساس مطالب و حقایق پیوند منطقی داشته باشد . پلان درواقع وسیلهٔ تبارز فکر اساسی و نکات اصلی موضوع میباشد ودرعین حال زمینهٔ استفاده از حقایق ،اسناد وامثلهٔ گونه گون ومورد کاربرد عبارات وکلمات لازم را مهیا می سازد . بهعبارت دیگر حقایقواسناد بهاصطلاح کلید، کهباید درمقاله مورداستفاده قرارگیرند ،به طور امتحانی وابتدایی (بهشکل مسوده) درپلان آورده میشوند .

چنین مسوده اکثراوقات نویسنده را به کلی قانع نه می سازد و این میرساندکهپلان چیز لایتغییر نبوده ، امکان تعدیل آنهنگام تنظیم نوشتهموجود است تا آنکه مقصد اصلی در روشنی ووضوح بیشتر نمایان گردد .

درجریان ادیت معمولاً جای پارا گرافها، عبارات وکلمات را عوض میکنند ؛ اشتباهاتی راکه درنتیجهٔ سرعتعمل صورت گرفته تحلیل وتصحیح مینمایند؛ وبالاخره هرعباره ییکه برای روشن سازی فکراصلی کمك نهتواند ،کشیده میشود .

توجهباید کرد تاپاراگرفهای نوشته ، باپیوند منطقی ، بتواند فکر را از یك پارا گراف تا پاراگراف دیگر رشددهد ؛ بهطورمثال ، فکر پاراگراف سومنتیجهٔ پاراگراف دومباشد . حقایق وارقام مندرج آنها بایدبه ادامهٔ همدیگر ودر اثبات همدیگر کمك کند . بهاینترتیب نویسنده میتواند بهنتیجهگیری منطقی دستیابد . شیوهٔ نتیجهگیری ازخلال حقایق وارقام یعنی ازجزء به کل رابهاصطلاح «شیوهٔ استقرایی» مینامند .

طریقهٔ فوق یگانهراه نتیجهگیری نهبوده ونویسنده میتواند شیوه های دیگری را درزمینه هم بهکارگیرد ؛ بهطورمثال : ویمیتواند ضمن ارائهٔ مثالی کلی وازطریق نتیجه گیری از آن فکر اساسی خودرا ابراز داردوبعداً بهجزییات به پردازد . این شیوهٔنتیجه گیری یعنی ازکلبه جز را به نام «شیوهٔ تعلیلی» یادکنند .

اینکه نویسنده ، مطالبدستداشتهاش راچگونه بهکارمیبرد وکدام شیوه هایادبی را برای آن بر میگزیند،بهخصوصیتهای هرروزنامه نگار مربوط است.لذا کیفیت نوشته اش فقط بعد از نگارش وهنگام قضاوت رویچگونگی بافت حقایق ، معلومخواهد شد . توصیهٔقبلیدر بارهٔ طرز

نگارش موضوع یاترکیب حقایق وارقام آن ،به کلی نادرست است،زیرا هرنویسنده این کار را به شیوهٔ خاص‌خود انجام میدهد وباهرموضوع مطابق طرز تلقی ودانش ومطابق شیوهٔ تألیف‌خویش برخوردمیکند . از همینجاست که میگویند استقلال در نوشتن ، مهمترین اصل فعالیت روز نامه نگار است .

بعداز انجام کارهای متذکره ژورنالست مکلف است روی‌طرح ساختمان‌نوشته‌اش‌بیاندیشد چه‌بدون طرح چارچوب موضوع ،اجرای مؤفقانه نوشته ناممکن می‌نماید .

پس خبرنگار نوشتهٔ خودرا چگونه وازکجا آغازنماید ؟ آیاضروراست حقیقت جالبتر یا شرح مفصل واقعه درآغاز آورده شود ؟ شاید بهتر باشد مضمون رابا اقتباس یا تصویر و ترسیم صحنه‌یی که‌واقعه درآن جریان‌یافته آغاز کرد . دربن‌قسمت ، طوریکه قبلا تذکر رفت ، هیچ توصیهٔ قبلی برای‌نویسنده وجود نه‌دارد،چه‌آغاز نوشته،جـریان ونتیجه گیری‌ازآن مربوط به شیوهٔ نگارش هرنویسنده است . شاید بتوان از شیوهٔ معمول در مطبوعات اروپایی استفاده کرد .پس درین حال آیانوشته رابا افتتاحیه آغاز نمود ؟

افتتاحیه شکل‌اساسی آغازمطالب خبری میباشد وحتی‌جرایدغربی‌نیزافتتاحیه‌رادرسایر ژانرها مراعـات نه میکنند . افتتاحیه شامل حقیقت کوتاه ولی جالب نوشـه است وعموماً سه‌وظیفهٔ آتی را انجام میدهد :

۱ ـ سه‌سوال اساسی شامل چه، که‌وکجا را پاسخ میدهد .

۲ ـ باابراز جالبترین نکتهٔ موضوع، باعث جلب‌توجه خواننده میگردد .

۳ ـ خواننده رابا فعالین رویداد ، محل وچگونگی آن آشنا میسازد .

پیرامون موضوعات کلی مندرج درافتتاحیه ، درپاراگرافهای بعدی تشریح وتوضیح ارائه میگردد . به‌این ترتیب افتتاحیهٔ ماجرای سؤقصد علیه حسن‌دوم را شاید بتوان اینگونه نوشت :

«درست بعدازآنکه توطئه علیه شاه مراکش در نیمهٔ شب بین ۱۶ و ۱۷ اگست به ناکامی انجامید ، جنرال اوفکیر جاسوس معلوم‌الحال «سیا» خودکشی کرد .»

تشریحات بعدی که‌راجع به‌حقایق افتتاحیه بیشتر روشنی می اندازد،میتواند به شیوه های گوناگونی ارائه گردد . نویسنده شاید به‌اساس پلانی که‌قبلاً طرح کرده عمل‌نماید . وی‌باید از تبارز حقایق جزیی وواقعات کوچکی، که‌صرف بعضی‌ازجوانب فکراصلی را روشن میسازد وارتباط مستقیم باآن نه‌دارد ، جلوگیری کند . چه درغیر آن‌ممکن است فکراساسی‌تحت‌الشعاع جزئیات قرارگرفته وبه‌شکل دیگری جلوه نماید .

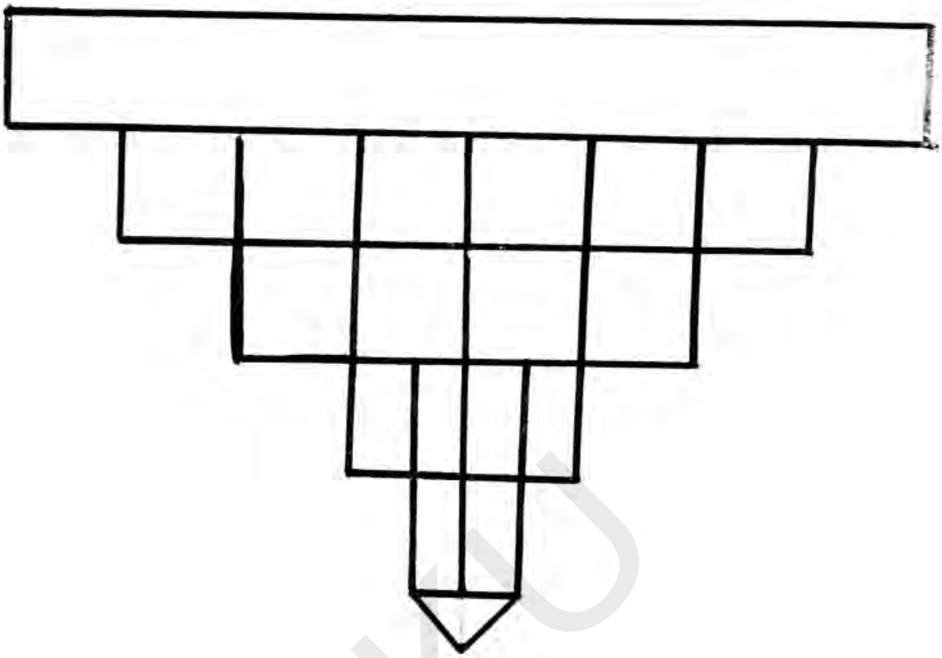
هنگام نوشتن هرمطلبی باید متوجه باریکی اوضاع بود، تا تحت تأثیر مثال هاو وقـایع انگیزنده هدف اصلی متضرر نگردد. برای جلوگیری از چنین حالات نویسنده باید همواره به پلان خودمراجعه نماید وآنرا مدنظر گیرد. هر گاه نویسنده خطایی را در پلانش مشاهده کرد میتواند در عین نگارش موضوع به تصحیح پلان خود نیز بپردازد و ازین طریـق آهسته آهسته «مسودۀ پلان»رابه «شرح پلان» مبدل سازد.

پلان مشروح که بدینوسیله ترتیب‌میگردد نه‌تنها حاوی‌مطالب کلیـدی شرح طلب،بلکه‌شامل توضیحات لازمه دربارۀ آن‌نیزخواهد بود. مرتب اینگونه پلانهاازاول تصمیم میگیرد که بیشتر روی کدام مثالها وحقایق اتکاء نماید وبه‌منظور جالب سازی و درك موضوع کدام حقیقت را در کدام قسمت جادهد. ازینرو پلانهای‌مذکور روح اصلی‌نوشته رادر برداشته ومطلبی که برمبنای آن‌تنظیم میگردد،مکمل وبی عیب خواهد بود.

اینك حقایق وارقام، عقیده وفکر موجوداست، پس‌باید به‌نگارش موضوع پرداخت. این قسمت کار نیز به‌شیوۀ نگارش افتتاحیه شباهت دارد. کلماتی که‌در متن‌به‌کار برده میشوندباید نتایج تحقیقات را انعکاس دهند وخواننده راخودبه‌نتیجه برسانند. نوشته‌باید با نتتجه گیری های روشن پایان یابد، به گونه یی که به آسانی به ذهن سپرده شودو امکان‌فراموشی آن کم باشد. هر گاه‌حقایق اختتامیه‌به طور طبیعی با حقایق‌افتتاحیه ارتباط پیدا کند بهترمیشود، چه دربنصورت آغازو انجام مقاله بمثابۀ دو حلقه‌یکه سایر حلقه‌ها را به هم پیوند داده‌است، تبارز میکند.

نویسنده یی که نوشته اش را با اقتباس ها، مقایسه ها، تشبیهات و استعاره ها، عبارات و کلمات جذاب، ضرب المثل ها، پارچه های منظوم و سایر وسایلی که در فهم موضوع کمك میکند، آرایش میدهددر واقع برمؤ ثریت نوشته اش افزوده وخواننده رامجذوب خود میسازد.

روزنامه نگاران کشور های غربی مطالب خبری را معمولاً به شیوۀ هرم معکوس ترتیب میکنند (شکل اول). حتی در تعیین عنوان و ترتیب متن اخبارنیز ازین شیوه استفاده‌می‌نمایند. مطابق این شیوه مهمترین و اساسی ترین قسمت فکر درآغاز آورده میشود و بـه تعقیب آن پاراگرافهایی قرارمیگیرندکه باارائه تفصیلات، جزییات ومثالها، فکراساسی رامورد‌پشتیبانی قرارمیدهد. درین شیوه خواننده محض با خواندن افتتاحیه،نکات اساسی‌نوشته،محتوای‌مطلب وارزش و ارتباط‌آنرا با خود درك می نماید و در بارۀ خواندن یا نخواندن مطالب بعدی در همینجا تصمیم میگیرد. ترتیب مطالب به شیوۀ هرم معکوس بیشتر در وسایل ارتباط همه گانی و لوله انگیز، که هدف اصلی آنها را وارد نمودن تأثیر روانی بر خواننده یا بیننده تشکیل میدهد نه شعوری، معمول است. البته‌آشنایی با شیوۀ نگارش هرم معکوس برای روزنامه نگار کمونست نیز ضروری‌است، چه مخصوصاً اخباری‌که بااستفاده ازان تهیه میگردد، جالب میباشد.



«شکل اول»

فعالیت روز مرهٔ روزنامه نگار :

روز نامه نگاری پیشهٔ خلاق است و روز نامه نگار باید ،صرف نظراز آنکه حرفوی است یا غیر حرفوی ،توانایی درک منظم واقعیت‌های زنده گی رادارا باشدومنظماً سطح دانش مسلکی خود را بالا برد . نامه نگار درهمه احوال باید متوجه باشد که مسوولیتی به‌دوش دارد و در رخصتی ها ، در حلقهٔ دوستان ، سر راه ، در تیاتر ، هنگام سخنرانی و غیره هیچگاه از پیشه‌اش غافل نشود . او باید تمام اتفاقات وحوادثی راکه‌در محیط ما حول ، در چهره ها ، درطرزسخنرانی ، درخانه وکوچه وبازار اتفاق میافتد ،به آسانی بخاطر بسپاردودرصورت لزوم آنرا یادداشت نماید . او باید باهرشخص مطابق شأن وی رفتار کند واحساس نماید که همه روزه ودر همه جا مشغول کار است . بادیدن رویدادی فوراً بایددربارهٔ نحوهٔ انعکاس وترسیم بهتر آن بیاندیشدومشخص سازد که کدام مطلب راعوض ده ها سطر میتوان به کار برد .

اتکای کامل برحافظه،نویسنده را گمراه میسازد. بساممکن است نویسنده با اتکأبه حافظه مسایل ومطالب‌خیلی مهم و جزئیات عمده وجالب‌را ازدست بدهد. از ینرو نویسندهٔ مطبوعاتی مکلف است هرفکر جدید، هراندیشهٔ نغز، هرسخن زیبا، هرمقایسهٔ فوق العاده، هرواقعهٔ مؤثر هرآگاهی عجیب، هرسخن وعبارت خنده دار، هرضرب المثل گویا، هر حقیقت و سند نادر لطیفه ها،نام اشخاص عجیب وغریب‌وامثال آنرا که در جایی دیده، شنیده یا خوانده است در کتابچهٔ‌یادداشت خودثبت نمایدو هنگام نوشتن مقاله ودر موارد لازم آنهارابه کار برد.

نویسنده گاهی یك‌رویداد عجیب، یك تشبیه نادر، یك عنوان جذاب‌وحتی‌یك سوژهٔ‌ارزشمند رامی‌شنود وبه خاطرمی سپارد تاشاید روزی ازآن استفاده کند ولی درمواقع لازم هرقدر بر حافظه‌اش فشار می‌آورد، تداعی نه‌میگردد وچون‌آنرا ثبت نکرده ازبین میرود. ازین لحاظاست که‌روزنامه‌نگار هنگام خروج ازمنزل بایدقبل‌ازهمه خود را ازجهت داشتن‌قلم‌وکتابچهٔ یاد داشت مطمئن سازد.

طوریکه یك‌مطرب همه‌روزه مشق‌میکند تامگر آهنگ جدیدی بسازد، روزنامه نگار نیز باید هرروز بنویسد وایجاد نماید.روزنامه‌نگار بایدمهارت نگارش درست وجالب‌رادرخود بپروراند، وی‌باید صحیح بنویسد؛ برای‌هرچیز کلمهٔ مناسب دریابد؛ کلمات مترادف را بشناسد و محتوای مطالب آیندهٔ خودرا دقیقا مشخص سازد. این مأمول تنها وقتی برآورده خواهدشد که‌نویسندهٔ مطبوعاتی روزمره مشق کند وایجاد نماید؛ راجع به‌دیده گپها وشنیده گپهایش‌همواره بیاندیشد.

روزنامه‌نگاران ورزیده معمولا خلاصهٔ تمام‌وقایع جالب روز را درمحدودهٔ ارقام، حقایق و اسناد، درکتابچه‌های یادداشت شان‌ثبت می نمایند. ارزش این‌کتابچه ها تنها در ثبت روز مرهٔ وقایع بین آنهاست. برعلاوه، روز نامه نگار باید همه روزه بنویسد و نوشتن را با پی گیری ادامه دهد. این کاروی‌را آماده‌می‌سازدتانوشته های آینده اش‌رابهتر بنویسد وبراملاء و انشای وی تأثیر مثبت دارد. بدون‌تمرین روز مره، ایجاد نوشته های‌جذاب‌و مؤثرناممکن خواهد بود.

روزنامه نگار باید به‌سرعت کارکند. ولی این‌گفته هیچگاه معنی آنرا ندارد که‌کار هارا عجولانه انجام دهد. باید دانست‌که ارزش یك نوشتهٔ اخباری مربوط‌به ساعات‌کاری نخواهد بود که در ایجاد آن صرف میشود بلکه این امر مربوط است به اهمیت واقعی اجتماعی آن، به شیوهٔ طرح موضوع و به مؤثریت آن. روزنامه نگار هنگام نوشتن باید راجع به هر کلمه وهرسطر نوشته خود مکث کند ودرصورت لزوم‌آنراتصحیح نماید وقبل ازانکه موضوع‌تازه‌گی خود را از دست بدهد به نوشتن‌آن بپردازد، زیرا طوریکه میدانیم نوشتن در مورد مطالب کهنه درواقع نشخوار کردن مطالب بی ارزش است.

کار و فعالیت روز مرهٔ خبرنگار یعنی جمع‌آوری حقایق و ارقام ، مرورمضامین مطبوعاتی و ایجاد موضوع،نویسنده را درابرازفکرش یاری میدهد ، ولی نوشتن وتهیهٔ مطالب کاردشواری است و زحمت زیادی را ایجاب مینماید . زیرا برای این کار ، در گام اول ، حقایق وارقام ضرور است و در گام بعدی کار برد مطلوب حقایق و ارقام مطرح بحث است . ازینرو شعار روز نامه نگار باید چنین باشد : « مباد روزیکه هیچ چیز نه نویسی . »

اخلاق روز نامه نگار :

درفن ژورنالیزم ، مانند سایر رشته های اجتماعی و براساس موازین قوانین اخلاقی ،باید شیوه های بخصوص ارتباط با همکاران ، با اشخاص طرف صحبت و دیگران را مراعات نمود و به وظیفهٔ خود عشق داشت . خصوصیات اخلاقی روزنامه نگاران کمونست ازعقاید مارکسستی ـ لنینی آنها سر چشمه میگیرد . روزنامه نگاران مطبوعات کمونستی همچون گروپ واحدی عمل میکنند و چون برای تحقق هدف مشترك مبارزه می نمایند ازفعالیت های همدیگر آگاهی دارند . مطبوعات هیچگاه به دست شخص واحدی نه بوده و نه در خدمت آن قرار دارد . در مطبوعات مترقی حتی بهترین نویسنده گان هم بدون همکاری دیگران مؤفق نه خواهند بود . مطبوعات بورژوازی بیشتر برستاره‌گان جهان نویسنده‌گی تکیه میکند ، مطبوعات کمونستی بـه دسته و جمعیتی از نویسنده گان اتکأدارد ، ازینرو نویسندهٔ مطبوعات کمونستی باید دارای‌خصایل آتی باشد :

ـ منافع نشریه اش را از منافع شخص خود برتر دانسته واز خود خواهی بپرهیزد .

ـ با اتکأبه ولوله انگیزی درنوشته اش ، نه باید بارفقای همکارخود به رقابت پر دازد .

ـ تجارب خود را در اختیار رفقای خویش قرار دهد و بکوشد که خود نیز از تجارب آنها بهره مند گردد .

ـ از انجام هیچ کاری سر باز نه زند ودر صورت لزوم عوض هر کارمند اداره ، انجام وظیفه نماید. درین حال وی مکلف به مراعات پرنسیپ « یکی برای همه‌وهمه برای‌یکی » می باشد .

ـ انتقاد پذیر باشد و دیگران را نیز ، بدون هراس از موقف حزبی یا دولتی آنها (موقف در ادارهٔ روزنامه) ، بی امان انتقاد نماید .

ـ درمورد تمام‌مسایل ، خبرهای‌تازه، موضوعات جالب‌وابتکارات شخصی به‌مشوره بپردازد .

در پایان باید گفت ، ادارهٔ مطبوعات کمونستی که رهگشای آن حزب انقلابی است بـه هیچوجه مخالف تبارز نخبه های جهان نویسنده گی نه می باشد ، بلکه برعکس حزب وظیفهٔ خود میداند نویسنده گان لایق را تربیه کند و امکانات نگارش بهتراً برایشان تهیه نماید . حزب

وظیفه دارد به کار آنها احترام گذارد. تبارز یك نویسندهٔ برومند در داخل یك نشریهٔ انقلابی نه تنها مغایر اهداف مترقی نیست بلکه برعکس وجود وی، حیثیت حزب را در بین مردم بالاخواهد برد. با آنهم به خاطر باید داشت که رشد این شخصیت مستعد باید تنها و تنها در چار چوب کلکتیف روزنامه نگاران صورت گیرد و کار وی نیز باید به حیث بخشی از کارمجموعی محسوب گردد.

فصل چارم

ژانر های روز نامه ها

انواع مطالب روز نامه :

اشکال گونا گون افادهٔ حقایق وابراز فکررا در روزنامه نگاری وادبیات ژانرگویند . در ژورنالیزم ژانر معمولاً با در نظر داشت وسایل ارتباط همه‌گانی به سه دسته : ۱) اخباری، ۲) تحلیلی و ۳) تبلیغی ـ ادبی تقسیم میشود .

ژانر های اخباری رویداد های تازه را به اطلاع می‌رسانند که‌نمونه های آن عبارت است از : خبر ، مصاحبه ، راپور تاژ ، مراسلات و جریانات .

ژانرهای تحلیلی موضوعات مهم وحیاتی رابه صورت کامل و همه جانبه تحلیل و تفسیر می‌نماید که شامل مقاله ، نگارش ، تقریظ ، خلاصهٔ مطبوعات و نامهٔ وارده میگردد .

ژانر های تبلیغی ـ ادبی ، اندیشهٔ نویسنده را به منظور تشویق و تحریك علاقه مند وسیله به اتخاذ ذهنیت به خصوص یا اجرای عمل خاص ، ابراز میدارد .

پامفلیت ، فلیتان ، لحظه ، او چرك ، پرودیه ، اپی گرام و لقمه شامل این دسته میگر دد .

در این کتاب تنها چندنمونه ازژانر های خبری و تحلیلی مورد بررسی قر ار میگیرد .

خبر به‌مثابهٔ ژانر اساسی روز نامه:

خبر نوشته‌یی است که از حقایق ووقایع روزمرهٔ زنده‌گی ، ازرخداد های محیط ، راجع به آنچه دیروز یا امروز بوقوع پیوسته است و راجع به چیزی که در حال وقوع است اطلاع مید هد .

خبر یك ژانر قدیمی مطبوعات است ولی هر چند از عمر آن بیشترسپری میشود به همان اندازه زیادتر طرف توجه مردم قرار میگیرد و خواننده،بیننده وشنو نده روزبه روز مجذوب آن میگردد . علت این امر را میتوان در بالا رفتن سطح دانش مردم ، در گونه گونی وفراوانی نیازمندی های معنوی انسان امروزی ، در سهمگیری‌فعال مردم در حیات سیاسی و اجتماعی‌جامعه‌و در رشد و انکشاف وسیع وسایل ارتباط همه‌گانی جستجو کرد . با رشد سریع وو سیع و سایل ارتباط همه‌گانی تازه ترین‌رخدادها و پدیده های زنده‌گی را با سرعت و صحت تام برای ملیونهاعلاقمند میتوان عرضه کرد .

روزنامه بمثابهٔ نوعی از وسایل ارتباط همه‌گانی هنوز هم بحیث منبع اصلی نشر خبرها باقی مانده و قسمت اعظم صفحات خود را وقف این ژانر مینماید

تعمیم رادیو و تلویزیون در جامعه ، با آنکه ارزش روزنامه را بحیث وسیلهٔ اطلاعدهی از بین نه برد ، ولی باعث دگر گونی هایی‌در نحوهٔ فعالیت آن گردید .

خبر هایی راکه امروز از طریق رادیو ، تلویزیون وروز نامه حاصل میکنیم از لحاظ شکل و هدف به دسته های گو نا گون جدا میشو ند . رادیواصلاع میدهدکه چه چیزی اتفاق افتاده است ، تلویزیون به‌ترسیم و انعکاس واقعه و محیط ماحول آن می‌پردازد و روزنامه نوعیت و چگونگی واقعه را توضیح میدهد . علاوه بران روزنامه نسبت به‌سایر وسایل ارتباط همه‌گانی مزیت دیگری دارد وآن دیرپایی وامکان مرور مجدد مطالب آنست . ازینرو روز نامه حیثیت سند مکتوب را داراست و خدمت بهتری به خواننده انجام می‌دهد . از آنجاییکه در یك شمارهٔ روزنامه از لحاظ موضوع وژانر مطالب گوناگونی از قبیل خبرها،مقاله ها،خلاصه های مطبوعات ، نگارش ها وغیره به نشر میرسد ، خواننده امکان بیشترمی‌یابد تا زنده‌گی را به شکل مکمل آن درك کرده و ارتباط بین بخشهای مختلف زنده‌گی را خوبتر دریابد و به اسباب و علل ارزش واقعات اجتماعی در رشد عمومی جامعه پی‌برد .

خوانندهٔ معاصر نسبت به انسان گذشته جهان بینی وسیعتری دارد،ازین لحاظ علاقهٔ وی نیز به مطالب خبری بیشتراست . درپهلوی آن وی قادراست خبر تازه را با وقایع همگونی که خبر آنرا قبلا خوانده یاشنیده است مقایسه‌کند وازان نتیجهٔ مطلوبی‌حاصل نماید . از همنیجاست که خبر رااز جملهٔ ژانر ها و مطالب اساسی روز نامه میدانند .

مسألهٔ اساسی در زمینهٔ تهیهٔ خبرها تعیین منبع ، حقایق وارقام لازمهٔ خبرهاست . در روز نامه هایی که پرسونل باتجربه و امکانات کافی مادی ـ تخنیکی موجود است ،منابع خبرها را نه تنها اسناد رسمی ، حزبی وغیره تشکیل میدهد ، بلکه نیازمندی آنها به اخبار به ذرایع گوناگون مانند تلی تایپ ، پست و غیره واز منابع مختلفی چون آژانسهای خبررسانی ، وسایل گوناگون ارتباط همه‌گانی خارجی (مانند رادیو ، تلویزیون ، بیانیه های رسمی ، مطالب خبر نگاران حرفوی وغیر حرفوی و امثال آن) مرفوع میگردد .

جراید کوچك ، مخصوصاً نشریه های محلی‌حزبی ، مجبور اندتنها به شعبات فرعی منابع خبری خود اتکا نمایند . علاوه بران طوریکه قبلا تذکررفته وظایف آنها نیز اندکی‌محدودتر است . نامه های خوانندهٔگان ارزش بیشتری برای اینگونه نشریه ها دارد .

ارتباط با زحمتکشان ، از طریق نامه برای روزنامهٔ حزبی ، از مسایل دارای اهمیت درجه اول به شمار میرود . زیرامکاتبه با زحمتکشان از طریق نشریهٔ حزبی باعث‌ایجاد ارتباط حزب باتوده ها میگردد . نامهٔ وارده اگر از یکطرف نشاندهندهٔ طرز برخورد و علاقهٔ زحمتکشان نسبت به روش سیاسی حزب است از سوی دیگر اشکار کنندهٔ علایق و نیازمندیهای روز آنها نیز می باشد .

منابعی را که خبرها ازان بدست میآید به دودستهٔ موثق وناموثق میتوان جدا کرد وبالنتیجه خبرها نیز به‌دو دسته یعنی اخبار ثقه‌وتا موثق یاحقایق واقعی وحقایق تحریف شده و یا اخبار مکمل و ناقص تقسیم میگردد .

از منبع قابل اعتماد همیشه میتوان خبر های حقیقی ومطمئن را ، که‌صحت آن با دلایل و اسنادتأییدگردیده ، به دست آورد . ولی باید گفت که ارزش دهی به منبع و ثقه یا جعلی دانستن آن مربوط به شیوه‌های گوناگون برخورد نسبت به آنست . زیرا میدانیم که قرار گرفتن در ماورای‌طبقات و آنهم در مسایل اجتماعی امکان نه دارد - هر منبع ، صرف نظر از درجهٔ اعتماد آن ، حقیقتی را ابراز میدارد که روز نامه نگاران آنرا بادرنظر داشت موضع‌گیری طبقاتی شان توضیح و تفسیر مینمایند . منبع قابل اعتماد شاید شخص یا مؤسسه‌یی باشد که به خوبی از موضوع آگاه است‌یا ممکن یکی از سهم گیرنده‌گان رویداد یاناظر آن باشد . علاوتاً اسناد ودلایل رسمی رانیز درزمرهٔ منابع قابل اعتماد میتوان به حساب آورد . باید دانست که اطلاعات حاصله از منابع مؤثق حقایقی‌اند

که ردآن کمتر امکان خواهدداشت و برای درك خوبتر آنرا تنها میتوان توضیح دادیا تفسیر کرد. معتبر ترین اطلاع ، خبری خواهد بود که از منبع دست اول تهیه گردیده باشد. از ینرو نویسندهٔ خبر مکلف است برای جلوگیری از اشتباهات ، سنداصلی یاحداقل کاپی آنرا منحیث منبع به کار گیرد.

منبع ناموٌثق آنست که آگاهانه یا ناآگاهانه به جعل حقایق می‌پردازد. اینگونه منابع شاید به علت عدم درك دقیق ، واقعه ها راواورونه جلوه دهند ویا شاید قصداً به منظور رونق تجارت خود وایجاد ولوله انگیزی ، به تحریف حقایق اقدام ورزند. علاوه برآن منابع ناموٌثق دقت لازم را در بررسی و تحلیل اطلاعات به خرچ نه می‌دهند. اشخاص وموٌسساتی که بدون دانش وصلاحیت کافی به تقدیم اطلاعات دست دوم اقدام میورزند، نیز شامل منابع ناموٌثق پنداشته میشوند. گاهی یك تعداد اشخاص به منظور تحقق اهداف شخصی شان به جعل اطلاعات دست میزنند که اینها نیز از منابع ناموٌثق‌اند.

جستجو و دریافت منبع قابل اعتماد اطلاعاتی ، برای تمام وسایل ارتباط همه گانی ضروری است زیرا هیچ نشریه‌یی حاضر نه‌خواهد بود با نشرا کاذیب و جعلیات ، در وغگو جعل کارمعرفی گردد. ولی‌درعین حال وسایل ارتباط همه گانی بورژوازی با تلاش شان درزمینه ـ های سبقت جویی از دیگران ، ولوله‌انگیزی ، مبارزهٔ ضدترقی وغیره قصداً موجب خرابی‌محتوا و ابتذال مطالب میگردند.

مطبوعات بورژوازی باالهام ازمنافع طبقاتی گردانندگان‌آن ، مطالبی را به نشرمی رسانند که‌اکثر آنهادروغ محض ، مصنوعی ، آوازه های فتنه انگیزو حتی جعل‌حقایق‌میباشد. نمونهٔ این کار را میتوان درفعالیت آژانس خبر رسانی فرانسپرس یافت. چنانچه شرکت های مطبوعاتی و آژانس های خبر رسانی ممالك سکندناوی بعد از انکه چندین بار اطلاعات و گزارشهای نادرست فرانسپرس را به نشر سپردند ، درسال ۱۹۷۱ به هیأت مسؤول آژانس مذکور اطلاع دادند که هر گاه بیش ازین اطلاعات جعل رادر اختیار مطبوعات انها بگذارد گزارش های آنرا تحریم خواهند کرد.

اذعان باید کرد که‌جعل کاری ها ، ومخصوصا تهمت علیه کشور های سوسیالستی تنها وظیفهٔ اژانس فرانسپرس نه‌بوده در تمام مطبوعات « بانفوذ » بورژوازی از جمله آژانسهای اسوشیتیدپرس ، یونایتیدپرس انترنشنل ، رویتر و همچنان رادیوهای بی‌بی‌سی و صدای امریکا نیز عمومیت دارد. یگانه تفاوت موجود بین آنها درنحوهٔ گزارش این وسایل است : تعدادی ازانها بی پرده وبولواری تبلیغ میکنند وبرخ‌دیگر ماهرانه‌وپشت پرده.

مساءلهٔ انتخاب منبع مخصوصاً برای مطبوعات کمونستی حایز اهمیت است . ارزش اینکار نه تنها در آنست که مطبوعات مترقی حق دروغگویی نه داشته و نیازمند جعل کاری نه می باشد و نه تنها از آن لحاظ است که مطبوعات مترقی دارای حیثیت بزرگی میباشد، بلکه از آنجهت نیز هست که موقف و موضع گیری طبقاتی مطبوعات مذکور باید منزه بماند و برای این منظور باید اطلاعات دقیق و مسجل را نشر نماید . معلوم است که اکثر وسایل ارتباط همه گانی بورژوازی هر گاه سخن از مبارزات طبقاتی است سعی میورزند تا حقایق را وارونه جلوه دهند و این کار را عملا ، ماهرانه وزیر پرده انجام میدهند . ازینرو بر مطبوعات انقلابی است تا هنگام اقتباس ازمطبوعات بورژوازی دقت لازم را به خرج دهد و ازورود اشتباهات و تناقضات درصفحات روزنامه های مترقی جلوگیری کند .

آیا بهتر نیست استفاده ازاطلاعات منابع بورژوازی را تحریم کرد ؟ نه . درشرایط کنونی اجرای این امر ناممکن است زیرا وسایل ارتباط همه گانی مترقی در کشورهای بورژوازی ووسایل اطلاعی کشورهای سوسیالستی هنوز امکان نه یافته اند بدون استفاده ازمنابع بورژوازی نیازمندی های شانرا رفع نمایند .بدین ملحوظ ازمنابع بورژوازی باید استفاده کرد ، مشروط بر آنکه هنگام کار برد اطلاعات، آنها معلوم گردد که منبع ازکدام طبقهٔ اجتماعی وروش سیاسی حمایت میکند و آیا امکان فریب خبرنگار درین زمینه تاچه اندازه است .

لذا به مجرد حصول اطلاعی ازمنابع بورژوازی، بدون تأخیر باید به بررسی ، تحلیل وارزیابی آن اقدام کرد . برای کسب مؤفقیت درین راه ، روزنامه نگار باید از وسایل ذیل استفاده کند : مراجعه به رساله ها، مقایسه بامطالبی که سایر آژانسها درزمینه به نشرسپرده اند ،مقایسه با حقایقی که درمطبوعات مترقی نشر شده است ویا انجام مصاحبه یی در زمینه باروز نامه نگاران مترقی که باوسایل ارتباط همه گانی بورژوازی همکاری دارند .

هر گاه بنا برملحوظاتی مانند جهانشمولی وشهرت یك رویداد ،نشریه های انقلابی قبل از بررسی مقدماتی مجبور به پخش اطلاعی گردند ،باید همزمان با آن منبع اصلی اطلاع را نیز تذکر دهند تا خواننده بعداز دریافت حقیقت ،نادرستی اطلاع را به نشریه های مترقی نسبت نه دهد . درین گونه مواقع مطبوعات انقلابی شاید افتتاحیهٔ این نوع اطلاعات رابه طور ذیل ترتیب دهد : « تمام روز نامه های انگلیسی ادعا دارند که امروز ... » ، « طوریکه آژانس رویتر تاکید می نماید ...» «قوماندان نیروی نظامی ناتودراروپای شمالغربی اعلام داشت که ...» وغیره . آغاز نوشته های ناموثق بااین جملات، بارمسوولیت را ازشانه های نشریه دور میکند ودر مواقع لازم به سهولت میتواند ازحیثیت خود دفاع نماید؛ بطور مثال : در نوامبر ۱۹۷۲ تمام وسایل ارتباط همه گانی

بورژوازی هیاهویی را مبنی بر آنکه گویا یك تحت‌البحری شوروی نیز هنگام تمرین نیرو های دریایی ناتو در خلیج ناروی مشاهده گردیده، براه انداختند. بنابر اطلاع و تأکید مقامات رسمی روزنامهٔ کمونستی دنمارك بنام «لانداو گث فولك» نیز با ذکر منبع اطلاع به نشر آن اقدام کرد. کمونست ها این کار را از روی مجبوریت انجام دادند زیرا در غیر آن لطمهٔ شدیدی به حیثیت حزب وارد میگردید. روزنامه، تنها به درج مختصر اطلاع اکتفا کرد و منتظر ماند تا در صورت اثبات صحت خبر، به شرح علل ورود تحت البحری به آبهای ناروی اقدام کند. بعد تر «لاند اوگث فولك» فلیتانی را ازروزنامهٔ پراودا اقتباس کرد که ضمن آن جعلی بودن این ادعا اثبات میگردید. چند روز بعد هنگامیکه دقیقاً واضح شد ماجرای و رود تحت البحری شوروی به آبهای ناروی از اتهامات نوبتی ناتومی باشد، ارگان حزب کمونست دنمارك نگارشی را تهیه و به نشرسپردوطی آن موضع گیری مشخص خودرا درقبال این رویداد روشن ساخت.

برای آنکه خبری را، بدون در نظر داشت آنکه طویل است یا کوتاه، مکمل نمود، کدام خواسته ها را باید بر آورده ساخت؟ با مراعات دقیق فورمول سه سوال اساسی، چه، که و کجا (*) میتوان به این هدف دست یازید. هرگاه روز نامه نگاری تمام این سوالات را یا مهمترین آنها را به طور مستقیم پاسخ دهد، باید مطمئن باشد که حس کنجکاوی خواننده را تسکین بخشیده است. شرح مزید یا ارزش دهی رویداد از وظایف ژانر های دیگری است که باز هر کدام آنها مجبور به مراعات این فورمول میباشند.

روز نامه نگار مکلف است به هر یکی از این سوالات پاسخ مناسب آماده داشته باشد و آنرا عرضه کند. هر گاه خواننده حداقل به یك سوال خود پاسخی در یافت ندارد، مجبور میگردد به وسایل ارتباط همه گانی بورژوازی روی آورد که این درست عکس خواست مطبوعات انقلابی است. چه خواننده یی که به جای مطبوعات انقلابی عطش اطلاعاتی خود را ازخلال مطبوعات بورژوازی فرومی نشاند، در واقع رویداد ها را از نظر طبقاتی نا درست در یافت داشته ودر نتیجه از جریان انقلابی دور می رود.

ضرور نیست که هر خبر حاوی پاسخ به سوالات اساسی باشد. غالباً پاسخ یك سوال ضمن جواب دهی به سوال دیگر توضیح میشود و ضرورت شرح مزید آن باقی نه می ماند. به‌طور مثال: در یکی از فابریکه های صنعتی یك شهر اعتصابی در جریان بود. خواننده‌گان محلی

(*) بعضی از محققان خبرنگاری برای تکمیل یك خبر شش سوال اساسی (چه، چرا، چطور، که، کجا و کی) راضروری میدانند.

طی چند روز اعتصاب علل و محرکان آن ، خواسته های کار گران و موضع گیری مالکان فابریکه را در مقابل آنها در یافتند . تاریخ آغاز اعتصاب نیز معلوم گردید . فرضاً اعتصاب با پیروزی کارگران به پایان رسید . روزنامهٔ محلی خبری را با این افتتاحیه نشر خواهد کرد :
« امروز مالکان ری آلتو به خواسته های کارگران پاسخ مثبت دادند . فردا سیزده هم جنوری کار ازنو آغاز می‌گردد فعالین‌اعتصاب که ازفابریکه اخراج شده بودند به کـار هـای شـان برگشتند . » دراین خبر به سوال « کی» پاسخی وجود ندارد ولی محتوای خبرجواب ضمنی آنرا درخود نهفته دارد . همچنان « چرا » ی این خبر بی جواب مانده که دراین خبر ضرورتی به آن احساس نه می گردد زیرا خواننده همه روزه درجریان‌واقعات‌مربوط‌به‌اعتصاب‌قرارداشت .
تصمیم در مـورد اینکه کـدام سـوال را واضـح ومشخـص و کـدا‌یك را غیـر مستقیم باید پاسخ‌داد ، مربوط‌به‌چگونگی واقعه‌است ودرهرواقعه به‌گونه یی تبارز می‌یابد . خبر اعتصابی ، که‌در کارخانهٔ «ری‌آلتو» به‌وقوع پیوسته، درصفحهٔ یك نشریهٔ سر تا سری کشور که غالباً درمرکز کشور چاپ میگردد، به‌شکل‌دیگری تنظیم خواهدشد. این نشریه مکلف است که توضیح نماید‌اعتصاب در کدام شهر صورت گرفته ، برای چه‌مدتی ادامه داشت ، کار گران از نتیجهٔ‌آن کدام‌امتیازات رانصیب گشتند، چرامالکان فابریکه درمقابل خواستهای آ ان‌تسلیم‌شدند وغیره . جواب مفصل به‌همهٔ این‌سوالها به‌خاطری ضروراست که‌مردم مرکز از جریان‌و چگونگی اعتصاب آگاهی کامل نه‌دارند .

ادارات‌روزنامه هاهمه‌روزه تعدادزیاد اخبار رابه‌دست‌میآورند ولی تنها معدودی از آنها را به‌نشرمی‌سپارند . پس چه‌باید‌کرد که‌بهترین آنها برگزیده شوند، حقایق ضروری، رویداد های مهم ، نامها و ارقام مندرج در آنها فراموش نه‌گردد ، ولوله درآن راه نه‌یابد وهرمطلب منتشره تأثیری بر مغز خواننده ازخود به جا گذارد ؟

برای این‌منظور لازم‌است تمام خبرهای‌واصله به دو کته گوری تقسیم گردد : اخبار مهم واصلی واخبار درجه‌دوم . این‌تقسیم بندی نمایانگر ارزش‌سیاسی مطالب وارده بوده و نیز نشان میدهد که کار برد کدام مطلب ضروری وچه مطالبی موافق خواست حزب است .

روزنامه‌نگار متعهد وظیفه دارد هنگام‌نوشتن خبری، به‌سوالهای آتی پاسخ‌روشن‌داشته‌باشد:
ـ آیا بااستفاده ازچه‌چیزی میتوان‌ازموقف حزب‌بوجه احسن دفاع کرد ؟
ـ آیاآنچه مورد استفاده قرار گرفته باپروبلم های‌اصلی سیاسی روز که حایزاهمیت درجه اول اند ارتباط پیدا میکنند ؟

ـ آیا چه‌نوع مطالب را باید به نشر سپرد تامهمترین مسایل زنده گی بین‌المللی را منعکس سازد ؟

ـ آیا خبر مامطالب مهمی پیرامون موضوعات جدی داخلی وزنده‌گی سیاسی کشور ، در خود نهفته دارد ؟

ـ آیاخبر تهیه شده ازنگاه آیدیالوژی باحزب سازگاری دارد ؟

ـ آیا خبردر جلو گیری ازگسترش عقاید ضدانقلابی مؤثر خواهد افتاد ؟

ـ یااستفاده‌از کدام‌مطالب‌میتوان‌ستریو تیپهای مطلوب کمونستی رادر مغز خواننده بوجود آوردوعقاید مخالف را از بین برد ؟

هرخبری که بادرنظرداشت اساسات متذکره تهیه گردد برای‌مطبوعات کمونستی حایز اهمیت فراوان می‌باشد . ولی‌به خاطر باید داشت که‌هدایات متذکره به تنهایی کفایت‌نه‌می کند ودرین زمینه به‌عناصر دیگری نیزباید توجه داشت . زیرا هنگام خبرتنها مفیدیت آن مدنظر نیست بلکه انتخاب کننده‌گان خبررا، مطابق سیاست مشخص اخباری ارزیابی میکنند و مطابق نقشهٔ مطروحهٔ شان‌عمل‌می نمایند .

تهیهٔ خبربراساس‌پلان روزنامه بمعنی تطابق‌آن با موضوعات مشخص ، پروبلمهای مشخص وروزهای معینی است که‌به‌نحوی ازآنحاء باسیاست حزب پیوند دارد . ازینروخبرتهیه‌شده باید خدمتی را در زمینهٔ برآورده سازی‌آرمانهای انقلابی انجام‌دهد .روزنامه نگر ر مطبوعات مترقی باید پیش‌از پیش بداند که‌خبرش درحل کدام معضلات مؤثرخواهد افتاد ووجود چه چیز اضافی در زمینه لازم‌است وی‌همچنان بایدباخود بسنجد که کدام‌مطالب را به‌منظور آگاهی‌متداوم‌اعضای حزب وسایر خواننده‌گان هم‌روزه نشرنماید وآنرابا کدام حقایق تازه بیاراید. علاوه بر آن روزنامه نگار مترقی بایدهمیشه مهمترین سنه‌های‌تاریخی رابه‌خاطر داشته‌باشد. این‌سنه‌هامیتوانند تاریخ پیروزی انقلاب‌اکتوبر، تاریخ تاسیس حزب ،اول می، روز استقلال کشور وغیره باشند. روزنامه نگار باید از روش‌سازماندهی وسیاسی آینده‌حزب ورقبای آن آگاهی داشته‌باشد. (مثلاً موضع گیری درانتخابات پارلمانی ، تدارک کنگرهٔ حزب ،کنگرهٔ اتحادیه‌های‌صنفی‌وامثال‌آن). روزنامه مکلف است خواننده گانش را هنگام این‌نوع مبارزه ها باضروری ترین‌مطالب‌وحقایق آشنا سازد .

خبرروزنامه تنهااز تازه گی برخوردار نه‌بوده بلکه مشتمل بر مجموعهٔ حقایق و ارقامی نیز خواهدبود که ازمهمترین مسایل‌زنده گی روز حکایت میکند . حقایق مذکور به یکبار‌ه گی‌تهیه‌نه شده بلکه به‌تدریج طی مدتی جمع‌آوری میگردد .

کارگرد آوری حقایق ضروری بعهدهٔ ادارهٔ روزنامه یا خبرنگار مربوط آنست . هر کارمند روز نامه مطابق دلخواه وبراساس ساحهٔ کارش به‌گردآوری مطالب می پردازد . ادارهٔ روز نامه حقایق بیشتری را ، به قسم‌احتیاطی ، درمورد رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی نیز گرد میآورد . این گفته میرساند که ادارهٔ روزنامه باید درمقابل هرپیشآمدغیرمترقبهٔ‌زنده گی آماده گی‌قبلی‌داشته‌باشد.

درادارات روزنامه هاغالباً موااداحتیاطی رابرای موارد ذیل گردآوری میکنند :

۱ ـ راجع به‌اشخاص گونه‌گون (شخصیت های‌اجتماعی وسیاسی ،نماینده گان هنرو کلتور اشخاص معروف تاریخی وامثال آن .)

۲ ـدربارهٔ سازمانها (احزاب سیاسی ، اتحادیه های صنفی ، گروپ های اجتماعی وغیره درمحدودهٔ یك‌یا چند کشور) .

۳ ـ راجع به مؤسسات وسازمانها(پارلمان ، وزارت‌خانه‌هاو امثال‌آن).

۴ ـ راجع به‌مهمترین وقایع‌تاریخی که‌نقشی رادر سرنوشت بشریت ،در سرنوشت نهضت بین‌المللی کارگری و آزادی بخش ملی، بازی‌نموده باشد .

۵ ـ راجع به‌جا هاو کشورها(مرکز کشور، شهرهای‌بزرگ ،مردم، احزاب سیاسی،سکتور های اقتصادی وغیره) .

چرا باید زحمت جمع‌آوری اینگونه مطالب رابرخود هموارنمود ؟ برای پاسخ روشن به این سوال تصور کنیم در کشوری صدراعظم جدید بر گزیده میشود . خواننده می خواهد روش سیاسی شخص مذکور را بداند، هرگاه روزنامه ضروری ترین‌اطلاعات‌رادرمورد اشخاص‌سیاسی موجود داشته باشد ،به‌سهولت میتواند مردم‌را درجریان واقعیت قراردهد .

یا فرض کنیم دریکی از کشور های جهان تغییرات دولتی بوقوع‌پیوسته است .روزنامه‌نگار در صورت موجودیت آرشیف مکمل، میتواند با مراجعه به آن خواننده گانش را از چگونگی رژیم سرنگون شده وخصایل نیروهاییکه جدیداً قدرت را بدست گرفته اند ،آشنا سازد.

برای روشنی بیشتر این موضوع مثال دیگری را ذکر میکنیم : لیگ دفاع از یهودیان مطالب اغوا کننده یی را با محتوای ضد کمونستی به نشر می سپارد . خواننده آرزو دارد گذشتهٔ تاریخی این سازمان را بداند . روز نامه نگار با مراجعه به آرشیف ،مطالب روزنامه، به ساده‌گی میتواند پرده از روی این سازمان شوونیستی بر دارد و از تأثیر مطالب آن در بین مـردم بـکاهـد .

هر قدر راجع به سیاست خبری ، راجع به خبر در مطبوعات گفته شود ، باز به این نتیجه می رسیم که خبر در مطبوعات حتماً در خدمت سیاست است و برای نیل به هدف معینی به کار برده میشود . خبر از آیدیال های حزب دفاع کرده و منافع طبقاتی راانعکاس میدهد . پس درین حالت چگونه میتوان عینیت را در خبر مراعات کرد ؟ آیا ارقام و حقایق زنده گی دگرگون شونده هست ؟

پاسخ این سوالها ارتباط دارد به آنکه نویسنده بی حقایق و ارقام را از کدام عینك مشاهده میکند واز عینیت رویداد ها چه برداشتی دارد . این موضوع را ضمن مثالی توضیح میدهیم :

حقیقت واحد سالهای اول انقلاب اکتوبر را آنروزها دو نویسندهٔ مختلف به دوگونهٔ کاملا متفاوت ترسیم کرده اند . یکی آن نویسندهٔ آیدیالست انگلیس « هربرت ویلز » و دیگرش کمونست معروف و نویسندهٔ شهیرالمانی « کلاره څتکین » بود . اولی ، درآن رویداد ها سرآغاززوال تمدن را میدید و دومی آغاز زوال جهان کهن و بر ویرانه هایآن اعمار زنده گی نوین را. حقیقت واحداز نظریکی گذاربه قهقراوازدیدگاه دیگری گامی به پیش است . څتکین وقایع سالهای بعداز انقلاب اکتوبر را تحلیل کرد ودرآن نشانه های رشد تاریخی رادر یافت ولی ویلز باوجود آنکه نویسندهٔ معروفی بود ، از مرز منافع طبقاتی خود یعنی منافع بورژوازی دورنه رفت ولذا نتوانست رشد قانونمند جامعهٔ روسیهٔ آنروز را درك کند . چون او به طبقهٔ بورژوازی کشورش تعلق داشت به حقایق روسیهٔ شوروی نیزاز همین دیدگاه مینگریست واز همینجا بود که وی اضمحلال اساسات بورژوازی رادر روسیه فاجعه یی پنداشته است .

در واقع مسألهٔ آشکار سازی ارزش اجتماعی حقایق ومعلوم نمودن تاثیراطلاعی یك واقعه مربوط به آشکار سازی درجهٔ تبارز موقف طبقاتی خبر نگار است. در رابطه باآن باید گفت که علاقهٔ روزنامه نگاران بورژوازی بهاخبار تاعلاقهٔ ژورنالستان مترقی نسبت بهآن تفاوت کلی دارد .

کمونستها صریحاً میگویند که از مجموع حقایق وواقعیتهایزنده گی فقطآنهایی رابرگزیده ونشرمیکنند کهبار وشن سازی صحنه های مبارزات طبقاتی ، باترسیم اختلافات در انکشاف جوامع وامثال آن کمك میتواند . روزنامه نگاران مترقی ماهیت عقاید شانرابه طور عینی شرح میدهند،سیاست حزب رادرعمل پیاده میکنند وتنهااز موضع زحمتکشاندر جوامع طبقاتی دفاع به عمل میآورند.

روزنامه نگاران بورژوای ادعادارند که حقایق ووقایع رابدون انتخاب ، بیطرفانه وبدون موضع گیری طبقاتی انعکاس میدهند و بدین وسیله صحنهٔ عمومی زنده گی‌را مجسم می سازند . ولی این ادعای محض است . نویسنده گان بورژوازی با این چنین ادعاهای شان تلاش دارند افرادزود باور ، خواننده گان کم دانش و مردم بی اطلاع از رویداد های مهم زنده گی‌را ، ازپی خود بکشانند . این نوع مطالب مخصوصاً برآنهایی بیشتر مؤثر میافتد که به موجودیت اخبار بیطرف عینی عقیده دارند و آنهایی هم که منافع طبقاتی و بالوسیله منافع فردی خویشرا فراموش کرده‌اند ، نیز شاید به این گونه خبرها معتقد باشند . افرادمذکور به‌آسانی فریب‌سخن‌پردازی‌های‌ولوله‌انگیزمطبوعات بورژوازی‌را می‌خورند.

واضح است که تمام مطالب ، قبل ازنشرازفلترهای مختلفی میگذرد تابه‌کلی « پاك گردد » و آمادهٔ نشرشود.دراینجاروح‌سخن‌اینست که فلتر کننده گان کیانندوآنها برای چه و بخاطر که به تصحیح و تدوین مطالب می‌پردازند .

در مسألهٔ سیاست خبری نشریه‌های کمونستی ، گاهی این سوال پیش میاید که‌آیا مطبوعات انقلابی نیز مانند مطبوعات بورژوازی میتواند ازولوله انگیزی استفاده کند؟ جواب این سوال ساده ومربوط به عینیت واقعه میباشد . گرچه مطبوعات مترقی مخالف ولوله هایی است که نشریه های بورژوازی به شکل بازاری همه روزه برای نشر آن تلاش دارد و به‌کمك آن میخواهند توجه زحمتکشان را از واقعیات زنده گی منحرف سازد . باآنهم ولوله های عینی و مطالب روح انگیزی که خواننده گان را با مهمترین انکشافات نهضت طبقاتی ، با وقایع تاریخی و اجتماعی،باواقعاتی حاکی از زوال ناپذیری قوهٔ درك انسانی آشنا میسازد در مطبوعات انقلابی نیز جوازدارد .

مصاحبه :

اصطلاح مصاحبه‌از کلمهٔ انگلیسی (interview) معنی‌صحبت‌روزنامه‌نگاریا گروهی‌ازروزنامه نگاران را باشخص یا جمعی از افراد میرساند . وظیفهٔ اصلی این ژانر انعکاس طرز تلقی و موضع گیری یك‌شخص باصلاحیت‌در قبال یك رویداداست.

ازراه مصاحبه میتوان تاثیر عمیقتری برافکار عمومی وارد ساخت . البته این کار از طریق انعکاس عقاید وطرز تلقی های افراد با صلاحیت وبررسی و تحلیل نتایج وعلل یك رویداد توسط ایشان صورت می پذیرد .

انسان همچون آتش فشانی است که‌پی بردن به شخصیت باطنی وی کار و تلاش زیادی را ایجاب مینماید. وظیفهٔ ژورنالست آنست تادر کمترین زمان ممکن به قلب ووجدان شخص موردنظر راه یابد ونه تنهاراه‌یابد بلکه آنرا انعکاس دهد.

مفیدیت و مؤثریت یك مصاحبه مربوط است به اینکه روزنامه نگارتا کدام حدتوانسته‌است شخص طرف مصاحبه را در مورد یك رویدادبه خصوص به اظهار نظر کامل وا دارد وتا چه اندازه امکان یافته است این فکررازبیاتر ودقیقتر درك کند وانعکاس دهد. مصاحبه ازمؤثرترین ژانر های خبری بوده و غالباً مطالب آن طرف توجه قرار میگیرد. در صورت رهبری درست وانجام نیکوی آن، مصاحبه کننده شاید به موادومطالب مهم سیاسی‌دست یابد. روزنامه نگار هنگام اجرای مصاحبه بعضاً وظایف دشواری را درپیش خواهد داشت. مخصوصاًهنگامیکه طرف مصاحبه شخصیت معروف سیاسی ولی‌ازنگاه عقیده مخالف وی باشد. دشواری انجام اینگونه مصاحبه هادر رهبری دقیق آنست چه روزنامه نگار تلاش میورزد طرف مصاحبه را به گفتن چیزی وادارد که اصلا بضررش‌تمام میشود واز یتطریق شخصیت وی راجریحه دار سازد. تمام‌روزنامه‌نگاران و مخصوصاً کمونست ها مکلف اند قبل از انجام مصاحبه چگونگی، اوصاف وخصایل طرف مصاحبه رادقیقاً درك نموده وهنگام مصاحبه درنظر گیرد.

هر گاه یك روزنامه نگار کمونست بخواهد بارهبر حزبش مصاحبه یی‌انجام دهد، باید شرایطی‌را فراهم آورد تارهبر مذکورنظر یاتش راواضح وبدون‌اشکال ابرازدارد. ژورنالست با این کارخود مردم را خوبترزیر تاثیر گرفته اعتبار حزب ورهبر آنرا بیشترمی سازد.

مصاحبه را ازلحاظ شکل انجام آن به انواع گونا گون تقسیم میکنند مانند:

- مصاحبهٔ مونولوگ،
- مصاحبهٔ دیالوگ،
- مصاحبهٔ لحظه،
- میز مدور،
- کنفرانس مطبوعاتی.

متخصصان فن ژورنالیزم علاوه برانواع فوق چندنوع دیگر مصاحبه رانیز پیشنهاد میکنند که عبارتند از: پرسشنامه، مصاحبهٔ عقیده و مصاحبهٔ بیانیه.

برای شناخت بهتر اشکال مصاحبه، آنهارا مختصراً بررسی میکنیم:

مصاحبهٔ مو نو لو گ :

در ایـن شکـل مصاحبه،روز نامه نگار درآغازتمام سوالاتش را مطرح نموده و سپس جوابهای‌مصاحبه شو نده رامقاله وار درج میکند .دراین نوع مصاحبه ها خبرنگا ر میتو اند نظر مصا حبه شو نده را پیرامون یك ویا چند سوال به دست آورد .

مصا حبهٔ د یا لو گ :

د راینگو نه مصا حبه ها بین مصا حبه شو نده وژور نالست ،تباد ل افکار صورت میگیردو برای هر سوا ل جو اب مشخص ارائه گرد یده درج میشود .

مصاحبهٔ لحظه :

تفـاوت آن بـا مصـاحبهٔ دیا لو گ در اینست که ژور نا لست درا ینگو نه مصاحبه ها برعلاوهٔطر ح‌سوالات ، به تشر یح بر خی ازپا سخهانیزمیپر دازد ومصاحبه شو نده را مجبور میسازدبرای ا کمال عقید هاش دلا یل واسناد تازه یی ارائه دهد .در مصاحبهٔ لحظه،روزنامه‌نگار میتوا ند محیط و چگو نگی رویداد را نیز شرح وترسیم نماید .

میز مد و ر :

مصاحبـهٔ میزمدورمعمو لا دردفاتر مطبو عاتی و گاهی درسایر جاها بر گزار میگردد . درمیز مدور چند خبر نگار با جمعی از مصاحبه شو نده هاشر کت میورز ند، به عبارت دیگر میز مدور صحبت روزنامه نگار باگرو هی از مد عو ین است .

کنفر انس مطبو عاتی :

کنفرانس مطبوعاتی را نیز نوعی از مصاحبه میدانند که ضمن آن معمولاً مصاحبه شوندهٔ واحدی دربرابر جمعی ازروز نامه‌نگاران‌وسایل گو نه گون ارتباط همه گانی نطقی ایراد میکند . کنفرانس های‌مطبوعاتی راغالباً با بیانیهٔ رسمی آغـاز میکنند و بـه‌تعقیب آن به طرح سوالات وجوابگویی هاپرداخته میشود .ولی باید گفت که بیانیهٔ رسمی افتتاحیه،شرطضروری‌همه کنفرانس های‌مطبوعاتی نیست . روزنامه‌نگاری که‌در کنفرانس مطبوعاتی اشتراك میورزد باید بتواند در بین سایرین موقف مشخص خودرا تثبیت نماید . ازهمینجاست که در کنفرانس های مطبو عاتی روزنامه نگارانی اشتراك میکنند که تجربهٔ کافی‌د اشته‌وبتوانند سوالات را فی‌البداهه و بصورت متاسب طرح کنند .

درصورتیکه موضوع کنفرانس مطبوعاتی‌قبلاً آشکارشده باشد ، روزنامه نگارمکلف‌است برای

آن آماده گی بگیرد . این نوع آماده گی شامل تحلیل و ارزیابی همه جانبهٔ سوالهای موردنظرو انتخاب مهمترین آنها میگردد . علاوه بر آن روزنامه نگار وظیفه دارد در بارهٔ اصل موضوع کنفرانس مطبوعاتی معلومات لازمه‌را گرد آورد وبه کنه آن پی برد . همچنان باید بکوشددر جریان کنفرانس سوالات راطوری طرح نماید که حتماً در مقابلش جواب مناسبی دریافت گردد .

بحیث نمونهٔ کنفرانسهای مطبوعاتی و برای درك بهتر وظایف روز نامه نگـاراندر آن ، جریان کنفرانس مطبوعاتی را که باری در تالار کنفرانسهای پوهنتون دولتی ماسکو دایر شده بود مثال میاوریم :

درین کنفرانس‌مصاحبه شونده «یوری‌گاگارین » ،اولین کیهان‌نورد جهان ،بودکه به تازه گی ازماموریت کیهانی‌اش برگشته بود. دربین‌هیاهوی ژورنالستان وپرسش های متعدد ،مصاحبه‌شونده حالت ناخوشایند روانی داشت. درین کنفرانس تاریخی صدها ژورنالست از گوشه و کنارمختلف جهان اشتراك داشتند وهر کدام به نوبهٔ خود طالب پاسخی بود .

تعدادی ازین سوالها به‌اصل پرواز کیهانی ارتباط میگرفت وبرخی‌دیگربه شخصیت ووضع خصوصی کیهان نورد مربوط میشد .

آنروزها تعدادی‌ازنشریه های بورژوازی‌هیاهویی‌سردادند که‌گویا گاگارین دهقان‌زادهٔ معمولی شهر«گژاتسك » نبوده ازمتعلقین فامیل‌مشهوراشرافی روسیهٔ سابق به نام « گاگارین » میباشد این دروغها باید رسوامی شد وضروربود که خود گاگارین درافشای آن سهم گیرد واظهاردارد که وی کارگری‌است تربیت‌یافتهٔ کمسمول، شخصی‌است که‌درجامعهٔ شوروی وتحت‌مراقبت حکومت شوروی‌تربیت‌یافته‌است ، وی‌تبعهٔ معمولی‌شوروی است وبافامیل‌متذکره هیچگونه ارتباطی‌نه‌دارد.

برعلاوه می بائیست افسانهٔ دیگری رانیز باطل اعلام کرد که درآن ادعامیشد گویا گاگارین اولین کیهان نورد جهان نیست واشخاص متعددی قبل ازوی به‌کیهان رفته اند وچون مسافرت شان مؤفقیت آمیز نه بوده وسبب مرگ ایشان گردیده ازینرو رفته‌رفته از خاطرها فراموش شده اند . اگرسفرکیهانی گاگارین تا این درجه مشهور گردید نه بدان علت است که وی رهگشای این کاروان میباشد ، بلکه بیشتراز آنجهت‌است که بخت به یاری وی شتافته واورازنده، بدون‌آسیب به زمین عودت داده است .

ضمناً سوالهای دیگری نیزوجود داشت که بدون شك پاسخ به تمام آنها ازعهدهٔ گاگارین خارج بود. درچنین فرصت حساس یکی ازروزنامه نگاران امریکای لاتین که به نماینده گی از یك نشریهٔ کم اهمیت کشورش درکنفرانس حضوریافته بود ، به‌وضع‌روانی گاگارین پی برد و

پرسید : «یوری! آیا از فضا، از کیهان ، وطن من زیبا به‌نظر می‌رسید؟ » گاگارین تبسمی کرد و گفت: «بلی ؛ نهایت زیبا ! » و بدین ترتیب روزنامه نگاری ازامریکای لاتین ، بادرك شرایط در حالیکه سایرخبرنگاران مؤفق به دریافت جواب های لازم نه می‌گردیدند ، مؤفق شد نه تنها به سوال‌خود پاسخی دریافت دارد، بلکه همچنان‌توفیق‌یافت مطلب‌ولوله‌انگیزی‌را برای کشورش به‌دست‌آورد .

مثال‌متذ کره به‌خاطری جالب توجه است که نشان میدهدروز نامه‌نگار دریک فرصت حساس ، سوالش راچگونه طرح نماید تابدون پاسخ نه ماند .

برای تهیهٔ مصاحبهٔ پربار وقابل نشری مرحلهٔ آماده‌گی آنرا باید به سرعت و دقت تام پشت سرگذاشت .

زمینه برای انجام اکثرمصاحبه هاقبلاً آماده میباشد. مقام مسوول نشریه صرف به وسیلهٔ تلفون یاذریعهٔ مکتوبی باشخص‌مورد نظر ارتباط گرفته وازوی می‌پرسد : «آرزوداریم‌مصاحبه‌یی باشماانجام دهیم آیافرصت صحبت‌باخبرنگارمارادارید ؟ »درصورتیکه برخورد نخستین بارسمیات‌وتشریفات آغازیابد ، نتیجهٔ مطلوبی بارنخواهد آورد . بهتر آنست که روزنامه نگار بدون تشریفات و حتی بدون کار برد اصطلاح‌مصاحبه ، شخص مطلوب‌رابه صحبت واداردوخواستهٔ خودراحاصل نماید.

باید تأکید ورزید که روزنامه نگارمکلف است مسایل مربوط به شخصیت مصاحبه شونده علاقمندی های وی وچگونگی فعالیت هایش رابه درستی تشخیص دهد وبااتکأ بر آن به طرح سوالها اقدام نماید. ضمناً آشنایی باحالات روانی، عادات،تمایلات، طرزسخنرانی و کردارمصاحبه شونده به ژورنالست امکان میدهد حواسش رابرای انجام مصاحبه جمع نماید و یا شخص مقابل به اصطلاح به زبان مشترك صحبت کند .

بطورمثال هرگاه باشخصیت مشهور سیاسی طرف هستید ، سعی کنید درپهلوی شناخت مقام موجودهٔ وی ، وظایف قبلی وطرق رسیدن وی به‌وظیفهٔ موجوده‌اش ، پیروزی ها و ناکامی ها ، موضع گیری‌سیاسی وی وامثال‌آنرا نیزدریابید وتشخیص دهید که شخص‌مذکوردرگذشته هاراجع به همین موضوع چه گفته وخلای گفتاروی درکجا بوده‌است . علاوه برآن درشناخت حزب طرف صحبت‌وترکیب اعضأ ورهبری آن‌نیزباید کوشید . تمام این تلاشها به روزنامه نگار امکان میدهد به‌نقاط نظرشخصی وحزبی مصاحبه شونده پی بردو برمبنای آن تصمیم بگیرد که کدام قسمت گفته هایش رادرج نوشته سازد و کدام قسمت آنرامسکوت گذارد .

مشاهدهٔ تصویرطرف مصاحبه نیز ازضروریات است . روزنامه نگار میتواند از دیدن چهرهٔ ظاهری شخص وطرزلباس پوشیدن وی به‌اکثرخصلت های وی پی برد . همچنان مجبوراست در جریان آماده‌گی برای انجام مصاحبه ، به ارشیف نشریه اش‌رجوع کند ومطالب موجود در بارهٔ

شخص مورد نظر را مرور نماید . علاوتا باید با همکارانخویش که احیانا با شخص مورد نظر هم صحبت شده اند ، در تماس شود و در بارهٔ چگونگی ملاقاتها ونتایج آن ونیز عکس العمل‌مصاحبه شونده‌پس‌از نشر آن در مطبوعات ، طالب معلومات گردد ونظر مشخص آنها را در بارهٔ شخص مذکور به دست آورد . در پهلوی‌آن اگرممکن باشد باید مصاحبه های قبلی مصاحبه شونده رابدست‌آورده ومرورنماید .

ژورنالست مکلف‌است درموضوع مورد مصاحبه‌معلومات‌لازم داشته باشد . بدونشك‌مصاحبه شونده متخصص این ساحه بوده‌و معلومات وی، نسبت به مصاحبه کننده بیشتر است ولی کاری باید کرد تامصاحبه شونده احساس نماید که‌ژورنالست نیز از چگونگی موضوع ، ازموقف آن درشرایط‌موجوده،از ارزش‌آن برای نسل‌امروزوفردا آگاهی دارد. فقط درآنصورت مصاحبه جریان عادی پیدا خواهد کرد .

هنگام آماده گی برای نشرمصاحبه، روز نامه نگار باید از خود بپرسدآیا مصاحبه شونده تمام جوانب موضوع رادرك میکند یا تنها یك‌جنبهٔ آنرا ؟ عقیدهٔ وی در این مورد وارتباط‌آن با موضوع چگونه میباشد؟ برای حل این سوالات روز نامه نگار باید پیش از پیش نزد خود مشخص ساخته باشد که صحبت مصاحبه شونده تاچه اندازه وضاحت خواهد داشت و ضمنا باید بداند که آیا طرف صحبت‌قادر به ارائهٔ پاسخهای مفصل ،زیبا و روح انگیز به تمام سوالات وی هست یا خیر. هنگام نوشتن مصاحبه سعی باید کرد تاجملات مجرد،فرضیه های مغشوش وچند پن وجهی درج نه گردد . برای این منظور باید سوالات مصاحبه را بادقت تام وپس‌از ارزیابی دقیق انتخاب کرد .درجریان مصاحبه به خاطر جلوگیری از طفره‌روی‌مصاحبه شونده ویاا شتباهات احتمالی وی وبه منظور تامین صحت درجوابات باید مسودهٔ سوالات راباخود داشت وبه آن توجه نمود . سوالهای مطروحه‌بایدروشن‌ر دارای مفهوم واحد باشند و هدف واحد درابر آورده سازند .

وقت‌ومحل‌برگزاری‌مصاحبه باید دقیقا به خاطرسپرده شود. مصاحبه باید دروقت مناسب وهنگامی صورت گیرد که‌مصاحبه شونده فارغ باشد . به خاطر نزد یکی‌بهتر به موضوع‌مطلوب سعی شود تااشخاص دیگر جریان‌مصاحبه رااخلال نه کنند . بدون در نظر داشت خواسته های فوق مصاحبه مضمون بی ارزش وپاسخ های آن یک نواخت، بی تاثیر و فاقد مفاد خواهد بود .

محل برگزاری مصاحبه‌باید طوری برگزیده‌شود که‌ژورنالست رااز شتابزده گی وعدم صراحت زبانی برهاند وبرتری‌موقف وی رانسبت به طرف‌مصاحبه‌تامین نماید.به عبارت دیگر

جای مصاحبه باید به گونه یی باشد که روز نامه نگار را میز بان و آزاد جلوه دهد . از ینرو با در نظر داشت وضعیت وهدف مصاحبه و ضمناخصلتهای فردی مصاحبه شونده بهتر خواهدبود اگر مصاحبه در منزل یادفتر طرف صحبت بر گزار نه گردد،درغیر آن مصاحبه شونده احساس برتری نموده، ژورنالست راتحت تا ثیر قرارمیدهد.

آنچه تا حال گفته آمد یم توصیه های لازم در مورد انجام مصاحبه هایی بود که بر گزاری آن پیش بینی شده و آماده گی لازم برای آن وجود داشته می باشد . ولی تمام مصاحبه ها به عین شکل وبا آماده گی قبلی انجام نمی پذیرد . مصاحبه هایی نیزوجود دارند که بدون پیش بینی وصرف هنگام ظهوررویدادی باید به عمل آید. برگزاری اینگونه مصاحبه‌ها در محل وقوع رویداد صورت میگیرد . آماده گی قبلی برای آن ناممکن میباشد ، چه هیچ شخصی نمیداند چه وقت ودر کجا چه واقعه یی اتفاق خواهد افتاد . مصاحبه های مربوط به ترور های سیاسی ، تصادمات ، ویرانگری ها وانواع واقسام اتفاقات شامل این دسته میگردد .

برای آنکه بعد از نشر مصاحبه های تصادفی به حیثیت روزنامه نگار وحزب وی لطمه یی وارد نه گردد ، ضرور است مصاحبه کننده هنگام مشاهدهٔ اتفاقی ، تحت تأثیر اغوا گری ها قرار نه گیرد ، در محل حادثه به جستجوی شاهدان عینی برآید ومعلومات لازمه را از آنها حاصل نماید . ضمناً یاد داشت نام ، محل بود وباش ، محل کار وسایر حقایق مربوط به شاهد عینی از ضروریات است که روزنامه نگار هنگام نوشتن مصاحبه بکمک آنها میتواند مردم را با شواهد عینی آشنا ساخته وحقانیت نوشته اش رابه اثبات رساند . مصاحبه های تصادفی ، که درست بعد از اتفاق حادثه یی بعمل میآیند ، بزود ترین فرصت باید دراختیار ادارهٔ نشریه قرار داده شوند . این کار را ژورنالست با استفاده ازنز دیکترین غرفهٔ تلفون ، که موقعیت آن باید قبلاً تعیین گردیده باشد ویابه کمک وسیلهٔ به خصوص دیگر ، انجام میدهد .

گاهی ، بنابر دلایل گوناگون ، مصاحبه شونده از گفته هایش انکار میورزد وبنابر آن امکان سوءظن مردم نسبت به راپور تهیه شده به وجود میآید . به خاطر جلو گیری ازینکار ، ژورنالست مکلف است حرف های شاهد عینی را درنوارثبت نماید ودر صورت امکان عکس وی را هنگام اجرای مصاحبه بردارد .

اینک پلان مصاحبه را در اختیار داریم . وضعیت های گوناگونی را که هنگام اجرای مصاحبه بروز خواهد کرد ، درك کرده ایم . شخصیت طرف مصاحبه را می شناسیم . مرحلهٔ بعدی کار ، انجام صحبت مستقیم باشخص مورد نظر خواهد بود .

هنگام اجرای مصاحبه ،روزنامه نگار باید کدام وسایلی رابه کار گیرد تا نوشته اش از آنچه قبلا تهیه کرده ، متفاوت باشد ؟

اول :

روزنامه نگار نباید سعی کند همه مطالب را به‌یک باره‌گی وفوری بدست آرد . وی باید آهسته آهسته ، وبطورغیر مشهود ، به اصل مطلب وارد شود . مصاحبه شونده‌رابگذارد تابدون احساس مجبوریت درکنار جواب دهی به سوالات عمومی ، به آهستگی داخل موضوع اصلی شود . تنها درچنین حالتی روز نامه نگار خواهد توانست به سوالاتش جوابهای مقنع دریافت داشته ومصاحبه شونده‌را سرحال نگهدارد . صحبتی که به‌اینطریق دنبال‌میشود جنبهٔ کاملاً صمیمی خواهد داشت .

دوم :

روزنامه نگار باید همواره درنظر داشته باشد که وی پرسنده است نه‌پاسخگو . ازینرو باید تنها درمواقع ضروری راجع به مطالب ارائه شده ابراز نظر نماید . ضرورت مداخلهٔ نامه نگار شاید ، هنگام طفره رفتن مصاحبه شونده از اصل موضوع یا در موقع ارائهٔ جوابهای عمومی ومغشوش ، احساس شود .

مصاحبه‌شونده گاهی به‌آسانی سرگپ نه‌میآید . درچنین حالاتی باید بطرح سوالات به اصطلاح تکتیکی پرداخت . این یگانه وسیله‌یی است که مصاحبه شونده را آهسته آهسته و ناخود آگاه وارد صحبت میسازد .

سوم :

وظیفهٔ روز نامه نگاراست تا برای انجام درست مصاحبه وضع سالمی بوجود آورد و بنابر آن راهی را اختیار نه‌کند که مصاحبه شونده به پاسخ دهی سوالهای وی احساس مجبوریت نماید . برای کسب اعتماد مصاحبه‌شونده خبرنگار مجبور است به وی تلقین نماید که صحبت بین آنها اصلاً برای نوشتن نه‌بوده بلکه جنبهٔ دوستانه دارد .

چهارم :

مصاحبه کننده باید هنگام‌صحبت‌تاحدامکان ازیاد داشت کردن خود داری نماید یا حداقل طوری کند که باعث ملال خاطر مصاحبه شونده نه‌گردد . این کار از دو جهت لازمی است : نخست ، برای آنکه هرگاه مصاحبه شونده متوجه یاد داشت گیری خبرنگار شود، صحبتش جنبهٔ رسمی وساختگی پیدا میکند. و ثانیاً ، بعضی از مصاحبه شونده‌گان خوش نه دارند سخنان شان یاد داشت گردد . بهتر آنست که روزنامه‌نگار صحبت را ازآغاز تا انجام گوش دهد وسپس مهمترین‌نکات‌آنرا در کتابچهٔ یاد داشت خود ثبت نماید . درین حال ژورنالست امکان می

باید تا وضع مصاحبه ، جزییات صحبت شخص مقابل و جریان مصاحبه را نیز بخوبی درک کندو درصورت لزوم آنرا در نوشته اش به کار برد .

پنجم :

در پایان مصاحبه ، روزنامه نگار باید از مصاحبه شونده بپرسد کـه اگر ضرورت افتد و حقایق مندرج در سخنان وی شرح مزیدی ایجاب نماید آیاوی حاضر به صحبت مجددبا روزنامه‌نگار خواهدبود ؟ همچنین مصاحبه کننده باید حالی‌سازد که قبل‌از نشر مصاحبه باردیگرمتن‌آنرا ازنظرمصاحبه شونده خواهدگذراند. این کاروی دوفایده دارد :نخست اینکه اگر هنگام‌نوشتن اشتباهی رخ داده باشد اصلاح‌میگردد ودوم مصاحبه شونده بعد ازنشر مصاحبه ادعا نه‌خواهد توانست که‌فرضاً فلان‌قسمت نوشته ازاظهارات وی‌نه‌می باشد .

ششم :

روزنامه نگار پلان‌کارش رایابطورعینی درکتابچهٔ‌یادداشت ویا به‌شکل ذهنی طرح میکند و آنرا با وظیفه‌یی که‌از دفتر روزنامه‌گرفته منطبق میسازد . سپس کارش رابا در نظر داشت آن ادامه میدهد .

درجریان مصاحبه،خبرنگار سعی خواهدکرد گفتگورا مطابق‌میل‌خوددرهبری‌نموده وتشخیص نماید که‌آیا ضرورتی به‌پس وپیش کردن سوالات ویاطرح سوالات مزید ، جهت روشن شدن هرچه بیشتر موضوع ،وجود دارد یاخیر . مصاحبه کننده بایدجداً توجه‌کند تادر گفتگو حاشیه روی رخ نه دهد .

گاهی اتفاق میافتدکه شخصیت های معروف‌سیاسی به‌منظور تبلیغ نظریات خود راجع به مسأله یی یاشخصی، روزنامه نگارانی رادعوت میکنند وبدین‌وسیله موضع‌گیری خود را درقبال مسایل بخصوص تبارز میدهند . این نوع روزنامه‌نگاران بایداز تجارب کافی برخوردار بوده واشخاص زرنگی باشند.درین حالت‌هرگاه طرزتلقی‌ژورنالست بااندیشهٔ شخص مذکور تفاوت داشته‌باشد، بایدتلاش‌نمایدباطرح ماهرانهٔ سـوالها، وی رابه اظهار چیزی وادارد که اصلاً حاضر به‌گفتن آن نه می باشد .

درین قسمت مصاحبهٔ ژورنالست فرانسوی «فلیپ‌گارن یی‌ریموند» رابا « بن گورین » نقل میکنیم تا واضح گردد ، روزنامه‌نگار چگونه توانسته است باطرح سوالهای‌دقیق،مصاحبه شونده را به بن‌بست بکشاندو وی‌را مجبور به اظهار حرفهای ضد ونقیض سازد :

یکی از رهبران یهود بنام بن‌گورین پس ازمرگ جمال‌عبدالناصر خواست شخصیت او را لکه دارسازد . برای‌این منظور روزنامه‌نگار فرانسوی رانزد خودخو است‌و با وی‌مصاحبه‌یی انجام داد روزنامه‌نگارشخص ماهری بودوتوانست بن‌گورین را به اظهار راز هـای نهانـی وی وادارد جریان ازین قرار بود :

ژورنالست فرانسوی ازبن‌گورین پرسید : «درظرف پانزده سال ،صرف نظر ازآنکه برسر قدرت بودید یانه، بحیث دشمن سرسخت رئیس جمهورناصر باقی مانده‌اید ولی بزودی پس از مرگ ناصر به‌نماینده‌گان مطبوعات اسرائیل اظهار داشتید که: «ناصر دروغگو بود. من اسنادی دارم که‌دروغگویی اورا ثابت می‌سازد وزمانی به‌چاپ آن‌اقدام خواهم کرد . » آیا این نظر شما دربارهٔ ناصر قاطع است ؟»

جواب : «نه‌چندان . ناصر طی‌دوران‌رشد سیاسی خویش دروغهای زیادی گفته است ، ولی نمیتوان اورادروغگوی‌محض قلمداد نمود . وضعیت در اینجا پیچیده تراست . ناصر یك‌شخصیت معروف و ورزیده یی بود .بدون شك اوماهر ترین شخصیت دولتی کشور های عربی بود که من دیده‌ام و باایشان‌صحبت کرده ام . تکیه روی کلمهٔ «دیده ام» ازماست .)

«ناصر تنها دارای یك خصلت وبه عقیدهٔ من یك‌عیب بزرگ بود . اومرزبین حقیقت وتخیل رابه رسمیت نمی شناخت . دقیق تربگویم‌اگر برایش لازم می افتاد بدون هیچگونه شرم و حیا دروغگویی میکرد . من فکرمیکنم اواانمود میساخت که‌این مهارت یعنی دروغگویی نیروی واقعی اوست . درواقع دروغ‌گفتن‌خلای عمدهٔ اوبود . »

«برای شمامثالی ازدروغگویی‌های ناصرراذکر میکنم : یك روز بعداز ختم جنگ چارروزه، وی بیانیهٔ مشهورخویشراایراد نمود . من‌آن بیانیه‌راتاحال‌فراموش‌نه‌کرده ام . در آن روز رفقای فرانسوی نیز با من بودند . ناصر گفت : «تاریخ بشریت قهرمانی دیگری‌نظیرقهرمانی مردم مارادر این جنگ به خاطرنه دارد . » این دروغ محض بود. زیرادرتاریخ بشریت ، برعکس هیچوقت هیچ اردویی باچنان دست پاچگی ،که اردوی مصرفرارکرد ، به هزیمت نرفته است . ولی ناصر چیزی راکه خلقش ازوی تقاضا داشت اظهارکرد .

«عبارت دیگری که مردم مصرخواستارشنیدن آن بودند نیزدربیانیهٔ ناصر بدینگونه انعکاس یافت : «این جنگ نه تنها علیه اسراییل ،بلکه همچنان علیه انگلیس وامریکا بود » وعلاوه کرد: «بخاطرعدم پیروزی مادرین جنگ من شخصاً خودرامقصر میدانم. » وبالاخره :«من‌انسان‌عادی‌ام».

«درین اظهارات‌حداقل‌دو دروغ نهفته است . اول اینکه‌یك انسان عادی چگونه میتواند در

قبال‌شکست کشورش خوددامسوول نشان دهد. وآیا ضروربود برای شکست‌این‌فرد عادی انگلیس وامریکا باهم متحد شوند ؟ ولی ناصر به این دروغگویی قانع نه شد . درصحبت های بعدی ما نیز او به دروغگویی خویش ادامه میداد. »

ریموند که منتظر فرصت بود مهمترین سوال خود را مطرح ساخت : « آیا شما با ناصر صحبت کرده اید ؟ »جواب « مستقیماً ؟ نه . هیچوقت .من با اوهیچوقت‌روبرو صحبت نکرده‌ام . . . ولی ما با اوسیلهٔ افراد رابط با هم تماس داشته ایم که شرح این موضوع هنوز وقت لازم دارد . »

روزنامه نگار توانست باطرح سوال فوق تمام اظهارات وادعاهای قبلی بن‌گورین را نقش برآب سازد .خواننده بعدازین به گفته‌های این سرکردهٔ یهودیان اعتماد نه خواهد کرد. زیرا برخلاف ادعاهای قبلی ، اوحد اقل یکبارهم با ناصر بر نه خورده بود . البته بن گورین می‌خواست خودرا تبرئه نماید واظهارداشت که باناصرمستقیماً نه بلکه ذریعهٔ قاصدان ارتباط داشته است . با این تناقضی که درسخنان وی به‌وجودآمد ، خواننده یابه حرفهایش مطلقاً باور نه میکندو یاحداقل ازدرجهٔ اعتمادش نسبت به وی کاسته میشود .

ولی روزنامه نگار به این گفته هـا قناعت نه کرده ، باطرح سوال دیگری بن گورین را سراسیمه میسازد: «شما گفته‌اید که‌این مسایل راپس‌ازمرگ ناصر افشأمیسازید ؟» جواب «ناصرمرد. ولی قاصدی که دربارهٔ وی سخن رفت هنوز زنده است . من نخست باید با وی صحبت کنم ورضایت وی را درمورد افشای نامش حاصل نمایم . »

بن‌گورین بااین گفته هادرواقع تلاش مذبوحانه داشت تاژورنالست‌رابا جزییات ناچیز از موضوع دورسازد .

ازتحلیل بالاچه نتیجهٔ برمیآید ؟ نتیجهٔ واضح وبسیارروشن : روزنامه‌نگارمجبوراست موقف قویتری رانسبت به مصاحبه شونده احراز نماید . اوباید جریان مصاحبه را تنظیم و به سمت دلخواهی سوق دهد .

راپورتاژ :

درسالهای اخیر، بنابرنقش روزافزون وسایل سمعی وبصری‌ارتباط همه‌گانی مانند سینما و تلویزیون‌وراديو ژانرهایی که‌تأثیرفعال برشنونده وبیننده دارد نیزکسب‌اهمیت نموده‌است. یکی ازین دسته ژانرها به نام‌راپورتاژیاد میشود. راپورتاژنوشته یی‌است عینی وبیشترتصویری که در نتیجهٔ مشاهدهٔ صحنهٔ یك رویداد توسط خبرنگاریاراپورتربه‌وجود میاید .

وظیفهٔ راپور تاژ آنست تایکی از گـوشه های زنـده‌گی اجتماعی را دقیقاً وبـدون خطا با استفاده از هنر صحنه سازی وتصویر گـری وکاربرد شیوه های مؤثرواحساس انگیز منعکس سازد. راپورتاژباسایرژانرهای خبری جنبه های مشترك فراوان دارد. ولی راپورتر چارچوب وسیعتری داشته ونه تنهادیده گیهایش رامی نویسد، بلکه پیرامون آن به تحلیل وارز یابی نیزمی پردازد وراجع به‌آن اظهار نظرمیکند وحتی میتواند واقعهٔ مورد بحث‌راباسایررویداد های مشابه مقایسه کند، به‌ترسیم کرکترقهرمانانش بپردازد وپس منظرتاریخی آنرابازگوید.

هدف اصلی درراپورتاژترسیم صحنهٔ رویداد است. راپورتربا ید بتواند خواننده اش راباً محیطی که واقعه‌درآن‌اتفاق افتاده، آشناسازد. راپورتاژ باید طوری تهیه گردد تاخواننده ازخلال آن به هرآنچه اتفاق‌افتاده پی برد، احساسات شرکت کننده گان آنرادریابد وبدین وسیله به علل ونتایج رویداد واقف گردد.

راپورتاژباید خواننده راتحت تاثیر قرار دهد و بالنتیجه وی رابه‌کنه مطلب وارد سازد. نوشته یی رامیتوان راپورتاژخوب خواندکه دارای صحنه سازی وجزییات جالب موضوع بوده وارتباط‌نویسنده بااصل‌واقعه درآن‌متبارزباشد. ضمناًاظهارنظرنویسنده درمورد رویداد موردبحث، جالب ومورد علاقهٔ خواننده قرارگیرد.

راپورتاژخوب خواننده راوامیدارد تارویداد راازنگاهی به بیندکه نویسنده دیده است به عبارت دیگرارزش دهی خواننده به‌رویداد شباهت تام‌باآنچه نویسنده می پنداشت داشته باشد و ازینروپس ازخواندن راپورتاژباید هیچگونه اختلاف نظربین‌آندوبرجای نه ماند.

طوریکه فهمیده شده‌است‌نویسندهٔ راپورتاژنسبت به‌خبرنگارء‌ابعادگسترده تری‌درنویسنده گی دارد. به عبارت دیگر«من»اولی نسبت به «من» دومی بارزتراست. خواننده سهم نویسندهٔ خبری راکه درروزنامه‌به نشررسیده است، تنهادرنتیجه گیری آن احساس میکند. در مصاحبه ها معمولاً «من» نویسنده به خاطرسهمگیری‌وی درصحبت‌تبارزمیکند. درحالیکه راپورترخودیکی‌ازفعالین بالفعل رویداد بوده ونوشته‌اش در واقع ترسیم فکری می باشدکه‌وی در زمینهٔ مشاهدهٔ رویدادی حاصل‌می‌نماید. از همینجاست‌که راپورترآزادی بیشتر عمل را دارا بوده وبه‌حیث یك‌شخصیت اجتماعی تبارز میکند.

ارزش هرراپور تاژی تناسب مستقیم باجهان‌بینی نویسندهٔ آن‌دارد. دوراپورترباد‌وجهان‌بینی کاملاً متفاوت بورژوازی وسوسیالستی شایدعین واقعه را به دو شکل، حتی دو شکل کـاملاً مخالف همدیگر، ترسیم نمایند. بطور مثال: دریکی ازشهر های انگلستان، معدنچیان در نتیجهٔ

انفجاری درمعدن‌محصورمی مانند. عملهٔ نجات‌دست به‌کارمیشود. راپور ترمترقی قبل از همه در جستجوی علل و نتایج حادثه برمیآمد. شایداو دریابد، وسایل‌تخنیکی که درمعدن مورد استفاده قرار میگرفت نواقصی داشته است‌ومالکان آزمند معدن که‌پی‌کسب پول میباشند، مسوول بروز این فاجعه اند. راپورترمذکور بااتکأبراین‌شاید، مسالهٔ همبستگی ومبارزات صنفی کارگران را درمرکز راپور تاژخود قرار دهد.

درعین حال روزنامه‌نگار بورژوازی نیزازواقعه مطلع گردیده‌ولی برعکس، وی‌سعی‌خواهد کرد تامطالب ولوله انگیز وتکان دهنده را جمع‌آوری نماید. شایدوی‌ازروی دلسوزی، محیط اطراف معدن وچگونگی فعالیت عملهٔ نجات را ترسیم نماید. وی همچنان ممکن است موقف مالکان معدن‌وحکومت رادرقبال عملیهٔ نجات‌تبارز دهدوپس منظر تاریخی رادرزمینه جستجو کند.

راپورتاژ رابه‌دو نوع، مربوط به‌واقعه وپروبلماتیك، تقسیم میکنند.

راپورتاژ مربوط به واقعه باید صفات ذیل را دارا باشد:

- سرعت،
- ترسیم واضح واقعه.
- استفاده ازوسایل بدیعی درشیوهٔ نگارش،
- داشتن جنبهٔ سیاسی وارتباط باوظایف حزب.

نویسندهٔ راپورتاژ مربوط به‌واقعه فقط‌هنگامی که‌ازچگونگی رویداد در حال وقوع اطلاع یافت، شروع به‌کار میکند. اکثر روز نامه ها، درصورتی که آگاهی قبلی نسبت‌به واقعه‌داشته باشند، یك‌یا چندتن ازراپور تران خود را به محل رویداد میفرستند. راپورتران‌وظیفه‌دارند قبل از آغاز رویداد، بامحل اطراف‌آن‌آشناشوند، سهم گیرنده گان آنرا بشناسندوتعیین نمایندکه با کدام یك آنها باید صحبت کرد، کدام شخص توانایی توضیح درست‌پس‌منظررویداد را داراست و که میتواند حقایق و اسناد معتبری را در اختیارراپور تر قرار دهد که نه‌تنها در ترسیم واقعه کمك کند، بلکه شرکت‌کننده گان آنرا نیز به‌خوبی معرفی نماید. هرگاه چند راپورتر از عین نشریه، مؤظف به‌تهیهٔ راپورتاژ باشند، برای انجام بهتر کار میتوانند بخش های مختلف صحنه رابین هم‌تقسیم کنند. درصورتی که واقعه قابل‌پیش‌بینی باشد، راپورتر میتواند قبل از شروع آن طرح راپورتاژآیندهٔ خود را بریزد.

هرگاه وقوع رویدادی جنبهٔ تصادفی‌داشته باشد و روزنامه نگار نیز به شکل تصادفی در جریان حادثه ویا کمی بعدتر از انجام آن‌وارد صحنه شود، کار وی‌شکل دیگری‌خواهدگرفت.

درین حال وی مجبوراست هر آنچیزی راکه درجریان است یادداشت نماید. درصورتیکه راپورتر بعدازانجام حادثه وارد صحنه گردیده باشد ، باید درجستجوی سهم گیرنده گان واقعه بر آید تا جزییات واقعه رادرجریان صحبت با آنان، دریابد. او باید از شاهدان عینی صحنه نیز مطالب ضروری را بدست آورد و در صورت لزوم به منظور مؤثریت بیشتر راپورتاژ، از نام و کار آنها یادآوری کند. داشتن کامرهٔ عکاسی، کامرهٔ فلم برداری، تیپ ریکارد وامثال آن ازضروریات است چه استفاده ازین وسایل نه تنها راپورتاژرا جالبتر ورنگینتر میسازد، بلکه درعین حال عکسها، فلمها و حرفهای ثبت شده ، در مواقع لازم به حیث اسناد ودلایل راپورتر به کار میروند .

روزنامه نگار باید درهمه حالات متوجه وظیفهٔ خود باشد واحساس نماید که وی قبل از هرچیز دیگر یك راپورتر است. این امر نه تنها درشرایط زنده گی عادی، بلکه درحالات دشوار و بحرانی نیز ضروری میباشد. درسالهای جنگ دوم جهانی عمده ترین مطالب روزنامه های شوروی را راپورتاژها تشکیل میداد. آنروزها، نویسنده گان معروف شوروی در کنار روزنامه نگاران به تهیهٔ راپورتاژها، از جبهات مقدم جنگ و کار، مشغول بودند. بهترین مثال فعالیت روزنامه نگار درشرایط غیرعادی، نوشته های «جیولیوس فوچیك» روزنامه نگار انقلابی چکی است که حتی در زندان فاشیستی ، وبا آنکه محکوم به اعدام بود، مسؤولیت خود را فراموش نکرد. وی درسلول زندان به تهیهٔ آخرین راپورتاژ خود به نام «گفتار پیش ازمرگ» پرداخت که به حیث بهترین راپورتاژ دنیامشهور است. این نوشته درواقع داستانی است اززنده گی و مقاومت خلقهای تحت ستم فاشیستی .

وسایل ارتباط همه گانی بورژوازی به ژانرراپورتاژ کم بها میدهند. عمده ترین هدف این اثر را، درمطبوعات غربی، ولوله انگیزی تشکیل میدهد وچارچوب موضوع آن درزنده گی خصوصی ستاره گان سینما، قتل و کشتارها، فعالیت گانگسترها و رویداد های نظیر آن، که توجه خواننده را از واقعیت زنده گی دورمی سازد ، خلاصه میشود .

وظایفی که درین زمینه درمقابل راپورتر کمونستی قراردارد، خیلی بغرنج و ازلحاظ محتوا خیلی غنی میباشد. این نه تنهااز آن لحاظ است که برخلاف تبلیغات بورژوازی، عمده ترین هدف راپورتاژ مطبوعات کمونستی راآشکارسازی جوهررویداد هاو ارزش دهی سیاسی به آنها تشکیل میدهد، بلکه نیز از آن جهت است که درجوامع بورژوازی مطبوعات کمونستی وضع دشوار وامکانات محدودتری دراختیاردارد، ازینرو کمونست هامجبوراند تمام مطالب وازجمله راپورتاژهای خودرا نسبت به آنچه درمطبوعات بورژوازی تبارزمی یابد، ده ها وحتی صدهامرتبه رنگینتر وجذابتر تهیه نمایند. کمونست ها راپورتران شانرا به نقاط مختلف جهانمی فرستند تامطالبی تهیه نمایند که بابر آورده سازی اهداف والای آنها کمك نماید و قهرو غضب مردم جهان رادر مقابل استثمار گران، قاتلان، غارتگران وهمه نیروهای شیطانی برانگیزند .

راپور تاژ پروبلماتیك

این نوع راپوتاژ از راپورتاژ مربوط به‌واقعه تنها درشکل و نحوهٔ انعکاس واقعیت‌ها تفاوت میکند. درنوع پروبلماتیك برخلاف راپورتاژ مربوط به‌واقعه، هدف‌اساسی را ترسیم‌صحنهٔرویدادها تشکیل نه‌داده بلکه تنهااز حقایق وار قام‌آن دراثبات فکر نویسنده استفاده میشود .

انتخاب موضوع درینگونه راپورتاژ هاهم میتواند توسط ادارهٔ نشریه صورت گیرد و هم راپورتر میتواند طبق‌میلش موضوعی رابرگزیند و براساس شیوهٔ معمول‌خود، به‌نگارش‌آن‌اقدام نماید . هرگاه خبرنگار طبق‌میل خودبه انتخاب موضوع می پردازد و میخواهد روی آن بنویسد درآنصورت لازم است ازتجارب خبرنگارانی که خود شاهد صحنه‌بوده اند ویاآنانی که‌همیشه در زمینهٔ مشاهدات عینی ، به‌تحریر مطلبی می‌پردازند ، استفاده نماید .

بهترین نمونهٔ اینگونه راپورتاژ ها، نوشته‌هایی است که‌یکی ازروز نامه نگاران‌سفیدپوست ایالات متحدامریکا دربارهٔ زنده‌گی و کارمردم سیه‌پوست تهیه کرده‌است . وی به خاطـر آنکه زنده‌گی کارگران سیاه پوست‌را ازنزدیك مشاهده نماید ، چهرهٔ خودرا تغییرداد ومدتی‌راباآنها یکجابه سربرد، باکارگران سیه‌پوست یکجا به‌انجام کارهای شاقه پرداخت . چون کار فرمایان سفید پوست ایالات متحده ، قادربه‌شناخت رنگ‌جلدوی نه‌بودند ، بااونیز از روشهای معمول‌غیر انسانی کار میگرفتند . نامه‌نگار به‌این وسیله مؤفق‌شد، راپورتاژ بسیارجالب ، مؤثروپرازحقایق وارقام گوناگون راتهیه نماید که هیچ سفیدپوست، باچهرهٔ عادی خود ، ازعهدهٔ تهیهٔ آن بیرون شده نه‌می تواست .

حضور مستقیم راپورتردرصحنه و دید، تشخیص واحساس بالفعل وی برای بوجود آوردن راپورتاژ جالب نقش‌بزرگی دارد . چه‌موجودیت حقایق واسنادبه تنهایی سبب‌ایجاد راپور تاژ شده نمیتواند . هرچند تخیل درراپورتاژ نیز وجود دارد ولی نه به حیث مسألهٔ اساسی بلکه به حیث یك‌موضوع درجه دوم ازآن کار گرفته میشود .

روزنامه نگار میتواند برای‌نوشتن راپورتاژ پروبلماتیك قبلاآماده گردد . در وقت نوشتن نه بایدتحت تأثیر رویداد قرار گیرد . نویسنده مجبوراست قبل‌از اقدام به‌تهیهٔ یك‌راپورتاژ،مؤثر ترین موضوع زنده‌گی رابرگزیند تاازطریق آن‌به قلب ومغز خواننده نفوذ کند. بعد از آنکـه موضوع انتخاب شدباید به‌گزینش حقایق و ارقام لازم و صحنه های جالب زنده‌گی اجتماعی بپردازد تا بوسیلهٔ آن بتواند راپورتاژ‌را رنگین ترسازد . مرحلهٔ آماده گی برای‌نوشتن‌راپورتاژ پروبلماتیك دشواری زیادی داشته ونسبت به‌راپورتاژ مربوطه واقعه وقت‌بیشتری‌لازم دارد .

سرعت عمل درنگارش هردو نوع راپورتاژ یعنی خبری وپروبلماتیك ضروری پنداشته میشود . چه راپورتاژ نیز همچون خبرطی مدت معینی ارزش وتازه گی داشته وبا گذشت زمان این کیفیت ها را از دست میدهد . ولی استفاده از سرعت درینجا نیز به معنی جعل حقایق ، عرضهٔ نادرست آن ویا نتیجه گیری سطحی ازحقایق نمی باشد . خلاصه اینکه راپورتاژ را برای مطبوعات مترقی باید مطابق خواست لنینی تهیه کرد ولذا تمام حقایق وارقام را فقط بعداز بررسی دقیق وارد صفحهٔ رزونامه باید ساخت .

مقـاله :

مقاله ازپیچیده ترین ژانرهای روزنامه ها ومجلات به حساب میآید. مقاله محصول کاردشوار ونهایت سنگین وتجربهٔ زیادروزنامه نگارمیباشد. برای شناخت بهتر مقاله ، آنرا باسایر ژانرهای مطبوعاتی مقایسه میکنیم : هرگاه نویسندهٔ مصاحبه وظیفه دارد ، فکرمصاحبه شونده رادرمورد یك واقعه، یك حقیقت ویك جریان دریابد وبه آن رنگ سیاسی بخشد وهرگاه هدف راپورترترسیم یك واقعه وبازتاب یك پروبلم درسخن باشد، نویسندهٔ مقاله سعی میکند چند رویدادرابه کمك تعدادی ازحقایق وارقام توضیح وتحلیل نماید. به عبارت واضحتر، درمقاله یك حقیقت ویك پروبلم نه بلکه چندین واقعه ترسیم میگردد. به خاطر باید داشت که تمام حقایق وپروبلم های مقاله نه بطورمستقل ، بلکه درارتباط باهمدیگرتبارزمی یابند وبرای اثبات یك فکریایك پروبلم دریك صف قرار میگیرند . نویسنده ازخلال تمام این اسناد به یك نتیجهٔ صریح وهدف واحد دست می یابد. مختصر اینکه اختلاف مقاله با ژانرهاییکه قبلاً ذکرش رفت ، دربن است که متن مقاله تنها ازیك واقعه یایك حقیقت عبارت نه بوده ، بلکه درنتیجهٔ تدقیق وقایع، حقایق وپروسه های گوناگون شکل میگیرد.

درمقاله برخورد ها وطرزتلقی های متعددی ، که گاهی درظاهرامر باهم متفاوت مینمایند ، گرد آورده میشوند. مقاله نویس سعی میکند که تمام این حقایق وارقام، صحنه های زنده گی و تلقی ها رادریك مجرا رهنمون سازدوخواننده رابه صحت نتیجه گیری های خودمعتقد نماید. ازآنجاییکه مقاله ازجمله ژانرهای تحلیلی است ، بناً وظیفهٔ آن نه تنها اثبات ومعرفی موقف یك رویدادیا یك حقیقت دربین سایرواقعات زنده گی میباشد ، بلکه همچنان نشان دادن ارزش طبقاتی آن نیزاست. لذامقاله بایدبه شیوهٔ فوق العاده مؤثر نگاشته شودتا خواننده رابه شکر مؤثر برای اشتراك آگاهانه درحل معضلات ومسایل اجتماعی ومبارزات طبقاتی برانگیزد .

برجسته ترین نمونه های مقاله ، نوشته هایی است که توسط لنین بوجود آورده شده است. کروپسکایا، همسر وهمرزم لنین، درین مورد می نویسد :« هرمقالهٔ ولادیمیرایلچ که درپراودابه نشر می رسد درواقع دعوت مستقیم یاغیرمستقیم درجهت سازماندهی خو بتراموروعملکرد بهترمیباشد.»(۱)

هر گاه درمقاله تنهایك پروبلم موردبررسی قرار گیرد، درآنصورت تشابه بیشتر باراپورتاژ و مخصوصاً نوع پروبلماتیك آن پیداخواهد کرد. ولی باآنهم تفاوت این دو نوع درخوانندهگان آنهاست . زیرا تمام ژانرهای خبری ازجمله راپورتاژ برای همه مردم عرضه میگردد، در حالیکه مقاله متوجه گروه مشخص خوانندهگان میباشد. حتی علاقمندی خوانندهگان به مقالات مختلف نیز تفاوت میکند.

طوریکه درفصلهای گذشتهٔ این کتاب نیز تأکید شد، درشرایط کنونی یکی از مهمترین وظایف روز نامه نگاران در نظر گیری ذوق ها و علاقمندی های گروه های مختلف خوانندهگان است ؛ بهطورمثال : نهمیتوان راجع بهعین مسأله، فرضاً سیاست داخلی برای دستههای مختلف اجتماعی ازقبیل کارگران فابریکه ها، دهقانان وروشنفکران به عین شیوه واسلوب مقاله نوشت. چهاحتیاجات،ذوق وعلاقهٔهریکی ازین گروهها نسبت بهمطالبی کهدرمطبوعات نشر میشود مشخص ومتفاوت است . گاهی ممکن استطرز تلقی این گروه ها باهم نزدیك باشد ولی نتوانند عین مطالب رابهعین شکل درك نمایند . ازینلحاظ مقاله نویس بایدهنگام کارعملی به این خواسته ها توجه جدی داشته باشد .

مقالهانواع گوناگون دارد ، ولی دارای وجوه مشترکی میباشندکه تمامآنها رادر ژانرواحد مقاله میتوان سراغ کرد .

مقالات رامیتوان ازنگاه پرابلم مورد بحث وازنظر وظایفی که در برابر شان قرار دارد به انواع واقسام مختلف تقسیم نمود .

دراین رساله فقط مقالههایی موردبررسی قرار میگیرد کهروزنامه نگار حزبی درفعالیتهای روزمرهٔ خویش بهآنمواجه است. این نوع مقاله هاعبارتند از : سر مقاله ها ، مقالات تبلیغی پروبلماتیك ، تبلیغی ضدتبلیغ (که درسایر مآخذبه نامنگارش وبحیث ژانرمستقلیمطالعهمیگردد) وتشریح سیاسی .

سرمقاله :

درسرمقاله ها غالباً مهمترین موضوعات زندهگی ازقبیل مسایل درونی حزب، سیاست داخلی وخارجی ،تکتیك حزب درمسایل داخلیوپرابلمهای نهضت بینالمللی کمونستی وغیرهموردبحث

(۱) ن . ك . کروپسکایا ، در بارهٔ لنین ، ماسکو ، نشرات سیاسی، ۱۹۶۵ ، ص ۱۹۱ .

قرار میگیرد . سرمقاله هادرواقع نوشته‌های دستوردهنده‌یی می‌باشند که ضمن آن به کمونست ها تصریح میگردد که‌دریك‌مرحلهٔ خاص‌تاریخی وهنگام‌اجرای یك‌وظیفهٔ مهم‌چه راهی را بایددر پیش گیرند . این‌نوع دساتیر ازخلال تحلیل عمیق‌مارکسیزم و انطباق آن به شرایط و اوضاع جاری ، بیرون میاید . دواصل متذکره درحقیقت معیاری تعیین‌فعالیت و تکتیك‌حزب‌انقلابی‌است .

سرمقاله ها بادرنظر داشت شرایط خاص ، دستور های خاص میدهند وصبغهٔ مشخصی بخود میگیرند ؛ به‌طور مثال : درمرحلهٔ آماده‌گی برای‌انتخابات عمومی ،عمده ترین وظیفهٔ یك نشریه تعیین‌خط‌مشی، خواستها و کاندید هایی میباشد که احتمالاً مورد حمایت قرارخواهند گرفت. علاقمندان و خوانند‌ه‌گان روز نامه‌ها راه مشخص خودرا درموارد فوق‌از طریق سرمقاله‌های آن درمی یابند . البته‌هنگام‌توضیح مسأله یی،سرمقاله نویس سعی خواهدکرد نظر کمیتهٔ‌مرکزی‌حزبش رادر زمینه انعکاس دهد . حقایق ومسایل مطروحه درسرمقاله بایدواضح ،مشخص ومسجل‌باشد تا همهٔ خوانند‌ه‌گان وهواخواهان حزب‌به‌آسانی آنرا دریابند و به نتیجهٔ واحدی نایل گردند ؛ به طورمثال : برای‌زحمتکشان انگلیس ، آیرلند وکشور های سکندناوی در مرحلهٔ خاصی ، مسالهٔ اشتراك کشورهای شان دربازارمشترك کسب اهمیت می نماید ، دراین حال مطبوعات کمونستی این ممالك وظیفه دارد علل اشتراك دربازار مشترك وعواقب سیاسی‌واقتصادی این اقدام را برای خلقهای آن منطقه توضیح دهد . کمونست ها حقایق لازمه را درین مورد جمع آوری نموده و طی سر مقاله هایی تاکید خواهند کرد که اشتراك در بازار مشترك در حقیقت بمعنی تشدید استثمار کارگران و دهقانان و تمرکز بیشتر قدرت استعماری در داخل یك شبکه است . با اتکا به‌این واقعیت ها ، سر مقاله نویسان کمونست ، اختلافات شانرا با حکومت ، روی مسألهٔ عضویت در بازار مشترك و علل این اختلافات را توضیح خواهند داد .

آنچه سرمقاله را از سایر مقالات تمیز میدهد اینست که درآن نه مسأله‌یی غرض ارزیابی پیشکش میشود و نه افکار گوناگون در مورد یك پرابلم اظهار میگردد ، بلکه وظیفهٔ آن دستوردهی ، برمبنای شناخت عمیق وضع موجود سیاسی ، میباشد . تعدادی از سر مقاله ها حیثیت شکلی از مصوبات کمیتهٔ مرکزی ، یا ارگانهای دیگر آنرا ، در مورد یك پرابلم دارا میباشند . سرمقاله ها درواقع نوعی ازرهنمود های سیاسی موجود حزب و پلان فعالیت های بعدی آن میباشند .

در پایان سرمقاله ها معمولا امضایی درج نه میگردد واین نشان دهندهٔ آنست‌که سرمقاله‌را تمام اشخاصی می‌نویسند که‌در ادارهٔ روزنامه مصروف کاراند . ولی گاهی ممکن است امضای یکی از اعضای کمیتهٔ مرکزی حزب یارهبر آن ، دراخیر سرمقاله آورده شود .

اهمیت و ارزش سرمقاله ها ایجاب آنرا می کند که برای درج آن در روزنامه صفحه و جای بارز و جالب توجهی برگزیده شود . سرمقاله هارا بیشتر در صفحات اول روز نامه به نشر می‌رسانند . ولی این فورمول عمومی نه بوده و نشریه های مختلف مطابق به عنعنات روزنامه نگاری کشور شان ، جاهای معینی در صفحات روزنامه برای درج آن در نظر میگیرند . ولی قابل توجه است که با الهام از نام آن ، سرمقاله ها را باید در صفحهٔ اول جاداد و درواقع نشریهٔ خود را با آن آغاز باید کرد .

مقالهٔ تبلیغی :

چنانچه گفته آمدیم در سرمقاله ها پس از تحلیل وضع موجوده ، خوانندهگان در جریان رویداد های جاری قرار داده شده و به یك سمت معین رهنمون میگردند . ولی مقالهٔ تبلیغی وظیفه دارد مشی حزب و موضع گیری آن را در قبال رویداد ها تشریح نماید و این امر را از لحاظ تیوریتیکی به اثبات رساند . همچنان باید وضع سیاسی و اجتماعی معاصر را ارزیابی نموده ، آیندهٔ نهضت را پیش بینی کند . مقالهٔ تبلیغی دستور نه میدهد بلکه‌معتقد می‌سازد .

واقعیت های‌زنده گی معاصر بسیار پیچیده و نا همگون است . در چنین شرایطی ، تیوری مارکسستی ـ لنینی قطب نمایی است که سمت ضروری حرکت نهضت را تعیین و تثبیت مینماید . ولی پیروزی درین کار دراستعمال درست این‌قطب نما ، در انطباق آن با خصوصیات محل وبا استفاده از آن تشخیص نیرو های موافق و مخالف نهفته است . مقالهٔ تبلیغی وظیفه دارد حقانیت راهی را که توسط همین قطب نما معین گردیده ، به اثبات رساند . درواقع اصل فوق ، موضوع مرکزی مقالهٔ تبلیغی را تشکیل میدهد .

درپهلوی اثبات حقانیت راه خود ، باید علیه انحرافات گوناگون و برخلاف آید یالوژی های بورژوازی و ضد مارکسستی مبارزه کرد و پیروزی عقاید خود را دریـن پیکار طولانی بمعرض نمایش قرار داد . اجرای تمام ایـن وظایف بـه عهدهٔ مقالهٔ تبلیغی قرار دارد . همچنان نویسندهٔ مقالهٔ تبلیغی سعی خواهد کرد تا افراد بی تفاوت را همراه وبیطرف هارا طرفدار سازد؛ بارائهٔ مثالهای گوناگون عینی،برتری نظام سوسیالستی رابر نظام‌بورژوازی وتفوق اخلاق سوسیالستی را برا خلاق سرمایداری به‌اثبات رساند .

اسناد نهایت ارزشمند برای تهیهٔ مقالهٔ تبلیغی و برای تبلیغ عقاید مترقی زمان ما،مصوبات نماینده گان احزاب کمونست وکارگری جهان است که روز نامه نگار را قادر می سازد ضروری ترین حقایق راپیرامون نهضت انقلابی جهان از لابلای آندر بادووضع موجودرا به درستی تحلیل نماید .

رویداد های مهم وحوادث فوق العاده دراتحاد شوروی (مانندتدویر کنگرهٔ حزب و امثال آن) درمرکز توجه تمام انقلابیون جهان قرار دارد . چه در اغلب اینگونه گرد هم آیی‌ها که به اشتراک نماینده گان احزاب کارگر جهان برگزار میگردد، وضع بین المللی عمیقا تحلیل گردیده وراجع به تکتیک وستراتیژی احزاب انقلابی در مبارزات طبقاتی تبادل افکار صورت میگیرد و ضمنا منحرفین نهضت انقلابی ، بطرز بی امان ، افشا میگردند . تبلیغ و ترویج اسناد اینگونه ملاقات‌ها، تنهاوظیفه بلکه فرض روز نامه نگار متعهد است . وی این فرض خویش را قبل از همه ذریعهٔ مقالهٔ تبلیغی بجا آورده میتواند .

ولی روز نامه نگار متعهد باید تنها به اسناد رسمی حزبی ومنابع رسمی اکتفا نه کند . وی باید قادر باشد تمام رویدادهای اجتماعی را در محک مارکسیزم لینینیزم آزمایش کند واز آن نتیجهٔ واضحی استخراج نماید. وی همچنان باید قدرت دریافت مطالب مترقی یاروش مترقی را، که به گونه یی درمطبوعات ارتجاعی و بورژوازی تبارز کرده است ، داشته باشد. مثال ذیل بهترین نمونهٔ کنجکاوی ژورنالست وسعی وی درجهت تفکیک مطالب مختلف درمطبوعات بورژوازی است :

«هالو رن» ژورنالست ایالات متحد امریکا ضمن مقالهٔ خود تحت عنوان «تاناکا پیرو دزرایلی است» دست پنهانی نیرو های امپریالیستی را در برهم زدن صلح جهانی آشکار ساخته می نویسد :

«نیو یارک تایمز» ، ۳۰ جولای ، ۱۹۷۲ ، توکیو :«در حدود صد سال قبل بنجامین دزرایلی صدر اعظم وقت انگلیس که یک دیپلومات حیله گر بود ، بااتخاذ سیاستی توانست انحصارات آلمان ،روسیه واتریش-هنگری رابه جان هم اندازد . مشابه این واقعه ، میتوان شیوهٔ «تاناکا» صدراعظم جاپان را یاد آور شد که هدف آن ایجاد درگیری بین شوروی ، امریکا وچین می باشد .

«تاناکا همانند دزرایلی سیاست خارجی خود رابا در نظر داشت امکانات موجوده طرح ریزی نمود . دیپلوماتی ازجاپان اعتراف کرد «من فکر نه میکنم که تاناکا مطالب زیادی پیرامون دزرایلی خوانده باشد ولی وی نه بطور آگاهانه ، بلکه غیر شعوری دنباله رو دزرایلی شده است ».

« نکسن ، رئیس جمهور امریکا ، برای پی بردن به مقاصد اصلی تاناکا هفتهٔ گذشته ازوی خواست تا دراواخرماه اگست درجزایرهاوایی باوی ملاقات نماید .

« این دعوت ناگهانی نکسن که درست سه هفته بعد از انتخاب صدراعظم موصوف بعمل آمده ، نشان میدهد که رئیس جمهور و مشاور سیاست خارجی وی - هانری کیسنجر به این نتیجه رسیده‌اند که جاپان دیگر نه تنها یك کشور نیرومند از لحاظ اقتصادی‌است ، بلکه همچنان صاحب نفوذ قابل توجه سیاسی نیز گردیده است .

« بدون شك علت نزدیکی نکسن به تا نا کا در تمایل جدی جاپان به ایجاد ارتباط دپلوماتیك بین آنکشور و چین نهفته است و احتمالا تلاشهای جاپان در زمینه ، در ظرف چند ماه آینده جامهٔ عمل خواهد پوشید .

« چندی قبل اعلام گردید که چوین‌لای صدراعظم چین از تا نا کا دعوت مسافرت به پیکن را نموده است . با آنکه رهبر جاپان ظاهراً به این دعوت پاسخ رسمی نه داده است ، ولی مامورین رسمی جاپان مصروف تهیهٔ برنامهٔ این سفرمی باشند .

« نکسن ضمن سفر خود به پکن ، درماه فبروری ، با مقامات رسمی آنکشور معاهده یی را بامضا رسانید که طبق آن طرفین توافق کردند تا سفرای شان در پاریس در مواقع لازم با هم ملاقات نمایند و به نماینده گان امریکا اجازه داده شد تا در صورت لزوم به چین وارد شوند . این نوع روابط غیر ثابت دپلوماتیك مورد علاقهٔ حکومت جاپان قرار نه‌میگیرد . مطالبی که‌درین اواخر در مطبوعات ، رادیو و تلویزیون جاپان پخش میگردد ، گواهی میدهد که روابط بین چین و جاپان « معتدل » ساخته خواهد شد . در صورتی که تا نا کا ضمن مسافرت آینده‌اش به چین ، به این نتیجه دست نه یابد، آیندهٔ سیاسی وی تاریك به نظر میرسد .

« ولی قبل‌از دست یابی تا نا کا به این هدف ضرور است نامسألهٔ لاینحل دیگر نیز فیصله گردد . پروبلم اساسی درین زمینه پیشنهادچین است مبنی بر آنکه هرگاه جاپان خواستار تاسیس روابط دپلوماتیك با چین است باید شناسایی سیاسی خود را از حریف پکن ،چین ملی پس گیرد .

« تا نا کا احتمالا این پیشنهاد چین را خواهد پذیرفت مشروط بر آنکه به سرمایداران جاپان اجازه داده شود تجارت خود را با تا یوان و سرمایگذاری در آن کشور ادامه دهند . چینی ها تلویحاً ادامهٔ روابط اقتصادی‌جاپان را با تایوان‌پذیر فته‌اند زیرا به عقیدهٔ آنها حکومت « ساتو » که منظماً مورد انتقاد پکن بود ، دیگر وجود نه دارد .

« عواقب برقراری روابط دپلوماتیك بین چین و جاپان و پس گیری شناخت سیاسی جاپان از تایوان ، برای امریکا نگران کننده است . امریکا فکر میکند که در ین حال دفاع از تایوان ، که به عهدهٔ قوای نظامی آنکشور مقیم جزیرهٔ او کیناوای جاپان قرار دارد ، با اشکال روبرو خواهدگردید . چه هرگاه نزدیکی جاپان با چین تحقق پذیرد ، امکان دارد از حکومت امریکاخواسته شود از قوای نظامی‌خود درجاپان‌برای دفاع از رژیم‌تایوان کارنه‌گیرد .

« آیندهٔ روابط جاپان با اتحاد شوروی نیزوابسته به همین مسأله است . جاپان وشوروی در پایان جنگ دوم جهانی معاهدهٔ صلح را به امضأ رسانیدند و تنها در سال ۱۹۵۶ روابط دپلوماتیك بین شان بر قرار گردید . شوروی ها نیز مانند چینی ها سیاست شان را در قبال جاپان تغییر داده اند . این مناسبات با مسافرت آندره گرومیکو ، وزیر خارجهٔ اتحاد شوروی به جاپان درماه فبروری ، وارد مرحلهٔ تازه یی گردیده است .

« اکنون رئیس جمهور نکسن نیز می خواهد با پیروی از چو ین لای وگرومیکو در روابطش با جاپان تجدید نظر نماید . این حقیقت که رئیس جمهور برای ملاقات با تا نا کا فاصلهٔ چند بار طولانی تر از فاصلهٔ مسافرت تا نا کارا طی خواهد کرد و با آنکه محل ملاقات از متصرفات امریکا بحساب میرود ، مردم جاپان را دچارشگفتی ساخته است .

« موضع گیری تا نا کا در ملاقات آیندهٔ وی با نکسن ، رابطهٔ نزدیك با رویداد های ماه اگست خواهد داشت . هر گاه وی درار اده اش استوار باقی ماند و ازحوزهٔ نفوذ ملیون کشورش بیرون نه رود ، به رئیس جمهور اذعان خواهد کرد که بعد ازین سیاست کشورش را درآسیا خود جاپانی ها بدون مداخلهٔ دیگران تعیین خواهند کرد .

« گمان میرود این معما از ملاقاتی که چندی قبل بین نماینده گان جاپان و امریکا در شهرك هو کونو ، شهرك کوهستانی در غرب تو کیورا جع به مسایل تجارتی برگزار شد ، نشأت کرده باشد . طی مذاکرات چارروزه یی که در آن محل بر گزار گردید ، نماینده گان حلقه های بازرگانی امریکا مؤفق به رفع کسر تجارتی آنکشور با جاپان نه گردیدند . این کسر در سال جاری به ۸ ر ۳ ملیارد دالر بالغ گردیده است . تا نا کا که ناظرجریان مذاکرات بود و آنرا از دفتر کارش درتو کیو رهبری میکرد ، شاید اطمینان داشت که جاپان میتواند درمقابل تهدیدات ایالات متحده ایستاده گی نماید .

« ضمن صحبت هایی که چندی قبل باسیاستمداران جاپانی به عمل آمد احساس میگردید که آنها از کسب نیروی سیاسی کشور شان خرسند اند . مدیر مسوول یك نشریهٔ جاپانی دربن مورد گفته است : « اکنون ما نیرومندیم . چرا نه باید این نیرو را در جهت منافع کشور به کار انداخت ؟ »

نویسنده از نگارش این مقاله چه هدفی را انتظار داشت و روزنامه نگار کمونست چگونه میتواند حقایق مذکوررا به نفع خود به کار گیرد ؟

۱ ـ هالورن حقیقت نزدیکی جاپان و چین رافاش ساخت وتاکید ورزید که این پروسه سریعاً در حال اکمال است

۲ ـ نکسن ازین نزدیکی در هراس است ولی قدرت جلوگیری از آنرا نه دارد .
۳ ـ جاپان با نکسن از موقف همگون و موضع مصمم سخن میگوید ، زیرا سود سه ملیارد دالری که نصیب بانکهای توکیو گردیده موقف تا نا کا را استحکام می بخشد .
۴ ـ تا نا کا نمایندهٔ آن انحصارات نظامی ـ صنعتی است که تلاش میورزد در کمترین زمان ممکن جاپان را به نیرومند ترین کشور انحصاری آسیامبدل سازد .

۵ ـ ماؤ وچوین لای علا قمند نزدیکی با حلقه های نظا میگر جاپان میباشند . در پهلوی این باید خاطر نشان ساخت که رهبر ان پکن سر سختا نه ایجاد روابط نزدیك با حزب کمو نست جاپان را رد میکنند .

روز نامه نگا رمطبو عات متر قی میتو اند بادر نظر داشت این همه حقایق ، چار چوب مقالهٔ تبلیغی خو یشرا به طور ذیل طرح کند :

اول ـ امروز نز دیکی جاپا ن با چین دیگر به حقیقت مسلم مبدل گشته است . یگا نه هد ف این نزد یکی را ندن ایا ت متحده از آسیاو تقسیم قلمر و نفوذ آنکشو ر بین تو کیو و پکن میباشد .

با اتکا به این حقیقت روز نامه نگار حزبی « با یك تیر دو فاخته شکار میکند» بواین معنی که از یك طرف تضاد بین وا شنگتن وتو کیو ـ پکن را دامن میزند واز سوی دیگر جهانیا ن را از عواقب نزدیکی جاپان باچین آگاه ساخته، اظهار خواهد داشت کهچین کشور دار ای سلاح اتومیو جاپانمملکتپیشر فتهٔ صنعتی است . نزدیکی این دو تهد ید ی برای صلح جهانی به وجود میآ ورد .

دوم ـ علا قمند ی بیش از حد رهبری چین به مسا لهٔ همکاری نزدیك با جا پان نظا میگر و موقف خطر ناك آنکشوردر قارهٔ آسیا ثابت می سازد که اد عاهای پرطمطراقچینمبنی برپابندی به اصو ل انتر نا سیو نا لستی واینکه اساس سیا ست خارجی آنکشوررا تیوری مار کسستی ـ لنینی تشکیل میدهد،بی پایه است .

درین مورد روز نامه نگا ر میتواند تیزس متذکره رادر خلال افشای محتوای سیا ست خارجی چین که ما و یست ها آنرابرپایهٔ شوو نیزم وتو سعه طلبی بنا نهاده اند،به اثبات رسا ند وضمنا تذ کرد هد کهدرعرصهٔ بین المللی سیاست رهبری پکن علیه وحدت نیرو های ضدامپر یا لستی ، علیه همبستگی کشورهای سو سیالستی میباشد .

سوم ـ هدف ستراتیژیك معاهدهٔ بین چین و جا پان تسلط بر آ سیا ست ، ولی هدف نهاییآنرا حکمروایی بر تمام جهان تشکیل میدهد .

چارم ـ نقطهٔ مقابل عظمت طلبی ،که روز نامه نگار مترقی میتواند آنرا درمقاله اش جادهد ، شاید پروگرام صلح باشد که توسط کنگرهٔ بیست وچارم حزب کمونست اتحاد شوروی به تصویب‌رسیده وحکومت شوروی برای تعمیل آن سعی میورزد .

هرگاه روز نامه نگار مقاله اش را با حقایق وارقام جدیدی‌تکمیل‌نماید ، مثلا :از فعالیت‌های دیپلوماتیک چین در سازمان ملل یاد آوری نماید : (مانند مخالفت چین با قبولی بنگله دیش به عضویت ملل متحد ، عدم موافقهٔ چین باتحریم اقتصادی رژیم نژادپرست افریقای جنوبی ورژیم فاشستی پرتگال وغیره) ومقایسهٔ آن با نتایج سیاست فعال خارجی اتحاد شوروی دست یافتن به تخفیف کشیده گی هاوغیره ، آنگاه مقاله به هدف نهایی خود نایل گردیده از یکطرف خوانندهرا به حقانیت سیاست حزب خویش معتقد ساخته وازسوی دیگر وی رابه ماهیت شعار های میان خالی معاصر ماؤ یستی و فعالیت های خطرناك حلقه های حاکمهٔ پکن آشنا میسازد .

مقالهٔ تبلیغی ضد تبلیغ :

اهدافی که برآورده ساختن آن مخصوصا در ین رساله ، برعهدهٔ مقالهٔ تبلیغی ضد تبلیغ گذاشته شده عبارت از آنست که باید حملات دستگاه های تبلیغی وایدیولوژیك مخالفین مارکسیزم ـلنینزم را رد نماید ، مطبوعات بورژوازی رابه خاطر تحریف زنده گی در جوامع سوسیالستی وجنبشها ی کارگری افشا سازد وعلیه وسایل ارتباط همه گانی بورژوازی، که واقعیت های زنده گی رابطور جعلی به‌خورد زحمت کشان میدهند وبر کشور های مترقی ، بر کمونست ها واتحاد شوروی تهمت می بندند،به مبارزه برخیزد . خصلت مشخص مقاله های تبلیغی ضد تبلیغ در مقایسه با مقالهٔ تبلیغی آنست که اگر هدف مقالهٔ تبلیغی راشرح ستراتیژی وتکتیك حزب تشکیل میدهد،مقالهٔ تبلیغی ضد تبلیغ وظیفهٔ دفاع ازین تکنیك وستراتیژی رادر مقابل تبلیغات تفتین آمیز وتخریبی دشمنان به‌عهده دارد .

در عین حال باید تاکید ورزید که وظیفهٔ اینگونه مقاله ها دفاع عادی نه بلکه دفاع فعال است ،یعنی‌نه تنها باید افترا های دشمن را رسواسازد بلکه باارائهٔ اسناد و دلایل باید قادر به ایجاد وضعی گردد که دشمن به دفاع برخیزد و برای تصریح بیشتر نظریاتش بحث های مزیدی به‌راه اندازد . وسایل‌ارتباط همه گانی مترقی ازینطریق میتوانند ازاعتبار وسایل ارتباط همه گانی بورژوازی وایدیولوژی آن بکاهد .وبالاخره نویسندهٔ مقالهٔ تبلیغی ضد تبلیغ باید دشمن راباوجود فرار از صحنه ،در چار چوب معین نگهدارد ووی راناگزیر به سیردر مجرایی سازد که اصلا خلاف آرزویش میباشد ونویسنده بایدمسایلی را مطرح سازد که برای دشمن سودی در بر نه داشته‌ودرپی گریز از آن براید .

تجار بی که مطبوعات مترقی در قسمت نگارش مقاله های تبلیغی ضد تبلیغ اند وختها دست میرسانند که ساختمان اینگونه مقاله ها حد اقل باید دارای ممیزات زیرین باشد :

اول ـ اقتباس و بعضا اقتباس کامل ازتیزس های رقبای آیدیو لو ژیك ،

دوم ـ بر ملا سازی اهداف سیاسی نویسندهٔ مطلب مورد بحث (نویسندهٔ مخالف) - در مقالهٔ تبلیغی ضد تبلیغ سعی میگردد به خواننده گان فهمانده شود که هدف اصلی مطلب منتشره در مطبوعات بورژوازی چیست ، نویسندهٔ آن درپی اثبات کدام مدعا بوده واستدلال هایش به کجا منتهی میگردد .

سوم- شرح خصلت طبقاتی نویسنده گان این نوع مطالب وافشای هوا خواهان ونیرو های اجتماعی طرفداروی ،

چارم ـ تحلیل شیوهٔ تبلیغی نویسندهٔ مخالف،دربن حال باید نویسندهٔ مقالهٔ تبلیغی ضد تبلیغ توضیح نماید که مبلغین بورژوازی چگونه از متود های انحصار روانی خوانندهگان استفاده میکنند وتاکید نماید که این اصل در تبلیغ مترقی جانه دارد بدین وسیله خواننده را میتوان مجبور ساخت تا حقایق رااز مجرای طبقاتی بررسی نماید ،

پنجم ـ شرح و تحلیل دلایل دشمن و در نتیجه اثبات غیر علمی بودن و بی پایگی دلایل و نتیجه گیری های او ،

ششم ـ و بالاخره عنصر خیلی مهم در مقالهٔ تبلیغی ضد تبلیغ بی اعتبار سازی نویسندهٔ مطلب و طرز تلقی وی میباشد (بی‌اعتبار سازی منبع تبلیغ ومروجین آن) . هرگاه منحرفین آید یالوژیك موضوع مقاله قرارگیرند باید به تحقیق ریشه های مفکوروی و سیاسی آنها و مراحل رشد سیاسی ایشان پرداخت وتأکید نمود که انحراف از خط مارکسیزم ، آنها را به خیانت کشانیده است .

مقالهٔ تبلیغی ضد تبلیغ نیرومندترین سلاح روزنامه نگارمترقی است . ولی تنها شخصی که دارای آشنایی کامل با مارکسیزم ـ لنینیزم ، باتجارب گوناگون نبرد طبقاتی واعتقاد راسخ به امر حزب باشد میتواند این سلاح را به نحودلخواه به کاراندازد . نمونهٔ خوب این ژانر ، مقالهٔ لنین تحت عنوان « ماتریالیزم وامپریوکریتسیزم » است که هر عباره وهر کلمهٔ آن همچوشمشیری دشمن را سراسیمه میسازد .

در عصر حاضر که وسایل ارتباط‌همه‌گانی‌رشدبی سابقه یی‌نموده است ، مبلغین بورژو ازی جدأتلاش دارند با هر وسیلهٔ ممکن فعالیت های کمونستان را تحریف نمایند، حقایق وارقام را

بگونهٔ جعلی شرح دهند و وقایع زنده گی را طبق دلخواه بورژوازی به مردم عرضه دارند . بدین وسیله سعی میورزند آتش نفرت را نسبت به کمونیزم شعله ور نگهدارند . وظیفهٔ روزنامه نگار مترقی است تا این جعل کاری هارا رسوا سازد .

سوالی ایجاد میشود که روزنامه نگارمترقی باید ازژانر مقاله و منجمله مقالهٔ تبلیغی ضد تبلیغ قبل از همه علیه چه اشخاص استفاده کند ؟ جواب آن واضح است : قبل از همه علیه منحرفین در جنبشهای کمونستی همچون منحرفین چکوسلواکی که زیر نقاب « سوسیالیزم بشر ــ دوست » اعمال ضد سوسیالیزم را انجام میدادند . سرنوشت ایشان از پیش معین بود در سال ۱۹۶۸ به غرب فرار کردند و به نوکران دستگاه های جاسوسی امپریالیست ها مبدل گشتند . اکنون یگانه وظیفهٔ اینگونه منحرفین دروغبافی در مورد سیاست داخلی و خارجی کشور های سوسیالستی است .

تعدادی از کمونستهای سابق که اکنون در صف ضد کمونیزم قرار گرفته اند ، گاهی به جنگ به اصطلاح زرگری بین هم می پردازند ، مباحثات تیوریتیکی براه میاندازند و به نشر رساله ها و کتابها اقدام میورزند . بعضی ازین رساله ها گاهی باعث بحرانات فکری ، مخصوصاً در بین جوانان نارس سیاسی میگردد . در چنین حالتی باید دست به کارشد و با نشر مطالب علمی به افشای فقر سیاسی آنها پرداخت .

درین بخش مقالهٔ تبلیغی ضد تبلیغ اکادیمیسن کنستانتینف را اقتباس میکنیم کــه در آن انحرافات آیدیولوژیك و سیاسی یکی از منحرفان حزب کمونست فرانسه به نام « روژه ــ گارودی » افشأ شده است . این مقاله در ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ در روزنامهٔ پراودازیر عنوان « لغزیده » به نشر رسیده است :

« بورژوازی همیشه درنبرد ضد کمونستی وضد مارکسستی ـ لنینی ، به رویزیونیزم را است وچپ اتکای کامل می نماید . این همه تلاشها بیانگر آنست که آیدیولوژی بورژوازی دیگر دچار فقر است و نمیتواند بدون پرده ومستقیماً باشعار های خود تبارز نماید .

« کردار روژه گارودی را نیز از همین دید گاه ارزیابی باید کرد ، چه او کاملا به دشمن کمونیزم مبدل گشته وگرایشی به آیدیولوژی بورژوازی از خودنشان داده است . عجب نیست که این « پیامبر جدید ! » مورد توجه عمیق آیدیولوگهای بورژوازی قرار گرفته و دروازه های مطبوعات ، رادیو و تلویزیون خود را برویش باز گذاشته اند . نتیجه گیری های

تیوریشکی او که مملو از عبارات جعلی به اصطلاح علمی می باشد ، تنها اشخاص ساده‌لوح را مفتون و به احیای مارکسیزم ساخت خودوی معتقد ساخته میتواند .

« دررسالهٔ جدید وی که تحت عنوان مرموز « الترنیتیو » به چاپ رسیده ، از شیوهٔ جدید درك واقعیتها و تحولات اجتماعی سخن میرود و بدین‌وسیله به روشنفکران و جوانان تلقین میگردد که گویا تطبیق « مودل جدید سوسیالیزم » امکان پذیر است . وی مشوره میدهد که باید به عمق اهداف جنبشهای معاصر انقلابی وارد شد . به عقیدهٔ وی این اهداف نه تنها از وظایف مشخص سیاسی بلکه همچنان از آیدیال‌های عالی بشریت ترکیب گردیده‌است .

« ولی بااندکی تعمق تفاوت فاحش بین پیش بینی‌های « سحر آمیز » و « تلاشهای علمی » مؤلف را میتوان دریافت . برای سیر در نظریات وی ، قسمت هایی از این رساله را تحلیل می‌نماییم :

« تاریخ جنبش جهانی کارگری نمونه های متعدد خیانت ، جعل کاری و انحراف را به خاطر دارد. اکثراینگونه جریانات با یك مسألهٔ عادی آغاز یافته وعاقبت به انحراف کامل ازمارکسیزم منجر گردیده است که پیروان آن سر راست در صف دشمنان طبقهٔ کارگر جای گرفته‌اند . سرنوشت برنشتین چنین بود . وی جوهر اصلی سوسیالیزم علمی ، اقتصاد سیاسی و فلسفهٔ مارکسستی را تحریف کرده است . زنده گی « ملیی‌رن » نیز درهمین مسیرادامه داشت ودر پایان عمر به مبارز فعال درراه تجاوز مسلحانه علیه شوروی مبدل گشت . « ستروِوی » نیز در همین راه گام گذاشت و به رهبری حزب ارتجاعی کادت رسید . آیا امروز افراد زیادی این نامها را به خاطر دارند ؟ زنده گی آنها از آنجهت جالب توجه است که در آن محتوا ومنطق خیانت و جعلکاری ایشان نهفته است .

« بدون شك ، گارودی یك انسان عادی است ولی جریان رشد سیاسی وآیدیالوژی‌او به خودی خود نشان میدهد ، کاری که از انتقاد اصول فلسفی مارکسیزم آغاز یابدو تلاشهایی که به منظور « غنی ساختن » ماتریالیزم دیالکتیك و تاریخی با افکاربیگانه شروع شود ، چه عاقبتی به دنبال دارد . دیالکتیك عمیق مبارزات آیدیولوژیك و سیاسی ثابت میسازدکه عناصر ناپایدار ، لغزنده ، بزدل وریاکار حتماً در آغوش دشمنان مارکسیزم قرار میگیرند ودر باتلاق ضد کمونستی ورویزیونیستی فرومی روند .

« تعلیمات جدید گارودی چیزی بیش از وارد سازی عقاید اکلکتیستی وپلوره لیستی در مارکسیزم نیست . گارودی آرزومند است مارکسستان را به مباحثهٔ آشکار وروباروی ، بافلسفهٔ

بورژوازی ، دعوت نماید و بدین وسیله تلاش میورزد تیوری کارگری و جهان بینی انقلابی را با آیـد یولوژی بورژوازی آشتی دهـد . اوزیـر نقـاب انقلاب علمی و تخنیکی از انطباق تیـوری مارکسیستی ـ لنینستی بر خـصلت مرحلهٔ کنونی ـ مرحلهٔ گذار از کپیتالیزم به سوسیالیزم انکارمیورزد . به عقیدهٔ وی انقلاب علمی‌وتخنیکی بزرگترین نیرویی است که باسایروجوه زنده گی بشریت تفاوت کامل دارد. پیشنهادات وی درمورد «تشبث‌تاریخی» انکار واضح ضرورت انقلاب سوسیالستی است . درین متودولوژی ، میلان مفرط وی به انحراف از اصول مارکسیزم به‌وضاحت مشاهده میگردد . به عقیدهٔ وی تحولات‌اجتماعی نیزوابسته به مراحل مختلف رشد مدنی انسان‌است. گارودی با این استدلال سعی دارد تعلیمات مارکسستی ـ لنینستی رادربارهٔ صورت بندی های اجتماعی - اقتصادی روپوش کند .

«انتقاد وی در گام‌اول متوجه نظام سوسیالستی‌است که خصلت غیردموکراتیك را به‌آن نسبت میدهد . گارودی به نظام‌موجودهٔ سوسیالستی قناعت نه کرده ، باتلاشهای‌خوددرزمینه سعی میورزد، برفـجایع نظام بورژوازی سرپوش گذارد. وی ازمسألهٔ استفاده ازدستآورد های عظیم انسانی علیه انسان درنظام بورژوازی اغماض نموده و آهسته‌آهسته ازبررسی ماهیت زنده گی‌اجتماعی ،سیاسی ومعنوی نظام‌بورژوازی طفره میرود و نمیتواند تضاد های عینی نظام بورژوازی رابرشمرد .

«قشر عمدهٔ مورد خطاب‌گارودی راجوانان وآنهم بدون درنظر داشت طبقه وسایر ملحوظات آنها، تشکیل میدهد. برای وی جوان‌ازنظرروانی وسن‌وسال ارزش دارد نه چیزدیگری .گارودی روی این هدف می‌نویسد : «این جوانان‌که نیمی‌ازجمعیت کرهٔ زمین‌راتشکیل میدهند،درکشور های مختلف، به اشکال‌گوناگون ، خصایل ضد اجتماعی ازخودبروزمیدهند. این خصلت‌ها قوانین نانوشته یی اندکه آنهارامیتوان اخلاق ،نونشته نامید. انتخاب این‌جوانان دربین قوانین ،اخلاق و مؤسسات موجودهٔ کشورها باهم متفاوت است . » این نوع طرزتلقی نشان میدهد که‌نویسنده مسألهٔ روابط طبقاتی‌رابه‌کلی فراموش کرده ، سعی دارددواقعیت های‌اجتماعی رادرماورای‌آن‌جستجو کند.

«گارودی جای‌دیگرمی‌نویسد : «یگانه‌معبودی که‌پس‌ازمارکس، نیچه وفروید درمرحلهٔ کنونی برای جوانان وجود دارد، نیروی خلاقهٔ خودآنهاست. این نیروهنگامی بهتر تبارز خواهدکرد که مردم نیرومندگردند وهستی به یك متاع تولیدی مبدل گردد. خدا صرف در جایی که اثر ادبی ، مطالعات ادبی ، عشق وانقلاب ایجاد میگردد ، پدید میآید . خدانیروی‌مخالف انتروپیئی‌است.» این گفته ها نصایح علمای دین‌را به خاطر میآورد .

«گارودی پیوسته درمورد اعتقاد می‌نویسد ولی افکار وی در ین زمینه نیز بسیار پراگنده وبی نظم است . چنانچه میگوید : «اعتقاد دینی آیـد یولوژی نیست بلکه شکلی ازموجودیت

درجهان است . » این گونه طرز تفکر در حقیقت انکار صریح ازین اصل است که‌عقاید مذهبی عناصر اصلی جهان بینی مذهبی‌بوده وجهان بینی‌نمونهٔ بارز آیدیو لوژی‌است .

« البته چنانچه میدانیم بدون اعتقاد به طبقهٔ کارگر، به‌تمام زحمتکشان، بدون‌اعتقاد به پیروزی صلح و ترقی اجتماعی، به پیرورزی امر سوسیالیزم و کمونیزم نمیتوان کمونست یا مترقی بود. ولی گارودی هیچگاه راجع به اینگونه اعتقاد نه می نویسد . وی درفکر بازی نمودن نقش « لوتر » جدید است و بیشتردر بارهٔ اعتقاد مذهبی میاندیشد . او نه تنها می‌خواهد مارکسیزم ومذهب عیسوی ، علم و دین‌را آشتی‌دهد ، بلکه جداً سعی دارد تمام مردم و مخصوصاً جوانان را به دین و آنهم به عیسویت معتقد سازد .

« بنیانگذاران تیوری انقلابی به هولباخ * ، هلوتیسی ** ، دیدرو *** وسایر ماتریالست های فرانسوی توجه زیادی داشته و عقاید آته یستی آنها را می‌ستودند . ولی گارودی به این دانشمندان معروف کم بها داده و آنها را همپایهٔ کانت **** و مخصوصاً فیشته ***** می داند . چرا ؟ این سوال را خود گارودی چنین پاسخ میدهد : « مسیحی بودن به معنی اعتقاد به حتمیت زنده‌شدن مسیح پس از میخکوبی وی نه بلکه به معنی اعتقاد به امکان چنین اتفاقی است . هرگاه قلباً آمادهٔ چنین فدا کاری هستیم ، خدا دروجود ما قرار خواهد داشت . او نیرویی است که توانایی تغییر جهان

---

* - پل دلباك یاهولباخ (۱۷۲۳ -- ۱۷۸۹) نظریات ماتریالستهای فرانسه را به کاملترین وجهی بیان کرد . کتاب او به نام « نظام طبیعت » شهرت زیادی کسب کرد ، بطوریکه معاصرانش آنرا « انجیل ماتریالیزم » میدانستند .

** ـ هلونیسی (کلودهلوسیوس) (۱۷۱۵ - ۱۷۷۱) نیز ماتریالست برجستهٔ فرانسوی بود که در تنظیم تیوری ماتریالیستی معرفت نقش عمده داشته است .

*** ـ دنی دیدرو (۱۷۱۳ - ۱۷۸۴) را اوج وقلهٔ ماتریالستهای قرن هجدهم فرانسه میدانند . بهترین آثارفلسفی وی «اندیشه هایی برای تفسیر طبیعت » ، « گفتگوی دالامبرودیدرو » و « اصول فلسفی ماده وحرکت » می باشند .

**** - امانویل کانت (۱۷۲۴ - ۱۸۰۴) رابانی ایدیالیزم کلاسیك آلمانی میدانند . البته فلسفهٔ اومتضاد بوده در پهلوی جنبه‌های ایدیالیستی دارای جوانب ماتریالستی نیز می‌باشد .

***** - فیشته (۱۷۶۲ - ۱۸۱۴) از نظر زمانی مبلغ بعدی‌ایدیالیزم کلاسیك آلمان است . او یك‌ایدیالست ذهنی بود .

را دارد .» این گفته ها بخودی خود علل اختـلاف گارودی را باما تریالـست هـای مذکور آشکار ساخته وریشه های تمایلات رویزیونستی وانحرافی وی را فاش میسازد .

« گاروی قبل ازین نوشته بود که بشر دوستی مارکسیزم از سر چـشمهٔ دین عیـسوی آب میخورد ودر رسالهٔ فعلی اش به طور سفسطه آمیز تلاش به اثبات این مدعادارد که گویا دیالکتیك مارکس توسط هیگل از مذهب عیسوی بیرون آورده شده است . هدف گاروی ازین ادعا های بی سروپا درآوردن مارکس و مارکسیزم به رنگ مسیحی است و تلاش دارد ازینطریق جلو برخورد شدید بین مارکسیزم ومسیح پرستان ، علم ودین رابگیرد . ازآنجاییکه گارودی میداند مارکسیزم انقلابی ترین تعلیمات عصر حاضراست وانکار صریح از آن تا ممکن به نظر مـیرسد ، تلاش دارد در لباس مارکسستی محتوای انقلابی آنرا ازدرون فاسد سازد .

« اقدام به مقایسهٔ مارکسیزم و عیسویت وادعای همگونی آنها ، خود تهمت بزرگ بر مارکسیزم است . این تهمت وی جنبهٔ بدتردیگری نیز دارد بهاین معنی که تلاش میورزد مارکسیزم را در چوکات میکانیزم و پوزیتو یزم معرفی کند . منبع این اعتقادوی آید یولوگهای بورژوازی اند که پیوسته سعی میورزند ، مارکسیزم را در چوکات این محدوده منحصرجلوه دهند .

« در گذشته تلاشهایی مبنی برهمگون جلوه دادن تیوری اجتماعی مارکس با فلسفهٔ کانت هیگل وماخ وجود داشته است . پلخانف در همان وقت به کنایه چنین گفته بود : « شاید زمانی بتوان مارکس را بافومه اکوینسکی * مقایسه کرد ! » این کنایهٔ پلخانف را آنروز ها شوخی تصور میکردند ، ولی اینك انحراف گارودی ثابت ساخت که تاچنین سرحدی نیز امکان لغزیدن وجود دارد .

« گارودی که خود در جوانی از مکتب «گیزونت ها» بهره گرفته است ، با بـر آورده سازی اهداف متفکرین بورژوازی کمك نموده و بحیث یك مبلغ عیسوی قد علم کرده است . مذهب عیسوی ، که سالهای درازی زیر نام آن اعمال و پلیدی های گوناگونی صورت گرفته به طبقات حاکم تحت حمایت خود زمینهٔ استثمار را مساعـد ساخته و جنگهای خونینی را باعث گردیده ، در نوشته های گارودی بمثابهٔ یك پدیدهٔ معصوم جلوه گرشده است . وی تقاضا دارد به عیسویت روی آوریم وتمام زشتی ها و پلیدی ها ، منجمله دعوتهای به جنگ ، زنده سوختاندن جوردانو بـرونو وامثال آن تـوسط کلیسا ، را فراموش کنیم .

«این همه تشتت و پراگنده گی درافکار گارودی بخاطردوری وی اززنده گی واقعی و پشت پا زدن به تعلیمات مارکسستی پدید گشت . ازخلال رساله اش احساس میشود که گارودی درین اواخر

(*) فومه اکوینسکی یکی از رجال عالیرتبهٔ دولتی در روسیهٔ قبل از انقلاب بود .

به مسیحیت روی نیاورده بلکه سالها قبل از آن مسیحی بوده است. چنانچه مینویسید «درطول عمر خویش همیشه ازخود می پرسیدم آیا پیرومسیحیت هستم ؟ ظرف چهل سال همواره به این سوال پاسخ منفی میدادم ، زیرامسألهٔ مذهب رابگونهٔ نادرست شرح میدادندواظهارمیگردید که گویامذهب نمیتواند ارتباطی بافعالیت های اجتماعی انسان داشته باشد . فقط اکنون معتقدگشتم که زنده گی ومذهب پیوند ناگسستنی دارند وفعالیت اجتماعی من بدون مذهب ناممکن است. » چنین است چهرهٔ واقعی گارودی مرتد، که خود بردورویی اش صحه گذاشته است .

« درمرحلهٔ شدت تضاد بین ترقی وارتجاع ،گارودی همواره درصف مرتجعین بوده است . لغزش وی ،که باانتقاد ازتعلیمات مارکسستی ـ لینینستی آغازشد، گاروی را تاسرحد ارتداد ، تا درجهٔ مبلغ مسیحی ، تاسرحد دشمنی با کمونیزم تنزیل موقف داده است .

«این حقیقت درجایی از کتاب گارودی تلویحاً منعکس گردیده ، وی مینویسد: « این رساله هنگامی به هدف واقعی اش دست خواهد یافت که بتواند حد اقل گمراهی رااز وجود تنگنای مخوفی که همه درآن ره گم کرده اند ، آگاه سازد . » ولی برعکس مامعتقدیم کتاب گارودی پیروان مارکسیزم رااطمینان می بخشد ازینکه هرشخص منحرف ازمارکسیزم لاجرم به چنین تنگنایی درغلتیده ، به مبلغ واقعی بورژوازی مبدل گشته و به ناچار علیه مارکسیزم قد علم خواهد کرد .

« یکی ازپیروزی های بزرگ بنیانگذاران تیوری انقلابی ، توفیق درجداسازی سوسیالیزم از وهم وخیال و تبدیل آن به علم میباشد. ولی افسوس که گارودی مارکسیست(I) دراین اثرسفسطه آمیزش پی ایجاد خیال پرستی جدیدی شده است . گارودی که ازصفوف حزب کمونست فرانسه رانده شده اکنون ازلحاظ سیاسی به یك جسد بیروح وازدیدگاه آیدیوی ـ تیوریتیکی به یك مخترع آیدیولوژی نوین ارتجاعی آیدیالستی مبدل گشته است .

«شودیرلودی لاکلو» دررمان خود بنام « ارتباط خطرناك » زنی را از طبقات اشراف بنام « دی مارتی » ترسیم کرده که درزیبایی شهره بودولی قلب ناپاك داشت. عاقبت دچارمریضی چیچك گردید و رویش پراز داغها شد و آنگاه که زیبایی اش راازدست داد، مردم با دیدن وی میگفتند : «اکنون قلب وی به شکل اصلی خود درچهره اش نمودارشده است. »

« عین همین گفته هادرمورد گارودی نیزصادق است. سراپای اندیشه های وی پرازخیانت به مارکسیزم میباشد و گفته هایش دورنمای این خیانت وی راروشن میکند. اگرهدف خودرادریک کلمه خلاصه کنیم میتوان گفت که « وی لغزید ! »

اکنون کوشش میکنیم این مقاله را ازلحاظ خصلت ذاتی تبلیغ ضد تبلیغ بررسی کنیم :

اکادیمیسن کنستانتینف مطلب خودرا ازتاکید بربحران عمیق آیدیولوژی بورژوازی درزمان حاضر آغاز نمود . وی اثبات می نماید که اگر قبلا آیدیالوگهای بورژوازی جرأت داشتند مستقیا درعرصهٔ نبرد آیدیولوژیک بامارکسیست ها دست و پنجه نرم نمایند، اکنون با افشای همه جانبهٔ آن آیدیولوژی ، بورژوازی تلاش میورزد اهداف تبلیغی خویشرا ذریعهٔ مارکسستان نقاب پوش ومخصوصاً توسط مرتدان جنبشهای کمونیستی ، برآورده سازد. مطالبی که بااین مقدمه آغاز گردد به سطح دانش خواننده نزدیکی داشته و به وی تلقین میکند که منحرفین درواقع بازیچه های سیاسی سرمایداران برده وطبق دستور، نه به حکم منطق، راه ترقی رادرپیش گرفته اند و باظاهرمارکسستی باعث فریب زحمتکشان میگردند .

بعداً نویسنده، خیانت گارودی رادرچارچوب خیانت های سایرمنحرفین تشریح کرده و بدینوسیله توفیق یافته است چهرهٔ واقعی اجتماعی ــ فلسفی گارودی خاین رابرملا سازد . سپس اکادیمیسن کنستانتینف بمنظور بررسی ارزش نوشته های گارودی و بخاطر تلقین این مفکوره ، که هیچ نظریهٔ وی تازه گی نه دارد، وی راباسایرخاینین جنبش های انقلابی ازجمله بابرنشتین ، میلران و ستر ووی مقایسه کرده وحتی اظهارمیدارد که خیانت گارودی درمقایسه بادیگران خیلی ناچیز بوده و وی ازنگاه سیاسی تا درجه یی ذلیل است که حتی نمیتواند نظرش راباصراحت لهجه آشکار سازد و ازینرو صدایش در بین سـایر صدا های حامیان نظام بورژوازی ناپدید میگردد .

نویسنده بعدازتحلیل وارزیابی کتاب جدید گارودی وضمن مقایسهٔ اندیشه های مضروی بـا اندیشه های دیگر مرتدان معاصر ، به این نتیجه میرسد که غرق شدن دراشتباهات ودرهم آمیزی عقاید متضاد عواقب وخیمی به دنبال خواهد داشت ودرحقیقت رهروان این جادهٔ انحرافی به تبلیغ عقایدی مشغول اند که به حزب ، به جنبش انقلابی وایدلوژی مترقی ضرر فراوان واردمی سازد. کنستانتینف مقالهٔ خودرا طوری تنظیم نموده که خواننده رانه تنها گام به گام با اشتباهات گارودی آشنا می سازد ، بلکه وی رابه درك هر گونه انحرافات و کجروی های سایر هم مسلکان گارودی نیز قادر مینماید .

نویسنده واضح ساخته که انتقاد ازاصول مارکسیزم ، وآنهم با استفاده ازشیوه های بورژوازی یك شخص راتاچه اندازه به انحراف میکشاند زیرا نویسنده ثابت ساخته است که گارودی در واقع به سوسیالیزم اعتقاد نه داشته و نمیتواند وقایع اجتماعی را از موضع طبقاتی بررسی کند. کنستانتینف سپس به بررسی این امر می پردازد که گارودی به یکباره گی مرتد نه شده بلکه اندیشه های انحرافی وی طی مدت درازی شکل گرفته است .وی این فرضیه را در بررسی دو رویی گارودی که حتی از همان آغاز هم به مارکسیزم اعتقاد نه داشت ، ثابت ساخته است . مقاله پایان جالب و

دلچسپی دارد . نتیجهٔ آن خواننده را بهدوری گارودی از مسلك قبلی اش و گمراهی در کوچهٔ تاریك انحراف وارتداد معتقدمیسازد .

درمثال تحلیل‌شدهٔ فوق ،دیده‌میشود که‌استفاده ازروش تحلیل و تدقیق علمی ،اثبات مستند فرضیه ها،ومقایسهٔ آن بامطالب و حقایق مشابه، ستون‌فقرات مقالهٔ تبلیغی ضدتبلیغ راتشکیل‌میدهد. قابل‌یادآوری است که ساحهٔ نگارش اینگونه مقاله ها، تنها به افشأ ومحکومیت منحرفین محدود نه‌مانده ، موضوعات مختلفی رادربرمیگیرد .ضمن مقاله‌های تبلیغی‌ضدتبلیغ میتوان‌تمام تبلیغات ضد انقلابی وانحرافاف تیوریتیکی را، صرف نظراز آنکه از کجا سرچشمه گرفته ، افشاء نمود . به طورمثال :دستگاه پروپاگندی غرب‌درنبانی بامنحرفین چینایی درتلاشند سیاست‌صلحجویانهٔ اتحاد ـ شوروی رادرشرق میانه وارونه جلوه داده ، خلق‌این منطقهٔ مهم‌ستراتیژیك ،را ازخطر بهاصطلاح تهدید شوروی بترسانند . درچنین‌حالتی برژورنالست مترقی است‌تانه‌تنها بی بنیادی این افسانه های دروغین بورژوازی راافشاء سازد، بلکه‌باید مؤفق گردد سیاست امپریالست هارا درین منطقه رسوانماید ومردم‌آنرا ازوجود خطرجدی مائویزم که‌درصدد کسب تفوق درشرق میانه‌است،آگاه سازد .

میگویند به‌منظور قلع وقمع کامل‌دشمن باید ازتوانایی آن‌آگاهی کامل‌داشت . در جهـان امروزی تعدادی‌از ژورنالستان بورژوازی ،بطور سیستماتیك وحرفوی مشغول تبلیغ‌ضدکمونستی اند . همه‌روزه مقالات‌زیادی ازآنها درین زمینه به نشر میرسد . ژورنالست مترقی وظیفه دارد معلومات کافی‌را درموردااین دشمنان حرفوی جمع آوری کند ،شیوهٔ‌نگارش آنهارابداند ، باطریق جمع آوری وانتخاب‌حقایق توسط آنهاآشنایی کامل حاصل نماید و در زنده گی خصوصی آنها وارد شود تابتواند درمواقع لازم دشمن راباستفاده از آنها ازپا در آورد . برای‌همین منظورهم ضروری است تادرهرنشریهٔ انقلابی معلومات کافی‌پیرامون مبلغان مشهوربورژوازی ، نمونه هایی ازمقالات‌آنها وامثال‌آن موجود باشد . این امربه روزنامه نگارانقلابی‌امکان میدهد تابدون ضیاع وقت هرتبلیغ بورژوازی را درآن واحد خنثی سازد .

مقالهٔ پروبلماتیك :

این نوع مقالات باانواع دیگرمقاله هامانند تبلیغی ، تبلیغی‌ضد تبلیغ وسر مقاله هـاتفاوت زیادی دارند . چنانچه درسرمقاله ها چگونگی عملکرد افراد ذریعهٔ دستورها مشخص میگردد ،در مقالهٔ تبلیغی برای اثبات راهی که حزب برگزیده است دلایلی‌ارائه میشود، مقالهٔ تبلیغی ضدتبلیغ وظیفه دارد حملات دشمن رابرتیوری وپراتیك کمونست هاخنثی سازد واما مقالهٔ پـروبلماتیـك مهمترین مسایل را مورد بررسی قرار داده ، توجه خواننده رابه آن جلب نموده و از وی دعوت

میکند تادرحل مسایل مورد بحث شرکت ورزد . چارچوب این نوع مقاله ها یا ازنامه هاییکه به اداره میرسند ، انتخاب میشود ویا به ابتکار خود نویسنده تعیین میگردد .

امکان دارد قانونی را، که هنوزمرعی الاجراست ولی‌مردم‌رادچارمشکلات ساخته ، موضوع مقالهٔ پروبلماتیک قرارداد ویا شاید مروج ترین پدیدهٔ زنده‌گی که‌اکثراهالی با آن برخورده‌اند ، موضوع مقالهٔ مذکورواقع شود . فرض‌کنیم در یکی ازکشور های جهان نیروی بحری امریکا استقراریافته است . تحت‌البحری های مجهز به سلاح اتومی‌امریکا وقتاً فوقتاً درآبهای این‌کشور رفت وآمدکرده ومواد فضلهٔ رادیواکتیف رادرنزدیکی های سواحل به بحرمی ریزند .این مواد رفته‌رفته تجمع یافته وشاید باعث دردسرکشتی های اصلی این‌کشورگردد . عساکـرو افسران امریکایی‌بادزدی ، زورگویی، تجارت تریاك وانواع جنایات ، موجی ازاعتراض مردم‌این‌کشور رابرانگیخته است لذامردم بطوربالقوه آماده اند پیشنهادات ژورنالست مترقی رامبنی برتقاضای اخراج تمام عساکرخارجی ازحکومت ، مورد حمایت قراردهند .

این موضوعی است‌که شاید ژورنالست مترقی باتکمیل آن توسط اسناد و دلایل تازه تر ، بتواند مقالهٔ خوبی درزمینه تهیه‌کند وی میتواند حضورقوای خارجی رادرکشوربمثابهٔ تهدیدی به حاکمیت ملی ، امنیت داخلی وسبب پامال شدن حیثیت بین‌المللی کشورقلمدادنماید ومردم راباچگونگی‌حل این پروبلم ملی‌آشناسازد.به‌هراندازه‌یی که حقایق‌ودلایل مطروحهٔ ژورنالست‌صریح وگویاباشند به همان اندازه مقاله هانیزمورد توجه‌خواننده قرارخواهندگرفت .نشرمقاله‌پیرامون موضوع فوق شاید اتفاقات ذیل را باعث گردد :

۱ ـ انجام‌گفتگوهای شدید درپارلمان ،

۲ ـ ورود سیل آسای نـامه های مـردم کـه حـاکـی از نمـونه هـای جـدید خشم مردم دربرابر حضور نیروهای خارجی باشد ،

۳ـ براه‌افتادن تظاهرات خیابانی علیه‌موجودیت نیروهای‌امریکایی درکشور .

مثال دیگر :درهمین کشورازمدتهای درازی معادن با استفاده از شیوه های کهـن وتخنیك فرسوده موردبهره برداری قرارمیگیرد ودرنتیجه زنده‌گی معدنچیان با خطرروز افزون ودوامدار مواجه است . ژورنالست متعهد میتواند درخلال‌همین‌موضوع وبا ارائهٔ اسناد و دلایل تازه تری حاکی‌از خطر فزاینده درمعادن‌وبی اعتنایی صاحبان زردرمقابل زنده گی کار گران ، مقالهٔ خوبی بپروراند . برای‌اینکه مقاله‌مورد توجه‌قرارگیرد لازم است‌نامدارکی ازبی توجهی سرمایداران نیز تهیه گردد . هرگاه مرحلهٔ آماده‌گی برای‌نگارش مقاله باموفقیت انجام یافته باشد، روزنامه نگار خواهدتوانست بکمك‌مقالهٔ زنده‌اش زحمتکشان رابه‌عمل بالفعل وادارد .

مقالهٔ پرو بلماتیك از بعضی جهات تشابه شکلی با راپور تاژ پرو بلماتیك دارد ولی این به معنی همگونی کامل این‌دو نیست چه‌راپورتاژ پروبلماتیك بعداز مشاهدهٔ عینی صحنه و صرف در صورت اشتراك مستقیم ژورنالست‌در آن ترتیب میگردد ، در حالیکه مقالهٔ پرو بلماتیك از شهادت یك‌شخص عبارت نمی‌باشد بلکه‌این نوع مقاله‌ها بعدازجمع آوری اسناد و مدارك لازمه وشنیدن گواهی افراد متعدد نوشته‌میشوند . هدف آن هم بر خلاف راپورتاژ صرف اطلاع دهی نه بوده بلکه برانگیزندهٔ عکس‌العمل‌جمعیتی‌درمقابل‌یك‌رویداد نیز میباشد . به‌عبارت‌دیگرمقالهٔ پروبلماتیك تنها به‌طرح پرابلم اکتفا نکرده ،طرق حل‌آنرا نیز پیشکش‌میکند،درحالیکه‌راپورتاژپروبلماتیك واقعه یی‌رامنعکس ساخته، پروبلمی راشرح میدهدولی کارنتیجه گیری ازآنرا به عهدهٔ خوانندهٔ میگذارد .

به طور مثال : سالهای‌درازی بعد از تاسیس جمهوری دموکراتیك آلمان ، کشور های بورژوازی‌آنرابرسمیت نه‌شناختندو تاسیس‌روابطدپلوماتیك با آنکشور راناروامی پنداشتند،ولی‌چطور شد که اکنون تمام‌کشور های بورژوازی به‌موجودیت آن‌اعتراف کرده اند؟ جواب‌واضح‌است. روزنامه‌نگاران کمونست‌در داخل کشور های بورژوازی ، وسیعاً به نشر مقالات پیرامون بهبود روابط بین‌شرق‌وغرب و‌مفیدیت تاسیس روابط دپلوماتیك با جمهوری دموکراتیك آلمان پرداختند وبالنتیجه حکومات بورژوازی متوجه این‌قضیه گردیده و جمهوری‌دموکراتیك‌آلمان‌را به‌رسمیت شناختند . ولی این نوع مقاله‌ها فقط زمانی مورد توجه‌قرار میگرفت که‌مملو ازارقام وحقایق‌پر ارزش پیرامون مفیدیت تاسیس اینگونه روابط میبود . صرف در چنین حالتی مردم کشور های بورژوازی حکومات شانرا مجبور می‌نمودند چنین راهی رادرپیش گیرند .

از همینجاست که درمقابل نویسندهٔ مقالهٔ پروبلماتیك وظیفهٔ مهمی قرار دارد وآن اینکه وی باید تمام‌جهات مسأله رابادقت انعکاس دهد و برای مؤثریت بیشتر نوشته‌اش از حقایق وارقام ضروری وازنتیجه گیری های منطقی استفاده کند .

هدف مقالهٔ پرو بلماتیك وارد سازی تأثیر بر افکار عمومی است ، از ینرو دارای اهمیت فراوان میباشد . برای اینکه ارزش مقاله های مذکور را باز هم بالا برده باشیم باید آنرا تحت عناوین ثابت‌و به‌طورمنظم نشرنمود .

تعیین چارچوب مقاله های پروبلماتیك دشوارنه بوده ومیتواند به شکل ذیل صورت‌گیرد : نخست حقایق وارقام‌پیش کشیده میشود، سپس نتیجه‌یی‌ازآن بیرون آورده شده ودرپایان‌توضیح میگردد که با استفاده‌از کدام‌شیوه هامیتوان به هدف‌نایل شد . ولی دشواری‌کاردرچگونگی جمع آوری حقایق واسناد برای مقاله است. درین صورت کارنویسندهٔ مقاله‌بافعالیت خارنوال شباهتی

بهم میرساند زیرا اونیزمانند څارنوال مکلف است اسناد لازم رایکایک جمع آوری نمـاید و سپس به تحلیل آن بپرداذد .

باارزش ترین ودرعین حال دشوار ترین کاردرمقالات پروبلماتیک انتخاب موضـوع بـرای آنست زیرامقالات مذکور برای کته گوری های مختلف خواننده گان نوشته میشوند . اگردرانتخاب موضوع آن دقت صورت نگیرد ومطابق خواست خواننده گان به کار برده نشود ، ازتأثیرآن کاسته شده وباعث تحریک خواننده به اقدام عملی نه خواهد گردید . مطلب دیگری که ایجاب توجه بیشتررامینماید این است که زمان نشرمقاله های پروبلماتیک باید به دقت انتخاب گردد . به عبارت دیگرمقالهٔ پروبلماتیک راباید پس ازایجاد پروبلمی که حل آن در دستورروز باشد نشر کرد . در پهلوی آن باید مسایل آشنا ، عمومی ومطابق شرایط روزرادرمقاله های مذکورطرح نمـود . به طورمثال : نشرمقالهٔ پروبلماتیک دربارهٔ اصلاحات ارضی دریکی ازکشورهای عقب مانده وآنهم در سالی که حاصل فراوان برداشته شده ، نادرست است . زیرا از یکطـرف حـاصل فراوان موضوع اصلاحات ارضی را برای دهقانان در درجهٔ دوم اهمیت قرار میدهد واز سوی دیگر شاید براه انداختن اصلاحات درینگونه شرایط باعث ایجاد معضلات اجتماعی گردد . بر عکس درفصل خشکسالی ودرموقعی که دهقانان باانواع مشکلات دست وگریبان اند ، نشرمقالهٔ پروبلماتیک دربارهٔ اصلاحات ارضی بمثابهٔ تیری است که به هدف می خورد ودهقانان را به آسانی میتواند معتقد سازد که راه نجات ازاین مشکلات تقسیم اراضی ، ایجاد کوپراتیف ها ، استعمال تخم های اصلاح شده وکود کیمیاوی است .

الذامیتوان گفت که بهترین موقع نشر مقالهٔ پروبلماتیک زمانی است که خواننده ازدل و جان آمادهٔ قبول رهنمود های آن باشد .

مطالب فوق تنها اساساتی اند که ژورنالست میتواند بادرنظرداشت آنها به تهیهٔ مقالهٔ خوب پروبلماتیک دست یابد ، ولی نویسنده باید درک نماید که هر کشور ، هرولایت وهرحوزه پروبلمهای خاص خود را داراست . اومجبوراً باید خواسته های اساسی مردم کشورش رابداند . هر مقاله یی که برمبنای این اصول طرح ریزی شود ، برای خواننده خالی ازسودی نه خواهد بود .

مقالهٔ تشریح سیاسی :

دراین نوع مقاله هاغالبا نظرو نحوهٔ تفکراداره یـک روزنامـه یامحـرر آن راجع به یك مسألهٔ مهم سیاسی ، راجع به یك پروبلم حادوحل طلـب سیاسی وراجع به یك واقعهٔ فوق العاده ، به طور فشرده انعکاس می یابد . مقالهٔ تشریح سیاسی نسبت به سایر انواع مقالات عمر کمتری دارد

ولی حایز اهمیت فوق العاده در روزنامه ها گردیده است . این نوع مقاله ها معمولاً در یك صفحهٔ جداگانه و تحت عناوین تعیین شدهٔ ثابت به نشر میرسند . طول این نوع مقالات غالباً از ۶۰-۷۰ ستون سطر جریده تجاوز نمیکند . هرمقالهٔ تشریح سیاسی از سه بخش بهم پیوسته ترکیب یافته است:

بخش اول ، که وظیفهٔ اطلاعی دارد. بعبارت دیگر نویسنده سعی میکند خواننده را در همان آغاز بامحتوای مقاله آشنا و از نوعیت رویداد مطلع سازد. درهمین بخش از ظهور واقعهٔ جدید سخن بمیان میآید . نویسندهٔ مقاله تشریح سیاسی باید هنگام نوشتن تصور کند که خواننده‌اش به کلی از موضوع مورد بحث بی خبر است ولذا بایددر ابتدای مقاله حقیقت مورد بحث رابطور مختصر روشن سازد ، رویدا را ترسیم نماید واز محتوای آن آگاهی دهد .

در قسمت دوم ، نویسنده آهسته آهسته موجبات و موارد ارتباط خودرا باواقعه و پرو بلم مورد بحث آشکار میسازد و آنرا ازدیدگاه حزبی واز نظر موقف اجتماعی خود ارزیابی میکند .

و بالاخره درقسمت سوم مقاله، نویسنده یا بطور مستقل و یا درخلال نتیجه گیری های منطقی به ارزیابی واقعه می پردازد . درهمین قسمت است که مقاله نویس تخمین هایی راجع به آیندهٔ پروبلم مطروحه بعمل میاورد وشاید برسبیل پیشگویی در بارهٔ پیشآمدهای آرا اظهار نظر کند ودرصورت طرح پروبلمی درمقاله ، نویسنده‌شاید درمورد طرق بهترحل آن سخن گوید .

مقاله های پروبلماتیك معمولاً دارای عناوین جالب میباشند. هدف ازین امر جلب توجه خواننده در کمترین فرصت به مقاله است باید تأکید کرد که‌اوج و پایان مقالهٔ تشریح سیاسی نیزمانند عنوان باید جالب و قابل توجه تحریر گردد . برای این منظور بهتر است در پایان مقاله یك بار دیگر به آغاز رجوع شودو به سوالی که به نحوی از انحا درمحتوای عنوان وجود داشت ، پاسخ داده شود

برای آشنایی بهتر باساختمان این نوع مقاله ها ، اینك مقاله یی راکه یکی ازمتخصصان امور عربی درروزنامهٔ پرودا به نشرسپرده است، نقل میکنیم :

اجیر تجاوزگر

« روزی نیست که خبری از فتنه انگیزی های اسرائیل ، ازقتل و کشتار آن درسرزمینهای اشغالی وازوقوع تصادمات درشرقمیانه واصل نه گردد. ظرف چند روزاخیر عساکراسرائیلی تحریك نظامی راعلیه سوریه‌دامن زدند . طوریکه مقامات رسمی تل ابیب اعتراف کرده اند هدف از حملات پیهم نیروهای هوایی آنکشور برسوریه، ازبین بردن کمپ های مهاجرین فلسطینی درخاك آنکشور راست زیرا فلسطینی ها باوجود تحمل خسارات فراوان ، به نبردشان علیه اشغالگر ادامه میدهند. طیارات و

قوای تانك اسرایيل باهمين بهانه گيری ها، مرتباً قسمت های جنوبی لبنان را مورد گلوله باری قرار میدهند .

این حملات رهزنانه وادامهٔ سیاست زورگویی اسرایيل حاکی ازآنست که اسرایيل در پی واردنمودن فشاردوامدار بر کشورهای عربی میباشد وتلاش داردبا آنهاصرف به زبانرا کت و بمب سخن گوید . درعین حال دستگاه های پروپاگندی اسرایيل ادعا دارند که گویااوضاع درشرقمیانه تنها درصورت عملی شدن نقشه ها وقبولی شرایط آنها به حالت عادی بر گشته می تواند . شرایط اسرایيل برهیچکس پوشیده نیست . آنها توقع دارند تمام آن مناطقی راکه درجون ۱۹۶۷ اشغال کرده اند، وحتی بیشترازآنرا، همچنان درتصرف خود نگهدارند .

همانطوریکه مطبوعات قاهره تا کید میورزد، یکی ازوجوه سیاست استعماری اسرایيل درتلاش آن مبنی برحصول تماس جداگانه ، یعنی انجام مذاکرات جداگانه باهر کشورذیعلاقه ، تبارز می یابد. باید خاطرنشان ساخت، سادات رئیس جمهورمصردرسال ۱۹۷۱ پیشنهاد کرد که پروسهٔ عادی ساختن اوضاع درشرقمیانه باید درقدم اول ازبازسازی کانال سویز برای کشتیرانی وخروج عساکر اسرایيلی ازشبه جزیرهٔ سینا آغاز یابد. اکنون وضعیت رنگ دیگری به خودگرفته است . مطبوعات اسرایيلی و بعضی ازنشریه های غرب نیز بجاً اظهارداشته اند که اسرایيل حاضر به عقب کشی عساکرش از سواحل شرقی کانال سویز می باشد، مشروط براینکه موضوع مربوط به سایرمناطق اشغالی مورد بحث قرار نه گیرد . این اظهارات میرساند که اسرایيل حاضر است دربدل تضمین اشغال دایمی آنکشوربرسرزمین های عربی، نیروهایش راازنزدیکی های کانال سویز بیرون کشد .

حاتم معاون صدراعظم مصر ضمن افشای این نیرنگ اسرایيل تأکید ورزیده است که « مصرهرگونه حل قسمی مسألهٔ شرقمیانه را ، که با حل عمومی مسأله کمك نه تواند ، ردمیکند » .

جریانات اخیردر شرقمیانه یکبار دیگر به اثبات رسانید که هیچگونه سازشکاری و معامله گری های سیاسی برمناطق اشغالی عربی ، با حل عمومی قضیه کمك نه خواهد کرد . صلح واقعی و دوامدار تنها در صورت خروج نیرو های اسرایيلی از مناطق اشغالی واعادهٔ حقوق حقهٔ خلق عرب فلسطین تامین خواهد شد . به عبارهٔ دیگر تنها با تطبیق کامل مفاد فیصله نامهٔ مشهور شورای امنیت سازمان ملل در مورد شرقمیانه ، به صلح واقعی میتوان دست یافت . »

در ثلث اول این مقاله ، روز نامه نگارنخست خواننده را با حقیقت از دیاد تحریکات نظامی اسرایيل علیه سوریه آشنامی سازد . سپس تلاشهای مذکور را دلیل فشار دایمی اسرایيل بر کشور های عربی دانسته ، به افشای پلانهای دیگر اسرایيل می پردازد . براساس این پلانها یهودیان

حاضر ند در صورت واگذاری دایمی مناطق اشغالی به آنها ، امتیازاتی را به اعراب قایل شوند . وفقط در پایان این شرح سیاسی خواننده به شکست قطعی نیرنگهای اسراییل معتقد ساخته میشود .

آماده گی قبلی برای نوشتن مقاله در عین حتمیت دارای دشواری های مخصوص است . وظیفهٔ نویسنده ، بدون درنظرداشت درجهٔ پیچیده گی موضوع ، قبل از همه عبارت است از بیان وترسیم زیبا ، فهما و کوتاه مطلب .

هر گاه مقاله با کلمات زیبا و مانوس آغاز شود ، قسمت های بعدی آن نیز مورد توجه خواننده قرار خواهد گرفت . بطور مثال : یك روزنامه نگار ناروېژی یادنمارکی میخواهد از شمول کشورش دربازار مشترك جلوگیری نموده وبه مردمش تلقین نماید که شمولیت در آن بازار به مثابهٔ تشدیداستثمارزحمتکشان است . در اینصورت هرگاه حقایق و دلایل روزنامه‌نگار مستند باشد و به نحوجالبی با هم بافته شوند ، مورد توجه جدی خواننده قرار خواهدگرفت . وقتی آغاز مقاله وظیفه اش را مبنی بر جلب توجه خواننده به درستی انجام داد،درقسمت بعدی نتیجه گیریهای نویسنده نیز همچون حقایق مسلم ، مورد پذیرش واقع میگردد .

مختصراینکه نویسندهٔمقالهٔ تشریح سیاسی باید قابلیت بررسی مهمترین پرابلمهای زنده گی را در چند پاراگراف مختصر داشته باشد واینکاررا صرف هنگامی مؤفقانه‌بانجام خواهدرسانید که چگونگی پرابلم ، تاریخ ظهور و ارزش آن را دربین سایر وقایع اجتماعی به درستی درك بتواند .

بعد از نگارش مقاله باید به نشرآن اقدام کرد . مقاله های تشریح سیاسی اندکی بعد از وقوع‌رویداد ادی نشر خواهد شد، درغیر آن باگذشت زمان ،چون رویداد تازه‌گی اش راازدست میدهد، مقالهٔ مربوط به آن نیز جلب توجه نخواهدکرد . برای تامین سرعت‌درکارنتیجه‌گیری ازواقعات اجتماعی ، روزنامه نگار مکلف است رویداد های مربوط را پیوسته تعقیب نماید .

درنهایت باید متذکرشدکه مقالهٔ تشریح سیاسی مهمترین مضمون روزنامه بوده، نه تنها فکر نویسنده یا شخص امضاکنندهٔ آنرامنعکس می سازد، بلکه همچنان‌نمایانگردیدسیاسی‌هیأت تحریر روزنامه یاحزب مربوط درقبال رویداد های‌سیاسی نیزهست. برای همین منظورهم‌نویسندهٔاینگونه مقالات بایددرپهلوی ژرف اندیشی دروقایع اجتماعی وتحلیل سریع آنها ، اطلاع‌کافی از اسناد حزبی‌ومصوبات سازمان مربوطهٔ حزبی رادرزمینه نیزداراباشدوبداندکه نوشته اش قادر به ایفای چه نقشی درامرتبلیغ حزبی می باشد .

فصل پنجم

تصحیح و تدوین (ادیت) مطالب روزنامه ها:

پروسهٔ ادیت مطالبی که باید در روزنامه به نشر برسد ، مجموعه یی از کارهای دشوار و پرمسوولیت است. جریان ادیتنگ با رسیدن مطالب دست نویسی به اداره، که هنوز آمادهٔ چاپ نیست آغازمیگردد. درین پروسه مسؤولیت عمده به دوش کسانی است که باید کاپی رابخوانند .

کاپی خوان :

هرمطلب روز نامه اعم ازخبرها، مقالات وغیره، خواه توسط یك نویسندهٔ حرفوی تهیه گردیده باشد یاذریعهٔ نویسنده گان غیرحرفوی ، خواه آنرا یکٔ روزنامه نگار عادی نوشته باشد یا محرر نشریه، قبل ازنشر حتماً مورد ادیت قرارمیگیرد . ولی چنانچه واضح است، بادرنظرداشت حجم مطالب و توانایی نویسنده درابرازفکرش، پروسهٔ ادیت گاهی مشکل بوده وقت زیادرامیگیرد وزمانی کوتاه وساده سپری میگردد. چه میدانیم یکٔ تعدادنوشته هازحمت زیادی راایجاب نموده وتعداد دیگر به ساده گی سره میشوند . ولی درهرحال ادیتور باید هرمطلب را از نظر بگذراند .

هیچ اصل روز نامه نگاری ، ومنجمله مراعات سرعت در اجرای امور ، نه باید کار ادیتور

را اخـلال نمایـد یـاوی‌را مجبور بـه شانـه خـالی کردن از تصحیح و تدوین سازد. ادیتنگ‌در حقیقت مظهرواقعی روحیهٔ‌اصل دسته‌جمعی کاردر ژورنالیزم است.تنها در صورت اجـرای دقیق وصمیمانهٔ ادیتنگ ، مطبوعات‌خواهد توانست‌ازتبارز نواقص ،کمبودی ها و اشتباهات سیاسـی جلو گیری نماید .

بعضی اشخاص ، ناشیانه فکرمیکنند که‌گو یا ادیتنگ دراصل جنبهٔ صرفاً ادبی‌داشته وهدف از آن‌تنها اصلاح سبك وانشأ نوشته‌است . درحالیکه ،یدانیم نخستین وظیفهٔ ادیتور تصحیح وتدوین مطالب ازنگاه سیاسی میباشد . بدین‌ترتیب هرادیتور مکلف‌به اجرای دو وظیفهٔ ظاهراً نا مرتبط میباشد : یکی‌ازاین وظایف، مراعات‌شیوهٔ نگارش نویسنده وحتی‌المقدور صدمه نه زدن به‌آنست درحالیکه وظیفهٔ دومی حکم‌میکند، مطالب‌قابل ادیت رابایدباسایرمطالب شماره طوری‌تلفیق‌داد تاازیکسو وحدت‌درونی آنهاازبین نه‌رود وازسوی‌دیگر هرمطلب به‌حیث بخش مکمل ومجزا از دیگران تبارزکند . ازهمینجا کارادیتور رابافعالیت زرگران تشبیه کرده اند . زیرا زرگرسنگی را با کم و زیاد کردن بعضی قسمت های آن نه تنهابی ارزش نه‌میسازد ،بلکه تلاش دارد باکار بردهنرش برارزش آن‌بیفزاید .

ادیتنگ بخشی‌از فعالیت کارمطبوعاتی است‌که‌ضمن آن‌نوشتهٔ یك‌فرد به‌نوشتهٔ دسته‌جمعی مبدل میگردد . درجریان ادیتنگ ارتباطی بین‌روز نامه‌نگار ،نویسنده‌وادیتور برقرار میگردد. بعضاً شخص سومی‌نیز، که‌وی‌را «مشاور» گویند، وارد‌جریان میگردد . این شخص ، طوری‌که‌از نامش پیداست ،تنهادرقسمت اضافه‌نمودن یاکم‌کردن فکری به‌ادیتورمشوره میدهد .

امور ادیتنگ به‌یکی ازکارمندان‌روزنامه ،ازیك‌خبرنگار گرفتـه تامدیریك شعبه ، کـارمند سکرتریت ، معاون ویا محرر آن سپرده میشود (درمطبوعات افغانستان کارادیتنگ‌ذریعهٔ‌شعبهٔ مخصوص به‌نام تدقیق پیش‌برده میشود) .

ادیتنگ ایجاب میکند تاهرنقص واشتباه درنوشته، ازهمان‌آغاز رفع گردد. روزنامه نگاران حرفوی یك‌نشریه رانه‌باید به‌دسته‌های‌جداگانهٔ نویسنده‌گان وادیتوران منقسم‌نمود.درواقع‌روز ـ نامه نگار حقیقی‌کسی‌است‌که‌مطابق ضرورت، قادربه پیش برد یکی ازوظایف روز نامه باشد .

شاید نویسندهٔ امروزادیتور فردا، یاادیتوردیـروز نویسندهٔ امروزگردد. این‌ازخواسته‌های‌ضروری روزنامه‌نگاری است‌که تنهابا تعمیل آن می‌توان تفاوت موجود بین نویسنده‌گی وروزنامه‌نگاری را از بین برد .

نویسندهٔ مطلب کسی است‌که نوشته‌اش را یا دراختیار ادارهٔ روزنامه و یامستقیماً در اختیار ادیتور میگذارد . نویسنده مجبوراست اساسات ذیل را مراعات نماید :

الف) نوشته‌اش مکمل ودارای عنوان باشد . **هر گاه** ایجاب کنددر پهلوی عنوان اصلی، عناوین فرعی را نیز بنویسد. نویسنده باید ازسپردن مطالب ناقص وپیش پاافتاده بادست نویس نامکمل وپراز خطاها به‌ادارهٔ روزنامه، به امیدآنکه ادیتور به اصلاح آن خواهد پرداخت ، خود داری کند. اگر نویسنده افکارش رادرقالب های مختلف وبه انحای گوناگون تبارز داده‌باشد ، در آنصورت باید تمام انواع نوشته هایش را به ادیتور نشان دهد تابا انتخاب بهترین شیوهٔ نویسنده‌گی، کارادیتنگ نیز سهلتر گردد .

ب) دست نویس ها ، یا به شکل تایپی یا بعد از پاکنویسی خوانا، به اداره سپرده میشوند . نویسنده مکلف است قبل از سپردن ، نوشتهٔ خود را مجدداً مرور کند و به اصلاح اشتباهاتی ، که احتمالا رخ داده ، بپردازد . اصلاحاتی که در مرور مجد د به عمل خواهد آمد باید طوری باشد تا خواننده را دچار اشکال نه سازد . دست نویس نا درست ونا مرتب اگر از یکطرف کارادیتور را دشوار میسازد از سوی دیگر شاید باعث ایجاد خطاها و کمبودی های مزید درمتن نوشته گردد .

دست نویس باید به شکلی تهیه شود که اندازه گیری آن به ساده‌گی صورت گرفته بتواند . برای تسهیل این کار ، هر روز نامه شیوهٔ مشخص اندازه گیری متن صفحات دست نویسی را دارا میباشد ؛ به طور مثال:هر گاه یك سطر دست نویسی شامل ۵۷ - ۵۸ علامت (حروف ، نقطه گذاریها و فواصل بین کلمات) و هر صفحه دارای سی سطر باشد ، در آنصورت به آسانی میتوان معلوم کرد که همین صفحه در حدود (۱۷۰۰) علامه دارد . بالنتیجه به ساده‌گی میشود تعداد کلمات و سطر های آنرا تخمین نمود .

در وقت نوشتن باید حواشی راست و چپ صفحه را مراعات کرد . معمولا حاشیهٔ طرف راست ۵ ر ۲ سانتی متر (ده ضربهٔتایپ) ، طرف چپ یك سانتی متر ، قسمت بالایی دو سانتی متر و حاشیهٔ قسمت پایینی صفحه ۵ ر ۲ سانتی متر میباشد . فاصله بین سطر ها را تا دو فاصله (درجهٔ) تایپ بهتر دانسته اند .

ج) به انتقادات و پیشنهادات اولین خوانندهٔ متن (ادیتور) بایدگوش دادوحتی الوسع باید به درك هدف وی کوشید و مطابق به آن اصلاحاتی را به عمل آورد . سعی گردد تا هیچگونه تناقضی بین نویسنده وادیتور باقی نه ماند ، ولی این گفته هیچگاه معنی پذیرفتن کورکورانه وبدون چون و چرای توصیه هاوپیشنهادات ادیتوررانه دارد . نویسنده می تواند فکر مشخص خود را درزمینه ابراز دارد وبعد از انجام مناقشاتی ، حقانیت گفته هایش را به

اثبات رساند . امکان دارد ضمن همینگونه مناقشات شکل سومی ـ شکل جدید و بهتر ابراز فکر پدید آید . ضمناً نویسنده نه باید در مقابل هر انتقاد ادیتور عکس العمل منفی نشان داده و آنرارد نماید .

ادیتور باید نکات آتی را مدنظر گیرد :

الف) به مجرد حصول نوشته یی ، نظر قاطع خود را در زمینه به نویسنده ابراز دارد . ژورنالیزم طالب انجام سریع اموراست . هرگاه ادیتوری کار تصحیح و تدوین یا خواندن مطلب را به تأخیر اندازد ، به خطا میرود .

ب) فکر نویسنده را درك و به آن احترام گذارد ؛ شیوهٔ نگارش وی را شناخته و در صدد تغییر آن بر نیاید . هر گاه ادیتور سعی ورزد نوشته را مطابق شیوهٔ خود تغییر شکل دهد ، این کاروی نه تنها بیهوده است بلکه باعث ایجاد خلایی بین‌وی‌و نویسنده نیز میگردد . اتخاذ ذهنیت های خشك وبی مورد در برابر نوشته ها ، اگر ازیکطرف باعث ازدست‌رفتن آنها میگردد، ازسوی‌دیگرموجب‌راندەشدن‌نویسنده ازاداره نیزمیشود . پس برروزنامه‌نگار است‌تاهنگام ارزیابی مطالب،عینیت‌رافراموش نه کند .

ج) درجریان‌ارزیابی مطالب یاضمن‌صحبت با نویسنده باید ملتفت‌موضوع باشد وفضای صمیمانه رابەوجود آورد .هنگام ابرازنظر یاانگشت گذاری‌بربعضی خلاها، دلایل‌واسنادلازم ارائه کند . تمام‌پیشنهادات خودرا کەاحتمالاً با نویسنده درمیان خواهد گذاشت‌قبلاً رسیده گی نماید. صحبت طوری پیش‌برده شود که نویسنده درپایان آن، به کمبودی‌های نوشته‌و راه وچارهٔ اصلاح آن وارد گردد . ادیتور نه باید به‌نویسنده طریق اصلاحی رامطابق به شیوهٔ شخصی خودش که منجر بەدوباره نویسی مطلب‌می گردد ،تحمیل نماید .

د) ادیتور همواره باید منافع روزنامه‌اش رادرنظر داشته‌باشد . وی مکلف است،منحیث نمایندهٔ ،اصلاحت روزنامه، راهی‌را درپیش گیرد که‌ارتباط دوستانه بین‌نویسنده واداره رابرهم نه‌زند . ادیتور وظیفه دارد ازموقف برحق خویش قاطعانه دفاع نماید و در برابر خواسته های نویسنده، صرف نظرازشهرت ادبی یاسیاسی وی درحالیکه‌حق بەجانب ادیتورباشد،تسلیم نەشود. ادیتور بی‌اراده و بی ثبات نەفقط خود را رسوا می‌سازد ،بلکه درعین‌حال بەاعتبار روزنامه هم‌لطمه زده وبالنتیجه از علاقهٔ خواننده می کاهد .

ازمشاور، معمولا در مواردی که‌ضرورت‌شرح‌وایضاح بیشتر بعضی‌حقایق واصطلاحات علمی تخنیکی ،سیاسی واجتماعی بەوجود آید ،کمك خواسته‌می شود . درچنین‌مواردغالباًاز اشخاصی

که به‌شکلی ازاشکال ، باموضوع نوشته ارتباط دارند ، کمك میگیرند.مشاور در مرحلهٔ اولیهٔ ادیتنگ یاهنگامی که بین‌نویسنده وادیتور عدم تفاهم پدید گردد، بحیث‌حکم ایفای وظیفه میکند ویادرپایان کارتصحیح وتدوین ،منحیث شاهد برحقایق صحه میگذارد .

* * *

پروسهٔ ادیتنگ معمولا دارای چندمرحله‌می باشد، ولی‌نه‌بایدمودلی رادربن‌زمینه‌پیشنهادکرد. گاهی پروسه های مختلف تصحیح وتدوین باهم درمی‌آمیزند وگاهی یکی به جای دیگری حایز مقام‌اول میگردد . ادیتور غالباً کارهای ذیل را انجام میدهد : ارزیابی دست نویس، همآهنگ‌سازی مطلبی باسایر مطالب شماره، اصلاح مطلب ومرور مجدد مطلب‌ادیت شده .

ارزیابی دست نویس :

ادیتور مکلف‌است بعداز حصول مطلبی ، آنراخط بهخط ، تا آخرین کلمه ،بخواند و نارسایی های املایی یاانشایی رادرجاهای معین‌آن توسط پنسل نشانی کند . این‌نوع‌علامه‌گذاری درست درقسمت بالایی عین‌سطروقسماً درحاشیه‌های جانبی صفحه صورت‌میگیرد . مرور دقیق وکامل نوشته‌ادیتور راقادر می‌سازد تادرمورد آن ، ازروی واقع بینی ،قضاوت نموده وارزش‌آن رابرای نشر تثبیت نماید .

ادیتور پس از خواندن دست نویس :

الف) آنرا به نویسنده‌اش مسترد می‌نماید .

ب) مطابق خواست خود به ادیت آن می‌پردازد .

دست نویس تنها درصورتی که یا نواقص انشایی داشته باشد و یا با خط مشی سیاسی روزنامه تضادواقع گردد ، مستردمیشود . بطور عموم‌یك‌نوشته درموارد ذیل از نشر بازمی‌ماند :

- عدم توافق آن با دید سیاسی نشریه ؛
- عدم اهمیت پروبلم مطروحهٔ آن در شرایط موجود ؛
- نشرمطالب مشابه آن در شماره های گذشته یا موجودیت عین مطلب دراداره ؛
- بنابر عللی ، عدم جواز نشر .

به هر حال ادیتورمکلف است ، در صورت عدم قبولی مطلب جهت نشر ، نویسندهٔ آنرا در جریان قرار داده و علل عدم پذیرش را توضیح دهد . زیرا اگرمطالبی‌بدون ارائهٔ دلایل ، مسترد میگردد ، باعث ملال خاطر نویسنده شده و بر روابطش با ادارهٔ روزنامه اثرمنفی میگذارد .

البته گاهی روزنامه به خود حق میدهد از ارائه و توضیح دلایل عدم نشر مطلب، به نویسنده خود داری ورزد و این در موارد ذیل خواهد بود :

در صورتی که نویسنده دشمن معروف دید سیاسی روزنامه باشد یا درصورتی که نویسندهٔ خود خواهی، با وجود رد مطالبش در گذشته بنابر عدم‌توانایی نویسنده گی، باز هم بنویسد ویا هنگامی که محدودیت تخنیکی امکان تماس با نویسنده را از بین ببرد .

اگر مطلبی غیر قابل نشر پنداشته شده رد گردد، در اینصورت کار ادیتوربر آن به پایان میرسد. ولی گاهی بعضی از مطالب و حقایق یك نوشتهٔ مستردی هم به دردمی خورد وشاید بتوان در موارد دیگر آنرا به کار گرفت. دراین چنین موارد ادیتور مکلف است موضوع را به اطلاع نویسندهٔ آن رسانیده و بعد از حصول موافقهٔ وی به این کار اقدام کند. هنگامیکه استفاده از حقایق وارقام یك نوشته در مطلب دیگر ضروری باشد، در اینصورت بهتراست از نوشتهٔ اولی به حیث منبع یاد آوری گردد .

هر گاه مطلبی برای نشرپذیرفته شود در آنصورت کارادیتور روی آن ادامه می‌یابد. حتی در اینگونه حالات نیز ادیتور با دومورد ذیل روبه رو خواهد بود :

۱) هر گاه مطلب را نویسندهٔ ماهری نوشته باشد، درآن صورت ادیتور پروبلم کمتر داشته و شاید صرف به منظور صیقل دهی بیشتر، حقایق آنرا زیرورو کند .

۲) واگر مطلب را نویسندهٔ تازه کارنوشته یا درشیوهٔ تحریر آن نواقصی وجود داشته باشد، در این صورت وظیفهٔ ادیتور اندکی دشوار بوده ومجبور است تا وقتی روی آن‌کار کند که مطابق دلخواه تنظیم گردد. در هردو مورد بهتر است ادیتور کار خود را در تفاهم با نویسنده پیش برد .

طوریکه قبلا گفته شد ادیتور هنگام مروردست نویس، خلاها‌ونکات ضعیف آنرا نشانی میکند ودر صورت لزوم طرق اصلاح آنرا به نویسنده تشریح مینماید و بدین‌وسیله وی را مجبور می سازد تا خود به تصحیح نوشته اش اقدام ورزد. این کار باعث ایجاد روابط حسنه بین نویسنده واداره‌ٔ روزنامه گردیده و دروازهٔ انتقاد بعدی را بروی می بندد. ازسوی دیگر چون نویسنده خود در تصحیح و تدوین مطالبش سهیم بوده، فرجام آنرا به دست خود برمی گزیند .

ادیتورها ییکه مایل اند بدون موافقهٔ نویسنده وبدون حصول آشنایی اولیه با مضمون، به ادیت آن اقدام کنند، راه خطا را بر گزیده اند .

مطبوعات مترقی نه بـاید از مودل بورژوازی در زمینهٔ تهیه و ادیت مطالب استفاده کند . در مطبوعات بورژوازی یک خبرنگار تنها مسودهٔ حقایق ، ارقام ، سوژه وغیره را تهیه کرده ،شخص دیگری به ترتیب وتنظیم آن می پردازد . این شیوه اگر ازیکطرف تقسیم نادرست کار رابه وجود می آورد ازسوی دیگر بر امکان راه یابی غلطی ها واشتباهات درمتن می افزاید .

هماهنگ سازی مطلبی باسایر مطالب شماره :

نویسنده ، مخصوصاً اگر شغل رسمی درنشریه نـه داشته باشد ، نـه میتواند تصور روشنی از ارزش وموقف نوشته‌اش دربین‌سایرموضوعات و یا صفحهٔ مربوط داشته باشد . ازینرو ادیتور وظیفه دارد مطلب دست داشتهٔ خود را هم باسایر موضوعات شماره وهم با روش معمول نشریه هماهنگ سازد . برای این منظوروی مجبور است مطالب آتی را مدنظر گیرد :

کار خود را درین زمینه ، نخست از بررسی موضوع نوشته آغاز کرده به هدف ونتیجهٔ آن وارد گردد .هنگام اجرای‌این کار شاید باپیشآمد های‌ذیل روبرو شود :

ـ موضوع به طور عالی تبارز یافته و کلمات به شکل ماهرانه بـا هـم پیونـد داده شده‌اند ، لذا نوشته مطابق خواست نشریه می‌باشد . پیداست که در چنین مواقع دردسرادیتور کمتر و پروسهٔ ادیتنگ کوتا هتر خواهد بود .

ـ موضوع گنگ و مبهم‌است که دریـنصورت لازم میاید بدون‌انـحراف از موضوع اصلی به تکمیل آن اقدام شود . یعنی باید کلمات‌مجهول‌راروشن ودر صورت لزوم ایضاح کرد .

ـ موضوع دست‌داشته ، قبلا به نشر رسیده است ولی ادیتور با در نظر داشت حقایق تازه و دلچسپی که در آن موجود است با نشر مجدد آن موافقه دارد . درین صورت باید موضوع‌را از لحاظ همین حقایق بررسی کرد و به خاطر توافق آن با مشی روزنامه به تصحیح و تدوین آن اقدام نمود .

برعلاوه ، ادیتور ناگزیر است عین روشها را هنگام بررسی نتیجه گـیری های نویسنده نیز به کار برد ، تنها با این تفاوت که در مورد فوق باید به منظور کسب اطمینان از صحت نتیجه گیری ها ، یکبار دیگر برداشت های ذهنی نویسنده را با واقعیت عینی مقایسه کرد . معمولا آنچه را نویسنده در پایان به عنوان نتیجه پیشکش میکند ، تا اندازه یی خواست ذهنی وی را منعکس می‌سازد ، ولی هر گاه این خواست ذهنی را حقایق و محتوای نوشته تأییدنه کند و یا با واقعیت عینی تناقض داشته باشد ، ادیتور مکلف میگردد بین آندو رابطهٔ منطقی ایجاد نماید .

فقط بعد از بررسی موضوع و مشخص سازی نتیجهٔ آن ، ادیتور خواهد توانست نوشته را با سایر مطالب شمارهٔ موجود و شماره های دیگر ارتباط دهد . برای موفقیت در این مورد باید از مارکس آموخت : « بهترین مقاله آنست که به حیث بخش متشکلهٔ یك کل انجام وظیفه نماید . » (۱)

دراین قسمت نیز باید سه حالت ذیل مدنظر ادیتور باشد :

ـ اینگونه مطالب رانشریه گاه وبیگاه به نشر رسانیده وخوانندهگان با آن آشنایی کامل دارند . دربن صورت موضوع بدون اشکال ، موقف خود را در بین سایر مطالب شماره تثبیت میکند . یگانه وظیفهٔ ادیتورآنست تانوشته را زیرعنوان ثابت دریك قسمت خاص شماره جا داده وبه کارکنان مربوط روشن سازد که آنرا درکدام قسمت صفحه بگنجانند .

ـ مطالب شبیه مطلب قابل نشر درشماره های گذشته چاپ شده ولی شاید خواننده نه تواند به سهولت ارتباط بین مطلب موجوده ومطالب قبلی رادریابد . برای این منظور درخود متن و یا ضمن مقدمهٔ جداگانه، ارتباط بین آنهارا باید به نحوی ازانحأ آشکار ساخت .

ـ وبالاخره ، نوشتهٔ ما تحقیق جدید دریکی از زمینه هاست ویاشاید نو آوری درفن زورنالیزم بحساب رود ، درینصورت ادیتور مجبوراست خواننده رابا این جهت موضوع آشنا سازد .

از روش های متذکره هم درمورد تحقیق جدید ومفصل روی یك پروبلم وهم درقسمت مطالب عادی وروزمره میتوان کار گرفت . عنعنات موجودهٔ مطبوعات ازما میطلبد تاارتباط درونی مطالب رابه صورت جدی درنظر گیریم . وظیفهٔ ادیتور است تابکوشد ازایجاد تناقض بین طرز دید یك نویسنده (هم در حقایق و ارقام و هم در نتیجه گیری ها) با شیوهٔ تلقی نویسنده گان مطالب قبلی جلوگیری کند . هرگاه چنین تناقضی ناگزیر باشد، بایدکوشید، یا در خلال متن و یا ضمن شرح جداگانه یی، نظرمشخص اداره درزمینه تصریح گردد . این یك امر ضروری است زیرا هرگاه مطلب متنازع فیه بدون تبصرهٔ اداره به نشررسد ، یقیناً خواننده تصورمیکند که روزنامه با نویسندهٔ مطلب هم عقیده است .

هرگاه روزنامه مبارزه پیگیری را درپیش داشته باشد ، بهتراست به منظور جلوگیری از تکرار عقاید وایجاد تناقضات فکری، محتوای اصلی موضوع مورد بحث روشن ساخته شود . موضوعاتی که دراین زمینه تحریرمی یابند باید همه باهم با بر آورده سازی هدف واحد کمك نمایند . در صورتی که مبارزهٔ روزنامه موقف مناقشه روی پروبلمی گردیده باشد ، ناگزیر عقاید مختلفی مطرح

(۱) مارکس ، انگلس کلیات ، جلداول ، ص ۱۸۹

میگردد . درچنین مواقع ضرورنیست اداره هرعقیدهٔ مطروحه را با نظر مشخص خود مقایسه نماید چه درآغاز صحبت وهنگام نشراولین مطلب درزمینه‌تصریح میگردد که هرفکر ابراز شده از آن ابراز کنند ه گان است .

هنگام‌تصحیح وتدوین‌اخبارعادی روزمره بایدشیوه‌هایی را درپیش‌گرفت‌تامطالب رادرابراز مستقل هدف‌وخواننده رادرشناخت ارزش آن‌درزنده گی روزمره یاری دهد . با تأسف باید گفت بعضاً سهل‌انگاری هایی درزمینه صورت میگیرد که‌درنتیجهٔ آن خواننده به‌استنتاج نامطلوبی دست می یابد .

مطلب موردنظرجای خودرا درشماره یافته‌است بایدبه‌اندازه گیری آن اقدام کرد :

این‌امر که‌یک‌روزنامه موضوعی رادر چند سطر پذیرفته می تواند ، مربوط است به ارزش اجتماعی رویداد مورد بحث یاپروبلمی که‌در این‌یاآن نوشته شرح یافته است . گاهی در تعیین چارچوب فوق، شمارهٔ نوشته هایی که درزمینه موجود است نیزمؤثر میافتند .

ادیتور بادر نظرداشت‌امکانات وخواسته‌های‌نشریه، درزمینهٔ کوتاه‌سازی‌یاتفصیل‌مزیدموضوع بانویسندهٔ آن وارد صحبت میگردد .

دست‌نویسی که‌به‌اداره رسیده ازنگاه حجم ناگزیربه‌یکی‌ازکته‌گوری‌های‌ذیل‌مربوط‌میشود:

ـ مفصل تر از حد لازم :

تحت‌این حالت، بیدرنگ بایدبه‌کوتاه سازی آن‌اقدام‌گردد . غالباً هنگام‌کوتاه‌کردن‌مطالب تغییرات جدی در ساختمان وحتی ژانر نوشته رونما میگردد . روز نامه نگاران ورزیده ، مطالب شانرا طوری‌ترتیب میدهند که درصورت لزوم میتوان قسمت های‌کم اهمیت‌را ، بدون‌لطمه زدن به محتوا، به‌ساده گی ازمیان برداشت .

ـ کوتاه تر از حد معین :

درینصورت باید مطالبی بر آن علاوه گردد . ولی‌ازآنجاییکه لازم‌است مطالب‌جدید با اصل موضوع مرتبط باشد، اینکار رابابد به‌نویسنده سپرد . نه‌باید به‌خاطر طویل‌ساختن‌موضوعات‌سعی بی‌مورد کرد و کلمات وعبارات مجرد راوارد نوشته ساخت . ادیتور یانویسنده باید در ینگونه موارد مطالب‌احتیاطی داشته باشدتا‌بدون ضیاع وقت به‌مطلب اصلی اضافه شود .

ـ طول و تفصیل دلخواه :

دراین حال ادیتورتنها وظیفه‌دارد هنگام‌زیرورو کردن‌مطالب ،طول‌عمومی رادست نا خورده باقی گذارد .

البته هنگامی که‌سخن برسردست نویس است‌روزنامه نه‌بایدمتوقع‌باشد که میتواند حجم صد فیصد دلخواه را بدست آورد . ولی حتی در این مورد هم کم یا زیاد بودن ۵ – ۱۰ سطر را حجم اعتدالی میگویند . نه باید فراموش کرد که کار نویسنده گی درواقع‌هنرایجادی است و مطابق قانون نانوشته پیش میرودو لذا روزنامه نه‌باید همیشه‌منتظر حجم مناسب باشد .با اینهم بر نویسنده است تا هنگام نگارش از اعتدال دورنه رود . در عکس حال ، نوشته‌اش هنگام ادیت صدمهٔ کلی‌خواهد دید .

اصلاح مطلب :

بعد از ارزیابی جهات عمومی و تخنیکی دست نویس ،باید به اصلاح متن آن پرداخت . این پروسه را در روزنامه‌نگاری « اصلاح مطلب » خوانند . چارچوب اصلاح مطلب ازادیتنگ محدود تر است چه هدف اصلاح مطلب به مثابهٔ بخشی از پروسهٔ عمومی ادیتنگ ، تصحیح متن دست نویس واز بین بردن نواقص آن در خود دست نویس است . مطلب را از نگاه های مختلف منطق ، سبك ، گرامر و اصطلاحات درست میکنند که غالباً سرحد روشن بین اینگونه موارد از بین میرود و حتی گاهی انواع مختلف اصلاحات همزمان صورت میگیرد . اصلاح مطالب از هر نگاهی که باشد با ارزش تراست و بهتر شمردن یك جنبهٔ آن برسایر جنبه ها مجاز نیست ، با آنهم از لحاظ تسلسل ، اصلاح منطقی بر اصلاح گرامری تقدم دارد زیرا اگر قبل از اصلاح موضوع از نظرمنطق، به تصحیح گرامری آن اقدام شود ، درواقع رنج بیهوده را بر خود هموار نموده‌ایم . در صورت امکان بهتراست خود نویسنده مطابق خواست وتحت نظر ادیتور به اصلاح مطلب از جهات مختلف بپردازد . ولی اگر این امکان محدود باشد نویسنده میتواند مستقلانه کاراصلاح رادنبال کند .

برای انجام بهتر کاراصلاح مطلب ، متخصصان فن یك تعداد علامه ها ونشانه ها راوضع کرده‌اند که هنگام اصلاح مطالب به‌کار گرفته میشوند . از آنجاییکه اینگونه نشانه ها بمثابهٔ زبان مشترك نویسنده گان ، ادیتوران و مصححان مطبعه برای همهٔ آنها قابل فهم‌میباشند ، کار اصلاح را سریعتر میسازد .

در صفحهٔ (۱۱۵) تعدادی از نشانه های معمول اصلاح مطلب نشان داده‌شده‌است .

اصلاح منطقی که درآن متن مربوط از لحاظ ادبی، ایدیالوژیك و سیاسی بررسی شده و مطابق معیار های مشخص اداره تنظم میگردد . دربن پروسه کارهای ذیل‌انجام خواهد گرفت :

– تصریح مزید متن ازلحاظ ایدیالوژی و سیاسی (بقیه درصفحهٔ ۱۱۶ تعقیب شود) .

معمول ترین علامات پروف خوانی :

∧ برای نشاندادن حرف، کلمات وحتی جملات فراموش شده بکار میرود
عادتاً خود علامه زیر خط و مطالب فراموش شده بالای خط نوشته میشود :-
بازار ∧ یا او گفت : ∧ میرود.

⌊ علامه شروع پراگراف.

⊔⊓ این علامه نشان میدهد که محل حرف یا کلمات کوتاه تعویض شود :- سرلادار

⌐ علامه تغیر محل برای کلمات و ترکیبات :- بهار ای باران

I علامه حذف حروف :- دستش.

علامه حذف کلمات : سازمان صلح و همبستگی بین المللی.

خط افقی در عین زمان برای حذف جملات نیز استعمال میشود.
وقتی لازم میشود که چندین خط کاپی حذف شود، عموماً برای آسان ساختن کار حروف چین یک خط از اخیر جمله ماقبل خطوط حذف شدنی تا سر کلمه ایکه حذف نمیشود، کشیده میشود.

| علامه جدا ساختن کلمات از یکدیگر :- ما|در کتاب خوانده ایم

⁀ علامه نزدیک ساختن کلمات یا حروف : ما شور.

○ علامه تصریح به حروف : جلد (۵۲)

علامه کوتاه ساختن :- سال (یکهزار و سه صد و شصت و یک).

(#) علامه ختم.

ـ ایجاد پیوند منطقی بین حقایق وارقام و نتیجه یی که از آن به دست آمده است .
ـ درصورت لزوم تصحیح حقایق واسناد ، اقتباس ها ، سنه ها ، اسمای اشخاص ، اماکن وغیره .
ـ مقایسهٔ اقتباس ها واسنادی که جهت اثبات فکری به کار برده میشوند ، با منبع اصلی .
ـ رفع اشتباهات و حذف کلمات و ترکیب های به اصطلاح دو پهلو .

اصلاح منطقی گاهی تصحیح شکلی موضوع رانیز دربرمی گیرد . بهاین معنی کهاگرادیتور مصلحت بداند، هنگام کار روی متن، باموافقت نویسنده، میتواند جای پارا گرافها را عوض کند ویا بـه منظور تبارز هرچه بیشتر خصلت ژانری مطالب، دگرگونی هایی در آن وارد سازد . در بعضی حالات حتی ژانر نوشته عوض میگردد .

تعیین عنوان نیزهنگام اصلاح منطقی موضوع صورت میگیرد . عنوان، کهآنرا بهاصطلاح «درفش مطالب» نیزمی خوانند ، در روزنامه نگاری امروزی مقام خاصی دارد . عنوان، رهنمای خواننده است واگردرانتخاب آن دقت شود خوانندهرا به مطلب علاقمند می سـازد . بـرعلاوه عنوان وظیفهٔ اطلاعی تبلیغی و ترویجی نیز دارد ، زیرا خواننده راقبل ازهمه، اگرچه به طور بسیار مختصر ، بامضمون اصلی نوشته وارزش آن آشنا میسازد .

نویسنده معمولاً[۴] برای نوشتهٔ خودچند عنوان برمی گزیند ، درصورتی که هیچیك از آنها موردقبول ادیتور واقع نه شود، باموافقهٔ نویسنده، عنوان جدیدی تعیین خواهد شد .

عنوان بایددارای صفات آتی باشد :

ـمطلب اصلی نوشته رابهطور روشن ودقیق انعکاس دهد ، بامحتوای آن سـاز گـار بوده خواننده راباهدف نگارش آشنا سازد .
ـحتی الامکان برجسته باشد وبهقسم نتیجه گیری یك فکر تبارز نماید .
ـ باآنکه ازکلمات جذاب ومؤثر ترکیب می گردد ، ولولهانگیز نهباشد .
ـ بهطور معمایـی ترتیب نهگردد کـه خوانندهازآن چیـزی درنـه یـابـد . در عیـن حال یکنواختی واستفاده ازکلمات معمول از ارزش عنوان می کاهد .
ـ استفاده ازافعال ، عنوان را رنگینتر ومؤثر ترمیسازد .

در روزنامههای امروزی ، درپهلوی عنوان اصلی ، عناوین فرعی رانیز به کارمی برند . عناوین فرعی دریکی ازدوموردذیل مورداستفاده قرارمیگیرند :

ـعناوینی کهبهتعقیب عنوان اصلی قرار میگیرند ، هدف آنها تشریح و توضیح بیشتر مقصد اساسی عنوان اصلی است وازهمینجهت شاید نسبت به آن طویلتر هم باشند .

ـ عناوینی که برای بخشهای جدا گانه و مشخص موضوع نوشته میشوند. عنوان اصلی عنوان دومی و عناوین فرعی را نویسنده انتخاب میکند ولی ادیتور مطابق میل خود میتواند آنها را زیرورو نماید.

در تصحیح و اصلاح از لحاظ سبک، نوشته را از جهت شیوهٔ نگارش تصحیح میکنند. درین جریان محتوی بدون تغییر باقی می‌ماند ولی درجهٔ مؤثریت وجالبیت آن بالا می‌رود.

تعدادی از خلاهای سبکی که درمطبوعات عمومیت دارندو بایدازنظرادیتور دورنه‌مانند قرار ذیل است:

طویل بودن :

ژورنالیزم امروزی‌حتی‌المقدور کوتاه‌نویسی را ترجیح‌میدهد. درمواقع‌ضروری‌شایدفکری توضیح بیشتری را ایجاب کند، ولی‌نباید زیرعنوان اصلاح‌سبك، به‌حذف کلمات و ترکیب های مؤثری که‌برای‌تزیین‌مطالب به‌کاررفته‌است،اقدام‌کرد.دراصلاح‌سبکی تنها کلمات،جملات‌وترکیب های گرامری که در عدم آنها فکر متضرر نه می گردد یا بر عکس موجودیت آنها سبب‌ابهام فکر میشود، حذف میگردد.

به خاطر باید داشت که خوانندهٔگان امروزی به جریان سریع حوادث عادی شده‌اند، ازینرو جملات و عبارات پیچیده و طویل را نه می‌پسندند.

تکرار مکررات :

تعدادی از نویسنده‌گان، به طور شعوری یا غیر شعوری، برجسته‌ترین نقاط نظر و تعدادی از حقایق نوشتهٔ شانراتکرارمیکنند. ادیتورمکلف است تمام تکرار ها را، جزآنهایی که فکر را تقویهٔ مزید می‌بخشد یا با شناخت خصایل افراد کمك می‌نماید، ازبین بردارد.

بدیهیات :

در نوشته های مطبوعاتی تعدادی از کلمات و عبارات به کار برده میشوند که از جملهٔ بدیهیات اند. ادیتور وظیفه دارد با این نوع بدیهیات‌برخورد انتقادی‌نماید وبه استثنای کلمات و عباراتی که در روزنامه نگاری به منظور سرعت ابراز فکر و اقتصاد جای و کلمه به

کارمی‌رود ، سایر بدیهیات را حذف نماید . به عبارت دیگر ادیتور باید هنـگام بر خورد با کلمات و فقرات بدیهی ، از تعمق کار گرفته و به اصطلاح « ترراباخشك یکجانه سوزاند » .

اصلاحات دستوری به اصلاح سبکی نزدیکی دارندوحتی گاهی تفکیك بین آنها دشوار می‌نماید . هدف از این نوع اصلاح ، توافق دادن متن یك نوشته با معیار ها وشـیوه هـای معمول د ستور زبان‌است . اکثرنویسنده‌گان نقطه‌گذاری را به شیوهٔ خاصی به کار می بندند . وظیفهٔ ادیتور است تا این شیوه های ناهمگون را به سبك معمول نقطه‌گذاری روز نامه نزدیك سازد . همچنان دراغلب کشور های جهان زبان ادبی از زبان محاوره فاصلهٔ زیادی گرفته است که ادیتور را مجبورمی‌سازد هم‌به خصوصیات زبان ادبی وهم زبان محاوره هر دو توجه کند . به عقیدهٔ دانشمندان ، زبان روزنامه بایدحدوسط‌بین‌زبان‌ادبی‌وزبان گفتاری باشدو روزنامه نگار می تواند ، با درك وضعیت ، از مشخصات هر دو نوع زبان استفاده کند .

در اصلاح دستوری باید به اصلاح کلمات بیگانه وثقیلی که خوانـنده را دچار ابهام می‌سازد نیز توجه کرد . اینگونه کلمات باید تعدیل شوند . هر گاه ادیتور صلاحیت یا امکان تعدیل آنرا نه داشته باشد باید مفصلا به شرح آن بپردازد .

اصلاح گرامری با اصلاح تخنیکی تکمیل میشود . در اصلاح تخنیکی چگونگی نوشتن مخفف ها ، علامات مخصوص و استفاده از نقشه ها ارزیابی و تنظیم میگردد .

دو باره خوانی متن ادیت شده :

متنی راکه نویسنده ویا شخص ادیتور تصحیح میکند ، باید باردیگر مرور کرد و در مورد اصلاحات وارده اطمینان حاصل نمود . برای اینکه‌هنگام تایپ مطلب اشتباهی رخ ندهد ، لازم است جملات و کلمات اصلاح شده ذریعهٔ علامات مـشخصی ، که برای تایپ کنـنـده مفهوم باشد ، نشانی شوند . فقط بعد از اتخاذ چنین تدابیری ، مطلب را میتوان به تایپ سپرد .

نویسنده و ادیتور بعد از تایپ ،مطلب را یکبار دیگر می‌خوانند و با امضای شـان برآن صحه میگذارند . آخرین کاپی تایپی نه باید به بیش از ۳ ـ ۵ اصلاح ضرورت داشته باشد .

بدین ترتیب نوشتهٔ مورد نظر به شعبهٔ حروف چینی سپرده میشود . در این جا حجم نهایی نوشته اندازه گیری شده ، سایز حروف متن و عنوان و جای آن در صفحه تعیین میگردد . بدین ترتیب اثر شخصی‌یك روزنامه نگار یا نویسنده ، به مثابهٔ بخشی از کار دسته جمعی ادارهٔ یك روزنامه ، شکل جدیدی را به خود میگیرد .

فصل ششم

نقشهٔ صفحه و صحافت روزنامه

چهرهٔ ظاهری روزنامه :

به خاطر باید داشت که هر گاه نشریهٔ ماجریده یی باشد کوچك،خوانندگان غالباً از ملاحظهٔ چهرهٔ ظاهری اینگونه نشریه ها راضی نمی‌باشند . اکثر اوقات ، ظاهر جراید کوچك باچهرهٔ نشریه های عادی که با آنها خو گرفته ایم و مطالب مورد نظر خویشرا در جا های معیین آن در می‌یابیم ، شباهتی نه دارد . جراید دارای قطع کوچك معمولاً به اوراق رسمی می مانند که خواننده کمتر به آن توجه میکند . علت عمدهٔ این امر آنست که کارمندان جراید کوچك غالباً یا افراد کم تجربه اند و یا دارای سطح پایین دانش حرفوی واگر با این امر ، فقدان وسایل لازم تخنیکی را در نظر بگیریم ، اکثر قادر نخواهند بود ظاهر نشریهٔ خود را بهتر سازند و گاهی هم به این امر حتی‌توجه نمی کنند . در حالیکه هر گونه جراید ، از جمله‌جراید با قطع خورد ، صرف نظر از اینکه به طبع حروفی تهیه گردیده یابا تایپ عادی ، باید چهرهٔ جذاب داشته باشد .

باید دانست ، ظاهر جریده مانند کارت دعوت است که توجه خواننده را به‌محتوای آن میکشاند . همان سان که یك چهرهٔ زیبا با پیشانی باز وظاهر دلکش همه را مفتون خویش می‌سازد ، همانگونه هم میتوان با صحافی بهتر وشکل دهی جذابتر،خواننده را به آسانی‌جلب کرد و مطالب خود را به وی عرضه داشت .

چگونگی چهرهٔ جراید تناسب مستقیم با دانش حرفوی کار مندان آن دارد و ازینرو این امر باعث جلب یا سلب اعتماد خواننده نسبت به آنها میگردد . به عبارت دیگر چگونگی صحافت و چهرهٔ ظاهری نشریه منعکس کنندهٔ درجهٔ مؤثریت آن در بین خواننده‌گان بوده و نیز میرساند که آیا نشریه توانسته است خواسته های ناشرش را بر آورده سازد یا خیر . نشریه هایی که به دست اشخاص با تجربه و حرفوی تهیه میگردند از لحاظ شکل و محتوا به آسانی میتوانند با نشریه های بورژوازی وسایر جراید رقیب هم چشمی نمایند . هر گاه ناشرمؤفق گردد در صورت عدم موجودیت تخنیك لازم نیز ، فقط با استفاده از صحافت بهتر جراید جالبتر عرضه دارد توفیق خواهد یافت حتی با نشریه های مصورورنگه رقابت کند .

به خاطر باید داشت که صحافت تنها هدف تزئینی نه دارد بلکه در عین حال مهمترین وظیفهٔ تبلیغی را نیز به انجام میرساند زیرا به وسیلهٔ ظاهر زیبا میتوان خواننده را جلب کرد و محتوی را طور مطلوب به وی سپرده و به وی تفهیم نمود که موضوع طرف علاقه اش را از کجا و به چه طریقی دریافته میتواند .

طریق جا به جا کردن مطلب در صفحه و آرایش آن که روی مقصد مشخص صورت میگیرد ، خود نوعی از تبلیغ با استفاده از تخنیك ووسایل هنری است و از ینرو پشت پازدن به آن ارزش نشریه را پایین می‌آورد . پیداست که استفاده از شیوه های گوناگون جا به جا کردن مطالب در صفحه نه تنها محتوی را صدمه نه‌میزند ، بلکه بر عکس خواننده را در هر شماره به مطالب مورد علاقه اش کشانیده وبرمؤثریت شماره می‌افزاید .

هر گاه بتوان چهرهٔ نشریهٔ خود را با استفاده ازامکانات تخنیکی‌و هنری جالب ساخت ، درواقع خواننده را جادو کرده و قبل از آنکه ازمحتوی خبری‌داشته باشد ، فریفتهٔ آن میگردد . زیرا احساسات وی درگام اول با ملاحظهٔ نشریه تحریك‌میگردد ودر همین مرحله است که تصمیم به ورق زدن یا دورانداختن جریده اتخاذ میشود .

در اکثر جراید ، عدهٔ خاصی از ژورنالستان‌حرفوی کارصحافی را پیش می‌برند . آنان طی سالهای متمادی تجارب گرانبهایی اندوخته وقادراند تجارب حرفوی را با دانش حرفوی بیامیزند و از خلال آن راههای نوین صحافت را در مواقع لازم پیشنهاد کنند . مسؤولین‌امور صحافت ، در شعبهٔ مخصوص روزنامه به نام شعبهٔ صحافت انجام وظیفه مینمایند . ولی نه باید چنین پنداشت که مسؤولین امور سایر بخشهای‌روزنامه های حزبی باید از صحافت بی خبر باشند و آنرا به گروه دیگری مربوط بدانند .

امور صحافت نشریه ها را بیشتر اشخاصی به عهده دارند که دارای ذوق هنری اندیارسامان حروفی میباشند . اینها به سهولت میتوانند خصوصیات صحافی نشریه ها را فرا گیرند ودر راه بهبود آن سعی به‌خرج دهند . درواقع با فراگیری شیوه هاوعناصر مهم ومتنوع صحافت میتوان از تکرار یا تبارز «صحافت کلیشه یی» جلو گیری کرد .

ترتیب نقشهٔ صفحه :

کارچهره سازی جریده از ترتیب نقشهٔ صفحات آن آغازمیگردد . زیرادر نقشهٔ صفحه است که طرح آیندهٔ یك شماره ریخته میشود . نقشهٔ صفحه در واقع مانند پلان گرافیکی است که در آن میتوان جای مطالب مختلف رادر یك شماره و یادر یکی ازصفحات آن به خوبـی تشخیص داد . نقشه بـه کارکنان مربوط در جا به‌جا کردن عناوین اصلی ،ثابت وفرعی ، عکسها ، جدولها و امثال آن کمك میکند .نقشهٔ صفحه طرحی است که با صفحهٔ نشرشدهٔ جریده شباهت کامل خواهد داشت .

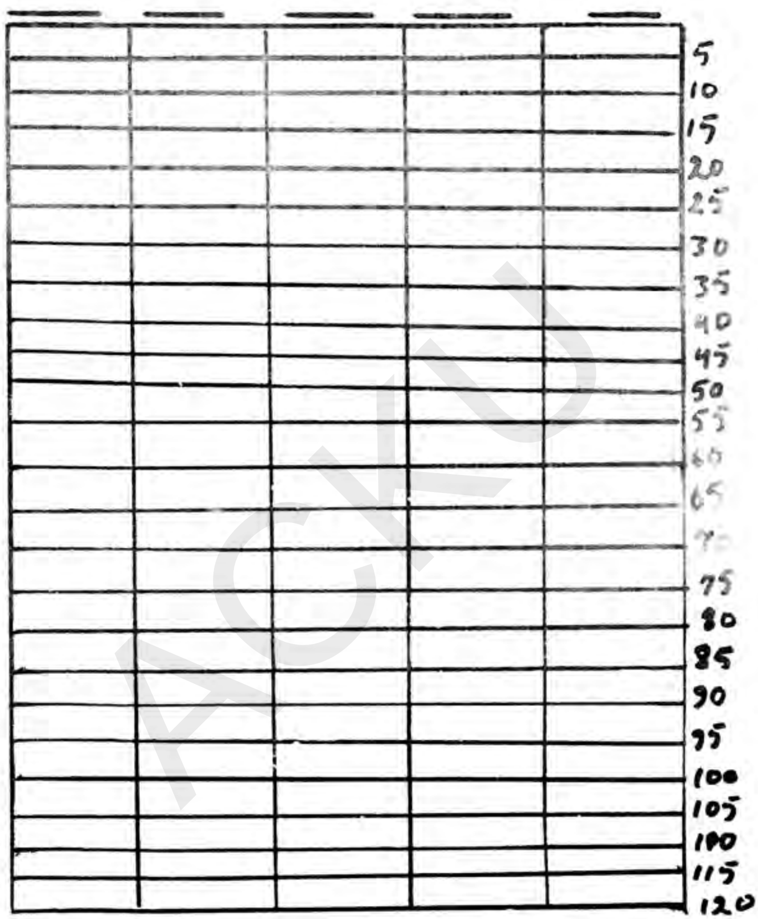
باید اعتراف نمود که غالباً درجراید کوچك مربوط به سازمانهای اولیهٔ حزبی یا مؤسسات دیگر به ترتیب نقشهٔ صفحه ارزش نه می‌دهند یا اغلب به این کار بلدیت نه دارند . درحالیکه میدانیم عدم استفاده از نقشه درترتیب صفحات باعث خرابی ظاهر نشریه وپیوسته به آن محتوای اصلی می گردد .

مرتب نقشه هنگام طرح آن، راه های گوناگون درج مطلب رادرصفحه پیش کشیده و بهترین آنهارا برمی‌گزیند . این عمل وی سبب ایجاد هماهنگی بین مطالب صفحه گردیده و احتمال بروز اشتباهات ونواقص رادرزمینه ازبین می برد. ازآنجاییکه درینگونه حالات تمام مطالب در وحدت باهمدیگر و برای اثبات یك عقیده یا تقویت آن به کار میرود ،چهرهٔ شماره خود به‌خود تنظیم میشود. طرح نقشهٔ صفحه با تنظیم و تز یین آیندهٔ صفحه کمك فراوان میکند .

نقشه‌سازی ، امور بعدی نشر شماره رانیز آسان‌ترمی نماید. البته شماره هارا بدون نقشه نیز میتوان چاپ کرد ، ولی طوریکه گفته آمدیم این عمل زیان بزرگی به صحافت وظاهر صفحه وارد می‌سازد . درپهلوی آن مطالب شماره های مذکور تصادفاً باهم ترکیب یافته وازامکان دور نیست که مطالب اصلی وضروری در بین مطالب درجه دوم گم شوند . جرایدی که بدون طرح نقشه از چاپ بیرون می آیند، با نشریه های رسمی یامحض دساتیر عادی شباهت زیادی پیدامیکنند و همـچون قالین پرنقش ونگاری ،که نقش‌های آن فاقد ارتباط درونی است ،جلوه خواهد کرد .

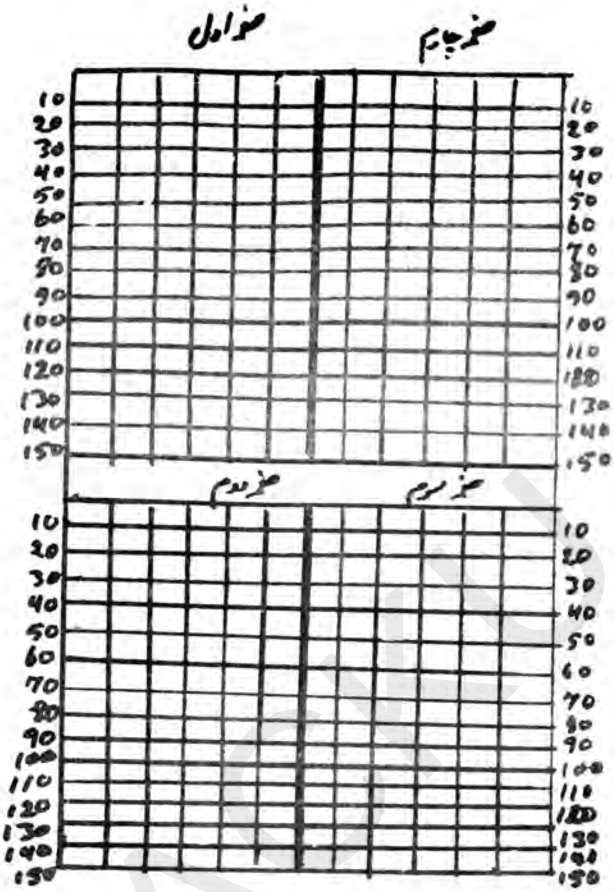
پس دانستیم که چاپ هرگونه نشریه‌ها ، اعم ازخوردوبزرگ ،مستلزم طرح نقشهٔ صفحه است. بااستفاده ازطرق معمول نقشه سازی وآرایش صفحه، عادی‌ترین جراید را ، حتی آنهایی را که درقطع صفحهٔ عادی تایپی نشر میشوند، بدون درنظرداشت نحوهٔ نشر (حروفی،تایپی،دست‌نویسی) میتوان جالب وقابل توجه ساخت .

نقشه‌هارا گاهی دراوراقی که‌برابر باندازهٔ اصلی صفحهٔ جریده باشدطرح میکنند(شکل‌دوم)؛



(شکل دوم)

و گاهی نقشهٔ هرچهار صفحهٔ یک شماره رادریک‌ورق‌طرح کرده وچگونگی ستونها و سطرها درآن به‌طو رو اضح تعیین میگردد . (شکل سوم) .



(شکل سوم)

هر گاه بلانك (کاغذ مخصوص نقشهٔ صفحه) در دسترس نه باشد،آنرا میتوان با دست تهیه و ذریعهٔ تایپ تکثیر کرد .

طرح نقشهٔ صفحه بهٔهردوشکل یعنی هر صفحه بهٔطور جداگانه و هرچارصفحه(یا بیشتراز آن) به طور یکجایی لازمی است ، زیرا طرح مکمل جریده به یکباره‌گی صورت نه گرفته بلکه بالنوبه انجام می‌یابد و بعد از تعدیلاتی در جلسهٔ هیأت تحریر نشریه ، شکل نهایی به خود می گیرد .

آخرین نقشهٔ قبول شدهٔ صفحه نیز میتواند دوگونه تهیه‌گردد : در یك حالت جای هر مطلب روی نقشه بطور مشخص تعیین میگردد ؛ در شکل دوم پروف تمام مطالب ، در جا های معین روی نقشه سرش میشود .

بعد از سرش پروف مطالب روی نقشهٔ صفحه ، به منظور حصول اطمینان از اندازهٔ صفحه و مطالب ، نقشهٔ مذکور مجدداً روی یکی از شماره های گذشته سرش میگردد . مقایسهٔ پروف با نقشه و شمارهٔ قبلی به اشخاص مسوول امکان میدهد تا تصور روشن از حجم مطالب بدست آورند و مطابق آن مطالب را کوتاه یا در از سازند . گاهی به منظور حصول اطمینان بیشتر مطالب کهنه ، کلیشه ها وعناوین قبلی را در نقشهٔ صفحه جا داده و به کمك آن چگونگی صفحه را تخمین میزنند . کار طرح نقشه ، در همه حالات نسبت به سرش کاری و مقایسهٔ آن با پروف و شماره های قبلی مقدمتر میباشد و حتی اکثر نشریه ها ، بدون سرش و مقایسه باشماره های گذشته ، این پروسه را تنها با طرح نقشه خاتمه میدهند .

هنگام تهیهٔ جراید تایپی یا آفسیتی ، مطالب را ناگزیر باید با نقشه تطبیق وسرش کرد . گویا مقایسهٔ متن اصلی با نقشهٔ صفحه در جراید مذکور از ضروریات است و هنگام تهیهٔ آنها نه فقط تعداد سطور بلکه طول هر سطر نیز باید سنجیده شده باشد .

پروسهٔ طرح نقشهٔ شماره :

روزنامه نگاران فقط بعد از مرور پلان شماره ، به طرح نقشهٔ آن می‌پردازند . تنها کسی در طرح نقشهٔ شماره موفق خواهد بود که در بارهٔ تعداد مطالب ، چگونگی و ارزش هر کدام معلومات کافی داشته باشد . آماده گی قبلی در زمینه،روزنامه نگار را قادر می‌سازد تا جای مطالب درجه اول ، دوم و سوم را به دقت تعیین کند وبا خود بیاندیشد که با استفاده از چه چیز دیگر ، خواننده را بیشتر میتواندتحت‌تأثیر قرار دهد . روزنامه نگاری که‌مصروف ساختن نقشه است باید بداند که تمام مطالب شماره پربهاست و لذا آنهارا طوری تنظیم نماید که هر مطلب به نوبهٔ خودمورد توجه قرارگیرد .

طرح نقشه ، پروسهٔ دشوار و مستلزم دقت و مهارت فراوان است . در جریان این کار مشکلات مختلفی بروز خواهد کرد ؛ چنانچه گاهی مطالب طویلتر از حد لازم می‌باشند وگاهی خیلی کوتاهتر از آن . دراینگونه موارد بر مسؤول‌طرح نقشه است تا مطالب طویل رابدون لطمه زدن به هدف نوشته کوتاه سازد ویاکوتاهی تعدادی از مطالب را با برخی دیگر جبران نماید . دقت باید کرد که مطالب به اصطلاح کمکی در موارد فوق ، با موضوع عمومی

صفحه در تناقض واقع نشوند . گاهی لازم میافتد تا مطالب تا همگون از لحاظ تخنیکی ، در عین صفحه جای گیرند . به خاطر آنکه کارروز نامه‌نگاری‌از پیشآمد های مذکور صدمه نه‌بیند ، باید‌عوض یك نقشه چندین تا رانهیه‌و بعداً بهترین آنهارا انتخاب نمود. نقشه‌یی که‌ضمن این پروسه‌بدست میآید به‌شکل ومحتواپیوند منطقی داده ،باعث جلب‌توجه خواننده میگردد .

طرح مجموعی نقشهٔ شماره ازطرح نقشهٔ صفحات مختلف آن‌آغاز میگردد . در روز نامه ها وجرا ید‌بزرگ که‌همه‌روزه‌یاهفته یی‌چند مرتبه‌چاپ میشوند، غالباً نقشهٔ صفحات داخلی رااولتر تهیه میکنند . علت‌این‌امر آنست که‌مطالب صفحات داخلی به‌سرعت کهنه‌نه میشوندو لذا کشیدن یا به تعویق‌انداختن آنها، اشکال زیادی‌نه‌دارد . ازهمین‌لحاظ است که‌مقالههای‌تبلیغی‌و تیوریتیکی مطالب‌ادبی‌و امثال آن، درصفحات دوم‌وسوم نشریه‌ها به‌چاپ می‌رسند. بعد ازطرح نقشهٔ دوصفحهٔ متذکره،طرح سایرصفحات‌ریخته‌میشود.فقط‌درواپسین مرحلهٔ کار ، نقشهٔ صفحهٔ یی طرح میگردد که‌معمولا حاوی‌مطالب جدی‌و کهنه شونده میباشد . این کار را از آنجهت انجام میدهند که شاید تا آخرین دقایق طرح‌نقشه‌ها ، مطلب بسیار جدی که‌نشر آن ضروری باشد واصل گردد و چون صفحهٔ زیر نقشه‌نیز وقف‌اینگونه مطالب‌میشود ،بدون اشکال میتوان مطالب غیرضروری‌را حذف یا تعدیل‌و مطلب جدی تررا به‌نشر سپرد .

درآنعده جرایدکوچکی که بعداز وقفه‌های نسبتاً طولانی به نشر میرسند ، مراعات طرح نقشهٔ صفحه به‌این شیوه ، ضرور نیست .چه معمولا درینگونه‌نشریه‌ها فقط‌مطالب ضروری ووقایع مهم گزارش می‌یابند درجراید کوچك مطالبی‌که سرعت نشر را ایجاب مینمایند کمتر به نظر میرسند، ولی هرگاه مطلبی ازین‌قبیل به‌دست آید ، آنرا میتوان بر خلاف جراید بزرگ ، بدون تعدیلات چشمگیری وارد صفحه ساخت .

یك نقشه راهنگامی‌میتوان مکمل خواند که‌ازدیدن آن احساس شود مطالب در کجا، به چه اندازه ، با کدام حروف وبااستفاده ازکدام جدولهاقرار دارند وعکسها ورسمها در کدام قسمت صفحه گنجانیده شده‌اند.ترتیب‌نقشهٔ شماره،واپسین مرحله کارروی صفحه‌است .

بایدتذکرداد که‌پروسهٔ ترتیب مطالب قبل ازساختن نقشهٔ‌آن آغاز میگردد . اولین قدم‌درین راه ،انتخاب موضوع برای‌شمارهٔ موردنظر است . مسؤول طرح نقشهٔ صفحه پس‌ازحصول‌مطالب جای‌آنرا درصفحهٔ موردنظر تخمین‌می کند . به‌عبارت دیگر،نقشه سازقبل از اقدام به طرح نقشه جای‌مطالب رادرذهن خود مجسم ساخته وباخود میاندیشدکه قرار دادن کدام‌مطلب‌در کدام‌قسمت

صفحه باعث‌جلب بیشتر توجه‌خواننده میگردد .طرق جایگزینی مطالب درشماره و آرایش آنها راترتیب شماره گویند .مرتب‌صفحه مانندمعمار است، همانگونه که‌معمار قبل‌از اقدام به ساختن نقشهٔ تعمیر ،تصویری ازآن‌درذهن خود برمی‌دارد ، مرتب‌صفحهٔ جریده نیزشمارهٔ‌آینده رادرذهن خود مجسم نموده وبعداً برداشت ذهنی خویشرا در«پلانك» پیاده میکند .

کار جایگزینی مطالب درنقشه ، با مطالب طویل و مهم مانند مقاله ها و اسناد رسمی آغاز میگردد .متعاقباًمطالبی که‌بایدزیریك عنوان ثابت‌قرار گیرند ،درنقشه گرفته میشوند .بعد ترجای عکسها ورسمها تعیین‌خواهد شد .خبرهای کوتاه وامثال آنجهت پر کردن سفیدی های باقیمانده مورد استفاده قرارمیگیرند. پس‌میتوان‌گفت که‌مطالب‌طویل زیربنای نقشهٔ شماره است‌ولی تأکید بیشتر برآن وعدم توجه به‌سایر مطالب ، صفحه‌را خیلی خشك‌وبی تأثیر میسازد .

ترتیب مطالب :

قبل از طرح نقشه،لازم است تا ترتیب عمومی مطالب شماره که قبل از همه به محتوای شماره وابستگی دارد ، مدنظر گرفته شود . به خاطر باید سپرد که جریده مجموعهٔ واحدی از مطالب تصادفی یا کلکسیونی از صفحات ورسم های اعلانی نه بوده ، بلکه مجموعهٔ مطالب هدفمندی است که مطابق تا کتیك وستراتیژی حزب به منظور کمك در تحقق هدفی برگزیده میشوند . ازینرو هر شمارهٔ آن باید منعکس کنندهٔ خصلت وروش سیاسی حزبی باشد که‌مسؤولیت نشر آنرا برعهده دارد وانتخاب مطالب آن باید برپایهٔ و فاداری به منافع حزب یا ناشر آن صورت پذیرد .

طوریکه قبلا تذکر داده شد ، مطالب جریده برمبنای پلانی انسجام می‌یابد که توسط شعبهٔ تدقیق تهیه ودر جلسهٔ هیأت رهبری به تصویب رسیده باشد . هدف از طرح این پلان تأمین اکمال و چهرهٔ خاص‌شماره بوده و در آن برمسایل‌مهمی که شاید طرف علاقهٔ خوانندهگان گوناگون قرار گیرد ، روشنی انداخته میشود .

هنگام ترتیب شماره باید متوجه اجرای همزمان چند وظیفه بود که در گام اول مخالف‌هم جلوه میکنند . روی این هدف وبه منظور تاکید بیشتر برمهمترین وظیفهٔ موجود باید با شیوه های مختلف ترتیب صفحات آشنا باشیم . هدف اساسی تمام این شیوه ها را جایگزینی مناسب مطالب منتخب شماره تشکیل میدهد تابه بیننده امکان نفوذ سریع به اعماق آنرا میسر سازد .

ازین لحاظ میتوان گفت که مطالب صفحات گوناگون یك شماره روی یك هدف مشترك پیوند و تشکل می‌یابند . هر صفحهٔ که برمبنای نقشهٔ خاص‌خود ارتباط درونی یافته است ، درکنار استقلال نسبی خود ، به حیث یك بخش مکمل شماره ، حیثیت قسمتی از یك کل (شماره) را

نیز دارامی باشد پس لازم است تاوجود آن سایر صفحات را مؤثرانه برجسته‌نشان دهد . در واقع صفحهٔ جریده بدون درنظر گیری تعداد مجموعی صفحات شماره ، نه تنها صاحب استقلال کامل نیست بلکه از لحاظ موضوع عمومی ، ادامهٔ سایر صفحات شناخته میشود .

بدون شك چگونگی وارزش صفحات یك شماره با تیپ ووظایف جریده و محتوای مطالب و شیوهٔ تنظیم آن ارتباط نزدیك دارد . غالباً آشنایی با شمارهٔ جدید یك نشریه از صفحهٔ اول آن آغازمیگردد . تعداد کثیرخوانندگان، به تعقیب صفحهٔ اول، فوراً به آخرین صفحه روی می‌آورند و"صرف بعد از آن به مطالب سایرصفحات رجوع میکنند . گاهی اتفاق میافتد که خواننده قبل از همه درجستجوی مطلب موردنظر ، صفحهٔ دلخواه را می‌گشاید ؛ ولی این یك امر کاملا استثنایی است . از همینجاست که اکثر جراید ، موضوعات مهمتر یامطالبی که سرعت نشررا ایجاب مینمایند ، در صفحات اول یا اخیر خویش می گنجانند .

در هرجریده ، شیوهٔ خاص درج مطالب وجود دارد . هرصفحهٔ آن‌وظیفه و هدف مشخص داشته و مطالب طرف علاقهٔ کته‌گوری های مختلف اجتماعی را زیر عناوین ثابت در صفحات معین خویش به نشر میرساند ؛ به طورمثال‌روزنامهٔ حقیقت انقلاب ثور مطالب مربوط‌به‌زنده گی سربازان را درصفحهٔ دوم ، روزنامهٔ انیس مسایل‌زن وخانواده را درصفحهٔ سوم و روزنامهٔ هیواد مطالب ادبی وهنری‌رادرصفحهٔ پنجم خویش‌به‌چاپ میرساند. مراعات این‌گونه نظم‌و ترتیب در عرضهٔ مطالب ،با بازیابی آنهاتوسط خواننده کمك‌کرده ووی را تشویق می نماید تا روابط نزدیك خودرا باروزنامه حفظ کند .

بعداز جایگزینی وتعیین موقعیت مهمترین مطالب‌شماره وتثبیت ارزش و حجم آنها درنقشهٔ صفحه ، نوبت مطالب درجه‌دوم‌وسوم صفحات فرامی رسد . اکنون بـاید دانست کـه کدام قانونمندیها برترتیب (کمپوزیشن) صفحات روزنامه مؤثریت دارند :

ترتیب (کمپوزیشن) صفحه :

صفحهٔ جریده نیز تابع آن قوانین عمومی است که هراثر هنری، هر ورق کتاب و نشریه های مختلف براساس آنها چاپ میگیردد .این‌قانونمندیهازادهٔ پروسهٔ برخورد آدمی باواقعیتهای اجتماعی است .چرا گاهی یك‌تعداد صفحات باوجود دربرگیری عکسها ،رسم هاوحروف مشابه بەصفحات قبلی ،طرف علاقهٔ‌خواننده قرارنه میگیرند ؟ علت آنست که‌تکرارمکررترتیب‌صفحه وعلامات طباعتی ،عکس العمل ناخوشآیندی رادرمغز خواننده بوجود آورده وبادیدن یك‌صفحه ازعلاقه‌اش نسبت به‌سایر صفحات کاسته‌میشود . پس‌درصورت مراعات تنوع‌درجایگزینی‌مطالب وکاربرد حروف وعلامات گوناگون ، صفحه رنگین ترشده ودر نتیجه خواننده به‌ادامهٔ مطالب علاقمند میگردد .

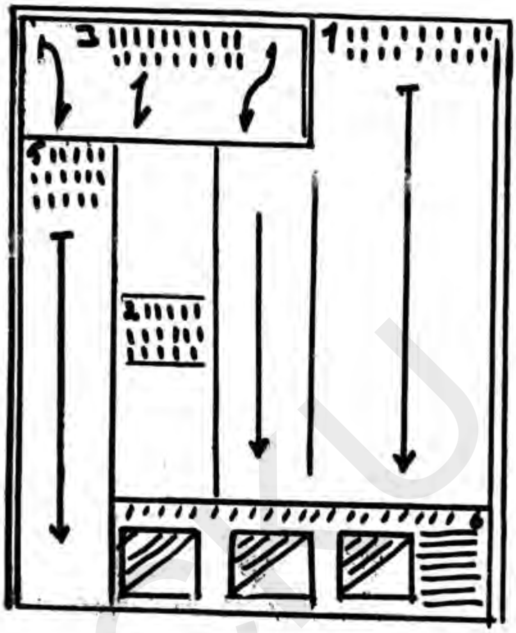
گاهی به صورت نا خود آگاه مطالب همگون پهلوی هم واقع میشوند و چنین تصور میگردد که گویا هر کدام ادامهٔ موضوعی است . ولی از آنجاییکه ترتیب مطالب بدین‌شیوه خواننده را خسته می‌سازد ، باید از آن جلوگیری کرد .

معلوم است که رنگهای مختلف ، مورد علاقهٔ اشخاص مختلف قرار میگیرد و در عین حال حتی رنگ واحدی هم با در نظر داشت جایی که در صفحه اشغال کرده است ، برانگیزندهٔ عکس العمل های گوناگون میباشد . از بنرو هنگام ترتیب صفحه باید توجه‌داشت که یك صفحه یا گوشه‌یی از آن از نگاه رنگ یکنواخت جلوه نه‌کند ؛ به طور مثال : هرگاه مطالبی باحروف سیاه چیده شود ، مطالب پهلوی آن باید با تفاوت حروف چاپ گردند . مرتب در جریان ترتیب صفحه جداً توجه کند تا مطالب عمده و جالب با حروف ورنگ چشمگیر طبع‌شوند . در پهلوی آن مراعات توازن در مطالب از ضروریات ترتیب صفحات به شمار میرود ؛ به حیث مثال : مطلبی باحروف و رنگ مشخص‌خوددربخش پایینی صفحه به چاپ‌رسیده ، مرتب مجبور است‌در مطالب سایر قسمت های صفحه، از حروف ورنگی استفاده کندکه توازن صفحه را از نگاه حجم ورنگ لطمه نه زده وبه اصطلاح زمینهٔ رقابت آن را با مطلب اولی فراهم سازد . مطلب متوازن سازشاید عکسی باشدکه رنگش توجه را به سوی آن میکشاند ویا شاید مطالب مفصلی باشدکه از نگاه حجم ، توازن را با مطلب اولی به میان میآورد و غیره .

هرگاه برای متوازن سازی صفحه،به کاربرد مطالب کوچك ضرورت افتد ، آنها راتحت یك کلیشهٔ عمومی یا زیر عنوان‌مشترکدرج خواهندکرد . فرض کنیم مطالب‌قسمت تحتانی صفحه پیش از اشغال مکمل صفحه ، و درحالیکه هنوز ستونی باقیمانده است تمام‌گردد ، دراین مورد بهتر است به منظور حفظ توازن ، درکنار مطلبی که برای پر کردن ستون باقیمانده درنظرگرفته شده ، مطلب یك ستونهٔ دیگر نیز درج گردد . این حالت را در شکل چارم (صفحه۱۲۹) به وضاحت میتوان مشاهده کرد .

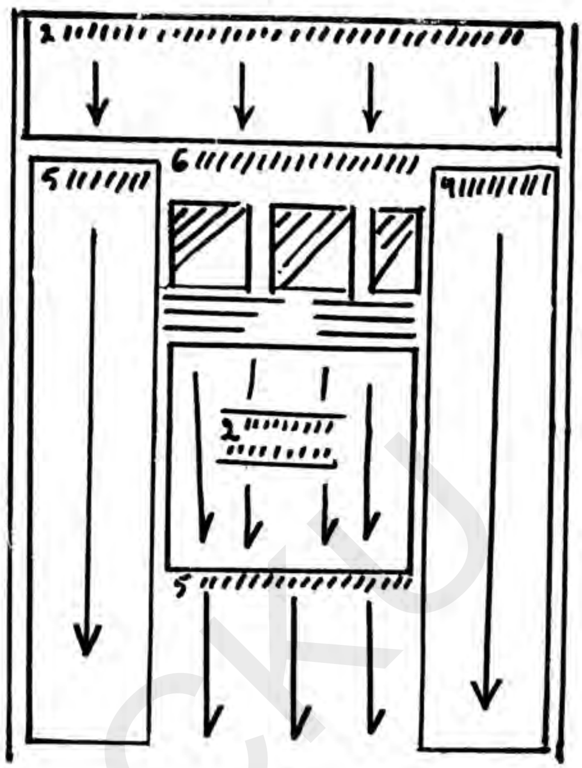
هدف ازین همه تلاشها تنها جالب سازی ظاهر صفحه نه بوده بلکه بدین وسیله میتوان نکات و مطالب مهم صفحه را بهتر تبارز دادو توجه خواننده را به آن جلب کرد . هنگام‌استفاده از این شیوهٔ ترتیب،توصیه میگردد تا مطالب عمده و جدی در بخشهای‌جالب وچشمگیر ـ عمدتاً در قسمت های تحتانی صفحه ـ گنجانیده شوند . درصورتی که‌این قسمت صفحه ارزش‌کمتری را حایز باشد ، مطالب را در قسمت راست صفحه جای میدهند ، چه صفحات نشریه های ما از راست به چپ خوانده میشوند .

فراگیری این شیوه برای ترتیب صفحات دشوار نیست و حتی روزنامه نگاران



« شکـــل چهارم »

تازه کارنیز با مؤ فقیــت از عهدهٔ آن برآمده میتوانند . سهولت این شیوه در استفاده از دو طریقهٔ ترتیب هنرنقاشی یعنی توازن و عدم توازن نهفته است . مراعات توازن به معنی حفظ تعادل در جایگزینی مطالب قسمت های مختلف یك صفحه است . تعداد عمومی ستون های متوازن جفت بوده وهرگاه ازوسط به دو حصهٔ مساوی تقسیم گردد ، مطالب قسمت راست با چپ وبالا باپائین برابرخواهند بود . مراعات توازن ، صفحات روزنامه ها را جالبتر ساخته ومورد دلچسپی خواننده قرار میدهند (به شکل پنجم توجه کنیــد) . استــفاده از نقشه های متوازن صفحات نشریه را جلوهٔ خاص میدهد و لذا کاربرد آن نه همه وقته بلکه تنها در روزهای عید ، جشن ها وسایر روز های فوق‌العاده مفید است . به خاطر باید داشت که حفظ توازن تنها معنی تعادل در حجم وطول را افاده نکرده ، بلکه شامل ارزش مطالب نیز میباشد .

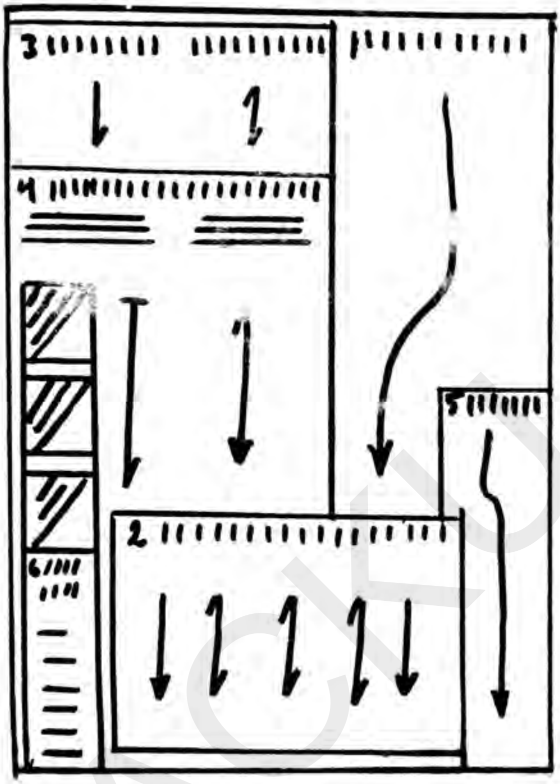


(شکل پنجم)

استفادهٔ مکرروهمیشگی از ترتیب متوازن ارزش نشریه ها را پائین می آورد ، علاوتاً طالب دقت فراوان است ، ازینرو استفاده از امکانات تخنیکی وهنر صحافت را محدود تر میسازد و گذشته از آن ، طرح اصلی نقشهٔ صفحات آن ، دشواری بخصوصی دارد و حتی گاهی ضرورت کوتاه سازی مطالب یا حذف تعدادی از پاراگرافهای مهم را نیز به وجود میآورد .

بنابر علل فوق است که در طرح شماره های عادی جرایداز شیوهٔ عدم توازن بیشتراستفاده میکنند . درین شیوه، تساوی مطالب از لحاظ حجم وطول ضروری پنداشته نه میشود . مرتب مختاراست ، مطالب را صرف بادر نظر گیری موضوع و ارزش آنها ، در قسمت های مختلف صفحه جای دهد . خوانندهٔ اینگونه صفحات ، مطالب مورد علاقهٔ خود را طبق معمول در جا

های تعیین شده بازمی یابد . (شکل ششم) .



« شکل ششم »

در ترتیب نامتوازن نیز میتوان موضوعات را به طور جالب عرضه و طبق میل برجسته ساخت . ولی استفاده از اصطلاح عدم توازن درین مورد هیچگاه به معنی جابگزینی مطالب به طور تصادفی و بدون ارتباط نه بوده ، برعکس مفهوم ارتباط درونی بین مطالب را افاده میکند .

بدون شك طرح ریزی نقشهٔ صفحه از روی یك نمونهٔ معمول و قبلا تعیین شده ، نا ممکن است و لذا کاربرد یکی از دو شیوهٔ متوازن یا غیر متوازن در ترتیب صفحات نیز مطلق بوده نمیتواند . هرگاه مرتب مؤفق گردد عناصر عمدهٔ این دونوع ترتیب را با هم تلفیق دهد ، بدون

شك بهترین و جالبترین صفحه را به وجود خواهد آورد . باید تذکر داد که با وجود استفاده از شیوهٔ نا متوازن صفحه سازی در شماره های عادی جراید و روزنامه ها ، گاهی به منظور رنگینی بیشتر ، کاربرد عناصر ترتیب متوازن را نیز مجاز میدانند .

مشخصات ترتیب جراید دارای قطع کوچک :

آنچه قبلا تذکر یافت خصوصیات طرح صفحات جراید و روزنامه هایی بود که با قطع بزرگ و طبع حروفی نشر میگردند . اصول کلی آرایش ، نقشه سازی و ترتیب مطالب روزنامه های دارای قطع بزرگ در مورد روزنامه های قطع کوچک نیز صدق میکند . ولی خوردی سایز اینگونه جراید ، یك سلسله وظایف دیگر را نیز هنگام طرح نقشهٔ صفحات آنها در دستور روز قرار میدهد . در واقع پروسه و خصوصیات طرح نقشهٔ جراید کوچك از خصوصیت نشر نا منظم ووظایف محدود تر آنها ، شدیداً متأثراست .

قبل از همه باید متوجه بود که به خاطر خورد بودن قطع اینگونه جراید ، امکانات استفاده از وسایل رنگینی چهره و غیره در صفحات آنها ، نیز محدود تر میگردد . جراید دارای قطع کوچك غالباً حاوی ستونهای محدودی می باشند ؛ چنانچه جراید تایپی یا آفسیتی عمدتاً دارای سه ستون (۹) سانتی‌متره وجراید چاپ روتاتور معمولا حاوی دوستون(۹ر۵) سانتی متره یا سه ستون (۶ر۵) سانتی متره میباشند . تعداد و عرض‌ستونهای جراید دست نویسی ، به شیوهٔ تحریر نویسنده مربوط می باشد .

واضح است که در جراید ۲و۳ وحتی ۴ ستونه ،به کارگیری شیوه های‌گونا گون طرح نقشه وترتیب،کارخیلی دشوار است ؛ چه هر صفحه اساساً ازچند مطلب کوچك تهیه میگردد . در صورتی که حتی الامکان از طول مطالب کاسته شده‌وبه‌تنوع آن افزوده گردد ، امکان استفاده از هنر آرایش بیشتر میشود . لذا برادارهٔ نشریه است تا حجم لازمه‌را به نویسنده گان خود تعیین نماید واز آنها بخواهدا ندیشهٔ شانرا دراین چارچوب مشخص تکمیل نمایند . از ینرو یکی از شرایط ضروری برای بهتر شدن چهرهٔ ظاهری وآرایش جراید دارای قطع کوچك تنوع مطالب از یکطرف ووجود ارتباط باهمی بین آنها از سوی دیگر میباشد ،زیرا در خلال مطالب گونا گون هم هدف اصلی به وجه بهتر افاده میگردد و هم نویسنده گان و خواننده گان مختلف به نشریه علاقه میگیرند . پس باید گفت که آنچه را جراید و روز نامه های دارای‌قطع بزرگ در خلال یکی دو مطلب طویل به خواننده عرضه میکند ، جراید دارای قطع کوچك باید عین هدف را درچارچوب چندین مطلب برآورده سازد .

عناوین جراید دارای قطع کوچك هم براساس خواسته های متذکره تهیه میگردد . عنوان اینگونه نشریه ها باید کوتاه ، گویا ، موجز و کم حجم باشد . به خاطر باید داشت که مراعات اصل کوتاه ومتنوع نویسی در جراید کوچك همیشه امکان پذیر نیست و گاهی نشر مطالب طویل نیزضرورت میافتد؛ به طورمثال ، هرگاه وسایل ارتباط همه گانی بورژوازی حملاتی را برعلیه نیرو های مترقی براه اندازد ، جراید انقلابی ، صرف نظر ازحجم و تعداد صفحات خود باید بااستفاده از اسناد ، مدارك وحقایق مهم سیاسی وحزبی ، به اسرع وقت با آن مقابله نماید . بدون شك اینگونه مقالات بنا برماهیت خود طول بیشترخواهندیافت ولی،حتی دراینگونه مواقع نیز برژورنالست مترقی است تا در فکر شکل وچهرهٔ نشریهٔ خود باشد . تجارب مطبوعات مترقی نشان میدهد که مطالب طویل را در موارد متذکره باید به چند حصه تقسیم نمود . نخست ،درصفحهٔ اول مهمترین قسمت آن زیر یك عنوان چشمگیری چاپ شده و سپس قسمت های باقیمانده در سایرصفحات به نشر سپرده شوند .

چهرهٔ ظاهری اکثرجراید کوچکی ، که توسط سازمانهای اولیهٔ حزبی نشرمیشوند ، چون مغایر پرنسیپ های فوق عمل میکنند ، خوشآیند نه میباشد . به منظورتفکیك اینگونه جراید از نشریه های رسمی و بولتن ها باید قبل ازنشر ، به صحافت آن توجه کرد ومطالب آنرا طبق نقشهٔ مطروحه تنظیم نمود .

شیوه های جالب سازی مطالب :

مطالب مختلف شماره های جریده از لحاظ شکل و محتوا با هم متفاوت بوده و ازینرو درجهٔ تأثیر وارزش‌هر کدام‌آنها نسبت به خواننده فرق میکند . تعدادی ازآنها به تمام خواننده-گان و برخی دیگر به یك گروه خاص‌تعلق میگیرند . برای اینکه خواننده مطالب مورد علاقهٔ خودرا به آسانی باز یابد ونیز ، برای جلب فوری وی به مهمترین مطالب شماره باید ، در برجسته ساختن ومهم‌جلوه دادن‌آنها کوشید . دربن حالت خواننده خود میداندآنچه متبارزاست مهم نیز هست ولذا نخست ازهمه بـه خواندن‌آن تصمیم میگیرد . شیوه‌های ذیل متداول ترین متود های جالب سازی مطالب درصفحات روزنامه ها میباشند : تعیین موقعیت مطالب در صفحه و شماره ، انتخاب‌عنوان و زیر عنوان ، انتخاب حروف ، قرار دادن دربین جداول ، تزیین با رسم ها و امثال آن .

اهمیت عنوان در روزنامه :

عناوین در جراید و روزنامه ها از مهمترین ارکان آرایش و تزیین صفحات به شمارمیروند.

حتی نخستین قضاوت درمورد صفحهٔ روزنامه ، گذشته ازدیگر مطالب ، از روی عنوان های آن صورت میگیرد . عنوان رهنمای خواننده به موضوع است و باوی کمك میکند ، بانگاه واوسطحی از محتوای شماره آگاهی یابد و روی مهمترین قسمت های آن مکث نماید . تصمیم به خواندن مطلب یا امتناع از آن غالباً بعد از برخورد باعنوان آن اتخاذ میگردد .

تجربه نشان میدهد که سهل انگاری در انتخاب وترتیب عنوان ، حتی ارزش مهمترین موضوعات سیاسی را نیز پایین آورده است . بطور مثال ، یك مقالهٔ بسیارجدی زیریك عنوان ساده و پیش پا افتاده نشرشده است ، خواننده که علاقمندی خویشرا بامقاله ازعنوان آغاز میکند ، بدون شك با خواندن آن از ادامهٔ مطلب امتناع خواهد ورزید . لذا عنوان در پهلوی رهنمایی بـه خواننده خود تبارز دهنده و تزیین کنندهٔ صفحه نیز هست و اگر در انتخاب و کار بردآن دقت به خرج داده شود ، با وجود فقدان عکسها و رسمها ، باز هم صفحه زیبایی خود را حفظ خواهد کرد .

هنگام انتخاب عنوان باید تمام جوانب آنرا سنجید وتوجه کرد تا اشتباهات گرامری یاادبی در آن راه نه یابد . هر گاه کلمات عنوان بدون سنجش و طورمعمول و یکنواخت بر گزیده شوند ، نه تنها سبب برجستگی مطالب نه میگردد ، بلکه از ارزش آن نیز میکاهد . دقت در انتخاب عنوان شامل توجه به وضوح کلمات و یگانگی آن با عنا وین همجوار نیز میگردد . عنوان فقط هنگا می وظیفهٔ اصلی خویش ، یعنی رهنمایی به خواننده را به خوبی انجام خواهد داد که محتوای آن واضح و قابل فهم باشد ، ازینروهنگام گزینش عنوان باید به آشنا بودن ، جالب بودن و فهما بودن کلمات آن جداً توجه داشت .

روزنامه ها ، عناوین گو نا گو نی را که ازلحاظ هدف ، وظایف ونقش خویش باهم متفاوت اند ، به کار میگیر ند :

دستهٔ اول از عناوین عادی متشکل بوده کهوظیفه آن محض اطلاع دهی پیرامون متن موضوعات مربوط است .

عناوین فرعی غالبا برای توضیح بیشترمحتوای عنوان اصلی و یا برای تجز یـهٔ مطلب بـه پاراگرافهای جدا گانه به کار برده میشو ند . عنوان فرعی گاهی منعکس کنندهٔ محتوای مطلب نیز میباشد ، مانند : «مصاحبه باصدراعظم» یا «خبر نگار ماازجلال آباد می نویسد» وامثال آن .

عناوین ثابت اکثرقبل از عنوانهای اصلی قرار میگیرند . اینگونه عناوین نشاند هندهٔ بخشی از فعالیت روز نامه میبا شند . بحیث مثال : در عنوان ثابت «زنده گی حزبی » بـه مسا یل حزبی

توجه میشود . عنوان های ثابت گاهی نوشته های مختلف راجع به موضوع و احد راو حدت می بخشند مانند « اخبار ولایات «سپورت » وغیره .

لوحه‌عنوانی‌است که غالبا در آغاز یك صفحه یا در ابتدای یك شماره آورده میشود . هر گاه‌لوحه‌در آغازصفحهٔ اول شماره وبالای سرلوحهٔ آن قرارگرفته باشد ، نشان میدهد که شماره مذکور به موضوعی که درلوحه انعکاس‌یافته، اختصاص دارد . اینگونه لوحه هابیشتر به شعار همگونی پیدا میکند ؛ بطورمثال: هر گاه روز نامهٔ «حقیقت انقلاب ثور» شمارهٔ خود را وقف چارمین‌سالگردپیروزی انقلاب‌ثورنموده باشد، در ینصورت‌صفحهٔ اول‌شماره بالوحهٔمربوط به‌این موضوع از چاپ خارج خواهد شد و غالبا سایر مطالب شماره نیز به همین‌موضوع ارتباط پیداخواهند کرد . هرگاه لوحه فقط بر فراز صفحه یی قرار گیرد،در ینصورت نشا نددهنده همگونی مطالب همین‌صفحه خواهد بود؛مانند :لوحه های «دنیای‌زن »،«هنر»وامثال آن.

جالب سازی عنوان:

قبل‌از ترتیب عنوان‌درشعبهٔ حروف چینی،بایددر مورد تعداد کلمات و حروف آن معلومات دقیق بدست آورد،سپس راجع به اندازه حروف‌واینکه بالای‌چند ستون‌قرار گیرد، تصمیم اتخاذ خواهد شد .

معمولا،عناوین‌جرایدرا به صورت یك‌سطره‌ترتیب‌میدهند ولی در مطبوعات اروپای غربی‌و امریکا،عنوان چند سطره را بیشتر می پسندند.ازینروتعیین سطور عنوان باوضع‌وموضوع‌ارتباط دارد وفقط بعد از تخمین‌اوضاع راجع به سطرهای آن تصمیم گرفته میشود .

افزایش در تعداد سطر های عنوان ، آرایش و ترتیب آن‌را مشکلتر میسازد . بدون شك چندین عنوان چند سطره با حروف بزرگتر جای زیادی را تلف میکند ، از ینرو حروف بزرگ را به باید در عناوین طویلتر مورد استفاده قرار داد . هرگاه استفاده از عنوان چند سطره حتمیت داشته باشد ، باید از حروف کوچکتر ترتیب گردد . برجستگی عنوان گاهی از خصوصیات مشخص ترتیب عنوان ، از جمله تعداد سطور آن ، متأثر میگردد . عنوان نویس مکلف است ، هنگام تهیهٔ عناوین چند سطره،محتوای آنها را در سطرهای مختلف طوری تقسیم کند که هر سطر در عین نماینده گی از محتوای مجموعی ، استقلال نسبی را نیز دارا باشد و یك مفهوم نسبتاً مکملی را افاده کند . مراعات این اصل از ضروریات عنوان نویسی است . در عنوان دو سطرهٔ ذیل، محتوا به‌طورلازم توزیع نگردیده است :

امروز انسان نوین
فردا را تربیه میکنیم

خواننده از خواندن عنوان فوق به هدف اصلی آن یعنی « تربیهٔ انسان نوین فردا در شرایط امروز » پی نه برده ، برعکس همانگونه که سطر دوم میرساند به غلط تصور خواهد کرد که گویا « فردا را تربیه‌میکنیم ! »

هنگام آرایش عنوان باید توجه کرد تا یک کلمه در دو سطر تقسیم نه گردد . همچنان باید پیشوندها، پسوندها، وادات جمله‌ها را با کلمات اصلی دریک‌سطر قرار داد ، در غیر آن لطمهٔ جدی بر محتوای عنوان وارد خواهد آمد .

تجزیهٔ عنوان به سطرهای مختلف باید با درنظرگیری متن مطلب و چهرهٔ عمومی صفحه صورت گیرد . اغلب عناوین رابراساس دواصل ذیل ترتیب میکنند : مراعات توازن عنوان‌نظر به ستونهای اول و اخیر متن اصلی ویا قراردادن عنوان در سمت راست بالایی متن .

عناوین عادی را معمولا در قسمت بالایی متن مربوط جای میدهند . عنوان های فرعی آن ، درینحالت ، به کنار راست متن کشانیده میشوند .

عنوان هایی که از طرف راست متن برفراز دو ستون اولی قرارمیگیرند ، نیز جلب توجه میکنند . درین صورت متن اصلی بعد از ختم عنوان شروع میشود . عنوان را گاهی دروسط متن نیز جای میدهند . دراین حال باید عنوان را طوری در یک قسمت وسطی‌متن مضمون جایگزین ساخت که تمام کنارهای متن ازآن فاصلهٔ مساوی داشته باشند . عناوین وسطی را معمولا در بین جداول قرار میدهند ویا محض با استفاده از دو جدول در بالاو پایین،آنرا از متن جدا میسازند . عنوان‌وسطی که بادرنظرداشت‌ترتیب‌پاراگرافها تهیه گردیده،هم زیباخواهد بود و هم مؤثر .

عنوان مطالبی که درستونهای اول صفحه جای میگیرد ، نه باید به وسط متن کشانیده شود . عناوین اینگونه مطالب لزوماً بر بالای‌متن‌وقبل ازشروع آن‌آورده میشوند . چه ، جا دادن عناوین اولین مطالب سمت راست بالایی صفحات در وسط متن ، آنها را جسم بدون سر جلوه خواهند داد .

هنگام ترتیب عنوان باید متوجه بودتا ارتباط آن‌با تمام ستونهای متن مربوط به وضاحت تأمین گردد . آسانترین راه این کار، قراردادن عنوان برفراز همه ستونهای متن است . در صورتی که این امر نا ممکن باشد ، ترتیب کننده باید

بکوشد تا حرف اول عنوان بر قسمت اخیر ستون اول وحرف اخیر آن بر آغاز ستون اخیر قرار گیرد.

اندازه گیری حجم مطالب روزنامه :

ازاولین دقایقی که مرتب صفحه «بلانك» مخصوص را بدست میگیرد تا آخرین فرصتی که نقشه را به سرحد اکمال میرساند، باید همواره اطلاع کافی ازاندازهٔ واقعی تمام متن رابدست آرد وی مکلف است بداند هرمتن دارای چندعلامهٔ چاپی است؛ برای یك مقاله یا یك خبر چه اندازه جای کفایت میکند ؛ در سفیدی های باقیمانده باید کدام مطالب را جا داد وغیره . غالباً در یك کنار بلانك» اعدادی را می نویسند که نشاندهندهٔ تناسب بین سطرمتن وستون سطرروزنامه است. برای تأمین مؤفقیت بیشتر در این امر باید دقیقاً واضح گردد که چند ستون سطر معادل یك سطر تایپی خواهد بود .به خاطر باید داشت که تناسب بین آندو در روزنامه های گونا گون متفاوت است .

سرلوحه (لوحه نام) روز نامه :

خواندن روزنامه درقدم اول ازخواندن نام آن آغاز می یابد وبدون شك سرلوحهٔ روزنامه یگانه متن خواندنی درتمام جراید وروزنامه های جهان است که هرخواننده، بلااستثنا، به آن چشم میدوزد . ازینرو دقت درآرایش وترتیب سرلوحه از ضروریات روز نامه نگاری به حساب میرود .

عناصر متشکلهٔ سرلوحهٔ روز نامه عبارت اند از : نام روزنامه ، شعار دایمی آن ، ارتباط آن با ناشر، تاریخ ، نمبرمسلسل ، سال نشر وقیمت یك شماره .

نام روزنامه باید به طور عادی ، روشن وبدون کار برد رسم هاوحروف نامأنوس ترتیب گردد . شیوهٔ نگارش آن باید بارسم الخط تمام متن شماره ، سازگاری داشته باشد. نام روزنامه باید به صورت خاص برجسته باشد تا بدون اشکال ازعنوان های متن اخبار ، تفکیك گردد .

ذکر تاریخ درسرلوحه به خواننده میرساند که شمارهٔ مورد بحث مربوط کدام روز هفته بوده وبرکدام ماه وکدام سال از چاپ خارج گردیده است . نمبر مسلسل ، سال نشرو قیمت شماره به تعقیب ودرپهلوی تاریخ قرار میگیرد . این مطالب را غالباً دریك سطر و زیر نام روز نامه می نویسند واین دو قسمت (نام وسایرعناصر سرلوحه) راباجدول نفیسی ازهمدیگرجدا میکنند .

سرلوحه اندازهٔ معینی دارد .گاهی آنرا دریك سطر ودرسر تاسر عرض صفحهٔ اول جای میدهند . سرلوحه هایی که بدینگونه ترتیب می یابند ، بر علاوهٔ زیبایی و نظر ربایی خواننده جای کمتری را نیز اشغال میکنند . اکثر نشریه ها سرلوحه های شانرا در نصف عرض قسمت بالایی یادریکی ازگوشه های صفحهٔ اول قرار میدهند. درین حالت سرلوحه روی یك یا دو ستون روزنامه واقع خواهد شد .

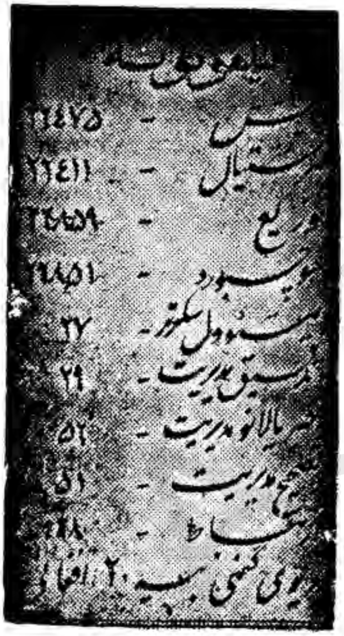
مطالب ترتیبی

مطالب داخلی روزنامه ها وجراید عبارتند از : ستون نام، معلومات ضروری در بارهٔ شماره اعضای نویسنده های مطالب ، زیر نویس کارهای هنری وغیره

ستون نام :

این قسمت جریده ها و روزنامه ها از نام ، روز نشر، شمارهٔ صفحه و نمبر شماره عبارت بوده وجز صفحهٔ اول در تمام صفحات دیگر تکرار میشود .

ستون نام را طبق معمول در قسمت فوقانی صفحه درج کرده وباجدولی ازمتن جدامی سازند . نمبر صفحه درانجام راست صفحه ودرداخل جدول قرار بگیرد و به تعقیب آن نام روزنامه و تاریخ نشر آن ذکر می یابد .





معلومات ضروری در بارهٔ شماره :

باآنکه این قسمت درروزنامه های گوناگون به مختلف ترتیب می یابد ، ولی عمدتاً این عناصر را دربر میگیرد : آدرس و شماره های تیلفون اداره ، محل چاپ ، وجه اشتراك سالانه وامثال آن . این نوع حقایق وارقام، اکثر درصفحهٔ اخیر روزنامه و در داخل یك سطر مکمل یاچندسطر کوچك آورده میشوند ؛ به طور مثال : روز نامهٔ هیواد ، معلومات ضروری در بارهٔ شماره را درآخرین قسمت ستون اخیر صفحهٔ هشتم خود درحجم ۲۰ ستون سطر میگنجاند .

امضای نویسنده :

اکثریت مطلق مطالب روزنامه هایکجا باامضای نویسنده گان آنهااز چاپ خارج میشوند . امضارا غالبادر پایان وایسین سطرمتن جای میدهند که شامل نام و تخلص نویسنده یا یکی از آندو میگردد . بعضاً علاوه برنام و تخلص ، وظیفه و لقب نویسنده نیز بر آن علاوه میگردد . در صورتی که تذکر لقب علمی حتمی باشد، قبل از نام آورده میشود ؛ به‌طور مثال : « پوهاند ضمیر » . و در صورتی که ذکر وظیفه لازم باشد ، بعد از لقب علمی و نام یا تخلص میآید؛ مانند : «پوهندوی قیوم آمر مرکز تحقیقات علمی پوهنتون کابل» . هرگاه نویسنده شخصیت معروف یا کادر برجستهٔ حزبی یادولتی باشد، امضای وی در آغاز مطلب ودر کنار، بالا یا پایین عنوان درج میگردد . این شیوهٔ درج امضا در مطالب هنری نیز معمول است غالباً حروف امضا نسبت به حروف متن بزرگتر انتخاب میشوند ودر صورتی که هردو یکسان باشند ، امضا را به حروف سیاهتر چاپ خواهند کرد.

زیر نویس کار های هنر :

درزیر تمام کارهای هنری و تزیینی روزنامه وجریده ، جز آنهاییکه ضمن متن معرفی گردیده است ، شرحی مبنی برشناسایی آن درج میگردد . هرگاه عکس یارسمی در رابطه بامتن صفحه نه بلکه به‌طور مستقل و برای ارایهٔ هدفی به کار برده شود، زیر نویس آن مکملتر ومفصلتر خواهد بود، زیرا درخلال آن باید هدف اصلی رسم یاعکس شرح یابد. اینگونه عکسها ورسمها که موضوع تازه یی رابه بیننده انتقال میدهند ، خود جنبهٔ خبری دارند. گاهی اخبار مصور رادرد و بخش جداگانه یعنی نوشته‌ها، که حاوی اطلاعی کتبی پیرامون موضوع می باشند وعکس ها، که ازطریق دیدن بخشی از موضوع را روشن می سازند ، تقدیم میکنند . به تعقیب متن زیرنویس عکس یارسم ، امضای عکاس یا رسام درج میشود .

کاربرد تصویر در جریده و روزنامه :

استفاده ازتصاویر ، رسم ها ، کارتونها و امثال آن درجذابیت وزیبایی چهرهٔ جراید وروزنامه ها نقش عمده یی راایفامیکنند . بدون کاربردعناصر فوق ، جریده خشك وخسته کننده مینماید واز جنبهٔ فوقی آن کاسته میشود ، در حال تحریك ذوق خواننده که تنها با کاربرد تصاویر در جراید امکان پذیر میگردد ، از مهمترین خواستهای روزنامه نگاری است . اکثر خواننده گانی که شمارهٔ تازهٔ یك جریده را به دست میگیرند ، قبل ازهمه به جستجوی مطالب مصور وعکسها می پردازند. تعداد زیاد اشخاصی که عکس ها وتصاویر را نسبت به متن ترجیح میدهند ، سطح پایین سواد را دارا بوده وبه آسانی از مسایل تبلیغی سردرنمی آورند . آنها در مقایسه با مقاله هاو مسایل تبلیغی ، بیشتر تحت تأثیر کاریکاتورها ، کارتون ها ، رسم ها وعکس ها قرار میگیرند وبه آنها علاقه دارند .

علت دیگر کاربرد تصویرها در مطبوعات آنست که پروگرام های تلویزیون ، مجله های مصور و کمیکسها* مردم را به مطالب مصور وقابل رویت عادت داده وتأثیر خود را در تاروپود ایشان به جا گذاشته است . در چنین حالتی ، جراید نیز به خاطر ارضای ذوق تنوع پسندی خوانندگان ناگزیر به استفاده از تصاویر ورسمها میگردند . اصل مصور سازی را مخصوصاً باید در مورد نشریه های جوانان واطفال بیشتر مورد توجه قرار داد .

تأکید باید کرد که مصور سازی جراید وروز نامه ها ، تنها بنابرعلل فوق نه بوده ، بلکه ازآنجهت نیز هست که تصویر ها وتزیینات با انعکاس زنده وملموس حقایق ووقایع ، عمده ترین وظیفهٔ تبلیغی وترویجی را به انجام میرسانند . تأثیر یك عکس یا رسم بر بیننده ، معادل سطرهای متعدد کتبی است . از همین روحق به جانب فوتوراپورتر هاست که میگویند « یك عکس خوب ، همرا با ده تا پانزده کلمهٔ جالب ، وظیفهٔ ده هزار سطرعادی را به خوبی انجام داده میتواند »

زیرنویس عکس یا رسم تنها متن معرف نه بوده بلکه میتواند از طریق غنا بخشی محتوا وشرح جزییات عکس ، هرچه بیشتر برتأثیر آن بیفزاید . پس لازم است تا درگزینش کلمات زیرنویس عکس یا رسم ، از دقت کار گرفته شود ، محتوا وارزش کلمات سنجیده و بعداً طوری ترتیب گردد که هدف عکس را تبارز دهد و خواننده را به مطلب تازه یی که در عکس نه دیده است ،رهنمون سازد .

اکثر کارمندان وسایل ارتباط همه گانی غرب‌وروزنامه نگاران بورژوازی ، تصاویر،رسم ها کارتونها ، کاریکاتور ها وسایرعناصر مصور سازی را تنها وسایل تفریح و سرگرمی میدانند ، در حالیکه برخورد روزنامه نگاران مترقی با آن کاملا متفاوت است . به عقیدهٔ گروه اخیر ، تمام مطالب جراید ، از جمله تصاویر ورسمها باید منعکس کنندهٔ واقعیتهای زنده گی بوده ودر رفع نیاز مندیهای عمومی مؤثرافتند .

رسم ها وعکس هایی که جهت مصورسازی نشریه ها به کارمیروند ، در کنار خبری بودن باید دارای تاثیر مثبت برخواننده نیز باشند . لذا انعکاس واقعات ، بهطور طبیعی و بدون در نظر گیری درجهٔ مؤثریت آن ، با آرمان روزنامه نگاری مترقی تناقض دارد ؛ بهطور مثال : نشر نمونه یی ازترور وحشیانهٔ ضد کمونستی وچاپ عکس‌هایی ازانقلابیون شکنجه دیده یا اجساد مقتولین ، نه تنها تبلیغ ضد ارتجاعی نیست بلکه‌برعکس باعث‌نیرو گیری بیشتر عاملین تروروترور

* ــ کمیکسها عبارت از قصه‌ها وداستانهای مصورخنده‌دار میباشند .

میگردد . چه اینگونه عکسها ،جنایات‌را به گونهٔ طبیعی آن انعکاس میدهند ودرعین آنکه قهرمانان ترورشده رادربرابر ارتجاع ضعیف جلوه‌میدهند، روح انتقام جویی وشوریده‌گی علیه ارتجاع را نیزازبین می برند .ازینرو درچنین موارد ، کاری باید کرد تاارتجاع ازاعمال خودنه تنها سودی نه‌برد ، بلکه‌قهرمانان در نظر وی،در عین شهادت،همچون چهره‌های نیرومندوپر غرور جلوه کنند ومردم‌از آن شور انتقامجویی و رزمنده گی را در یابند .

درلابلای عکسهای مطبوعات انقلابی باید مفهوم بالنده گی وتکامل‌حیات اجتماعی به‌گونهٔ انقلابی آن متبلور باشد . هنگام‌برداشتن عکسی برای‌مطبوعات مترقی باید بر جوانب وظیفوی وسیاسی آن‌اتکا کرد وازخودپرسید: آیاعکس‌مورد نظردر تامین هدف ما ، در انجام وظایف مشخص سیاسی ماچه نقشی‌خواهد داشت‌وآیابا جریان‌رشد وبسط جهان بینی و مفکورهٔ سیاسی ما کمك خواهد کرد یاخیر وامثال اینگونه پرسش ها .

تصاویر ورسم‌های جرایدباید همچون‌سایر مطالب خبری‌جالب، ارزشمندو مطابق‌خواست های روز باشند . در روزنامه نگاری ، مهمترین خبر امروز شاید بیهوده ترین اطلاع فردا تلقی گردد . پس لازم‌است تاهنگام‌انتخاب ونشرعکس ها به این اصل‌دقیقاً توجه داشت .

* * *

مطالبی که‌تذکر یافت تنهادستورهای عمومی راجع به‌ترتیب وصحافت‌روزنامه هاو جراید است . البته این‌دساتیر به خودی‌خود برای‌روزنامه نگاران حرفوی کافی نه می باشند . ولی با اشخاصی که‌تازه دراین راه‌گام می گذارند ،کمك خواهد کرد تانخستین قدمهای خودرا درزمینهٔ آرایش ونشر مطبوعات استوار تر وسنجیده تربگذارند.

منابع و مآخذ

مارکس ، کارل وانگلس ، فریدریك . کلیات ،چاپ روسی ، جلد ۳۷ .
مارکس ، کارل وانگلس ، فریدریك کلیات ، چاپ روسی ، جلد ۳۸ .
مارکس ، کارل‌وانگلس ، فریدریك . کلیات ، چاپ‌روسی ، جلد ۳۹ .
لنین ، ولادیمیرایلیچ . کلیات ، چاپ روسی ، جلد ۲ .
لنین ، ولادیمیرایلیچ . کلیات ، چاپ روسی ، جلد ۵ .
لنین ، ولادیمیرایلیچ . کلیات ، چاپ روسی ، جلد ۹ .
لنین ، ولادیمیرایلیچ . کلیات ، چاپ روسی ، جلد ۱۰ .
لنین ، ولادیمیرایلیچ . کلیات ، چاپ روسی جلد ۱۱ .
لنین ، ولادیمیرایلیچ . کلیات ، چاپ روسی ، جلد ۱۸ .
لنین ، ولادیمیرایلیچ . کلیات ، چاپ روسی ، جلد ۲۳ .
لنین ، ولادیمیرایلیچ . کلیات ، چاپ روسی ، جلد ۳۱ .
لنین ، ولادیمیرایلیچ . کلیات ، چاپ روسی ، جلد ۴۳ .

* * *

عثمان ، ابراهیم‌ودیگران . ژانرهای‌وسایل‌ارتباط‌همه‌گانی ، کابل، نشرات‌پوهنتون، ۱۳۶۰ .
روشان ، خالد . ژورنالیزم عملی ، کابل ، نشرات پوهنتون ، ۱۳۴۹ .
آهنگ ، محمدکاظم . قواعد عملی خبرنگاری ، کابل ، نشرات باختر آژانس .

فهرست (Index)

شامل : نامهای اشخاص ، اماکن ، کتابها ،زبانها ، موسسات اصطلاحات علمی ، فنی وغیره .

تذکر :

درین فهرست نام اشخاص با علامت یک ستاره (*) و اماکن با دو ستاره (**) نشانی گردیده و برای شناخت کتابهاوزبانها، در مقابل نام کتاب حرف (ك) و در مقابل زبان حرف (ز) نگاشته شده است . قابل یادآوری است که به خاطر کثرت استعمال اصطلاحاتی چون : روزنامه نگاری ، روزنامه نگار ، خبرنگار ، نامه‌نگار وغیره که تقریباً در تمام صفحات این کتاب تکرار شده ، از درج آن درین فهرست خود داری گردید .

آ

الف

ب

پیشوند : ۱۳۶ .

ت

* تاناکا : ۸۵، ۸۶، ۸۷ .

** تایوان : ۸۶ .

تبلیغ (ترغیب *agitation*) ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۳۵، ۳۹، ۴۲، ۸۵، ۹۰، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۴۰ .

تبلیغی ضد تبلیغ (مقاله) : ۸۲، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۶، ۹۸ .

تحت‌البحری : ۶۱، ۹۹ .

تحریر ـ ادبیت : ۱۳ .

تداعی حقایق : ۳۱، ۵۳ .

ترتیب شماره : ۱۲۶ .

ترتیب (کمپوزیشن) صفحه : ۱۲۷، ۱۲۸ .

ترتیب مطالب: ۱۱، ۱۲۷، ۱۲۸ .

ترور : ۸، ۷۲، ۱۴۰، ۱۴۱ .

تشبث تاریخی : ۹۳ .

تشریح سیاسی (مقاله) : ۸۲، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴ .

تقریظ : ۵۶ .

تکنیك و ستراتیژی : ۳۸، ۸۵، ۸۹، ۱۲۶ .

** تل ابیب : ۱۰۲ .

تلکس : ۱۰۶ .

تلی تایپ : ۱۶، ۵۸ .

توازن (صفحهٔ متوازن) : ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۳۱، ۱۳۲ .

** توکیو : ۸۵، ۸۶، ۸۷ .

تولید ـ تخنیك : ۱۳، ۱۴ .

تیزس : ۸۸، ۹۰ .

تیوریتیکی : ۴، ۸۴، ۹، ۹۲، ۹۶، ۹۸، ۱۲۵ .

خ

د

ر

ز

ژ

س

ل

م

ی

غلط‌نامه

باوجود تلاش فراوان ،بنابرعلل گونه‌گون ،مانند: پرش حروف وغیره نواقص تخنیکی ، اندك خطاهای طباعتی درمتن راه یافت .تعدادی ازین خطاها .همچون چاپ نه‌شدن نقطه های مربوط به حروف (ن) ، (ب) ، (ت) وغیره ، علت رفع ناشدنی تخنیکی داشت که‌بنابر عمومیت این‌امر ،از لست آن خود داری شد . از خواننده‌گان گرامی خواهشمندیم این نوع‌خطاها را ، هنگام خواندن متن اصلاح نمایند .

تعداد دیگرخطاها ، به‌علت‌پرش حروف ویاندرتاً به‌علت‌اشتباه درپروف‌خوانی بروز کرده که‌ذیلا تقدیم میگردد . امیدواریم ، قبل از پرداختن به متن اصلی ، به تصحیح آن اقدام گردد .

صفحه	سطر	نادرست	درست
۴	۹	دهدوومسایل	دهدومسایل
۵	۱۹	ست	است
۵	۲۰	خونده	خواننده
۶	۲	روزامه	روزنامه
۶	۸	فعالیـ	فعالیت
۸	۵	روزناه	روزنامه
۸	۱۸	مطاب	مطالب
۸	۱۹	جاید	جراید
۸	۲۴	کواهی	کوتاهی
۹	۱۴	مکن	ممکن
۱۶	۴	پنجصهزار	پنجهزار
۱۷	۶	بشتر	بیشتر
۱۸	۲۱	روزناه	روزنامه
۲۰	۲	جرای	اجرای
۲۰	۱۱	رور نامه	روزنامه

صفحه	سطر	نادرست	درست
۲۳	۲	بەطول‌مثال	بەطور‌مثال
۲۴	۱۱	رازنامه	روزنامه
۳۰	۱	شخصت	شخصیت
۳۰	۱۹	اگیزه	انگیزه
۳۱	۱۴	نتیحه	نتیجه
۳۱	۱۲و۲۲	کی	که (کدام‌شخص)
۳۴	۱۵	میسارد	میسازد
۳۵	۱۳	دفاعی	دفاع
۳۸	۷	رشن	روشن
۳۸	۷	دفاغ	دفاع
۴۷	۲۲	امثل	امثال
۵۷	۳۱	همنیجاست	همینجاست
۶۱	۱	رژوازی	بورژوازی
۶۳	۱۶	روزنامه نگر	روزنامه‌نگار
۶۳	۱۸	لارم	لازم
۶۳	۲۲	حرب	حزب
۷۵	۱۰	حواب	جواب
۷۵	۲۲	دت‌پاچگی	دست پاچگی
۸۵	۲۰	شوی	شوروی
۹۷	۱۹	ایدلوژی	ایدیولوژی
۱۱۴	۱۶	دراقع	درواقع
۱۱۵	۱	پروف‌خوانی	اصلاح‌مطلب (کاپی‌خوانی)
۱۱۹	۶	معیین	معین
۱۲۵	۱۰	متذ کر، ه	متذکره ،
۱۳۸	۱۰	لومات ضروری . . .	معلومات‌ضروری . . .
۱۳۹	۲۲	بدو	بدون
۱۳۹	۲۳	درحال	درحالی که

چاپخانهٔ وزارت تحصیلات عالی و مسلکی   تیراژ (۱۰۰۰) جلد   ۱۳۶۱